

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو فصلنامه علمی، رتبه ج

پژوهش‌ها و اندیشه‌ها

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان و مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

مدیر مسئول: صدیقه رضایی

سر دبیر: عزت السادات میرخانی

مدیر اجرایی: جلیله صالحی

برگردان چکیده انگلیسی: جلیله صالحی

ویراستار و صفحه آرا: جلیله صالحی

هیئت تحریریه:

- عزت السادات میرخانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه، عضو سابق هیأت علمی دانشکده علوم انسانی و دانشگاه تربیت مدرس تهران)
- رضا حق پناه (دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی - استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان)
- علی اکبر نوایی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان)
- صدیقه رضایی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، عضو کمیته انجمن‌های علمی حوزه علمیه خراسان)
- علی جلائیان اکبرنیا (استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، استادیار، گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی)
- محمد علی وطن دوست (استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)
- بی بی حکیمه حسینی حکمت (استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد)
- مریم مهاجری (استادیار حقوق، دانشکده علوم خانواده، دانشگاه تهران)

مدیریت پژوهش و توسعه علمی حوزه علمیه خراسان، اداره برنامه ریزی و ارزیابی پژوهش

تلفن تماس: ۰۵۱۳۲۰۰۸۱۵۷

ارزیابان و مشاوران علمی این شماره

عزت السادات میرخانی (عضو سابق هیأت علمی دانشگاه تهران و دانشگاه امام صادق علیه السلام)

صدیقه رضائی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه، مدیرانجمن علمی مطالعات زنان و خانواده)

علی اصغر یزدان بخش (دانشیار گروه مشاوره و درمان دانشکده علوم انسانی خیم، مشهد)

محمد ابراهیم روشن ضمیر (دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان)

بی بی حکیمه حسینی دولت آباد (استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد)

سیده زینب طلوع هاشمی (استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد)

فهمه عطار رثوف (استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان)

فرزانه طالقانی (استاد سطوح و پژوهشگر حوزه علمیه خراسان)

جليله صالحی (استاد سطوح و پژوهشگر حوزه علمیه خراسان)

آرای نویسندگان مقالات لزوماً دیدگاه مجله نیست.

نقل مطلب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: مشهد مقدس، خیابان امام خمینی (ره) ۴۹، شهید علمی نژاد ۴، شهید خاکباز ۴

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها، واحد پژوهش

تلفن تماس: ۰۵۱۳۸۵۹۷۷۲۷

■ به استناد مصوبه ۸۱۱ مورخه ۱۳۹۷/۶/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبتنی بر «تسری مفاد ماده واحده اعتبار و نحوه اعطای امتیاز علمی به مجلات» به حوزه علمیه خراسان و با توجه به ارزیابی کمیته نشریات علمی حوزه علمیه خراسان، شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی در جلسه مورخ ۱۴۰۴/۷/۲۲ «رتبه علمی ج» پژوهش‌های اسلامی زن و خانواده را از شماره ۵ این نشریه تصویب نمود.

■ به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی، پروانه انتشار نشریه پژوهش‌های اسلامی زن و خانواده در زمینه مطالعات خانواده (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار دو فصلنامه، با گستره سراسری و نوع انتشار مجله‌ای، به نام مدیریت حوزه عملیه خراسان مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها، در تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۷ به شماره ثبت ۸۵۴۳۹ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردید.

راهنمای تدوین و ارسال مقالات

الف) شرایط عمومی

رعایت نکات زیر برای تنظیم مقاله الزامی است:

مقاله بایستی در سطح علمی - پژوهشی، مستند و دارای نوآوری علمی باشد. مقالات ارسالی نباید کپی برداری از آثار چاپ شده یا ترجمه آثار باشد و قبلاً در نشریه دیگری چاپ یا برای نشریه دیگر یا همایش‌ها و... به طور همزمان ارسال شده باشد. مقالات دریافتی نخست توسط هیأت تحریریه بررسی شده و در صورت انطباق با معیارهای مجله به منظور ارزیابی به صورت بی‌نام برای دو تا سه نفر از داوران صاحب نظر ارسال می‌شوند.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- عنوان مقاله: مختصر و متناسب با محتوا (فارسی و انگلیسی)
- نام و نشانی نویسنده / نویسندگان: نام، نام خانوادگی، درجه علمی آدرس محل کار، رایانامه و تلفن همراه (فارسی و انگلیسی)
- چکیده: حداقل ۱۵۰ کلمه و حداکثر ۲۵۰ کلمه در یک پاراگراف (تا ۱۰ خط) چکیده انعکاس دهنده محتوای کلی مقاله است؛ شامل: هدف، روش، بدنه مقاله، یافته‌ها و نتیجه‌گیری.
- واژه‌گان کلیدی متشکل از حداقل ۵ کلمه تا حداکثر ۷ واژه
- طرح مسأله: بیان مسأله، مبانی نظری، پیشینه پژوهش، روش پژوهش، اهداف، سؤال (ها) یا فرضیه (های) پژوهش و یافته‌ها (نتایج پژوهش و دستاوردها).
- بدنه اصلی: مقاله بایستی نوآوری داشته باشد. در بدنه اصلی مقاله لازم است ماهیت، ابعاد و زوایای مسأله توصیف و تحلیل شود، آراء و دیدگاه‌ها به همراه ادله به طور مستند بیان و تجزیه و تحلیل گردد، نظریات رقیب، به طور مستدل نقد و ارزیابی شود و نظریه مقبول ابداع یا اختیار و سپس تبیین و توجیه کافی از آن به عمل آید.
- نتیجه‌گیری: بررسی نتایج پژوهش و تبیین یافته‌ها، بیان پیشنهادها و محدودیت‌ها (مطابق با سؤالات پژوهش تنظیم گردد).
- مقاله ارسالی از حداقل ۴۰۰۰ کلمه کمتر و حداکثر ۶۵۰۰ کلمه (۲۵ صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای)

بیشتر نباشد.

- تیتراهای اصلی با شماره‌های ۱-۲-۳. و... و زیر مجموعه آن‌ها با ۱-۱-۱-۲. و... مشخص شود.

- ارجاعات در متن مقاله بین پراگماتیک به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار، شماره جلد، صفحه) (طباطبائی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۸۴) نوشته شود.

- در تمام ارجاعات، نام خانوادگی نویسنده ذکر شده و از به کارگیری کلماتی از قبیل «همان» اجتناب شود.

- منابع لاتین به صورت لاتین و از سمت چپ در بین پراگماتیک (صفحه، جلد، سال انتشار، نام خانوادگی) نوشته شده و در ارجاع بعدی از نوشتن «Ibid» خودداری شود.

- شکل لاتینی نام‌های خاص، واژه‌های تخصصی و ترکیبات خارجی در پاورقی درج شود. یادداشت‌های توضیحی توضیحاتی که به نظر مؤلف ضروری به نظر می‌رسد در پاورقی درج شود.

- ارجاع در یادداشت‌ها به همان ترتیب متن و مشخصات تفصیلی مأخذ در فهرست پایان مقاله بیاید.

- منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی یا نام مشهور نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان)، تاریخ انتشار (برای سال‌های قمری «ق» و میلادی «م» استفاده شود)، نام کتاب (بلد و ایتالیک)، نام مترجم محقق یا مصحح، نوبت چاپ (در صورتی که چاپ نخست باشد نیازی نیست)، محل نشر: نام ناشر.

مقاله: نام خانوادگی، نام (نویسنده، نویسندگان)، تاریخ انتشار، «عنوان مقاله» داخل گیومه، نام نشریه (بلد و ایتالیک)، دوره، سال، شماره جلد.

پایگاه‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، تاریخ نشر، «عنوان موضوع» داخل گیومه، نام و آدرس پایگاه اینترنتی.

- مقاله باید با توجه به آیین نگارش زبان فارسی نوشته شود و معادل لاتین اصطلاحات و اسامی مؤلفان در پایین هر صفحه پانویس شود.

- مقاله پس از تایپ، ذخیره‌سازی با فرمت ۹۷-۲۰۰۳ Word در صفحه ۴A، فونت BZar ۱۳

برای کلمات فارسی و عربی و ۱۱ Time New Roman برای کلمات انگلیسی، حداکثر در ۲۵ صفحه در سامانه به نشانی iwf.journals.hozehkh.com بارگذاری شود.

- جدول‌ها و نمودارها باید دارای عنوان باشند. عنوان جدول در بالای جدول و با قلم ۱۰ BZar پررنگ و عنوان نمودار در پایین نمودار با ۱۰ BZar پررنگ قرار گیرد. مطالب و ارقام داخل جدول با قلم ۱۱ BZar تنظیم شوند.

- به مقالاتی که بدون راهنمایی و نام اساتید حوزوی سطوح عالی و یا اساتید دانشگاهی (استاد، دانشیار و استادیار) باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.

فهرست مقالات

۱	بررسی و تحلیل جریان تقابل بینش‌ها در گفتمان منش‌ها، اسلام و غرب و ضرورت طراحی الگوی سوم زن عزت السادات میرخانی
۲۵	تحلیل رویکرد زنان غربی به گفتمان اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) ظاهره محقق
۵۱	ارزیابی تحلیلی انکاره‌های جریان تجدد طلب مدافع حقوق زنان در جوامع اسلامی جليله صالحی - محمد علی وطن دوست
۷۷	ارائه مدل بازبانی هویت ایرانی - اسلامی زنان با تأکید بر تحکیم بنیان خانواده ندا کاوند
۱۰۳	تحلیل ثانویه پژوهش‌های صورت گرفته درباره ارزش شهادت زنان در شریعت اسلام زهره صداقت
۱۳۱	نقش هوش مصنوعی در مراقبت معنوی زنان مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس، یک مطالعه کیفی زهرا لطفی فروشانی - علی قنبریان
۱۵۵	چکیده انگلیسی

بررسی و تحلیل جریان تقابل بینش‌ها در گفتمان منش‌ها،

اسلام و غرب و ضرورت طراحی الگوی سوم زن

عزت السادات میرخانی^۱

چکیده

زن مسلمان، در جهان کنونی با بسیاری از بحران‌های عصری خود و از آن جمله، جنگ شناختی و ترکیبی خاص، در مواجهه جدی قرار دارد. چهره کریه سلطه‌گری در زیر نقاب فریبکارانه (زن، زندگی...) او را به مواجهه‌ای عالمانه عاقلانه و حکیمانه فرا می‌خواند، و ضمن آنکه تقابل جنگ ترکیبی او را به عرصه مستقیم مبارزه و جانبازی مستقیم کشانده است. در این نوشتار با روش تحلیل گفتمان، شیوه‌های پاسخگویی به مطالبات زنان در جهان به طور عام و مطالبات زن مسلمان، به طور خاص، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد امروز زن مسلمان در تقابل نظرات و تضارب آراء قرار دارد؛ او نمی‌تواند بین مطالبات واقعی‌اش و مطالعات مدعیان پاسخگویی تعادل برقرار کند و به دنبال الگویی جامع و نافع است. حرکت مدعیان گفتمان زنان در دو قرن اخیر، که بر مبنای معیارهای وارداتی و بین‌المللی شکل گرفته‌اند، نتوانسته‌اند گره مسایل زنان را گشوده و پاسخ‌هایشان با نیازهای معقول زن مسلمان هم‌راستا نیست. پیشنهاد راه‌حل در فرهنگ توحیدی ابراهیمی، ندای حکیمانه علوی، سیره فاطمی و زینبی جستجو می‌شود؛ جایی که می‌توان الگوی سوم زن را بر پایه سلوک زینبی و تفکر اجتهادی اصول‌گرا تدوین کرد.

واژگان کلیدی: بحران‌های عصری، زن مسلمان، مدعیان پاسخگویی، الگوی سوم

۱ - مدرس و محقق علوم اسلامی در حوزه و دانشگاه، حوزه علمیه تهران، استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، مدرس دانشگاه جامع



طرح مسأله

به رغم همه تحولات در سده‌های گذشته و تظاهر بر حمایت‌های مدعیان دروغین حقوق بشر از زنان، امروزه بیش از هر زمان و ایجاد بحران‌های تحمیلی برگرفته از اهداف سران استکبار و طراحان سلطه برای جهان اسلام، تولید، تحدید براساس جنگ شناختی و ترکیبی، تدارک نفی خودباوری و زندگی تقلیدی در زنان، تبلیغات گسترده در ایجاد نگرش‌های غلط و بدبینی در باب منش اسلامی و ادعای خوانش تبعیض گونه علیه زنان در بینش توحیدی، داعیه داری دروغین از حقوق زن بر مبنای تفکر انسان مدار، گسترش گفتمان براساس نفاق میان ادعا و عمل، توسعه بی‌مانند در عرصه‌های ابزار جنگ گرم و نرم، کشتار جمعی زنان و کودکان و مضایقه از اولی‌ترین امکانات حیات و... سبب شده‌است، زن مسلمان را در مواجهه‌ای جدی در تضارب آراء و رسالت احیاءگری و بیداری در گرایش‌ها و نگرش‌ها قرار دهد.

زن مسلمان، نه موضع بی‌حرکی و انجماد، نه معارضه با فطرت پاک انسانی و نه نفی غیرت ملی را پذیراست، بلکه براساس فرهنگ قویم و تمدن دیرینه انسانی - اسلامی احساس مسئولیتی کارساز دارد، تا رسالت الهی «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) در تقابل جهانی اسلام و کفر را محقق سازد.

اگرچه در عرصه جهانی، در ظاهر میان زن مسلمان با سایر زنان در غرب و شرق، مطالبات مشترکی وجود دارد، اما مسایل زن مسلمان و مطالبات اوکه از بینش توحیدی و منش انسانی برخوردار است، پاسخی شایسته و متمایز از دادخواست زن مادی محور غربی، یا زن سنت‌گرای بی‌تحرك و خانه بست شرقی خواستار است.

زن بیدار مسلمان، از مطالبه‌گری تحمیلی به سوی مسئولیت‌گرایی و از تظلم و حقارت در برابر فرهنگ بیگانه به صلابت، از ظلم پذیری به دشمن ستیزی فرا خوانده شده‌است.

زن مسلمان فریاد هشدار و بیداری منطق و حیانی را در آیاتی چون: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَتْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص، ۴) به خوبی در یافته و خود را مسئول و مبلغ رساندن آن به گوش مستضعفان می‌شمارد.

جنبش «فمنیسیم» که بنیانی در تفکر یهود و صهیونیسم جهانی داشت و نابودی خانواده و کرامت زن را نشانه گرفته بود، برای زن بصیر مسلمان حرفی برای گفتن ندارد.

امروز این فقط زن مسلمان در فلسطین نیست که چندین دهه مورد حملات غیر انسانی صهیونیسم جهانی است، بلکه زن یمنی و سوری و عراقی و افغانی، لبنانی و زنان منطقه شمال و شاخ آفریقا و حتی در بلاد غرب... به جرم بیداری و احساس هویت اسلامی دچار مخاطره و بیدادگری مضاعف است. نماد این ظلم فراگیر علیه کرامت و انسانیت، مقابله آمریکا و اسرائیل علیه نظام اسلامی و انتهای این قدرت طلبی، در جنگ دوازده روزه ای بود که ملت بیدار و هشیار ایران به تمام قد علیه این اقدام جنایتکارانه و عوام فریبانه ایستاد.

گفتمان صدر این نوشتار که ظنین روشنی از حکیم سخن و امیرکلام، در اخطار به جوامع اسلامی است، در مواجهه با وقایعی است که در تاریخ اسلام وقوعی مکرر داشته و اکنون وظیفه همه افشار به ویژه زنان بصیر است که به عنوان سربازان عرصه جنگ نرم مدافعه‌ای عالمانه، داشته باشند. حال سخن حکیمانه مولایمان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این زمینه چیست؟

«ای اندیشمندان (جهان اسلام)، ما اکنون در وضعیتی صبح می‌کنیم، که زمانه با ما به شدت عناد دارد و روزگاری را سپری می‌کنیم که با ما سر ناسازگاری دارد. در این روزگار نیکوکار مجرم معرفی می‌شود و ظالم در آن به سرکشی مشغول است. اما به زعم این شرایط سخت، ما نه از سرمایه وافر علمی خود بهره نمی‌بریم و نه موارد جهلمان را واکاوی می‌کنیم و نه نگرانی از آنچه که ممکن است در آینده برای ما پیش آید به خود راه می‌دهیم! این امر در منطق علوی آسیبی بزرگ برای جامعه دینی است.»

اکنون بات وجه به این پیشینه و غنای تمدنی و بیکران دریای گفتمان آیات و روایات در آسیب‌های جامعه دینی و راهبردهای کارساز آن برای همه زنان جهان، توجه به این امور ایجاد می‌کند که زن مسلمان ایرانی تجارب گذشته را آویزه حرکت مستقل آینده قرار دهد، و با بهره‌گیری از الگوهای فرا تاریخی فاطمی و زینبی (سلام الله علیهما) راه دیگری را به سوی زنان عالم بگشاید. امکان وقوع این امر مهم در سایه ولایت‌پذیری حکیم و بصیر، شجاع و مقتدر، فقیه مدبر و آشنا به زمان و مکان، در عصر غیبت در اندیشه اسلامی محصور است که در بزنگاه‌های حوادث، همچون پدری مهربان موجبات حرکت صحیح و صریح را فراهم سازد.

پیشینه‌شناسی و روش تحقیق

در سال‌های اخیر، بحران هویت و معنویت زنان مسلمان به‌عنوان یک محور پژوهشی کلیدی مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان قرار گرفته است. مقاله‌های «بازخوانی هویت زن مسلمان در پرتو الگوی سوم» (سعیده سادات موسوی نیا، ۱۴۰۳) و «زن مسلمان و بحران هویت و معنویت

در عصر حاضر» (حلیمه حیدری، ۱۳۹۳ و ۱۴۰۲) با تمرکز بر چالش‌ها و فرصت‌های نوظهور، فرآیند شکل‌گیری خودآگاهی زن اسلامی را بررسی می‌نمایند؛ در همین راستا، پژوهش‌های «بررسی عوامل و چالش‌های هویت دینی زن» (قاضی کرباسی، ۱۳۹۶) و «آسیب‌شناسی فهم روایات مربوط به آن» (فاطمه وجدی و همکاران) ساختارهای دینی-اجتماعی و تأثیرات تفسیری بر هویت زن را تحلیل می‌کنند و نشان می‌دهند که بازنگری در متون و رویکردهای فقهی می‌تواند مسیر فکری زنان را در مواجهه با تحولات جهانی بازنویسی کند.

در این نوشتار به سبب اهتمام بر نقد و تحلیل برخی دیدگاه‌ها و ارائه راهبرد مناسب با تمرکز بر روش جمع‌آوری اسنادی، ابتدا به گردآوری مستندات در باره تفکرات مدعیان استیفای حقوق زن اقدام شده است. سپس براساس منطق تحلیل محتوی، در پاسخ به نیازهای اصیل، در پرتو تحلیل مبانی، مستندات، ساختار و لوازم منطقی و ملازمات عقلی آن، به نقد و تحلیل می‌پردازد. (ر.ک: فراملکی، ۱۳۹۰، گفتار دهم، چیستی روی آورد تحلیلی منطقی) و سپس به ارائه روند تکاملی حرکت زنان تا رسیدن به نظریه «الگوی سوم» بر اساس (نظریه تأسیس حکومت مبتنی بر تفکر اجتهاد اصولگرا و فن استدلال خاص) به پایانه خود نزدیک و به پاسخ سؤالات منتج می‌گردد.

سؤالات تحقیق

۱. شرایط کنونی جهان چه مسائل و مخاطراتی را برای زن مسلمان ایجاد کرده است؟
۲. رسالت زن اندیشمند مسلمان با توجه به چالش‌های بینشی، منشی در غرب و شرق چیست؟
۳. تأثیر جنبش‌های بیرونی و درونی جهان اسلام درباره زنان مسلمان چگونه بوده است؟
۴. خلأ وجودحاکمیت اسلامی در ایران چه تأثیری در ایستایی مسائل زنان داشته است؟
۵. تأثیر نگرش امام خمینی (رحمة الله علیه) و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در باره زنان در ایران و جهان چگونه بوده است؟
۶. مختصات عملی الگوی سوم زن با محوریت سلوک زینبی براساس نگرش رهبری معظم چیست؟

نوآوری این پژوهش در ترکیب روش تحلیل محتوا با چارچوب نظری الگوی سوم زن برای استخراج ضوابط عملی جدید است؛ به‌علاوه تمرکز بر سلوک زینبی به‌عنوان مرجع برجسته برای تدوین مسیر عملی‌گری زنان مسلمان که در ده‌های گذشته کمتر مورد بررسی قرار گرفته بود، و ادغام دیدگاه‌های شرقی و غربی در نقد تضادهای گفتمانی منش‌ها، امکان ارائه راهبردهای جامع برای مقابله با بحران‌های عصری را فراهم می‌آورد. همچنین، بررسی انتقادی تأثیر نگرش‌های

امام خمینی (رحمة الله عليه) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) بر نقش زنان در بستر اجتهاد اصول‌گرا، به صورت سیستماتیک در ادبیات پیشین نمایان نشده بود.

۱. رسالت اندیشمند مسلمان در تولید فکر و فن استدلال و حیانی

اکنون این بار سنگین و اقدام سرنوشت ساز، بردوش چه کسانی از جامعه کنونی ما است؟ آیا دانش روان شناسی و تربیتی ما غالب بوده و یا مغلوب، فعال بوده یا منفعل از نظام روانشناسی بیگانه، عمل نموده است، تا بتواند مفهوم و حیانی «لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره، ۱۴۳) عملی سازند؟!؟

قطعا راه دیگری هست که گره را بگشاید و اصالت فرهنگ توحیدی را به منصفه ظهور برساند. بایستی اذعان داشت که امروز توجه بر روشمندی فن استدلال در علوم اسلامی و پیشنیازهای آن حتی در سایر علوم، امری ضروری است.

تعبیر مفسر و متفکر اسلامی آیت الله جوادی آملی در بیان این حقیقت تلخ این است:
 «علم طبیعی مثله شده و معیوبی را که منقطع الاول و الاخر است، تحویل می دهد... حاصل تلاش خود را نقاب برگرفتن از چهره خلقت و فعل الله، نمی داند. بلکه صرفاً به تبیین طبیعت، می نشیند... اگر عقل در کنار نقل در درون هندسه معرفت دینی جای گرفت، سخن گفتن از تعارض علم و عقل با دین به همان اندازه نامانوس و نابجاست که سخن گفتن از تعارض نقل و دین. نقل هرگز با دین، معارض نمی شود زیرا نقل، خود منبع شناخت دین است. به همین ترتیب، عقل ناسازگار و معارض با دین نمی گردد زیرا حجت شرعی و منبع شناخت دین است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹ و ۱۱۰).

ایشان در تبیین ضرورت تحول در جهت دهی علمی و غنای دینی و ملی می فرماید: «علم اگر علم باشد، نه وهم و خیال و فرضیه محض؛ هرگز غیر اسلامی نمی شود، علمی که اوراق کتاب تکوین را ورق می زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی دارد، به ناچار اسلامی و دینی است... اساساً اگر منطق قارونی را کنار بگذاریم، متوجه می شویم که اساساً علم، الهام الهی است و از جانب او افاضه می شود؛ «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» (علق، ۵) کار بشر، فراهم کردن شرایط و اعداد برای حصول این تعلیم و افاضه است. علم، افاضه و تعلیم الهی است اگرچه عالم ممکن است ملحد و سکولار باشد، اما علم، سکولار و غیر الهی نیست... ایمان و کفر عالم و مفسر در اصل فهم کتاب نکوین و اصل علم به کتاب تشریح، تأثیر نمی گذارد... چنان که فهم قرآن، اسلامی و

غیر اسلامی نمی‌شود. اگر شرایط فهم معتبر رعایت شده باشد. البته در رشد فهم و درست‌تر و عمیق‌تر فهمیدن، مؤثر است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴-۱۴۶).

قرآن کریم، در مسیر اصلاح مسائل زنان، ابتدا به انحرافات و بیان مظالم تاریخی، پرداخته است و سپس به اصلاح و احیای هویت و تبیین حقوق انسانی و سپس به جعل حمایت‌های خاص حقوقی و فقهی در قالب حق و تکلیف اقدام می‌کند.

آیه «إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا...» (نحل، ۵۸) یا «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ» (بقره، ۲۲۲) یا سیاق آیات «ماقد سلف» (نساء، ۲۲ و ۲۳) روش تاریخی قرآن ابداعی و به سبب اشرف و حیانی ویژه قرآن است.

از طرفی بازشناسی صحیح موضوعات و مسأله‌شناسی اصولی، عدم مغالطه‌های غلط در منطق استدلال، انطباق میان پاسخ‌ها و نیازها، درک مطالبات واقعی از مغالطات صوری، تامل بر سبک تولیددانش مبتنی بر بینش توحیدی و منش ارزشی، تعمیق و کلان‌نگری در پاسخگویی و حفظ استقلال و غنای فرهنگی، پرهیز از تقلید و انفعال، تعجیل و تأخیر نابه جا از ضروریات تحولی و اساسی در پاسخ به مطالعات زنان است.

۲. پیشینه خیزش‌های فکری در مباحث زنان (خارج از فضای جوامع اسلامی و داخل آن)

بررسی جنبش‌های تحولی زنان خارج از فضای جوامع اسلامی مرتبط با سیر تحولات حقوق بشر در غرب که مبتنی بر پیش درآمد عصر روشنگری بوده، با همه افت و خیزها و تحولات تدریجاً منجر به یک حرکت اجتماعی و حقوقی وسیع تبدیل گردید و سرانجامش تنظیم و تکمیل مقاولات، کنوانسیون‌ها در سازمان ملل، پس از جنگ جهانی دوم شد. نادیده انگاری کرامت انسانی، هویت مستقل، اصالت نقش او در حیات نوع بشر و استضعاف تاریخی مستمری بود که حاصل تحمیل اندیشه‌های فرانکر و قدرتمدار علیه زنان در قرون و اعصار پدید آمده بود. (رک: حکیم پور، ۱۳۸۲)

این تحول چند مرحله‌ای اگر چه بنیاد دینی نداشت، اما تأثیر خود را بر کشورهای اسلامی داشت. به ویژه آن‌که مشترکاتی بین مسائل زنان و مظالم تاریخی آنان وجود داشت. این حرکت به رغم تأکید بر نگرش افلاطون در ترسیم مدینه فاضله و تصریح بر حاکمیت حاکمان حکیم، از حاکمیت حکمت و سعادت انسان در تشکیل «مدینه فاضله» افلاطون چیزی دیده نمی‌شد و از اندیشه توحیدی این حکیم الهی نیز خبری نبود.



به تعبیر مقام معظم رهبری «اروپایی که امروز ادعا می‌کند که زن در آنجا آزاد است تا نیم قرن پیش (کلام در سال ۱۳۷۵ صادر شده) به زن اجازه نمی‌داد که در مال شخصی خودش تصرف کند... او باید [ثروتش] را در اختیار شوهر یا پدر یا برادرش می‌گذاشت و آنها هم به میل خودشان از ثروت او استفاده می‌کردند... دنیای غرب زن [پس از تحولات عصر روشنگری به رغم ادعاهایش] به ابتذال کشاند... آمدند زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند اما در همان حال تمام وسایل را برای لغزش زن فراهم کردند و او را در متن جامعه رها و بی‌پناه گذاشتند. سپس با فریاد آزادی بانهایت چیرگی فرهنگ خود را با شناسه تمدن و تجدد و ترقی به دیگر ملل تحمیل نمودند (خامنه‌ای، ۲۶/۱۰/۱۳۶۸).

۳. بررسی چالش‌های بینشی و منشی در غرب پس از عصر روشنگری

دنیای غرب در مسائل زنان هم در بینش و هم در منش و هم در روش با ما به صورتی معقول و منطقی کمتر مفاهمه داشته است. غرور توسعه علوم موجبات تحمیل یک طرفه بینش و منش و دانش مبتنی بر مواد شرک آلود فکری با نام علم و مدرنیته شد. همچنان که روش‌های استقرایی و استحسانانی مبتنی بر تجربه مادی، خود را به عنوان بهترین روش علمی و قطعی، برای همه معرفی کردند.

یکی از محققین معاصر می‌گوید:

«زن فقط در شرق مغبون و مورد ستم نبود، دین مسیح (علیه السلام) که بیش از ده قرن، اساس قانون و بنیاد حقوق در غرب، مبتنی بر آن بوده و حتی در قرون جدید هم آثار آن کما بیش به چشم می‌خورد، نگرشی اثباتی به زنان و حقوق آنان نداشت» (حکیم پور، ۱۳۸۲، ص ۳۰۹).
خانم «وندی شلیت» محقق آمریکایی معاصر: ۱۹۷۵م، و فارغ‌التحصیل در رشته فلسفه از دانشکده «ویلیامز» نارضایتی خود را از وضعیت زنان اینگونه ابراز می‌کند:

«ما در آمریکا در جایی زندگی می‌کنیم که این دو نیروی تاریخی «یعنی دوره بردگی و عصر روشنگری» در یکدیگر ادغام شده‌اند، ما وارث رنج سه قرن بردگی و شادمان سه قرن آزادی‌های سیاسی و روشنگری هستیم بهایی که برای بردگی می‌پردازیم، طبیعی است. ولی روشنگری هم برای ما هزینه گزافی داشته است» (وندی شلیت، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱).

استاد مطهری در تحلیل این قضیه می‌گوید: «... این پندار محض است (مسأله تقلید از غرب) آنها از ما در این مسائل بیچاره تر و گرفتارتر و فریاد فرزانشان بلند تر است. از مسائل مربوط به درس و تحصیل زن که بگذریم در سایر مسائل خیلی از ما گرفتارترند» (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۳۷)

امروز اشراف بر مسائل زنان با تکیه بر مطالعات تطبیقی، تحلیلی، تاریخی با رویکرد فعال نه منفعل و بی تفاوت، با تأکید بر بینش توحیدی و منش ارزشی و دانش مبتنی بر تمدن اسلامی، از ضروریات در عرصه مطالعات زنان در عصر کنونی است.

۴. جنبش‌های تحولی درون‌زا در جوامع اسلامی

برابر تغییرات عرصه جهانی در بخش اول، زمینه تحولاتی در درون به وقوع پیوست. همچنان که هجمه تبلیغات بر عدم کارآمدی منش دینی، جدایی دیانت از علم، عقلانیت و بالاخره از سیاست، از سوی سلطه‌گران غرب، افیون شمردن مذهب، از سوی کسانی چون «لنین»، مقابله صریح با توسعه اسلام، در جهان و جعل وزارت مستعمره در کشورهای استعمارگر برای تغلیب فرهنگی، زمینه حرکت‌های روشنگرانه را در درون کشورهای اسلامی توسط اندیشوران پدید آورد و اهل درد و دغدغه را به تحرکی ملی و دینی فراخواند. افرادی چند چون سیدجمال و اقبال لاهوری، کواکبی، محمد عبده و محمد الشحرور و نصر حامد ابوزید، قاسم امین، غزالی، دکتر شریعتی و... هرکدام بر اساس دغدغه‌مندی در منش اسلامی، اقدام به تحولاتی در احیای دینی نمودند. اما تفاوت‌ها و حتی تعارضاتی در مسیر این تحولات در میان مرام آنان به چشم می‌خورد.

از پیش کسوتان این حرکت «محمد قاسم امین» بود (۱۸۶۳م-۱۹۰۸). او در مدارس «خدیویه» مصر تحصیل و در فرانسه لیسانس حقوق می‌گیرد و به مقام وکالت و مستشاری دادگاه استیناف می‌رسد. مطالبی را در عرصه ساختارهای نابرابر و عوامل آن در کتاب‌هایش «تحریر المرأة و المرأة الجدید» مطرح و نظرات خود را مبتنی بر رویکرد تجددگرایی اسلامی مطرح می‌کند. قبل از قاسم امین کسانی مثل «محمد عبده» روحانی برجسته مصری با نگاه اسلامی بر آموزش دختران و نفی تبعیض جنسیتی سخن می‌گوید اما او روش دیگری در تحول دارد. «عبده» استناد به آیات قرآن آموزش را برای زنان و مردان ضروری می‌بیند و رها کردن دختران را در جهالت‌گناه می‌شمارد. او اعتقادش این بود که نخستین بار اسلام زن را به عنوان انسان، برابر با مرد به رسمیت شناخت (رک: عبده، ۱۹۰۲م، ص ۱۰).

او همچنین میان سلامت عقل با جسم گره زده و آموزش فوتبال، سوارکاری، شنا و نیز آموزش موسیقی برای زنان سخن به میان می‌آورد. همچنین وارد مقوله حجاب شده و آن را موجب کناره‌گیری زن مسلمان از فعالیت‌های اجتماعی می‌شمارد. اما مستدلاً به نفی آن نمی‌پردازد. قاسم امین حجاب قرآنی را ویژه زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌داند. او معتقد است که حجاب

نمی‌تواند مانعی از فتنه‌گری و فساد باشد بلکه زنان در پرتو حجاب برای هر فسادی آزاد ترند. او به تدریج به این نگرش رسید که حجاب مانع سر راه رشد و ترقی زن است (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۰). رویکرد اینگونه‌ای در افراد دیگری نیز چون «رفاعه طهطاوی» که در الازهر درس خوانده و در دوره محمد علی پاشا به فرانسه عزیمت کرده، نیز دیده می‌شود.

استاد مطهری در نقد این تفکر، غفلت از نتایج سیاسی اقتباس فرهنگی غرب، معرفی غرب به عنوان تنها نماینده پیشرفت در علوم بدون لحاظ وجهه جهان‌خواری جهان غرب، آمیختگی عقائد اسلامی با غرور ملی مصر از موارد اشتباهات طهطاوی می‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۹۳). ایشان آسیب این‌گونه افراد را استغراق در روش انفعالی آنان از حرکت‌های منفعل غربی می‌شمارد.

۵. ایران شاهنشاهی و تحولات متأثر از تمدن مغرب زمین

اگرچه تاریخ روابط سیاسی مستشاران بریتانیایی، به دوران صفویه برمی‌گردد و زمینه تبلیغ مبلغان مسیحی (مسیونرها) را فراهم می‌آورد. اما بعد از دوران زندیه و آغاز قاجار که مصادف با تحولات عصر روشنگری است، زمینه بروز تعارضات فکری میان دین و تجدد شدت می‌گیرد.

از یک سو ضعف حکومت‌های سلطنتی و سلطه‌پذیر در ایران و پیدایش حرکت‌های منور الفکری از سوی افرادی چون میرزا ملکم خان و میرزا فتحعلی آخوندزاده و القانات آنان برای شکستن تعهد مذهبی و سنن دینی و ترویج اباحی‌گری و استقبال از آزادی به معنای غربی و حمله به دیانت به عنوان عامل رکود، نمادی از زمینه‌سازی این جریانات فکری را در ایران فراهم می‌آورد. شکل‌گیری فرقه بهائیت، کشف حجاب توسط قره العین، اعلام نسخ شریعت اسلام، تشکیل جبهه فرماسونری به عنوان دو جبهه عدالت‌خواه و طرفدار آزادی زنان، تأسیس مدارس دخترانه با شکل غربی و نشر مطبوعات حامل الگوهای زنانه غربی، مبداء حرکت‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌هایی مختلف و متفاوت می‌شود و حاصل این امر تضارب آراء در حل مسائل زنان است. (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۷۷؛ زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷).

مجموعه این علل و عوامل در روند تحولات مرتبط با زنان فراز و فرودهایی را پشت سر می‌گذارد که حاصل آن حامل پیامدهای منفعلانه و غالباً منفی درباره زنان در ایران است. استاد مطهری نسبت به حرکت‌های منفعلانه و مقلدانه این زمان می‌گوید «فرنگی‌مآبی و غرب‌گرایی، را الگو قرار دادن و تحت نفوذ فکری، فرهنگی، تقلید و اقتباس از غرب، مثل همان فکری است که امثال تقی‌زاده، تبلیغ کردند. بدون توجه به اینکه نفوذ فرهنگی به دنبال خود، نفوذ سیاسی را

می‌آورد و به‌علاوه؛ شخصیت و منش و استقلال یک امت به استقلال فرهنگی اوست. و گرنه در هاضمه ملت دیگر، هضم می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸۹).

قضیه اصلی توجه به یک امر سلبی و ایجابی به عنوان یک واقعیت تاریخی است. بخش سلبی، آن است که برای ارباب اندیشه، در تاریخ مسلم است که هر گاه جوامع انسانی، از درک واقعی پیام انبیاء و انسان‌های الهی فاصله گرفتند، دچار انحراف و اختلاف و التباس گردیدند. و بخش ایجابی آن وجوب عقلی تمکین بشر از حقیقت دین که روش زندگی سالم است. درک درست این واقعیت در حل بحران‌های پیش روی زنان ضروری است.

بایستی اذعان داشت که اندیشه و انگیزه تحقق براین امر یعنی ارائه الگوی کاربردی در تجدید بنای تمدن نوین اسلامی از ضرورت‌های عصر کنونی بود، که به صورت جدی بر آن اقدام اساسی و راهگشا صورت نگرفت. به ویژه آن که تبلیغات جهانی هم علیه، اسلام و هم علیه، نظام اسلامی به اشکال مختلف پیوسته صورت می‌گرفت.

باور داشتن مهارت‌های فکری و علمی و ایمانی زنان، کمال عقل و تدبیر و اثرگذاری انسانی فرامردانه و مختصات خاص ورود عالمانه در امور زنانه، و مواردی از این مقوله لازمه ارائه الگوی جامع بود. طراحی چنین الگوه تنها برای زنان مسلمان بلکه برای زنان جهان ضروری و امری اجتناب ناپذیر بود، و خلاء آن به خوبی احساس می‌شد. از سوی دیگر فقدان این الگو برای جامعه زنان خود چالشی مهم و آسیب‌زا بود. لذا مطالبه آن در گفتارهای زنان با مقام معظم رهبری موجباتی را برای تحقق طراحی الگو فراهم نمود.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب در بیش از یک دهه قبل در کنگره ملی (هفت هزار زن شهید کشور) کلیات طرح الگوی جامع زن را مبتنی بر تمدن اسلامی مطرح و رسالت زن مسلمان و ارزشمدار ایرانی را در تکمیل و تنظیم آن ضروری شمردند.

«العالم یرمائه لا یهجم علیه اللوائس» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷) اشراف بر عوامل هجمه و التباس جهانی در عرصه زنان از مهمات تدارک این دستور بود. ایشان در بیانات خود با جامعه زنان، نسبت به وضعیت زنان در غرب ابراز نگرانی می‌نمایند و از این‌که در فرهنگ مادی‌گرای مغرب زمین نگاه به زن نگاه ابزارری است، این امر را ظلم به زن می‌شمارند و تقدم جنسیت را بر انسانیت زن امری قبیح و ضد کرامت و حرمت او می‌شمارند، پیوسته به زنان مسلمان، رسالت اصلاح فرهنگ غلط جهانی را گوشزد نموده و دیدگاه تمدنی و اندیشه رفیع اسلامی زن مجاهد

و مسلمان ایرانی را در جایگاه «معلم ثانی» برای زنان جهان قلمداد نموده و نقش تاریخ سازی را به آنان محول می نمایند.

۶. خلاء حاکمیت اسلامی و اختلاف نگرش‌ها و گرایش‌های درون دینی

فقدان حاکمیت مبتنی بر قدرت سیاسی نظام مند، که متکی بر جامعیت اندیشه و حیانی، با پشتوانه عزت و استقلال اسلامی، حلقه مفقوده‌ای بود که همراه با تحولات عصر روشنگری، نگرش‌ها و گرایش‌های متعددی را بر جوامع اسلامی در مواجهه با مسائل زنان تحمیل نمود. این خلاء اساسی، یک جریان ۱۸۰ درجه‌ای را در اختلاف اندیشه‌ها و انگیزه‌ها در باره زنان در ایران ایجاد نموده بود و امکان ایجاد وحدت بر محور الگوی واحد نبود. انتظار آوردن یک اندیشه جامع و اسلامی برای متفکرین، آرزویی دیرینه بود.

امام خمینی (رحمة الله علیه) در باره ضایعه اسف بار این خلاء (فقدان حاکمیت سیاسی اسلام) در ابتدای کتاب ولایت فقیه می فرماید: «این‌ها (یهود و دنیای سلطه، علیه اسلام)... به صورت استعمار گر از سیزده سال پیش یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند و برای مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه‌هایی را فراهم سازند تا اسلام را نابود کنند... احساس کردند آنچه سدی در مقابل منافع مادی آن‌هاست... و قدرت سیاسی آنها را به خطر می اندازد اسلام و احکام اسلام است و ایمانی که مردم به آن دارند. پس به وسائل مختلف برضد اسلام تبلیغ کردند» (امام خمینی، بی تا، ص ۷). ایشان معتقد به این آسیب اساسی بودند که تبلیغات دشمن تا به جایی رسید که در حوزه‌های علمیه شکل ناقصی از اسلام، ارائه شد و خاصیت انقلابی و روح حیات اسلام را از حوزه‌ها گرفتند. و هدف نفی تشکیل حکومت و نفی تلاش برای ایجاد جنبش و نهضت در میان مسلمین بود، تبلیغ کردند که «اسلام دین جامعی نیست... برای جامعه نظامات و قوانین ندارد... فقط احکام حیض و نفاس است... [در حالیکه] نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی از نسبت صد به یک هم بیشتر است.

از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بردارد، سه چهار کتاب مربوط به عبادات... و بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است... تحمیل قوانین بیگانه بر جامعه ما منشاء گرفتاری‌ها و مشکلات بسیار شده است (خمینی، بی تا، ص ۷-۱۴).

الف: تجددگرایان و تجددگرایان اسلامی ابتدا در تفاوت میان گروه اول (تجددگرایان)، دوم (تجددگرایان اسلامی) می توان گفت، گروه اول در برخورد با تجدد کاملاً منفعلانه عمل می کنند و



کارآمدی دین را در زندگی دنیا نفی می نمودند. اما دسته دوم با توجه به هویت اسلامی زن مسلمان در صدد بوده‌اند قرائت جدیدی از اسلام و نصوص را ارائه دهند و اعطای حقوق اسلام را به زن، با شاکله‌ای نوین بر اساس تأملات تاریخی حل نمایند. این اندیشه که از دهه ۱۹۲۰ میلادی در صدد جذب آموزه‌های غربی در تعالیم خود برآمد و آبخوری برای عده‌ای از نظریه‌پردازان در مسائل زنان گردید.

ب: جمودگرایان اسلامی دسته دوم، کسانی هستند که بر خلاف دسته فوق، در حمایت از دین به نفی تمام مظاهر فرهنگ نوین برآمدند و جمع بین آن دو را غیر ممکن دانسته، و بر این اساس، به پرداختن به ابعاد سازندگی‌های فردی و اخلاقی دین بسنده کرده‌اند. آنان در عرصه‌های سیاسی، مرز دین را از تمدن و تجدد جدا ساخته، و هر نوع تعبیری را در روش‌های دینی «بدعت» خواندند و اصرار آنان بر نصوصی خاص، مانع از این شد که به مسائل نو و جدید پردازند. ایشان در اصل، در انطباق قوانین دینی با مسائل اجتماعی نیازی احساس نمی‌کنند و در برخورد با مسائل زنان به همین سبب، تحولی را ضروری نمی‌بینند (میرخانی، ۱۳۸۱، ص ۷۷).

ج: سنت‌گرایان اسلامی این دسته نگاه فرد‌گرایانه و تکلیف‌مدارانه به زن دارند، رشد معنوی زن و عبودیت وی را از جهت منزلت مادری و همسری مهم می‌شمارند، ارزش‌های مادری نسبت به جایگاه مادر و همسر مورد پذیرش آنان است، و حداکثر آنکه مدیریت او را در محدوده درون خانه‌ای و یا در محدوده جمع زنان مورد پذیرش قرار می‌دهند. حضور اجتماعی زن را در حد ضرورت و حداقلی لازم می‌شمارند (آیه‌اللهی، ۱۳۹۳، ص ۴۱۶).

د: اندیشه‌های نوسلفی این گروه با عناوین تفکرات نوگرا و نواندیش، خود را حامل خیزشی اسلامی می‌شمردند و هدف خود را ارائه الگوی اصیل اسلامی، برای زنان معرفی می‌کردند و ایده زدودن سنت‌های جنسی و جنسیتی اندیشه سلفی و فمینیسم‌گرا داشتند تا با این حرکت از گرایش زنان به جنبش‌های غیر اسلامی جلوگیری کنند (رک: پزشکی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

۷. جریان «فمینیسم اسلامی» و مولود انفعال بینشی و منشی روشنفکران

عکس‌العمل جنبش‌های فوق و تحولات عصر روشنگری، کنش و گرایش‌های چند وجهی را در داخل سرزمین‌های اسلامی، ایجاب و ایجاد نمود و سیر نوگرایی و تجدد در غرب تأملاتی را نسبت به مسائل زنان در جوامع اسلامی فراهم ساخت و به کنش‌ها و واکنش‌های متعددی منتهی گردید.

پدیده «فمینیسم اسلامی» مولود اقدام انفعالی از سوی بخشی از تجددگرایان اسلامی بود، که با قصد دفاع از هویت و حقوق زن مسلمان، حامل نگرشی مقابله‌گرایانه در برابر هر گونه نگرش مردسالار بود.

مسأله اصلی، علاوه بر رویکرد انفعال نسبت به غرب و مدرنیته، غالب آنان فن استدلال معین تاریخی، منطقی، تفسیری و فقهی نداشتند. بلکه از روش شناختی متعددی در جایگزینی در گفتمان مرتبط با مسائل زنان استفاده می‌کردند. علاوه بر آنکه غالب استنادات مبتنی بر استقراء ناقص و ادله عقلی ظنی برخاسته از اندیشه متأثر آنان بود، که در نیم قرن گذشته ظهور کرد و به عنوان تلاشی نهایی برای پاسخگویی به زنان بود.

این حرکت علاوه بر آنکه ضایعاتی را از جهت مبانی استدلال داشت، رویکردی انفعالی در برابر مدرنیته بود. این مقوله با فن استدلال و حیانی مبتنی بر «أدعُ إلى سبیل رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادلهم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵) هم‌خوانی نداشت.

۸. اصولگرایان و رسالت منش اجتهادگر و نظریه حاکمیت ولی فقیه

نکته عمده و تفاوت این گروه با سایرین، این است که یک ارتباط مستقیم میان حل بنیان‌های فکری در علوم اسلامی و انسانی با مسأله روش اجتهاد فقهی و مسأله تحول، تغییر در نظام حاکمیت و ایجاد انقلاب اسلامی است. در این نظریه وجود فقیه زنده، متفکر و گره‌گشای امور مردم، به ویژه زنان است. براین اساس چون ساماندهی اصلی در سبک اندیشه مجتهد زنده و فقاقت پویا و فعال عرصه سیاسی و اجتماعی است، این نظریه حرکتی تحول‌آفرین داشته و دارد که در هر کجا زمینه مناسبی برای تاسیس و اداره کلان حکومتی پیش می‌آمده، پایه عرصه می‌نهادند. کسانی چون محقق کرکی در عصر صفویه برای شاهان دستور حکومتی ارائه می‌دادند، نیز محقق نراقی، میرزای نایینی، میرزای قمی، گام‌های اساسی برداشتند.

فقیهانی چون شهید در اقامه حدود و تصرف در اراضی و کاشف الغطاء در جهاد دفاعی و فیض کاشانی تعزیرات و تدبیر سیاسات را از اختیارات فقیه شمرده و میرزای نایینی اداره امور مملکت و حاکمیت را از امور حسبیه قلمداد می‌کند. ولو اینکه از باب نیابت امام مورد پذیرش نباشد که بنا بر نظریه امام خمینی (رحمة الله علیه) نیابت است.^۱

۹. جامعیت شخصیت انسانی زن در جنبش ضد استکباری شیعی و حرکت امام خمینی (رحمة الله علیه)

۱- رجوع شود به پیشینه ولایت فقیه در اندیشه شیعه در ویکی پدیای فقه

در این تفکر نه از باب تساوی با مردان و روش مقابله‌گر جنسیتی، بلکه اهمیت جایگاه زنان را به عنوان عنصر تعیین کننده راه سعادت و بالعکس و ریشه طهارت نسل و صلابت فکر و عامل عروج خود و فرزندان و حافظ بطن زندگی و ریشه سازندگی می‌شمرد. در این رویکرد برای زنان الگویی چونان خدیجه کبری و فاطمه زهرا سلام الله علیهما و عقیده بنی هاشم را در تدبیر و مدیریت بحران عاشورایی سراغ دارد، که در صلابت، طهارت، شجاعت، معرفت، ظلم‌گریزی و سلطه‌گریزی زمینیان در برابرش زانوی ادب می‌سایند.

۱۰. جنبش‌های ضد استکباری و ضد استعماری روحانیت شیعی

در راستای جنبش‌های تحولی، حرکت ضد استکبار و ضد استعماری، خود مبداء تحولات سیاسی - علمی گردید. حرکت پرصلابت روحانیت شیعی در مناطقی چون ایران و لبنان و عراق سعی در گشایش ابوابی نمود و حاصل تلاش شخصیت‌های توانا و مقتدر عالم اسلام به‌ویژه جهان تشیع چون مرحوم نایینی، آخوند خراسانی، آیت‌الله بروجردی در اقدامات جهانی و حرکت آیت‌الله کاشانی در عراق و ایران، و به‌دنبال آن نهضت سیاسی امام خمینی (رحمة الله علیه) در منطقه و مقابله ایشان با ولیده‌های نظام سلطه، بیداری و خیزشی جدید را ایجاد کرد که موج آن در تحول مسائل زنان بسیار تأثیرگذار بود.

از طرفی، متفکرینی چون علامه جعفری، علامه عسگری، علامه طباطبایی، جنبشی علمی نوینی را در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی و غیرموازی در زمینه‌های مختلف در بحث زنان آغاز نمودند. شهید صدر و بنت الهدی شهیده، ایشان اقداماتی علمی و سیاسی و مبارزاتی را آغاز و نهضت روشنگری را هدایت نمودند و علاوه بر کتب اصولی فلسفی و فقهی به تالیف کتبی چون: «الاسلام يقود الحياه» و «المرأة مع النبی» را با شرایطی در معاندت حزب بعث به نگارش در آوردند. و کسانی از قبل چون آیه الله حکیم، علامه امینی و کاشف الغطاء اقداماتی علمی و سیاسی با جدیت دنبال نمودند.

در ناحیه «جبل عامل» شخصیت‌های، تأثیرگذاری چون، امام موسی صدر جنبش شیعی را از زنان لبنان آغاز نمود، علامه محمد حسین فضل‌الله، شیخ شمس‌الدین و شرف‌الدین‌ها؛ اقدامات مهمی را به تناسب ضرورت‌ها و مقتضیات زمان و مکان انجام دادند و کتاب‌هایی را به تحولات درباره زنان، اختصاص دادند، مرحوم شمس‌الدین، کتابی را با عنوان «اهلیة المرأة لتولی السلطنة» به نگارش در آورد (شمس‌الدین، ۱۹۹۵، ص ۱۴۰)، همچنان‌که علامه محمد حسین فضل‌الله، متونی

را با عناوینی چون «تأملات اسلامیة حول المرأة و دنیا المرأة و قرائه جدیده لفقہ المرأة الحقوقی»^۱ به ایجاد تحولاتی از جهت منش فکری و سبک پاسخگویی اقدام نمودند. این حرکت‌ها درجهان شیعی منشاء بیداری جدیدی در مسائل زنان گردید (فضل‌الله، ۱۳۷۶، ص ۲۷-۲۸).

امر احیاگری در تفکر شیعی از مقومات فرهنگ اسلامی است، و «مداد علما و دماء شهدا» دو عنصر موج‌آفرین و محرک‌زا، در طول تاریخ پر افتخار شیعی بوده‌است. زیرا نفس پابندی به توحید، ملازم با پشت کردن به طواغیت و مبارزه و مجاهده‌است.

«و من یکفر بالطاغوت» مقدم بر «یومن بالله» است. از طرفی بنای اجتهاد شیعی علاوه بر مقابله با حکومت‌های سلطه‌گر، از مختصاتی برخوردار است که پویایی و پایایی رمز دوام آن است.

بنابراین، آنان نه تنها به حکم این مسأله بلکه به بیان مفهوم و بازنمایی مصادیق آن اهتمام داشته‌اند، بلکه یکی از رسالت‌های خود را احیاگری تفکر دینی می‌شمردند.

براین اساس، حرکت احیاگری تفکر دینی که از صد و پنجاه سال گذشته اوج گرفته بود و با نگرش‌های مختلف در صدد پاسخگویی به نیازهای عصری و بالتبع مسائل زنان بود، در مناطق شیعه نشین تحولاتی مقتدرانه ایجاد شد.

همه این دگرگونی‌ها به دنبال نهضت انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (رحمة الله علیه) در ایران عزیز سرعت و جهت و سبقت خاص پیدا نمود (رک: مطهری، ۱۳۷۳).

به رغم همه تلاش‌ها، روند تحول درباره زنان در جوامع اسلامی در انتظار تحولات جدی‌تری بود، اختلافات در نظریه‌ها و گفتمان‌ها در عین التهاب زمینه ساز موج دیگری بود، این موج خود می‌بایست خیزش دیگری را در جهان می‌آفرید و زمینه را برای تحقق عدالت جهانی با وقوع یک انقلاب فکری و سیاسی دینی می‌گشود.

بر همین اساس نگرش امام خمینی (رحمة الله علیه) نسبت به گستره حقوق و وظایف زنان بسیار وسیع‌تر از آن چیزی بود که در اندیشه بسیاری از فقیهان ترسیم گردیده بود. مبانی فقه سیاسی ایشان در این امر دخالت جدی داشت و بر همین اساس می‌فرمود: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۷۰). از طرفی در خطاب به فقها اینگونه نظر داشتند که: «فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای

۱- فضل الله، محمد حسین «تأملات اسلامیة حول المرأة» بیروت دارالماک، ۱۹۹۲، «دنیا المرأة» همان، ۱۹۹۸ و «قرانه جدیده لفقہ المرأة الحقوقی» بیروت دارالتقلین، ۱۹۹۷.

اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند... امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی از علما تعهد گرفته و آنان را موظف کرده که بر پرخوری و بهره‌مندی ظالمانه ستمگران و گرسنگی جانکاه ستمدیدگان سکوت ننمایند... تا در نتیجه آن بندگان ستمدیده، ایمنی یابند و قوانین، تعطیل شده، به اجرا در آید» (موسوی خمینی، بی تا، ص ۷۰-۷۱).

براساس این مبانی تفکر، نگرش حضرت امام (رحمة الله علیه) در هویت بخشی به ابعاد مختلف زندگی زنان و ارائه احکام متناسب با آن نیازی به تحول و تجدید نظر در تبیین وظایف و حقوق، در عرصه‌های مختلف داشت که تحقق این امور را از شئون و وظایف حضور زنان می‌شمردند.

۱۱. ضرورت تأملات جدی در منطق کلامی و سیاسی و فقهی آیت الله خامنه‌ای (دام ظلّه)

تداوم اندیشه امام خمینی (رحمة الله علیه) در دوران رهبری آیت الله خامنه‌ای و سیر تکاملی و تمدنی نقش زنان و رسیدن به طراحی الگوی سوم خود مستلزم تأملات جدی تری در اصلاح امور زنان در داخل و خارج انقلاب اسلامی بود که خود تحقیق مستمر جداگانه‌ای را طالب است. در این نوشتار، فقط به برخی از مهمترین گزاره‌های تبیینی و دستورالعمل‌های خاص ایشان در باب اصلاح امور زنان پرداخته شده است.

الف) دخالت و اهمیت عرصه‌های حضور زنان در عرصه‌های سرنوشت ساز و سیاستگذار

کلان تا مرحله مدیریت بلکه ولایت اجتماعی است که در گفتمان الگوی سوم از زن، از سوی ایشان مطرح است. روش ایشان، یک حرکت مستمر و رو به جلو به سمت قله عزت و استقلال اسلامی، براساس نقش زنان است. که در این باب معتقدند که: «به نظر من بزرگ‌ترین مقصر در این قضیه خود خانم‌ها هستند، یعنی خانم‌های باسواد و تحصیل کرده، خانم‌های اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مسأله زن بشوند، به نظر من کوتاهی می‌کنند، کار را دست عامی، بی اطلاع و احياناً کسانی که دلشان می‌خواهد فقط حرف بزنند، رها کنند، این درست نیست. باید کار، صحیح و دست افراد سنجیده، عاقل و حکیم بیافتد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸).

ب) دیدگاه ایشان در گفتمانی که با جامعه فرهیختگانی، که نقش در توسعه گفتمان تمدنی دارند، این گونه تأکید شده که: «اما آنچه من میخواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر، ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم.... ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب

باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، بیانیه گام دوم).

ج) از سوی دیگر انتظارات ایشان از زنان فرهیخته ملازم با تلاش‌های خاصی است که بتواند پیشگامی خود را در عرصه‌های مسایل زنان حتی جبهه اجتهاد فقهی بگشاید. تأسیس دفتر استفتانات زنان از سوی ایشان، حضور زنان در درس خارج ایشان، تأکید بر پاسخگویی زنان در امور تخصصی زنان، تأکید بر تشکیل مجمع فراقوه‌ای در حل مسائل زنان، تأکید بر مدیریت عالمانه و مسئولیت‌پذیری زنان و ارتقاء اندیشمندان آنان در عرصه جهاد فرهنگی و در عین هویت‌یابی و نقش‌آفرینی او در امر مادری و همسری و... راهبردهای جدی و اساسی تری را مطرح کردند. ایشان رسالت رهبری را در هدایت و ارائه اصول اساسی و خطوط کلی را مطرح و بر توسعه فروع، توسط نخبگان را تا آخرین نشست با بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها مطرح نموده‌اند.

ایشان در پیام خود به دومین سمینار پزشکی در سال ۱۳۷۶ که برای حل مسائل فقهی، پزشکی، در دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل می‌گردید؛ اینگونه فرمودند: «... به نظر من احکام مخصوص زنان را، مردها درست نمی‌توانند تنقیح کنند، برای تنقیح درست مسائل زنان باید پزشکان متخصص زن، موضوع را برای فقهای زن تشریح نمایند و این طور به نظر می‌رسد که فتوای زن، حداقل در این مورد برای زن، حجت باشد».

د) ایشان پیوسته از مظالمی که در عرصه درون خانه‌ای بر زنان می‌رود ابراز نگرانی می‌کند و می‌گوید: «مرد به خاطر اینکه قدرتمند و قوی بوده زور گفته و ظلم کرده و زن یک ستم تاریخی دارد. - التفتات کنید - قضیه، قضیه مبارزه با یک ستم تاریخی است. لذا اگر این مبارزه با عجله، با خام‌نگری، بدون تعمق و بدون ملاحظه اینکه می‌خواهیم چکار بکنیم، انجام بگیرد، بلاشک مبارزه را عقب خواهد انداخت».

ه) و بالاخره در ارائه الگوی سوم کار را به نهایت رسالت و ارائه راهبرد می‌رسانند و اینگونه می‌فرماید: «در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند».

از سوی دیگر تا آفتاب درخشان خدیجه کبری سلام الله علیها و فاطمه زهرا سلام الله علیها و زینب کبری سلام الله علیها می‌درخشد. طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم‌های ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن بالاترین حقوق زن است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵).

این رسالت جامعه زنان نخبگانی در امت اسلامی است و جهاد تبیین در عرصه جنگ ترکیبی و حماسی از سوی ایشان است. زن مسلمان راه دیگری جز استقامت در عرصه بیرون و تدبیر در عرصه درون راه دیگری برای تدارک عزت و استقلال ندارد. از قوام مایه‌های جهاد تبیین که شیوه مردان و زنان الهی چون زینب است - که بامدیریت تاریخی خود در بحرانی‌ترین شرایط توانست حاکمیت اموی را رسوا، و حقانیت حرکت حسینی را تا ابد پایدار سازد - قطعاً خواهد توانست بر اساس وعده الهی مبتنی بر «انَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء، ۸۱) و منطق «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) و برهان «كَمْ مِنْ فَتَاهٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتَاهُ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۲۴۹) و «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد، ۷) حرکت‌هایی تاریخی و جهانی را با نیروی ایمان و توکل رقم بزنند.

این جهاد از مقاتله رو در روی عرصه جنگ ابدان، بسیار دشوارتر می‌نمود. پیش‌کسوتان این حرکت زنانه رشید چون خدیجه و فاطمه و زینب (سلام الله علیهما) و زنان اهل بیت (علیهم السلام) بایستی حقانیت حق را در دل ظلمت برای احرار تا ابد تبیین می‌نمودند.

نتیجه‌گیری

- امروز زن مسلمان در مواجهه‌ای جدی با تضارب آراء و تقابل نظرات قرار دارد. او میان مطالبات واقعی خود و مطالعات صورت گرفته از سوی مدعیان پاسخگویی توازن و انسجام لازم را به درستی نمی‌یابد، او دنبال الگویی جامع و نافع هست.
- حرکت مدعیان گفتمان زنان در دو قرن اخیر با ملاکات وارداتی و بین‌المللی براساس تجربه توانسته‌اند به گره‌گشایی مسایل زنان پردازند.
- پیشینه تاریخی و تحلیل پاسخ مدعیان پاسخگویی به مطالبات زنان نشان دهنده آن است که انطباق میان پاسخ‌ها و نیازها، در باره زن مسلمان معقول و جامع و مانع نبوده است. راه نجات را در فرهنگ قویم توحیدی و ابراهیمی و ندای حکیمانه علوی و سیره فاطمی و زینبی جستجو می‌کند.
- با لحاظ نیاز مذکور، پیشینه خیزش‌های فکری در مباحث زنان که بخشی از خارج فضای جوامع اسلامی و بخشی در درون جوامع دینی صورت گرفته، به سبب روشن نبودن ملاکات پاسخگو نبوده و نیازمند تحلیل و تاملات جدی در بوته نقد است.
- فقدان حاکمیت مبتنی بر قدرت سیاسی نظام دار و متکی بر جامعیت اندیشه اسلامی، انتظار آوردن یک اندیشه جامع و الگویی کارساز برای متفکرین اسلامی، آرزویی دیرینه بود.
- در اندیشه امامین انقلاب، جامعیت شخصیت انسانی زنان نه از باب تساوی با مردان و روش مقابله گرجنسیتی، بلکه اهمیت جایگاه زنان به عنوان عنصر تعیین کننده راه سعادت و اخلاق در درون خانواده و جامعه بود.
- در اندیشه حکیمانه رهبری معظم انقلاب، تأسیس مجمع فرا قوه‌ای، راهبرد گفتمان موضوع‌شناسی مسائل پزشکی و غیر پزشکی، ارائه چاره اندیشی فقهی از سوی زنان، امر به تأسیس دفتر استفتانات زنان با دراست و مهارت فقهی زنان، و ارائه الگوی سوم راهکاری نوین برای حرکت مستقیم زن مسلمان در مسیر عزت آفرین فرهنگ اسلامی بود.
- وجود این اندیشه ناب در رهبری ایران از مواهب عظیم الهی نسبت به زنان جامعه ایران اسلامی است.
- پیشنهادات: یافته‌های این پژوهش بر لزوم بازنگری اساسی در گفتمان‌های رایج پیرامون زن و ضرورت طراحی «الگوی سوم زن» بر مبنای مبانی اصیل اسلامی تأکید دارد. بر این اساس و با

- هدف حرکت از نقد وضعیت موجود به سمت ارائه راه‌حل‌های عملی و بومی برای توانمندسازی و عزت‌بخشی به زن مسلمان در دنیای معاصر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
۱. انجام مطالعاتی که ریشه‌های فکری و تاریخی گفتمان‌های اسلامی و غربی درباره زن را با دقت بیشتری واکاوی کرده و دلایل ناکارآمدی ملاکات وارداتی را روشن سازد.
 ۲. ضرورت طراحی «الگوی سوم زن» با الهام از سیره فاطمی و زینبی (سلام الله علیهما) و اندیشه‌های امامین انقلاب، با تأکید بر جامعیت شخصیت، نقش خانوادگی و اجتماعی، و سلوک عزت‌مندانه.
 ۳. ایجاد نهادهایی چون «دفتر استفتائات زنان»، توسعه «موضوع‌شناسی» مسائل روز، و حمایت از گفتمان‌های بومی برای تحقق عملیاتی الگو.
 ۴. تحلیل شیوه‌های دشمن در جنگ شناختی علیه زنان و ارائه راهبردهای دفاعی-تهاجمی مبتنی بر تبیین جذاب «الگوی سوم» و ارتقای سواد رسانه‌ای زنان.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، سید کاظم محمدی، (۱۳۶۹)، نهج البلاغه، قم: انتشارات موعود اسلام.

۱. احمد، لیلا، (بی‌تا)، *زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه های تاریخی جدال امروزی*، ترجمه: فاطمه صادقی، تهران: نگاه معاصر.

۲. احمدی‌نیا، مریم؛ بهشتی، سعیده، (۱۳۹۳)، *تیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر اسلام*، چاپ اول، تهران: انتشارات هدایت میزان.

۳. آیت‌اللهی، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، *نگرش های اسلامی در مطالعات زنان*، چاپ اول، تهران: انتشارات فهم.

۴. پارسانیا، حمید، (۱۳۷۷)، *حدیث پیمانه*، چاپ سوم، تهران: نشر معارف.

۵. پزشکی، محمد، (۱۳۸۷)، *صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۶. توحیدی، نیره، (۱۳۷۶)، *فمینیسم اسلامی چالشی دموکراتیک یا چرخشی تئوریک*، چاپ اول، تهران: کنکاش.

۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۲)، *فن استدلال منطق حقوق اسلام*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

۸. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۱)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۹. جعفریان، رسول، (۱۳۸۰)، *مسأله حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم‌امین مصری در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۰. حرعاملی، محمد ابن الحسن، (۱۴۰۳ق)، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشرعیه*، چاپ پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۱. حکیم‌پور، محمد، (۱۳۸۲)، *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*، چاپ اول، تهران: انتشارات نغمه نو اندیش.

۱۲. حاجی اسماعیلی، محمد رضا، راعی، مسعود، و دهقانی، لیلا، (۱۳۸۹)، *تحلیل مستندات قرآنی حیطة ی مدیریت بانوان با تأکید بر سه رویکرد اندیشه ی اجتماعی دینی، مطالعات راهبردی زنان*، (۴۹)، ۱۵۷-۱۹۶.

۱۳. زیبایی نژاد، سبحانی، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، چاپ اول، قم: معاونت امور اساتید معارف.
۱۴. سیدعلی، خامنه‌ای، (۱۳۹۰)، *زن و بازیابی هویت حقیقی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. سیدعلی، خامنه‌ای، (۱۳۸۵)، *زن از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تدوین: دفتر مقام معظم رهبری، چاپ هشتم، تهران، انتشارت بی طرفان.
۱۶. شلیت، وندی، (۱۳۸۳)، *فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳*، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف (به اهتمام نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری).
۱۷. شمس‌الدین، محمد مهدی، (۱۹۹۵)، *اهلیه المرأة لتولی السلطنه*، بیروت: مؤسسه للدراسات و النشر.
۱۸. صدر، بنت الهدی، (۱۴۲۵ق)، *المرأة مع النبی صلی الله علیه وآله وسلم فی حیاته و شریعتہ*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. صدر، سید محمدباقر، (۲۰۰۵م)، *الاسلام یقود الحیاة*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. عبده، محمد، (۱۹۰۲م)، *الاسلام و النصرانیة بین العلم و المدنیة*، بیروت: دارالمعرفة.
۲۱. قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۹۰)، *روش شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)*، چاپ ششم، مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
۲۲. فضل‌الله، سید محمدحسین، (۱۳۷۶)، *دنیا المرأة*، بیروت: دارالملاک.
۲۳. فضل‌الله، سید محمدحسین، (۱۹۹۲م)، *تأملات اسلامیه حول المرأة*، بیروت: دارالملاک.
۲۴. قاسم امین، محمد، (۱۹۹۸م)، *تحریر المرأة*، قاهره: دارالشرق.
۲۵. الکلینی، محمد ابن یعقوب، (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی، بیروت: نشر اهل بیت.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، *پانزده گفتار*، قم: انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، *ده گفتار*، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. موسوی خمینی، روح‌الله، (بی تا)، *الرسائل*، قم: انتشارات طباطبایی.
۳۱. موسوی خمینی، روح‌الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، مطبعة الآداب، الطبعة الثانية، نجف اشرف.
۳۲. موسوی خمینی، روح‌الله، (بی تا)، *نامه ای از کاشف الغطاء (ولایت فقیه و حکومت اسلامی)*، بی جا.

۳۳. موسوی خمینی، (۱۳۶۱)، *صحیفه نور* (مجموع رهنمودهای امام خمینی)، تهران: چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.

۳۴. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۹۸)، *تاریخ تحول حقوق زن در اسلام*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۳۵. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۹۴)، *بحران هویت و رسالت خانواده در الگوی اسلامی ایران تربیت*، تهران: نشر الگوی پیشرفت.

۳۶. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۸۱)، «اجتهاد، توسعه، مسائل زنان»، *فصلنامه ندای صادق*، شماره ۲۶ و ۲۷.

۳۷. هدایت‌نیا، فرج‌الله، (۱۳۹۶)، *الگوی سوم: الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه*، تهران: سازمان بسیج جامعه زنان کشور، انتشارات لشکر فرشتگان.

۳۸. یاری، یاسمن، (۱۳۹۴)، «حقوق اجتماعی زن در اندیشه قاسم امین»، *فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی*، دانشگاه تهران، شماره ۱۲.

تحلیل رویکرد زنان غربی به گفتمان اسلامی

با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

طاهره محقق^۱

چکیده

عصر فناوری و توسعه فضای مجازی موجب گسترش جهانی اسلام و رویکرد مهم بسیاری از زنان غربی به این گفتمان به‌ویژه تحت تأثیر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی شده است. «نظریه الگوی سوم زن مسلمان» و «عرضه فعالیت او» و «نقشه جامع هویت زن در اسلام» از مهمترین نظریات ایشان است که به‌صورت تهاجمی، به بیان وضعیت تأثیر برانگیز زن غربی از قرون وسطی تا عصر حاضر به‌جای شیوه‌های دفاعی رایج پرداخته و بر پذیرش اسلام از سوی جهان غرب، خصوصاً بانوان غربی تأثیر به‌سزایی داشته است.

هدف این پژوهش توصیفی و تحلیلی، انتخاب بهترین راه‌های تأثیرگذاری، جذب و رفع مشکلات، جهت چیرگی نظام دینی در تقابل ایدئولوژی اسلام و فرهنگ غرب، و نمایاندن اصالت و قدرت فرهنگ و تمدن دینی بوده و دستیابی به راه‌حل‌های جامع برای اغنای اذهان طالب حقیقت و تسریع ارسال محتوا و پیاده‌سازی الگوریتم دکترین اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از ضرورت بسیار بالایی برخوردار است. نهایتاً درمیابیم جهت ارائه مؤثر گفتمان پایدار اسلام ضمن فراگیری زبان‌های مختلف و استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، باید با راهکارهایی مانند شیوه‌ی چند بعدی و تهاجمی آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی، به آگاه‌سازی و روشن کردن اذهان و برطرف کردن شبهات پرداخت.

واژگان کلیدی: زن غربی، گفتمان اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، الگوی سوم زن، فمینیست.

۱- سطح چهارم فقه خانواده، حوزه علمیه رفیعه المصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، تهران، ایران، پژوهشگر مرکز پژوهشی مطالعات زن و

خانواده اسلام شناسی، حوزه علمیه خراسان، ایران / taherehmohagheghi@yahoo.com

طرح مسأله

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، شاهد ظهور اسلام در غرب و استقبال بالای جوامع غربی به ویژه زنان غربی به گفتمان اسلامی هستیم. با وجودی که آمار دقیقی از وضعیت گرایش به اسلام به خصوص در غرب در دست نیست، اما طبق برآوردی که از آمار سایت‌های مختلف پژوهشی به دست می‌آید، آمار گرایش به اسلام در غرب رو به افزایش بوده و حدود ۷۰ درصد از تازه مسلمانان غربی را زنان تشکیل می‌دهند. طبق پژوهشی از بین ۱۰ منبع آماری، مسلمانان فرانسه حداکثر ۵۹۸۰۰۰۰ (حدود ۹/۸٪) و جمعیت شیعیان حداکثر ۳۵۸۸۰۰ (حدود ۰/۰۶٪) و حد اکثر جمعیت مسلمانان در ایالات متحده آمریکا از بین ده منبع، ۶۰۰۰۰۰۰ (حدود ۰/۲٪) نفر و حداکثر جمعیت شیعیان ۹۰۰۰۰۰ نفر (حدود ۰/۳٪) شمارش شده است (تقی‌زاده، محمود، ۱۳۹۸، ص ۹۲ و ص ۱۷۳).

در این میان جایگاه شناخته شده علمی و عملی آیت‌الله خامنه‌ای، در تبیین مبانی تمدن اسلامی و قوانین والای گفتمان اسلام پیرامون زنان، و دکترین منظومه فکری ایشان که طرحی راهبردی برای مقاصد عملیاتی و جهادی می‌باشد بسیار برجسته، مهم، مؤثر، فرامرزی، فرادینی و نوپدید است که موجب گرایش بالای زنان غربی به اسلام خصوصاً در زمان ما و پاسخی عملی به شبهات ضد زن بودن اسلام می‌باشد. راهبرد عملی آیت‌الله خامنه‌ای، تهاجم به رفتار غرب در قبال زن و تعریف فرهنگ اسلام در خصوص زنان به عنوان انسان‌هایی با کرامت در جایگاه دختری، مادری، و همسری می‌باشد. مقایسه توجه بالای اسلام به جایگاه انسانی و حقوق زن با وضعیت بسیار اسف‌بار زنان غربی، قبل و بعد از رنسانس و حتی پس از انقلاب‌های رنگارنگ فمینیستی، گویای حقیقت این گرایش بالا در بین زنان غربی می‌باشد که با فرهنگ غرب زندگی کرده و آن را با تمام وجود تجربه کرده‌اند. اسلام احترام و کرامت واقعی را به زن هدیه کرده که تاریخ غرب همواره از آن همواره بی بهره بوده است. در تاریخ گذشته غرب با زن مانند موجودی پست‌تر از حیوان برخورد می‌شده و اکنون به بهانه آزادی و عدالت و تساوی، زن تبدیل به کالایی برای سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران و هوسبازان شده است.

زن غربی که نه در خانواده و نه در اجتماع هیچ حقی نداشت، با وجودی که پس از قرن ۱۹، و ایجاد جنبش‌های احقاق حقوق زنان (فمینیسم) پی به حقوق انسانی خود برده هنوز پس از گذشت سال‌ها تلاش و ایجاد تغییرات بسیار در این عرصه، هرگز به آرامشی ماندگار دست نیافته است.

«در قرن بیستم برای اولین بار مسأله «حقوق زن» در برابر حقوق مرد عنوان شد. انگلستان، قدیمترین کشور دموکراسی فقط در اوایل قرن بیستم برای زن و مرد حقوق مساوی قائل شد. دول متحده آمریکا، در سال ۱۹۲۰ میلادی قانون تساوی زن و مرد را در حقوق سیاسی تصویب کردند... فرانسه در قرن بیستم تسلیم این امر شد» (مطهری، مرتضی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۲).

اما این قوانین جعلی، زن غربی را از چاله تبعیض جنسیتی به چاه فروپاشی خانواده و بردگی جنسی کشاند. مواجهه زنان غربی در عصر تکنولوژی و ارتباطات، با گفتمان دین اسلام در حوزه زن و خانواده با بیانی جدید از سوی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، موجب دست یافتن به حقیقتی ملموس و تحولات فرهنگی بسیار و گرایش بسیاری به دین مبین و نجات بخش اسلام شد.

هدف اصلی این پژوهش ارائه راهکارهایی جدید جهت تقویت جریان معنوی صدور الگوی جهانی تمدن اسلامی و گسترش اندیشه‌های مؤثر اسلامی مانند نظریات خاص آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، بین جوامع غیر مذهبی و احیاناً سکولار و گاهاً پیشرفته در علم و صنعت و تکنولوژی می‌باشد. رکن اصلی تمدن اسلامی، ایمان توأم با مجاهدت خالصانه می‌باشد. بر رای رسیدن به این هدف والا، وجود راهکاری ترکیبی با استفاده از شیوه‌های تبلیغ قدیم و جدید رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای و حتی استفاده از هوش مصنوعی بسیار مهم و ضروری باشد.

در طی قرون و اعصار متمادی، شاهد سکوت مجامع جهانی در برابر ظلم و تعدی آشکار حکومت‌ها و قدرت‌های بزرگ هستیم که علاوه بر محیط استبدادی و خفقان حاکم، رواج فرهنگ ابتذال، مانع رشد و بالندگی ملت‌ها شده است. تبلیغات سوء فرهنگی تحت تأثیر نفوذ برخی علمای مسیحی و یهودی که با کتمان حقایق و جعل روایات منابع دینی، اذهان مردم متدین مسیحی و یهودی را در جهت منافع سودجویانه خود به گمراهی کشانده‌اند. برای رسیدن به مدینه فاضله جهانی و تمدن اسلامی، باید کلیشه‌های انحرافی ساخته و پرداخته‌ی اصحاب کلیسا و کنیسه را با تبلیغات علمی متقن از بین برد و موجبات طلوع اسلام در غرب را فراهم ساخت.

در پژوهش حاضر به دنبال پاسخی برای پرسش‌های زیر هستیم:

۱. پرسش اصلی این است که در نزاع تمدنی اسلام و غرب، مرکز ثقل گفتمان اسلامی، نهفته در منظومه فکری و اندیشه‌های بزرگانی نظیر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) چیست؟

۲. اندیشه‌ها و نظریات خاص آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در باره زن چیست که موجب گرایش برخی از زنان غربی به گفتمان اسلام شده است؟
۳. عوامل مؤثر گریز برخی زنان غربی از زندگی زیبا و رفاه موجود در غرب چیست؟
۴. روش‌های تبلیغی جدید و نقاط قوت و ضعف در این مسیر چگونه ارزیابی می‌شود؟
۵. این پژوهش چه نتیجه و فوایدی دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای با توصیف وضعیت موجود و گذشته زنان غربی ناشی از دیدگاه آنان و مقایسه آن با دیدگاه اسلام نسبت به زن و با توجه به نظریات و ادبیات نوگرایانه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و دیدگاه برخی دیگر از پژوهشگران اندیشمندان اسلامی مانند شهید مطهری و مقالات و کتب مختلف به تحلیل علل رویکرد برخی زنان غربی به گفتمان اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی پرداختیم. به همین جهت چون مبنای تحلیل ما، تأکید بر منظومه فکری و اندیشه‌های راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی بود، بیشتر مطالب از آثار، کتب و سخنرانی‌های ایشان و آثاری که پیرامون اندیشه‌های ایشان مکتوب شده انتخاب شد.

همچنین برای اثبات ادعای خود مبنی بر گرایش بالاتر زنان غربی به اسلام در مقایسه با مردان، نیاز به رجوع به جامعه آماری موثق نیاز داشتیم که به جهت عدم وجود آمار جدید و دقیق بین‌المللی و موثق، به آمار بیان شده در سال‌های اخیر اکتفا شد.

تحلیل مذکور شامل دو مورد زیر می‌باشد:

الف) تحلیل گفتمان اسلام و غرب در باره زن از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی و بیان ویژگی‌های خاص تأثیرگذار نظریات ایشان که به هنگام مواجهه افراد با آن که موجب بالا رفتن تأثیر می‌شود.

ب) بیان برخی از رویکردهای زنان غربی به همراه بیان نمونه‌هایی از زنان غربی تازه مسلمان که با گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی مواجهه داشته‌اند.

الف. مواجهه اسلام و غرب در زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): مواجهه‌ی دو تمدن اسلام و غرب دارای پیشینه‌ی بسیار طولانی و سبقه‌ی آن به زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ارسال نامه‌ها و سفیرانی به اقصاء نقاط عالم خصوصاً ایران و روم می‌رسد.

«او (حذیة بن خلیفه کلبی انصاری) کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را به عنوان فرستاده‌های در مورد آتش بس به نزد قیصر فرستاد، و آن در سال ششم هجری بود» (قرطبی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۴۶۱).

ب. مواجهه اسلام و غرب پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، رومیان کم و بیش در میان مسلمانان حضور داشتند. مهمترین این مواجهه بین غربیان و مسلمانان نهضت جنبش اقتباس است که موجب انتقال آثار علمی و فرهنگی تمدن‌های غیرعربی به عالم اسلام از میانه سده دوم تا اواخر سده چهارم شده است.

«در طول این نهضت شماری از آثار اصلی تمدن‌های یونان و ایران و مصر و هند به عربی ترجمه شد که بیشتر در زمینه‌های طب، ریاضیات، نجوم، فلسفه و آیین کشورداری بود» (د. اسلام، ۱۹۴۵، ج ۱۰، ص ۲۲۹-۲۳۱).

مواجهه دو تمدن اسلامی و غربی، که عامل اساسی نفوذ فرهنگ غرب به درون جوامع اسلامی و تأثیر گفتمان اسلامی بر جوامع غربی و ظهور اسلام در غرب شده است سه نقطه عطف دارد.

«مواجهه دو تمدن اسلامی و غربی دارای سه نقطه عطف است: ۱. در قرن هفتم میلادی در چارچوب نهضت ترجمه، ۲. وقوع جنگ‌های صلیبی از اواخر قرن یازدهم تا اواخر قرن سیزدهم و ۳. عصر استعمارگری از سده‌های هجدهم به بعد... رویارویی دو تمدن اسلام و غرب سابقه‌ای طولانی دارد که به طور ویژه آغاز این مواجهه در نهضت ترجمه خودنمایی می‌کند. به نظر می‌رسد تحولات قرن هجدهم به بعد، ابعاد هویتی جدیدی برای تمدن مسلمانان در پی داشته است» (هاشمی اصل و توانا، ۱۴۰۲، ص ۷۶-۷۷).

ج. مواجهه اسلام و غرب پس از انقلاب اسلامی ایران: مهمترین این مواجهه‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و عصر تکنولوژی و پیشرفت علوم، خصوصاً پیشرفت علوم رسانه‌ای و حذف مرزها توسط فضای مجازی می‌باشد. در این فضا گرایش غربیان به گفتمان اسلامی کاملاً مشهود و ظهور تمدن واحد توحیدی کاملاً ملموس است.

پیشینه شناسی

مقالات و آثار متعددی پیرامون موضوع هم بررسی شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. محمد رحیمیان، عباس کشاورزی شکری و یوسف ترابی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و نقش آن در تمدن سازی

نویسن اسلامى»، مى‌نويسد: آيت‌الله خامنه‌اى (مدظله‌العالى) به سرمايه‌هاى اجتماعى توجه خاصى داشته و در بيانات خود يکى از خلاهاى موجود در جامعه را نبود مؤلفه‌هاى سرمايه اجتماعى شامل: اعتماد، همبستگى و مشارکت اجتماعى مى‌داند. بنا بر اين توجه به مشروعيت مردمى نظام به خوبى مى‌تواند تحقق بخش تمدن نوين اسلامى باشد. نويسنده در پايان مدلى مفهومى از گفتمان ايشان استخراج نموده و تأثير آن بر تمدن سازى نوين اسلامى را توضيح مى‌دهد.

مرتضى اکبرى و فريدون رضايى (۱۳۹۴)، در مقاله‌اى با عنوان «واکاوى شاخصه‌هاى تمدن نوين اسلامى در اندیشه مقام معظم رهبرى». به عقیده نويسنده؛ از منظر مقام معظم رهبرى (مدظله‌العالى) منشأ ظهور بيدارى اسلامى و حرکت نوين اسلامى برگرفته از آرمان‌هاى انقلاب اسلامى در منطقه و جهان مى‌باشد، و چنين تمدنى مى‌تواند با محوريت معنويت، قرآن، ايمان، علم، مجاهدت و حکومت مردم به عنوان يک الگو معرفى شود.

محمدرضا بهمنى (۱۳۹۳)، در مقاله‌اى با عنوان «تمدن نوين اسلامى در اندیشه آيت‌الله خامنه‌اى (مدظله‌العالى) (چيستى و چرايى تکامل تمدنى جمهورى اسالمى ايران)» تمدن نوين اسلامى را نظريه خاصى مى‌داند که به طور مشخص توسط حضرت آيت‌الله خامنه‌اى (مدظله‌العالى) تشریح شده و مى‌تواند نقطه اوج شکوفايى تمدن اسلامى در دوره جديد باشد.

نويسنده با بررسى امکان يا امتناع تمدن نوين اسلامى؛ چيستى تمدن نوين اسلامى، نحوه ايجاد و تکوين تمدن نوين اسلامى، پيشنيازهاى شکل‌گيرى تمدن اسلامى، مراحل تکوين تمدن اسلامى و الزامات رسيدن به تمدن اسلامى را بيان مى‌نمايد.

حسن نورمانى و غفار زارعى و امين روان بند، در مقاله «نقد تمدن نوين غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامى با تاکيد بر آراء آيت‌الله خامنه‌اى (مدظله‌العالى)» با طرح اشکالات تمدن غربى به بيان رويکردهاى تمدن اسلامى پرداخته است.

پژوهش‌هاى مذکور در بررسى موضوع گفتمان غرب و تمدن اسلامى و دکترين اندیشه‌هاى آيت‌الله خامنه‌اى (مدظله‌العالى) به عنوان نظريه پرداز اصلى تمدن نوين اسلامى، با پژوهش حاضر همسو هستند.

اما، بيان رويکرد «زنان غربى» در مواجهه با دکترين اسلامى اندیشه‌هاى آيت‌الله خامنه‌اى (مدظله‌العالى) رويکردى نو مى‌باشد. دکترين اعم از منظومه فکرى راهبردى است چرا که به اندیشه اکتفا نکرده و به منظور رسيدن به مقاصد عملياتى مطرح مى‌شود، و همين نقطه مرکزى نوآورى در اندیشه ايشان مى‌باشد.

۱. چارچوب نظری گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) از تأثیر گذارترین رهبران دینی و سیاسی معاصر، جامعه‌شناس بزرگ و نظریه‌پرداز دانشمند، صاحب نظریات دقیق و علمی منطبق بر مبانی و حیاتی اسلام در چارچوبی منسجم و منطقی می‌باشند. ایشان با بیان گفتمان دین اسلام در حوزه زن و خانواده و نظریاتی همسو با فطرت پاک الهی، مانند نظریه «الگوی سوم زن» و تشریح نقش زن در خانواده و جامعه اسلامی و نقد الگوی غربی زن و عواقب و عوارض آن که برای زنان غربی کاملاً ملموس می‌باشد، موجب گرایش بسیاری به سوی دین مبین اسلام، در مواجهه با این رویکرد و گفتمان شدند.

در چارچوب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، تسلیم محض و پذیرش کامل تمدن غرب خطرناک بوده و اجرای نظمی که آنها ابراز می‌کنند و توقعاتی که برای اداره جهان دارند، تحت عنوان نظم نوین جهانی که فرهنگ غربی بر آن مستولی می‌باشد، را موجب وابستگی اقتصادی و نظامی و عقب ماندگی از طرفی و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های دینی و انتقال شکاکیت و تردید در میان نسل جوان از طرف دیگر می‌دانند. ایشان نفی غرب را به معنای نفی سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب می‌دانند، نه نفی کامل فن آوری و علم و پیشرفت و تجربه‌های غرب.

به نظر ایشان تمدن غربی مجموعه‌ای از دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی است که بر مبنای گفتمان اسلامی، انتقادات مهمی بر آن وارد است مانند: سیطره علوم تجربی و اثباتی، جدایی ارزش‌ها از علوم، سکولاریسم سیاسی اقتصادی و سرمایه‌محور و حقوق بشر سکولار، در حالی که گفتمان اسلامی ایده‌ای متقن برای تمدن نوین اسلامی در کل جهان می‌باشد.

در اندیشه نظری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، گفتمان اسلامی در قبال گفتمان غربی حالت تهاجمی دارد نه حالت تدافعی، چرا که سابقه تعامل این فرهنگ در قبال زنان، سابقه‌ای پر از خشونت و به دور از حقوق انسانی بوده و اکنون هم که داعیه‌دار حقوق بشر هستند، جز تباهی برای زنان و دستاوردی به ارمغان نیاورده‌اند.

۲. ویژگی‌های خاص گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

آشنایی با شهید نواب صفوی موجب جذب افکار نو اندیش آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بوده است. ایشان از سال ۱۳۳۷ در قم، با بصیرت دینی توأم با فکر باز و روشن، اندیشه‌ی ایجاد

دگرگونی اجتماعی و توجه بالا به نوسازی حوزه را در ذهن می‌پروراند. ایشان در خاطرات خود در کتاب «خون دلی که لعل شد» به دو خط فکری حاکم بر نهضت اسلامی یعنی خط مقابله دینی با دستگاه حاکم که دچار تحجر و جمود فکری بودند، و خط آگاهی بخشی و بیدارگری اشاره می‌کنند که افرادی با افکار روشن در زمینه اسلام و در نهضت اسلامی ایران، دین را با زبان روز به جامعه عرضه و با کج‌روی‌های فکری مبارزه می‌کردند و تعامل این دو خط را تشکیل دهنده روند تکاملی حرکت به سمت اسلام در ایران می‌دانند.

«در آغاز نهضت امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) در سال ۱۳۴۲ با آنکه ایشان خود پیشگام عرصه‌ی بیدارگری فکری بودند، اما عامل «مقابله» در نهضت برجستگی داشت.... پس از آنکه روحیه‌ی مقاومت دینی در جامعه محکم و استوار شد و نهضت توانست به سمت ارائه‌ی نظریه‌ی اندیشه‌ی اسلامی به نحو مطلوب پیش برود، متحجران عقب ماندند؛ اما کسانی که بصیرت دینی داشتند و از فکر باز و روشن بهره‌های داشتند، در مسیر نهضت ماندند.... من از اندک افراد معدودی بودم که در همه‌ی لحظات نهضت، هر دو خط را باهم آمیختم و به این ویژگی معروف بودم. در تمام زندگی مبارزاتی خود، همواره هر دو خط «مقاومت» و «روشنگری» را باهم ادامه دادم و... نهایت سعی من این بود که دین را چنان که خدای متعال خواسته، به‌عنوان روشی برای رفتار عملی، و برنامه‌های برای زندگی، و تغییری مستمر به‌سوی کمال مطلوب بفهمم و ارائه کنم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۵۶).

از دیگر ویژگی‌های ممتاز آقا سیدعلی، علاوه بر امامت مسجد، تدریس و سخنرانی و تجربه زندان سیاسی و تبعید و سفرهای متعدد، پابندی به کار تشکیلاتی بوده که یکی از ارکان تأثیرگذاری روی مخاطبان می‌باشد. از جمله فعالیت‌های تشکیلاتی ایشان، در سفر تبعید به ایرانشهر، ارتباط با اهالی و اطراف شهر و حتی ایجاد روابط صمیمی با علمای اهل سنت، و تلاش جهت یافتن نقشه‌ای عملی برای رفع موانع ذهنی میان شیعیان و اهل تسنن می‌باشد. که این تجربه‌ی بسیارعالی جهت جذب افراد و شعب مختلف به سمت اندیشه‌ها و گفتمان خاص معظم‌له بوده‌است. پس از انقلاب به عرصه‌ی کارهای اجرایی وارد شده و با دغدغه‌مندی فراوان به فعالیت مشغول شدند. ورود نظریه‌پردازی بزرگ و انقلابی، با ویژگی‌های ممتاز نه تنها در داخل ایران بلکه در خارج از کشور خصوصاً در میان کشورهای اروپایی موجب جذب و رویکرد بسیاری به انقلاب و حتی گفتمان اسلامی شد.

دشمن‌شناسی این فقیه سیاستمدار فعال و روشنفکر شجاع و کار آزموده در دو جبهه‌ی فرهنگی و اجتماعی و تاریخ‌شناس مسلط و جامعه‌شناس متبحر اصحاب فکر و علم عالم را حیران خود کرده است. جذب انسان‌های عامی و معمولی بارقه‌ای کوچک از جاذبه‌ی الهی ایشان می‌باشد.

۲. **گفتمان اسلام در باره زن در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)**

با ظهور اسلام، تحول شگرفی در همه جوانب زندگی بشر اعمال شد. از جمله بیان قوانین متعالی اسلام توسط وحی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، با ایجاد تحولی عظیم در زندگی زنان، بیانگر دیدگاهی بسیار مترقی بود که می‌توان ادعا کرد با وجودی که این تغییرات در زندگی اعراب جاهلی بسیار محسوس و ملموس بوده، اما اصل اعجاز قوانین متعالی اسلام در عصر حاضر که عصر حقوق بشر نامیده شده است، آشکار شده است. حقوق بشر امروزی پرچمی رنگارنگ و پر ادعا، اما پر آسیب می‌باشد. البته همانطور که بیان شد، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) یک جانبه قضاوت نکرده و مزایا و محاسن فرهنگ و قوانین امروزی را هم بیان می‌کند. اما حقیقت تلخ این است که شعار تساوی حقوق زن و مرد در عمل تباهی بسیاری برای خانواده و جامعه به دنبال دارد. مسیر جوامع لیبرالیسم و اومانیسم و... و هر جا که از فرهنگ دین اسلام به دور است، به سوی تبدیل انسان‌ها به موجوداتی بی اراده و مصرف‌گرا و سوق دادن آنها از گرایش‌های عاقلانه و خدایستدانه به سوی گرایش‌های هوسبازانه و به دور از عقل انسانی می‌باشد. آرزوی تغییر جنسیت، تغییر جایگاه مادری و باروری و بذل عواطف از زنان به مردان و مردان را از جایگاه قدرت که لازمه خلقت آنها هست و فتوت خدادادی که در سرشت آنها نهفته، سقوط دادن به جایگاهی سست و پست و در وادی اوها م عشق‌های مجازی سرگرم کردن و تغییر مشاغل لطیف زنانه به مشاغل سخت و به دور از روح و جسم زنان در برخی و رواج بی بند و باری و سرگرم کردن تعدادی به عشق‌بازی‌های کاذب جهت رواج زندگی مصرف‌گرایانه و سرگرم کردن انسان- اشرف مخلوقات- در تمام عمر به دنبال زر اندوزی و اشرافی‌گری و لهو و لعب و... از عوارض وخیم زندگی انسان عصر حاضر در پرتو حقوق بشر امروزی می‌باشد. اما آنچه اسلام برای انسان تا آخر دنیا برنامه ریزی کرده، قوانین متعالی است که در پرتو آن انسان زندگی سالم و به دور از هرگونه دغدغه را تجربه کرده و در نهایت در قبال وفای به عهد الهی به فوز عظیم لقاء الله و زندگی ابدی در بهشت می‌رسد که انتهای زندگی دنیایی انسان را بی‌انتهایی جاودان و متنعم متصل می‌کند. در اسلام هر موجودی حق و حقوق دارد و بر دیگران حفظ آن حقوق واجب می‌باشد. انسان از زمانی که به سن قانونی می‌رسد، خود را در مقابل خدای متعال موظف به رعایت همه

تکالیف واجب و مستحب و پرهیز از اعمال حرام و مکروه می‌داند. ادیان الهی همگی، در کنار اعمال قوانین ضروری و کیفری، با فعال کردن محافظ درونی ایمان و اخلاق، در ضمیر ناخودآگاه انسان‌ها، گامی بسیار مؤثر در حفظ حقوق بشر و ساختن مدینه فاضله دینی برداشته‌اند. توجه به زن و حقوق او در همه ادیان، مطرح بوده و اهمیت داشته است. البته پیش از اسلام این موضوع مانند بسیاری از مطالب دینی تحریف و کتمان شده است. قرآن کریم با ذکر قصصی از دختران شعیب نبی و جریان حضرت زکریا و حضرت مریم و.. اشاراتی به این مطلب مهم دارد.

خداوند متعال در قرآن کریم همسر فرعون را الگویی برای همه مردان و زنان مؤمن معرفی می‌کند و در عین حال مرتب انحرافات را که در اثر عدم توجه جوامع به قوانین دینی در باره زن و مسائل مختلف مربوط به او مثل بی‌عفتی و عواقب سخت ناشی از آن بیان کرده و هشدار می‌دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانات متعدد با ذکر و تشریح گفتمان مرفعی اسلام و تطبیق آن با گفتمان غرب، توجه همه انسان‌های آزاده و صاحب‌خرد سالم انسانی را به میدانی پرچالش دعوت کرده است. بیانات ایشان در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی، گفتمان اسلام در باره زن را حقیقی نامیده و می‌فرمایند:

«گفتمان اسلام «زن حقیقی» است؛ این گفتمان را بایستی ما به صورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. اگر غربی‌ها گفتند که شما چرا به زن برای این که بتواند بی‌حجاب بگردد آزادی نمی‌دهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضر و دهشتناک را می‌دهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱، الف، ص ۱۷۹).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) گفتمان اسلام در مورد زن، بیان نیازها و خصوصیات انسانی است که به دلیل ویژگی‌های خاص خود قوانینی متفاوت از مردان را می‌طلبد که از نظر تکوینی و تشریحی همه به نفع او می‌باشد.

همه شبهات پیرامون قوانین اسلام در مورد زنان با عقل سلیم قابل پاسخگویی می‌باشد. اسلام زن را ریحانه و پاک و لطیف می‌داند که در برابر ناملازمات صدمه پذیراست و باید از ابتدای خلقت با توجه خاص مراقبت شود، نه قهرمانه و موجودی خشن که دیگران به خود اجازه هر گونه تعرضی به او بدهند. در دین اسلام پدر به هنگام تولد دختر مراقبی دلسوز و موظف در نگهداری دختر می‌باشد. پس از ازدواج، همسر علاوه بر مهر ورزی و ابراز محبت، موظف به تأمین نفقه زوجه می‌باشد. از منظر اسلام بهشت زیر پای زنی است که مادر شده است. آیت‌الله

خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار اقشار مختلف بانوان در مورد تساوی بین زنان و مردان در اسلام چنین می‌فرماید:

«... اسلام در ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، «انسان» را مورد نظر دارد؛ زن و مرد هیچ خصوصیتی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ تساوی زن و مرد در زمینه‌ی ارزش‌های انسانی و اسلامی جزو مسلمّات اسلام است؛ در این هیچ تردیدی نیست. در آیه‌ی قرآن این‌جوری می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ؛ ده خصوصیت عمده را ذکر می‌کند برای مرد و زن، که همه [در اجر] یکسانند: أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (احزاب، ۳۵). نگاه اسلام این است. یا در یک آیه‌ی دیگر [می‌فرماید]: أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»؛ (آل عمران، ۱۹۵) تفاوتی ندارند. یعنی از لحاظ ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست» (خامنه‌ای، ۱۴/۱۰/۱۴۰۱، ص ۴۱).

۱-۲. نظریه الگوی سوم زن

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) چونان جامعه‌شناسی بین‌المللی، با تعبیری بسیار دقیق زن مسلمان را صاحب الگویی مجزا از زن غربی و شرقی می‌دانند. عنصری بسیار فعال و هوشمند و دارای نقشی بسیار حساس و دقیق، که دین مبین اسلام، از ابتدای خلقت تا آخر عمر، به او نگاه ویژه‌ای داشته است چه در جایگاه مادری، و چه زمانی که دختر یا خواهر است. ایشان در پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور»، زن مسلمان را الگوی سومی برای همه بانوان عالم معرفی می‌کنند. «زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، بمثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، ص ۵۳). به نظر ایشان؛ زن مسلمان دارای حقوق متنوعی هست که بالاترین آن حق

کرامت الهی است، که نه در شرق و نه در غرب هرگز رعایت نمی‌شود. به برکت حکومت اسلامی زن مسلمان ایرانی بعد از زنان مجاهد صدر اسلام، معلم ثانی برای زنان جهان می‌باشد. مواجهه زنان غربی با افکار و ایده‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و تشریح گفتمان اسلام و تطبیق آن با گفتمان غرب، و بیان مقوله‌ی تاریخی و چالش برانگیز زن غربی، و وضعیت اسف بار کنونی زن در غرب از عوامل بسیار مهم در رویکرد بسیاری از زنان غربی به اسلام بوده است. زن غربی تازه فهمیده تحت عنوان آزادی چه ظلمی در حق او شده است و حقوقی که اکنون زنان غربی پس از تلاش‌های بسیار به دست آورده اند بسیار کمتر و ناقص تر از حقوقی است که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل به زن داده است. این رویکرد به وسیله آشنایی با کتب و آثار و سخنرانی‌ها و نظریات خاص و ناب ایشان توسط تبلیغ مبلغان دینی و فضای مجازی و راه‌های دیگر صورت پذیرفته است. از آنجایی که یکی از مهمترین علل رویکرد زن غربی به گفتمان اسلامی متأثر از نظریات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، نفس گفتمان غرب درباره زن و تجربه تلخ تاریخی زن غربی در غرب باستان و غرب متجدد در باره زن است، ابتدا گفتمان غرب در مورد زن بررسی می‌شود.

۳. گفتمان غرب در مورد زن

برای پی‌بردن به گفتمان غرب در مورد زن، ضرورت دارد گفتمان قدیم و جدید غرب درباره زن را بررسی کرده و با گفتمان اسلام درباره زن از ابتدای ظهور اسلام تاکنون مقایسه کنیم. تمدن یونان باستان (مهد دموکراسی و هنر)، امپراتوری روم باستان، زن از دیدگاه مسیحیان و یهودیان، انقلاب رنسانس و جریان فمینیسم یعنی برجسته‌ترین نمادهای گفتمان تمدن غرب را بررسی کنیم.

۱-۳- یونان باستان

زن در یونان باستان عنصری طفیلی و فاقد قوای کامل بشری و روح جاوید انسانی که برای تولید مثل و ارضای شهوت مردان ساخته شده، بود.

به عقیده آن‌ها زن سرچشمه‌ی بدبختی‌ها و مشکلات، ذلیل و پست و پاک نشدنی و زاده‌ی شیطان است و حق ندارد پس از مرگ همسرش زندگی کند.

ارسطو یکی از مهمترین فیلسوفان یونان باستان و اولین زیست‌شناس بزرگ اروپایی، با وجودی که قائل به رابطه جدانشدنی و اشتراک مساعی بین زن و شوهر هست، زن را بهره‌مند و ابزار تولید مثل و دارای جنس پست و درجه دوم و ناقص و تحت تسلط مرد و شوهر را بهره‌ساز

و جنس اول و برتر و مؤثر می‌داند. او عقیده دارد نطفه مرد منشأ روح و نطفه زن منشأ جسم است. او زن را با یک مرد عقیم برابر و او را ناقص الخلقه و وجودش را فقط برای تولید مثل و خانه داری ضروری می‌داند که اگر این وظیفه طبیعی را نداشت هرگز وجودش احتیاج نبود.

«بنابر باور ارسطو، عده بسیاری موظف هستند که لوازم زندگی و اسباب راحتی را برای عده کمی که به «کارهای واقعی انسان» می‌پردازند، مهیا کنند.... طبقات مختلف مردم به طور اعم و زنان به طور اخص، وظیفه دارند که با کارهای جسمانی خود، لوازم مناسب زندگی را برای علما و نخبگان که سکان هدایت و رهبری جامعه را در دست دارند، فراهم نمایند» (هاشملو، ۱۴۰۰، پاراگراف ۲).

۲-۳- روم باستان

زنان در روم وضعیتی بسیار اسف بار داشته و هیچ جایگاه خانوادگی و اجتماعی نداشتند. آنان هم زن را سمبل و مظهر تام شیطان و از ارواح موزیه می‌دانستند. و عقیده داشتند:

«زن مظهر انحراف عقل‌ها و مغزهاست و به همین خاطر از آزار دادن زن خودداری نمی‌کردند و او را از خندیدن و سخن گفتن منع می‌کردند. زنان رومی در حقیقت اشخاص به شمار نمی‌رفتند. بلکه جزو اشیاء بودند و پس از مرگ مانند اشیاء به ارث برده می‌شدند» (هاشملو، ۱۴۰۰، پاراگراف ۱۴).

۳-۳- زن در آیین مسیحیت و یهودیت

در جوامع کلیسایی قرون وسطی زن را مظهر شیطان، عامل وسوسه‌ها، همه‌ی پلیدی‌ها، نیرنگ‌ها و حيله‌گری‌ها و دامی در راه صید دل‌ها و عقل‌ها و عامل فقرها و انحراف‌ها و مایه‌ی اصلی هبوط آدم و گرفتاری او می‌دانستند.

«زنان در کلیسای قرون وسطا اجازه‌ی این‌که به مردان چیزی بیاموزند یا بر آنان مسلط شوند را نداشتند. این نگاه حتی کمتر از یک قرن پیش اثر ویرانگری خود را داشت... تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دادند» (هاشملو، ۱۴۰۰، پاراگراف ۲۱)!

بدبینی نسبت به زنان به حد و میزانی بود که دستگاه روحانیت مسیحی برای به دور ماندن از آلودگی‌ها و انحرافات، و نیز پاک و مقدس بودن ازدواج نمی‌کردند و این اندیشه تا به امروز هم در بین آنان رایج و معمول است. در آیین مسیحیت با وجود ادعای قداست برای زن و آزادی

انتخاب همسر، شاهد همان جو حاکم غیر انسانی و اندیشه‌هایی هستیم که زن را موجودی ناقص و برده و کنیز مرد می‌داند که وسوسه گر و همکار شیطان عامل فریب آدم می‌باشد.

«درمهم‌ترین بخش از عقاید کلامی مسیحیت (عقیده تثلیث) این باور وجود دارد که: خداوند از روح خود در مریم عذرا دمید و جنین عیسی (علیه السلام) در رحم مادرش جان گرفت؛ به عبارت دیگر، روح عیسی از خدا و جسم او از مادرش بوده است. بدین صورت خداوند مرد را از جنس خود که روح بوده، آفرید؛ اما آفرینش زن، تن‌ها از جسم مایه گرفته شده است» (هاشملو، ۱۴۰۰، پاراگراف ۱۵).

شخصیت‌های بزرگ مسیحی هم دیدگاهی بسیار نازل نسبت به زنان داشتند. «پولس» پیام رسان مسیح و بنیان‌گذار الهیات مسیحی که مسیحیت را به عنوان یک دین مستقل از یهودیت مطرح کرد، زن را از مرد می‌داند. «هانری هشتم» پادشاه انگلستان حکمی صادر کرد که بر طبق آن زنان، دزدان و ارواح خبیثه حق نداشتند کتاب مقدس را لمس کنند. «رابرت فیلمر»، نظریه پرداز سیاسی انگلیسی، پدرسالاری را تنها رابطه قدرت مشروع در جهان، هم در سطح خانواده و هم در سطح حکومت می‌دانست.

«ژان ژاک روسو» در دو کتاب «امیل» و «قرارداد اجتماعی»، زن را موجودی فاقد درک و عقل و نالایق برای تربیت کودک و تنها وسیله‌ای برای کسب التذاذ در مرد معرفی می‌کند. «کانت» فیلسوف آلمانی که خود هرگز همسری برنگزید، در کتاب «انسان‌شناسی از دیدگاه عملی» علیرغم اذعان به تساوی زن و مرد، عقیده دارد؛ زن و مرد به طور طبیعی یکسان نیستند و ترسیم ذهنی بسیار منفی نسبت به افکار زنان متشخص و متبرج بیان می‌کند:

«... زنان را می‌توان تنها به عنوان «شهروندان منفعل» به حساب آورد... در ازدواج، شوهر تنها به همسر خویش اظهار عشق می‌کند، در حالی که همسر وی به تمام مردان تمایل دارد. تنها از روی حسودی و خیره ساختن چشم هم جنسان خود، لباس می‌پوشد تا به لحاظ دلربایی و فریبندگی، بر سایر زنان پیشی بجوید... او شناخت زنان را بر اساس هوا و هوس و شناخت مردان را بر پایه خرد می‌داند: «زنان باید سلطنت کنند، ولی مردان باید حکومت کنند؛ چرا که این هوا و هوس است که سلطنت می‌کند و این خرد است که حکومت می‌کند...» (او) وجود زنان دانشمند را منکر می‌شود: «زیرا زن دانشمند از کتاب‌های خود به همان شکل استفاده می‌کند که از ساعت خویش. به عنوان مثال، ساعت خود را صرفاً به این دلیل حمل می‌کند که مردم

بینند که او ساعت دارد، گرچه این ساعت غالباً یا کار نمی‌کند و یا با خورشید تنظیم نشده است» (هاشمی، ۱۴۰۰، پاراگراف ۴۹، ۴۶، ۴۳).

یهودیان هم مانند مسیحیان جایگاه دست چنم و پایین تر از مرد برای زن قائل بودند که مرد حق حکمرانی بر آن‌ها را دارد.

«مرد یهودی هر روز در دعای خود اینگونه نجوا می‌کند: «خدا را شکر که زن آفریده نشده‌ام»، ... مرد می‌تواند دخترش را در ازای قرضی که گرفته است بفروشد اما نباید او را وادار به فحشا کند» (هاشمی، ۱۴۰۰، پاراگراف ۱۶).

شهید مطهری به نقل از ویل دورانت (ترجمه فارسی تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰) در باره قوم یهود و قانون تلمود چنین می‌فرماید:

«اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانکه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ میرشت یا با هر سنخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۹ و ۲۰). شوپن‌هاور می‌نویسد:

«همانطور که برخی حیوانات به یک سری قابلیت‌ها برای دفاع از خود مجهز شده‌اند، زن نیز به فن دروغ‌گویی مجهز است. خلاصه «فریب ذاتی زن است».... زنان نه اصلاً ذوق تئاتر دارند و نه توانایی نقاشی کشیدن.... این قاعده‌ی تک‌همسری قاعده‌ی اشتباه است که در اروپای آن زمان - و البته زمان حاضر - جا افتاده. مرد به چند زن احتیاج دارد و باید چند زن داشته باشد. اصلاً مرد حق دارد که چند زن داشته باشد و این تک‌همسری به ضرر خود زنان هم تمام شده؛ چراکه موجب شده بسیاری از زنان ازدواج نکنند و موهبت داشتن همسر به مثابه‌ی یک محافظ را از دست بدهند. او حتی وجود تعداد زیادی روسپی در سرتاسر اروپا را به همین تک‌همسری نسبت می‌دهد» (هاشمی، ۱۴۰۰، پاراگراف ۱۰۷ بعد).

تا اواسط قرن ۱۹ میلادی یعنی حدود یک قرن پیش، همه دارایی‌های زن، قانوناً ملک مرد بود و چون زن را محجور می‌دانستند نمی‌توانست با کسی قرارداد مالی منعقد کند.

«این حق در سال ۱۸۸۱ میلادی به زنان اعطا شد، و پنج سال بعد به زنان متأهل هم اجازه داده شد تا بدون اجازه شوهر حساب بانکی باز کنند. انگلیس تا سال ۱۹۷۵ چنین اجازه‌های به

زنان نداد و ایالات متحده تا دهه ۱۹۶۰ زنان را از داشتن حساب بانکی محروم می‌ساخت» (هاشمی، ۱۴۰۰، پاراگراف ۱۴۴).

با انقلاب صنعتی و به دنبال آن انقلاب فمینیستی (جنبش زنان) در غرب، به ظاهر تحولی در وضعیت تأسف بار زن غربی ایجاد شد. ابتدا به زنان حق رأی (برابری حقوقی) داده شد، و سپس موج دوم جریان‌های رادیکال و تند فمینیستی از دهه‌ی ۶۰ به رهبری «سیمون دوپوار» با انتشار کتاب جنس دوم آغاز شد.

این‌ها خواهان آزادی و برابری مطلق و کامل زن و مرد در تمامی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی بودند. عواقب ناگوار این موج به حدی زیاد بود که موجب فروپاشی نهاد خانواده و ترویج همجنس‌گرایی و کاهش ازدواج و افزایش سقط جنین و جنایات و مفسد بسیاری شد. این افول اجتماعی - اخلاقی موجب پدید آمدن موج سوم و رویکرد مجدد به نهاد خانواده در جریان فمینیستی شد که متعادل تر و متأثر از دیدگاه‌های پُست مدرن بود. این جریان معتقد به ارائه الگویی نسبی و با توجه به ویژگی‌های متفاوت جوامع مختلف بود. نقطه اشتراک هر سه جریان تأکید بر آزادی و تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد بود.

با ظهور جریان‌ات فمینیستی، در واقع زن غربی از سلطه مردان در خانواده جست و به دام صاحبان کار و کارخانه‌های جامعه افتاد که علاوه بر نیروی کار ارزان به دنبال تأمین هوسرانی‌های خود هم بودند.

۴. نظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در باره گفتمان غرب

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) با بیانی بسیار ساده و روان گفتمان ظاهر فریب غرب در مورد زن، تحت عنوان آزادی زنان و تساوی آن‌ها با مردان، یعنی جریان فمینیسم را توضیح می‌دهند. ایشان می‌فرمایند: فمینیسم در حقیقت به بهانه آزادی و تساوی حقوق زن و مرد، در حقیقت به دنبال استفاده دو سویه؛ کار مردانه و بهره‌کشی جنسی زنانه از زنان می‌باشد.

«گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبه به مرد قرار دادن، این یک بخش مهم از این گفتمان است؛ یک بخش دیگر هم زن را وسیله‌ی راحتی برای التذاذ جنسی مرد قرار دادن، حالا التذاذ چشمی یا مراحل بدتر و بعدتر از التذاذ چشمی.... این مسأله‌ی فمینیسم و این چیزهایی که امروز در دنیا رایج شده، همه در واقع فرآورده‌های آن گفتمان غربی است که در نهایت کار به اینجاها می‌رسد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱، ب، ص ۲).

بهره‌کشی از نیروی کار ارزان زنان در غرب و مردواره کردن آن‌ها در حقیقت بهانه‌ای برای استفاده از توان کاری ارزان زنان بوده‌است. این حقیقت برای زنان غربی کاملاً ملموس است، گرچه برای زنان جوامع اسلامی سرابی فریبنده بود که به راحتی با شعار آزادی و استقلال مالی و تساوی حقوق و... زنان عقیف مسلمان را به سمت بی‌حجابی و وادی‌های خطرناک آن سوق دادند.

«مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشانند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم.

مسئله‌ی حجاب یکی از مقدمات این کار است، مسئله‌ی پوشش و لباس همین‌جور، مسئله‌ی معاشرت زن و مرد و حدود معاشرت یکی از مقدمات این است که این بلای بزرگ که هم بلای برای زن است و هم بلای برای مرد است - و البته شامل تحقیر زن هم هست، بدون اینکه ملتفت بشوند - سد بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱، ج، ص ۲ و ۴).

امروزه در دنیا به این فرهنگ بی‌ریشه دامن زده می‌شود، و خطر و سراب واهی آن، آنقدر زیاد است که اندیشمندان غربی احساس خطر کرده و مرتب هشدار می‌دهند. جامعه غربی در دریای متلاطمی از زندگی‌های متزلزل و فرزندان بی‌سرپرست و انواع بزه کاری مثل دزدی و جنایت و... که دام‌هایی برای صیادان می‌باشند، در دامنه سقوط دست و پا می‌زند.

«دامن زدن به مسئله‌ی شهوت - که متمرکز بود روی مسئله‌ی زن‌ها؛ و امروز می‌بینید که در دنیا بدتر از این‌ها دارد می‌شود، این مسئله‌ی همجنس‌بازی و همجنس‌گرایی و این ازدواج‌ها و خانواده‌های دو جنس مشابه و مانند این‌ها - این‌ها چیزهایی است که به زبان آسان می‌آید؛ این‌ها چاله‌های عظیم و عمیق و خطرناکی است پیش پای آن تمدن و کسانی که آن تمدن را دارند اداره می‌کنند و پیش می‌برند؛ لغزشگاه عجیبی است، پدر این‌ها را در خواهد آورد؛ حالا این نیمه‌ی راه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱، د، ص ۵).

۵. رویکرد زن غربی در مواجهه با گفتمان اسلامی تحت تأثیر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) رویکرد به طور کلی یعنی نحوه واکنش یا رفتار فرد مقابل وضعیتی است که با آن مواجه می‌شود. هدف در این مقاله بررسی رویکرد برخی زنان غربی به گفتمان اسلامی تحت تأثیر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و علل آن می‌باشد. از جمله علل این رویکرد عبارت است از:

۱-۵. زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی

آنچه که در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در کتاب «دغدغه‌های فرهنگی» بعنوان فرهنگ بیان می‌شود به راحتی علت رویکرد امروز زنان غربی در مواجهه با گفتمان اسلام را معلوم می‌سازد.

«بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است... فرهنگ یعنی ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

با توجه به ذهنیت تاریخی زن غربی قبل و بعد از رنسانس و انقلاب فمینیستی که قبلاً ذکر شد، و جو رایج عصر حاضر در جوامع غربی و تنوع فرهنگی و مذهبی زیاد، به نظر می‌رسد رویکرد زنان غربی نسبت به زنان جوامع دیگر، از انعطاف بیشتری برخوردار است. و این یکی از علل مهم تأثیر فرهنگ اسلام و رویکرد آن‌ها به دین اسلام شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در کتاب «غرب و جهان متجدد» چشم انداز فرهنگی غرب را (علی رغم خصوصیات خوب غیر قابل کتمان در فرهنگ آن‌ها) تحت تأثیر عواملی چون احساس پوچی و ناامنی، ارزش شدن منکرات، جدایی زن از خانواده و پایمال شدن انسانیت، رشد دین و معنویت در جهان، می‌داند و می‌فرماید:

«انگیزه‌ی دینی، توجه به دین، توجه به معنویت، به خصوص توجه به آن بخش مشترک و خالص دین یعنی آن جنبه‌ی معنوی و دلدادگی به معنویت دنیا را پر کرده‌است و روز به روز هم بیشتر می‌شود» (خامنه‌ای، بی‌تا، الف، صص ۱۳۱-۱۳۴).

۲-۵. خصوصیات خوب فرهنگ غربی: برخی خصوصیات خوب فرهنگ غربی یکی از عوامل رویکرد غربیان خصوصاً زنان غربی به اسلام و دین اسلام می‌باشد. از جمله این خصوصیات که آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در کتاب «غرب و جهان متجدد» به آن اشاره می‌کنند «می‌توان به خطر پذیری و ابتکار، سخت کوشی و پشت کار خصوصاً در تحصیل علم،

که در کاشفان و مخترعان می‌توان به وضوح دید چگونه خواب را بر خود حرام کردند تا به هدف رسیدند، همچنین نظم، وقت شناسی و حس احترام اشاره کرد» (خامنه‌ای، بی تا، ب، ص ۳۱ و ۳۲).

۳-۵. **سطح تحصیلات و آگاهی:** زنانی که اطلاعات بیشتری در مورد اسلام و فرهنگ اسلامی دارند، در مقایسه فرهنگ متزلزل غرب با فرهنگ اسلام، مطمئناً رویکرد متفاوتی نسبت به زنانی دارند که کمتر با این موضوعات آشنا هستند. با توجه به افزایش سطح تحصیلات در میان زنان و گسترش فضای مجازی و ارتباطات بین‌المللی، برخی از زنان غربی، در مواجهه با منابع غنی اسلام جذب اسلام شده و این گفتمان را بر همه جاذبه‌های متزلزل غربی ترجیح می‌دهند.

۴-۵. **تجربیات شخصی:** تجربه‌های شخصی زنان غربی در مواجهه با جوامع اسلامی و مسلمانان به وسیله مسافرت به کشورهای اسلامی و یا از طریق رسانه‌ها، و یا مطالعات فردی می‌تواند شکل‌دهنده رویکرد آن‌ها باشد. که برای تقریب ذهن در این جا چند نمونه از تجربیات شخصی ذکر می‌شود:

* دلایل زن تازه مسلمان آمریکایی: «... اولین چیزی که مرا متعجب کرد، این بود که مسلمانان حضرت مسیح را دوست دارند و به او اعتقاد دارند. فهمیدم اسلام یعنی آرامش پیدا کردن و اعتقاد به یگانگی خداوند و اطاعت از دستورات او..... مسلمان همه چیز را برای خدا می‌داند. این می‌تواند انسان را تشویق کند تا نسبت به خود، خانواده، جامعه و تمام جهان احساس مسئولیت کند. اسلام می‌گوید تمام کودکان، پاک و بدون گناه متولد می‌شوند (برعکس مسیحیت).... اسلام به زن هیچ گونه ظلمی نمی‌کند. قرن‌ها قبل، زنان مسلمان حقوقی داشتند که زنان غربی، تازه بعضی از آن‌ها را به دست آورده‌اند. این‌ها دلایل من برای مسلمان شدن است» (rahyaftaha.ir . ۹۸۲۰).

«مریم فرانسوا» بازیگر زن انگلیسی که به دین اسلام مشرف شده است. فرانسوا، حادثه ۱۱ سپتامبر را از عواملی می‌داند که موجب شد وی تغییر عقیده دهد. زیرا پس از این حادثه، موجی گسترده از تبلیغات منفی در مورد اسلام، در غرب به راه افتاد. او می‌گوید: این مسئله، موجب کنجکاوی بیشتر من درباره اسلام شد...»

* خانم «جکلین هارپر» دختر ۲۵ ساله آمریکایی، پیش از گرایش به دین اسلام، از اعضای کلیسای لوتران بوده است. هارپر با پذیرفتن اسلام، این احساس را دارد که در بهترین مسیر زندگی گام نهاده است.

* «دیه گوردرد» جوان تازه مسلمان آمریکایی در رشته هنرهای آزاد دانشگاه سونی نیویورک... از کسانی است که بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، مسلمان و نام «علی اکبر» را انتخاب کرده است. او درباره مسلمان شدن خود می‌گوید: اندیشه‌های غربی با روحیات و افکار من سازگاری نداشت و مرا اقناع نمی‌کرد. در نتیجه در درونم همواره با این افکار در ستیز بودم و به دنبال یک نظام فکری قابل قبول می‌گشتم (rahyaftaha.ir، ۱۷۳۰۱).

۵-۵. **مواضع فمینیستی و لیبرال:** برخی از زنان غربی، به خصوص آن‌هایی که در چارچوب فکری فمینیستی یا لیبرال قرار دارند، ممکن است با دیدگاه انتقادی به برخی از جنبه‌های گفتمان اسلامی که به نظرشان محدودکننده حقوق زن است، نگاه کنند. اما مواجهه با نظریات روشنگرانه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در زمینه حقوق و آزادی زنان، در تغییر اندیشه آنها تأثیر بسزایی دارد. ایشان در کتاب «آزادی» ریشه‌ی آزادی در فرهنگ اسلامی را تکلیف‌الهی و جهان‌بینی توحیدی می‌دانند که ناظر به همه مسائل اجتماعی و فردی می‌باشد. اما ریشه آزادی در غرب خواست و تمایلات انسان است و حد و مرز آزادی را قانون مشخص می‌کند که فقط ناظر به مسائل اجتماعی می‌باشد.

«در غرب.. وقتی که منافع مادی به خطر بیفتند آزادی را محدود می‌کنند... انسان‌ها حق دارند یاد بگیرند؛ اما همین «آزادی» در دانشگاه‌های بزرگ دنیای غربی محدود می‌شود! دانش و فناوری والا قابل انتقال نیست! انتقال فناوری به کشورهای معینی ممنوع است! چرا؟ چون اگر این دانش و این علم انتقال داده شد از انحصار این قدرت خارج شده است و این قدرت مادی و این سلطه به حال خود باقی نخواهد ماند، آزادی مرز پیدا می‌کند...» (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۴ و ۱۵).

۵-۶. **علاقه به معنویت و جنبه‌های عرفانی اسلام:** بخشی از جوامع غربی خصوصاً تعدادی از زنان غربی جذب جنبه‌های معنوی، عرفانی، یا فلسفی اسلام می‌شوند و با رویکردی مثبت و کنجکاوانه آن را گفتمان مترقی می‌شناسند.

۵-۷. **تأثیر رسانه و سیاست:** در گذشته نه چندان دور؛ تصویرسازی وارونه رسانه‌های معاند از اسلام و مسائل مربوط به زنان مسلمان و همچنین سیاست‌های سوء برخی از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، و کتمان حقایق بر جامعه بین‌الملل حاکم بوده که پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات بین‌المللی توسط رسانه‌های مختلف، موجب دسترسی جامعه جهانی به منابع اصیل گفتمان دینی در اسلام و اندیشه‌ی اندیشمندان مسلمان و کنار رفتن پرده‌های جهل و تزویر بدخواهان شده و خورشید اسلام را به نمایش گذارده است. این تحول جهانی عامل اساسی مؤثر

در رویکرد زنان غربی به گفتمان اسلامی، در مواجهه با نظریات اندیشمندانی نظیر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌باشد.

به طور کلی، رویکردهای زنان غربی به گفتمان اسلامی را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

الف) رویکرد انتقادی و بدبینانه: این گروه ممکن است گفتمان اسلامی را با نگاهی منفی و از دریچه کلیشه‌های رایج (مانند حجاب اجباری، محدودیت‌های اجتماعی، مردسالاری و...) بررسی کنند و آن را در تضاد با ارزش‌های غربی (مانند آزادی فردی، برابری جنسیتی) بدانند. این رویکرد گاهی با عدم شناخت کافی از فرهنگ دینی و جهان اسلام همراه است.

ب) رویکرد کنجکاوانه و پژوهشی: این گروه علاقه‌مند به درک عمیق‌تر اسلام و جایگاه زن در آن هستند. آن‌ها ممکن است به مطالعه متون اسلامی، تحقیق در مورد تاریخ اسلام، و گفتگو با مسلمانان پردازند تا تصویری جامع‌تر و دقیق‌تر به دست آورند. این رویکرد اغلب با هدف درک متقابل و یافتن نقاط اشتراک همراه است.

ج) رویکرد جذب و پذیرش: برخی زنان غربی تحت تأثیر جنبه‌های خاصی از اسلام، مانند معنویت، وحدت الهی، ساختار خانواده، یا مفاهیم اخلاقی، به اسلام گرایش پیدا کرده و حتی مسلمان می‌شوند. این رویکرد می‌تواند ناشی از جستجو در مذاهب مختلف درباره معنای زندگی، آرامش درونی، یا جهت یافتن هویت جدید باشد.

د) رویکرد میانه و تعاملی: برخی از زنان غربی در مواجهه با گفتمان اسلامی، رویکردی متعادل دارند. آن‌ها ممکن است جنبه‌هایی را بپذیرند و ستایش کنند و در عین حال نسبت به جنبه‌های دیگر نقد داشته باشند یا سؤالاتی مطرح کنند. این رویکرد معمولاً به دنبال یافتن راه‌هایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و درک متقابل است. مهم است که در نظر داشته باشیم «زن غربی» یک گروه همگن نیست و تجربه‌ها و دیدگاه‌های بسیار متفاوتی در میان آن‌ها وجود دارد.

به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، جنبه‌هایی همانند استقبال برخی از زنان غربی از مفاهیم معنوی و اخلاقی اسلام مثل: «ارزش خانواده و نقش مادری»، و انتقاد آن‌ها از گفتمان لیبرال غربی قابل بررسی و توجه می‌باشد. در مقابل، به جنبه‌هایی که ممکن است مورد نقد یا مقاومت زنان غربی با رویکرد فمینیستی یا لیبرال قرار گیرد نیز باید پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم مرکز ثقل در نزاع تمدنی اسلام و غرب در باره زنان، از دیدگاه بزرگانی نظیر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) ضد ارزش بودن گفتمان غرب در باره زن می‌باشد. ایشان در این گفتمان، با روشی نو و فرامرزی، با به چالش کشیدن فرهنگ مبتذل غربی و تهاجم به این فرهنگ سست و ظالمانه در مورد زن و ارائه الگوی اسلامی سوای الگوی شرقی و غربی، به معرفی آزادی حقیقی از دیدگاه اسلام می‌پردازند.

نظریه الگوی سوم زن، یعنی زن آزاد محترم در جامعه و حریم خانواده، که بیانگر هویت حقیقی زن شامل تمامی ارزش‌های انسانی لازم برای یک زن آزاده در اسلام می‌باشد که آزادی او در چارچوب خانواده، عفاف، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در عین حال برخورداری از حقوق برابر انسانی با مرد در عرصه‌های مناسب تعریف شده است.

تساوی از منظر اسلام هیچگاه به معنای حذف تفاوت‌های جنسیتی در تمام ابعاد که عواقب بسیار مخربی به جای می‌گذارد نیست. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، در گفتمان اسلامی تفاوت‌های طبیعی زن و مرد پذیرفته شده و بر «عدالت» و «دادگری» در چارچوب این تفاوت‌ها تأکید می‌شود.

برخی پیامدهای منفی مدرنیته غربی (مانند فروپاشی خانواده، بحران هویت و کالا انگاشتن زن، نادیده گرفتن کرامت انسانی او و مصرف‌گرایی افراطی و...)، موجب گریز جامعه زنان از این فرهنگ منحط شده است. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) با انتقاد و به چالش کشیدن این فرهنگ ظالمانه و با توجه دادن بر اهمیت نقش مادر و همسر و ضرورت استحکام خانواده و ارائه تعریف صحیح حقوق زن، موجب تأثیر در لایه‌های مختلف جوامع غربی خصوصاً متفکران غربی و خصوصاً اقشار مختلف زنان و بازاندیشی در ارزش‌های خود و توجه به مبانی فکری گفتمان اسلامی و گرایش بسیاری به دین مبین اسلام شده است. گرایش بالای زنان غربی به دین مبین اسلام، حجتی قاطع بر حقانیت دین اسلام است که نه تنها اسلام زنان را سرکوب نمی‌کند بلکه جایگاه امنی برای زنان در طول تاریخ می‌باشد.

پیروی از منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و بررسی نحوه مبارزطلبی ایشان در مقابل گفتمان‌های غیراسلامی، توسط مبلغین دینی می‌تواند بستری بسیار سازنده و موفق برای گفتگوهای تمدنی آینده با نگاهی عالمانه و به دور از پیش‌داوری باشد. دنیای امروز دنیای رسانه می‌باشد و می‌توان از رسانه‌های مختلف در تبلیغ و معرفی دین اسلام به جهانیان و مقابله با

انحرافات و سوء تفهیم دیدگاه اسلام از زن استفاده کرد. تلفیق رسانه و شیوه‌های تبلیغی موفق قبلی مانند شیوه تبلیغی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، و آشنایی و همکاری با شخصیت‌های مذهبی و علمی و فرهنگی مؤثر موفقیت را دو چندان می‌کند.

وجود فضای مدرن و گسترده برای تبلیغ اعم از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مختلف و تولید محتواهای مفید، موثق، متقن و سازنده و ایجاد فضای مناسب برای گفتگو و مشاوره آنلاین و یا حضوری، ساخت فیلم‌های داستانی و مستند و یا ساخت بازی‌های مختلف در راستای آشنایی با گفتمان دینی، از نقاط مثبت روش‌های جدید تبلیغی می‌باشد که می‌تواند مخاطبانی از همه طبقات و همه جوامع را در بر بگیرد. عدم آشنایی مبلغین با این ساحت‌های بسیار تأثیرگذار و عدم آشنایی با زبان‌های مختلف دنیا، موجب پایین آمدن میزان عملکرد و جذابیت تبلیغ می‌شود. پرداختن به این‌گونه پژوهش‌ها موجب شناخت نقاط قوت و ضعف و برطرف کردن آنها و بالا رفتن سرعت و دقت مبلغین شده و فواید بسیاری به دنبال دارد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. اکبری، مرتضی، رضایی، فریدون، (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، سال سوم، شماره پنجم، صص ۸۵-۱۰۹.
۲. آذر شب، محمدعلی، (۱۳۹۸)، *خون دلی که لعل شد*، مترجم: باتمان غلیچ، محمد حسین، چاپ اول، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
۳. ییاده، میرچا، مترجم: جندقی، بهروز، (۱۳۸۴)، «بررسی مفهوم دکترین در دین پژوهی تطبیقی»، *پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مجله انتظار (انتظار موعود)*، شماره ۱۶، ۱۵/۱۰/۱۴۰۰.
۴. بنیاد دائرة المعارف اسلامی، (بی تا)، برگرفته از مقاله «نهضت ترجمه»، *دانشنامه جهان اسلام*، شماره ۵۰۲۳.
۵. بهمنی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای (چیستی و چرایی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)»، *فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه والاهیات، پورتال جامع علوم انسانی*، سال نوزدهم، شماره دوم، صص ۱۹۸-۲۳۷.
۶. تقی زاده داوری، محمود، (۱۳۸۹)، *گزارشی از آمار جمعیتی شیعیان کشورهای جهان بر اساس منابع اینترنتی و مکتوب*، مشاور طرح: عباسی، محمدجلال، بهشتی مهر، احمد و همکاران. چاپ: اول، بی جا: انتشارات شیعه شناسی.
۷. خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۹)، *دغدغه های فرهنگی*، چاپ اول، قم: مؤسسه ایمان جهادی-صهبا.
۸. خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۱/۱۲/۱۵)، *الگوی سوم زن*، دوره مطالعاتی و تبیینی، باهمکاری «جبهه بانوان انقلابی» و مجموعه «روایت امین» @jebhebanovan135
۹. خامنه ای، سید علی، (بی تا)، *غرب و جهان متجدد*، حسینی خامنه ای، سیدعلی، غیر قابل تکثیر، صرفاً برای مطالعه فراگیران دوره آموزشی.
۱۰. خامنه ای، سید علی، (بی تا)، *آزادی، طرح منظومه فکری رهبری*، غیر قابل تکثیر، صرفاً برای مطالعه فراگیران دوره آموزشی.

۱۱. دانشنامه آزاد فارسی، دیگشنری آپادیس، (بی تا)، <https://abadis.ir> > fatofa
۱۲. رحیمیان، محمد، و همکاران، (۱۳۹۷)، «بررسی مؤلفه های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن سازی نوین اسلامی»، *دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دانشگاه شاهد، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱-۲۴، شماره پیاپی ۷۴، تهران.
۱۳. سایت رهپافتگان (تازه مسلمان) وابسته به انجمن شهید آیتلی در پیام رسان ایتا، ۱۷۳۰۱ و ۹۸۲۰، https://eitaa.com/rahyafte_com
۱۴. قرطبی (یوسف بن عبدالله نمری)، ابن عبد البر، (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، محقق: البجاوی، علی محمد، چاپ اول، دارالجلیل، بیروت، ج ۲، ص ۴۶۱.
۱۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹/۴/۷)، *مسئله حجاب*، انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی، (۱۴۰۲)، *نظام حقوق زن در اسلام*، انتشارات صدرا، تهران.
۱۷. نرمانی، حسن و همکاران، (۱۴۰۰/۲/۹)، «نقد تمدن غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر آراء حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)»، *فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس*، دوره ۷، شماره ۱، شماره پیاپی (۲۵)، ص ۹-۲۸.
۱۸. نصیریان، رئوف، چیت فروش، سجاد، (۱۴۰۳)، «تنازع تمدنی غرب و اسلام؛ تأملی بر نقش گفتمان اسلامی در فرجام این تنازع»، *دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۷ شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، صص - ۱۹۷-۲۲۲.
۱۹. هاشملو، جعفر، (۱۴۰۰/۱۰/۱۸)، ساعت ۱۶:۴۶، «زن از منظراندیشمندان غربی»، *ویلاگ روانشناسی هاشملو*، <https://jafarhashemlou.blogfa.com> > post
۲۰. هاشمی اصل، سید یزدان، توانا، محمدعلی، (۱۴۰۲/۲/۲۷)، «مواجهه تمدن مسلمانان با غرب؛ روایتی از دگردیسی تعامل، تقابل و بازخوانی 1»، *فصلنامه علمی نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان*، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۲ (۴) ۷۵-۸۹.

ارزیابی تحلیلی انگاره‌های جریان تجددطلب

مدافع حقوق زنان در جوامع اسلامی

جليله صالحی^۱

محمد علی وطن دوست^۲

چکیده

جریان نو ظهور دفاع از حقوق زنان در جوامع اسلامی برای دستیابی به برابری جنسیتی راهکارهایی ارائه می‌دهد که برگرفته از انگاره‌های آنان از دین؛ به عنوان مهم‌ترین رکن فرهنگ در جامعه اسلامی است. شناخت و آزمودن این انگاره‌ها از منظر اندیشمندان مسلمان برای مواجهه صحیح با این پدیده و دستیابی به حقیقت ضروری به نظر می‌رسد. بر همین اساس جستار حاضر به شیوه توصیفی و تحلیلی و با رویکرد انتقادی قرائت متفاوت یکی از شاخه‌های این جریان - تجدد طلب دینی - از تعالیم اسلامی را تحلیل نموده و سپس انگاره‌های استخراج شده از این قرائت را از منظر برخی از حکمای مسلمان مورد ارزیابی قرار داد. جریان تجددطلب در گفتمان خود برای برقراری عدالت جنسیتی خواهان خوانش جدید در حوزه آیات، روایات و فقه سنتی هستند و در این مسیر برداشت‌های نوینی از آموزه‌های اسلامی در اندیشه آنان شکل گرفته است همانند؛ عرفی و نسبی دانستن عدالت، محدودیت دخالت دین در اجتماع، عدم وجود احکام ثابت در دین اسلام، نسبی دانستن اجتهاد، جدا انگاری قرآن از سنت، تاریخ‌مندی قرآن و ضرورت تفسیر زنانه از قرآن و پس از آزمودن این انگاره‌ها با دیدگاه برخی از حکمای مسلمان مشخص شد که اکثر این انگاره‌ها علاوه بر ناسازگاری با روح آموزه‌های اسلام حتی با برخی از مبانی مورد پذیرش این جریان نیز در تعارض هستند.

واژگان کلیدی: حقوق، انگاره، تجددطلب، زنان، اسلام، فمینیسم، عدالت جنسیتی

۱- کارشناسی ارشد فلسفه و کلام، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، استاد سطوح حوزه علمیه خراسان، ایران (*نویسنده مسئول) /

jalilesalehi@gmail.com

۲ - استاد یار گروه فلسفه و حکمت دانشگاه فردوسی مشهد، ایران؛ استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، ایران/

Ma.vatandoost@um.ac.ir

طرح مسأله

جریان‌های نوپدید فکری و فرهنگی به دلیل برخورداری از نوعی ایدئولوژی و مبانی اندیشه‌ای خاص و فراهم بودن زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی، دارای مرجعیت اجتماعی و اثرگذاری در جامعه هستند؛ بنابراین جهت صیانت از ارزش‌های جامعه و رویارویی صحیح با این پدیده‌ها، می‌بایست از زوایای و ابعاد گوناگون این پدیده‌ها بررسی شوند. یکی از این پدیده‌ها جریان‌های دفاع از حقوق زنان در جوامع اسلامی است که تلقی و تفسیر خاصی از دین را در مورد مسائل زنان مطرح می‌نمایند. این جریان دارای مبانی تئوری خاصی است و بر مبنای یک جهان‌بینی مشخص به تحلیل دین و تعالیم آن می‌پردازد و می‌کوشد نسخه‌ی جدیدی از جامعه‌ی اسلامی ایده‌آل ایجاد نماید که نقش زنان در آن متفاوت از نقش فعلی آنان باشد. شروع این جریان هم‌زمان با به وجود آمدن تفاسیر متفاوت و بازخوانش عدالت خواهانه قرآن در جوامع اسلامی است (بدران، ۲۰۰۲، ص ۵۶۹).

در اندیشه طرفداران این جریان قرائت‌های متفاوتی از تعالیم دینی شکل گرفت که آنان را به طیف‌های^۱ گوناگونی تقسیم نمود که هر کدام از این طیف‌ها براساس انگاره‌های دینی، مبانی تئوری و ایدئولوژی خود، راهکارهایی برای دستیابی به عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی مطرح نمودند؛ برخی تحقق عدالت جنسیتی را در گرو تمسک به اصول و مبانی اسلام حقیقی و اجرای صحیح قوانین اسلامی در جامعه می‌دانند. برخی دیگر به تفاوت‌های حقوقی و اجتماعی میان زن و مرد، اعتراض می‌نمایند. در باور آنان، برای اجرای عدالت جنسیتی باید آن بخش از اسلام را که معارض با مدرنیته و لیبرالیسم است، با بازخوانی دوباره آموزه‌های اسلامی تعدیل نمود. طیف دیگر معتقدند برای برقراری عدالت جنسیتی باید قوانین اسلام را آن‌گونه تغییر داد، که فقط معنویت و احساس آرامش بدون شریعت از آن باقی بماند.

با توجه به اهمیت شناخت جریان‌های فکری و فرهنگی نوظهور، شناخت طیف‌های مختلف این جریان و قرائت‌های آنان از تعالیم اسلامی ضروری است و در همین راستا شناخت و ارزیابی انگاره‌های آنان از تعالیم اسلامی که نقش مبنای در ارائه راهکارهای علمی و عملی آنان جهت دستیابی به اهداف و آرمان‌ها دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱ به دلیل اینکه طرفداران این جنبش دانما در حال تغییر مواضع هستند و اندیشه‌های آنها با گذشت زمان به یکدیگر نزدیک می‌شود، نمی‌توان به طور قطعی آنها را به گروه‌های مختلف تقسیم نمود، به همین دلیل در این متن از واژه طیف به جای گروه و شاخه استفاده شده است.

در جستار پیش رو، تلاش می‌شود با روش تحلیلی - انتقادی (ر.ک: ایمانی، ۱۳۹۱) از میان آثار طرفداران این جریان قرائت جدید یکی از طیف‌ها به نام «جریان دینی تجدیدطلب» را از متون اسلامی تحلیل نماید و با رویکرد انتقادی انگاره‌های استخراج شده از این قرائت را از منظر حکمای مسلمان معاصر مورد ارزیابی قرار دهد.

پرسش‌های اساسی پژوهش حاضر از قرار زیر است:

- ۱- قرائت جدید طیف «تجدد طلب دینی» جریان مدافع حقوق زنان از آموزه‌های اسلامی با هدف دستیابی به عدالت جنسیتی در جامعه چگونه است؟
- ۲- انگاره‌های دینی این طیف از تعالیم اسلامی با محوریت رفع تبعیض جنسیتی در جوامع اسلامی چیست؟ و این انگاره‌ها چگونه از منظر برخی از حکمای اسلامی ارزیابی می‌شود؟

پیشینه‌شناسی

همزمان با آغاز فعالیت‌های فمینیستی در جوامع اسلامی و تأثیر این اندیشه‌ها بر فرهنگ جامعه تحقیقات زیادی جهت شناسایی این جریان‌ها انجام شده است همانند:

کتاب «جریان‌شناسی فمینیسم اسلامی و رویکرد آن به نظام خانواده»؛ نوشته نفیسه عقدائی در سال ۱۳۹۶ که در دو فصل از کتاب با رویکرد خانواده به جریان‌شناسی امواج فمینیسم در غرب پرداخته شده و در فصل سوم این کتاب مبانی نظری فمینیسم اسلامی با رویکرد خانواده به طور اجمالی و مختصر مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب «جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران» نوشته ابراهیم شفیعی سروستانی در سال ۱۳۹۶؛ در این کتاب جنبش‌های دفاع از حقوق زنان در ایران از دوران مشروطه تا دهه ۸۰ مورد بررسی قرار گرفته و ویژگی‌های هر گروه بیان شده است.

مقاله «بررسی جریان‌های فکری فرهنگی مؤثر بر مطالبات حقوقی زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی» نوشته شهلا باقری و ناهیدسلیمی در سال ۱۳۹۳ که تنها به رویکرد حقوقی این جریان‌ها در ایران پرداخته است.

مقاله «نقد و بررسی مبانی فکری و شاخصه‌های فمینیسم اسلامی» نوشته حسین عباسیان و ابوالحسن حسین‌زاده در سال ۱۳۹۴ که در این مقاله مبانی فکری همانند لیبرالیسم، اومانیزم، جامعه‌گرایی و... مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

پایان‌نامه دکترای تخصصی با موضوع «تحلیل و نقد مبانی معرفتی فمینیسم اسلامی» محسن بدره در سال ۱۳۹۵ که به بررسی نظریات چند تن از طرفداران و نظریه‌پردازان فمینیسم اسلامی همانند؛ فاطمه مریسی، آمنه ودد و لیلا احمد و... می‌پردازد.

تحقیقات پیشین تمام طیف‌های این جریان را با هم و به صورت کلی مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در این جستار با رویکرد درون دینی قرائت نوین تنها یکی از طیف‌های این جریان به نام «تجدد طلب دینی» را تحلیل و ارزیابی می‌کند. بنابراین از جهت داشتن رویکرد درون دینی، نگاه جزئی‌تر به این جریان، آزمودن انگاره‌های دینی استخراج شده با معیار دیدگاه حکمای مسلمان معاصر بدیع می‌باشد.

۱. شاخه‌های جریان دفاع از حقوق زنان در جوامع اسلامی

جریان‌های نوپدید فعال در عرصه دفاع از حقوق زنان در جوامع اسلامی همانند دیگر جریان‌ها دارای اصول مکتوب نیستند و در آثار خود نظریه‌ها و اندیشه‌های پراکنده و متفاوتی را مطرح می‌نمایند از این رو نمی‌توان آنان را به طور کامل از یکدیگر جدا نمود و در گروه دسته‌ای خاص قرارداد تا تحلیلی کامل و واقعی از آنان ارائه شود. ولی با اندکی مسامحه و نیز با نظر به طیفی بودن آنان شاید بتوان این جریان نوپدید را براساس نوع نگرش آنان به قلمرو دخالت دین در جامعه و همچنین قرائت‌های متفاوت از آموزه‌های اسلامی به دو دسته جریان دینی و غیردینی تقسیم نمود.

۱-۱. جریان غیردینی

طرفداران این جریان ضمن قبول اصل وجود خداوند با دین‌داری شخصی موافق هستند ولی دین‌مداری در همه عرصه‌ها را نمی‌پسندند و مخالف تشکیل حکومت دینی و دخالت دین در امور اجتماعی هستند. آنان بر این باورند که رسوخ تعالیم دینی در فرهنگ و باورهای مردم از جمله منابع بازتولید تبعیض علیه زنان است (درویش‌پور، ۱۳۷۶، ص ۲۶) و با تفاسیر زن‌مدارانه از آموزه‌های اسلامی نمی‌توان بر ماهیت و هویت مردسالارانه اسلام سرپوش گذاشت (کشاورز، ۱۳۷۵، ص ۱۳). زنان باید برای دستیابی به حقوق خود با قوانین اسلامی به مبارزه بپردازند (ر.ک: شهیدیان، ۱۳۷۵).

۱-۲. جریان‌های دینی

آنان بر این باورند که قلمرو دین تنها به امور فردی محدود نمی‌گردد و دین می‌تواند در عرصه‌های اجتماعی نیز حضور حداکثری و یا محدود داشته‌باشد. آنان اسلام را به عنوان دینی که از ظرفیت

لازم برای تضمین حقوق زنان برخوردار است، پذیرفته و می‌کوشند با ارائه تعریفی نو از جایگاه زن در اسلام به نیازهای زنان امروزی پاسخ دهند. ولی همه طرفداران این جریان در طول مسیر به راهبردها و راهکارهای مشترک نرسیدند؛ گروهی با تجدیدنظر در برخی از اصول و مبانی اسلام، تعریفی سازگار با مبانی حرکت‌های نوین دفاع از حقوق زنان، ارائه می‌کنند. برخی دیگر با حفظ اصول و مبانی اسلام، از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های دین اسلام برای حل مسائل و مشکلات زنان بهره می‌جویند (شفیعی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳). بر همین اساس این جریان به دو شاخه تجددطلب و سنت‌گرا تقسیم می‌شوند.

۱-۲-۱. جریان دینی سنت‌گرا

این جریان ضمن تأکید بر لزوم انجام اصلاحات اساسی در نابسامانی‌های موجود در زمینه حقوق زنان، از علل و عوامل این نابسامانی‌ها غفلت نکرده‌اند و راه‌حل برطرف نمودن این مشکلات را درگرو شناخت و تبیین درست قوانین اسلامی و تلاش‌گسترده برای اجرای صحیح و مطابق با شرع این احکام می‌دانند نه در حذف قوانین اسلامی (کافی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۹؛ شفعی، ۱۳۸۱، ص ۷۷).

در باور این افراد، فقه می‌تواند با حفظ مبانی و اصول اسلامی و با بهره‌گیری از مکانیزم‌های اجتهاد، آموزه‌های اسلامی را به گونه‌ای جهت دهی نماید که در هر زمانی پاسخ‌گوی نیازهای جامعه اسلامی باشد (شفیعی، ۱۳۹۶، ص ۱۶).

۱-۲-۲. جریان دینی تجددطلب

این جریان تعالیم اسلام را به عنوان مرجع پاسخگویی و حل مشکلات زنان به رسمیت شناخته‌اند و با این دیدگاه از جریان غیردینی متمایز می‌گردند، اما حوزه دخالت دین در اجتماع را نسبت به شاخه دینی سنت‌گرا محدودتر می‌دانند و خواهان بازنگری و تجدد در تفسیر متون دینی و برخی قوانین اسلامی هستند.

آنان باور دارند؛ تاریخ و متون سنت دینی، بازتاب دهنده تجربه دینی مردانه بوده است؛ بنابراین برای حل مشکلات زنان در جامعه باید در دین و متون دینی بازخوانی صورت پذیرد. به دیگر سخن، باید دین را از عناصر مردسالارانه تهی نمود تا زنان به موقعیت‌های برابر اجتماعی با مردان دست یابند و این امر با کنار نهادن دین از صحنه قانون‌گذاری در برخی از امور جامعه و تفسیر جدیدی از دین که متناسب با جهان مدرن باشد گره خورده است (مغیثی، ۱۳۷۸، ص ۵۶).

آنان معتقد هستند با تجدید نظر در برخی اصول اسلام، می‌توان مسئله حقوق زنان را حل نمود و بر «تساوی جنسیتی» و «برابری اجتماعی» پافشاری می‌نمایند، و مسیرهای مختلفی را جهت به کرسی نشاندن قرائت نوین خویش از تعالیم اسلامی پیمودند. (شیرزاد، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴-۱۲۷).

برخی، رویکرد «تاریخی» را انتخاب کردند و با اشاره به وقایع و تحولات تاریخ اعراب، خواستار بازخوانی دوباره متون اسلامی هستند و سعی در ارائه الگویی متفاوت در جهت دستیابی به برابری جنسیتی داشته‌اند (لیلا احمد، ۱۹۹۲م؛ مریسی، ۱۹۹۲م).

عده‌ای دیگر از آنان رویکرد «حقوقی» را ترجیح دادند و با مطرح نمودن مباحث فقهی، تلاش در جهت ایجاد برابری جنسیتی با تغییر و تحول در نظام حقوقی موجود داشته‌اند (خالد ابوالفضل، ۲۰۰۱م؛ میرحسینی و همکاران، ۲۰۱۰م). طیف دیگر با تأکید بر مباحث «هرمنوتیکی و تفسیری»، به خوانش و قرائت نوین از متون اسلامی جهت اثبات وجود برابری جنسیتی در اسلام همت گمارده‌اند (بارلاس، ۲۰۰۲م؛ ودود، ۱۹۹۹م).

در ادامه به تحلیل قرائت‌های جدیدی که اندیشمندان طیف تجدیدطلب دینی از تعالیم اسلامی، با هدف برقراری عدالت جنسیتی در جامعه، ارائه نموده‌اند در دو حوزه فقه سنتی و متون اسلامی می‌پردازیم:

الف) خوانش جدید از آیات و روایات

برخی از طرفداران طیف تجدیدطلب بر ضرورت انجام خوانشی نو از آیات قرآن کریم براساس اصول و مبانی تفسیری و هرمنوتیکی تأکید می‌نمایند و می‌کوشند با تفسیر جدید از آیات و روایات، قرائت نوینی از اسلام ارائه دهند که کاملاً با اصول و چارچوب‌های مدرنیته هماهنگ و منطبق باشد. هر چند منجر به تفسیر و تأویل آموزه‌های دینی همانند آیات قرآن و کنار گذاشتن روایات شود (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

آنان معتقد هستند که برخی از پیش فرض‌های کلامی مفسران، توجه نکردن به مسائل هرمنوتیکی در تفسیر قرآن و همچنین بی‌توجهی به برداشت‌های جنسیتی زبان قرآن باعث پدید آمدن ادراکات مردسالارانه از آموزه‌های قرآنی شده‌است (بارلاس، ۲۰۰۶م، ص ۲۶۱-۲۶۲) و این مسأله می‌تواند یکی از علل پدید آمدن برخی از بی‌عدالتی‌ها نسبت به زنان در جوامع اسلامی باشد.

برخی دیگر ضمن تأکید بر برابری جنسیتی در قرآن به عنوان یک اصل بنیادی بر این باورند که حوادث و وقایع در تاریخ اعراب و فقه مردسالارستانی حاکم بر جوامع اسلامی، از نفوذ فرهنگی

و سیاسی خود برای صدور احکام تبعیض جنسیتی در حق زنان استفاده می‌کند و مانع تحقق عدالت جنسیتی و دستیابی زنان به حقوق خود در جامعه اسلامی می‌شود. به همین دلیل بر ضرورت «تفسیر زنانه» از متون دینی تأکید می‌کنند (محمدی و حاضری، ۱۳۹۵، ص ۷).

از منظر مفسران زن محور خوانش‌های تاریخ‌مند از قرآن به پیدایش خوانش‌های دقیق‌تر از آیات کمک می‌کند و اگر به بافت تاریخی در تفسیر آیات بی‌توجهی شود باعث می‌گردد که معنای عمومی و جهان شمول به آیه نسبت داده شود در صورتی که معنای آیه در اصل مربوط به زمان و مکان خاص و ویژه‌ای است (ودود، ۲۰۰۴، ص ۳۳۱). بنابراین آیات باید در قالب بافت فرهنگی و اجتماعی مخاطبان عرب زبان قرآن بررسی شود (ودود، ۱۹۹۹، ص ۱۹۴-۱۹۶).

برخی از تجدیدطلبان با هدف برقراری عدالت جنسیتی برداشت‌های شخصی از آیات قرآن کریم را مبنا قرار دادن و به صراحت به انکار روایات صحیح و مشهور می‌پردازند (ر.ک: سعید زاده، ۱۳۷۶). به این ترتیب در مواجهه با آیات قرآن کریم به ارائه معانی خلاف ظاهر قرآن و به دور از ذهن می‌پردازند و تا آنجا که ممکن است، محتوی آیات را به معانی و مقاصد مورد نظر خود نزدیک می‌نمایند و در مواجهه با روایات مخالف نظرات و مقاصد خود، بدون دلیل علمی و موجه آن روایات را انکار می‌نمایند (ر.ک: موحش‌شریعت پناهی، ۱۳۷۴).

به عنوان نمونه «حسن عبود» بیان می‌کند: در قرآن اصل برابری به رسمیت شناخته شده، ولی در عمل شیوه‌های اعمال این اصل با دخالت فقه مردسالارانه تخریب شده است. برخی از علماء اسلامی یک رویکرد کاملاً سنتی همراه با دیدگاه‌های مردسالارانه دارند و با استفاده از احادیث جعلی و تحریف روایات به نابرابری زنان دامن می‌زنند (حسن عبود، ۲۰۱۴؛ امینا الشاکری، ۱۹۹۸، ص ۱۹۵).

همچنین «مارگوت بدران» معتقد است؛ اسلام، نوعی برابری بالقوه را میان دو جنس مقرر می‌کند و زنان از این فرصت برخوردارند که متون مذهبی را در راستای دفاع از حقوق خود مورد بازخوانی قرار دهند. زیرا اسلام با تفوق روایت‌های مرد سالار دستخوش تحریف شده است (زویف، ۲۰۱۰، ص ۳۱). لذا برای احقاق حق زنان در جوامع اسلامی «ضرورت تفکیک قرآن از سنت» ضروری می‌نماید.

لیلا احمد، اسما لباراس، امینا ودود، ریفات حسن و فاطمه ناسیف عمده تمرکز خود را بر متن قرآن گذاشته‌اند. برخی دیگر از جمله فاطمه مرنیسی، مارگوت بدران، حسن عبود بر روی احادیث تمرکز نموده‌اند.

ب) بازخوانی فقه سنتی

گروهی دیگر از تجدیدطلبان، سرچشمه نابرابری‌ها در احکام را دیدگاه مردسالارانه حاکم بر فقه اسلامی می‌دانند. آنان به سراغ فقه و حقوق اسلامی رفته‌اند و فقه اسلامی را ذاتاً بی‌طرف می‌داند و معتقد هستند که فقه اسلامی با تأثیرپذیری از سنت‌های مختلف در طول تاریخ رو به پدرسالاری رفته است و باید برخی از نهادهای حقوقی فقه سنتی که به نظر می‌رسد در آن حقوق زنان تضعیف شده؛ همانند اجازه ولی در عقدنکاح، اطاعت از همسر، حق طلاق و ازدواج با غیر مسلمان و... را با توجه به شرایط جوامع امروزی مورد بازبینی قرار داد.

این گروه با تأثیر از اندیشه مدرنیته، فقه سنتی را نیازمند تغییر و تحول در روش و شیوه استنباط دانسته‌اند و «فقه مدرن» را جایگزینی مناسب برای فقه سنتی در عصر جدید می‌دانند.

ویژگی بارز فقه مدرن مورد نظر آنان صحنه گذاشتن بر مبنای مورد قبول عصر جدید جهان غرب است (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۲). آنان باور دارند که قوانین اجتماعی اسلام متناسب با فرهنگ سرزمین عربستان تشریح شده و در عصر جدید و مدرن امروزی قابلیت اجرا ندارد.

به عنوان نمونه «عزیزه‌الحبری»؛ بر این باور است که بخشی از بدنه فقه سنتی اسلام پدرسالار است. زیرا این فقه موجود از سنت‌های فرهنگی جوامع مختلفی که سنت‌های فقهی در آن‌ها شکل گرفتند تأثیر پذیرفته است و باید این فقه سنتی و پدرسالار را جهت دستیابی به فقهی مساوات جویانه بازسازی و ساختار شکنی نمود (ر.ک: الحبری، ۲۰۰۰م). لذا حضور فعال زنان در اجتهاد و فقاها از لوازم و ملزومات حرکت به سوی دستیابی به فقهی برابری طلبانه و زن دوستانه است (ر.ک: الحبری، ۲۰۰۱م).

در نظر او، شکل‌گیری احکام اسلامی مبتنی بر مکاتب فقهی در قرون میانی اسلام است. فقهاییکه این فقه را بنیان نهادند، در حقیقت از دو مؤلفه دینی و فرهنگی بهره جستند (بدره و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۶۲-۳۶۳). مؤلفه فرهنگی که در شکل‌گیری فقه دخالت داشت، بعضی از پیش فرض‌های اجتماعی و سیاسی اساسی و بنیادین را جذب نمود و این پیش‌انگاشته‌ها و پیش فرض‌ها در فقه سنتی اسلام به طور عمیق ریشه دوآیند (الحبری، ۱۹۹۷م، ص ۱-۴۴).

برخی دیگر، تلاش دارند با کمک ماهیت متجددانه فمینیستی و تغییر ارزش‌های سنتی معضلاتی را که دامن‌گیر زنان مسلمان شده است، حل نمایند. برخی از آنان تلاش دارند فقهی نسبی برای زنان که در آن مقتضیات زمان و مکان لحاظ شده باشد ارائه کنند؛ به عبارت دیگر باور به «نسبی بودن اجتهاد» دارند (خالد ابوالفضل، ۲۰۰۱م؛ میرحسینی و همکاران، ۲۰۱۰م).

لذا «اجتهاد در فروع دین» و به دست آوردن نظریات جدید جهت حل مسائل و مشکلات موجود در فقه سنتی مربوط به حقوق زنان را ضروری می‌دانند، اما این کار را برای حل مسائل کافی نمی‌دانند و بر این باور هستند که در نهایت، تنها از طریق «اجتهاد در مبانی» و رسیدن به دیدگاه‌ها و نظریه‌های جدید مشکلات حقوقی جنسیتی در سطح جامعه حل خواهد شد.

«محسن کدیور» در این رابطه می‌گوید: «اجتهاد سنتی (اجتهاد در فروع) نیاز به تجدیدنظر در مبانی و اصول دارد. باید اجتهاد در مبانی و اصول صورت پذیرد. اجتهاد در اصول فقه و اجتهاد و بازاندیشی در مبانی اعتقادی و اخلاقی و معرفت‌شناختی و جهان‌شناختی و غیره. با انسان‌شناسی سنتی کنونی استنباط معیوبی صورت می‌گیرد» (کدیور، ۱۳۹۲، ص ۶-۴).

برخی دیگر در دفاع از تغییر دیدگاه و نظریات درون فقهی به نگاه بیرون فقهی و زیر سؤال بردن اصول استنباط روی می‌آورند: «جهان جدید امروز دیگر جهان فروع تازه نیست، بلکه جهان امروز جهان اصول تازه و نوین است؛ تا هنگامی که فقهای ما تنها به فروع جدید می‌اندیشند، از دادن راه‌حل‌های اصولی برای حل مشکلات جامعه غافل می‌مانند» (سروش، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

برای نمونه تفسیرهای ارائه شده توسط این جریان در مورد حجاب نشانه رویکرد اجتهادی آنان است. آنان بر این عقیده هستند که پوشش زنان قبل از آن که به قرآن و سنت مستند باشد، مبتنی بر فهم خاص مرد سالارانه فقها و اجماع متشرعین است. پوشش موی و سر و گردن زنان از نامحرم در اجتماع اگر باعث عسر و هرج و ضرر روحی و بدنی برای زنان شود جایز نیست (کدیور، ۱۳۹۲، ص ۲).

آنان بر این باور هستند که دفاع از حقوق زن الگوی ثابتی ندارد؛ زیرا آنان مواضع ابدی و همیشگی را بر مبنای خصوصیت‌ها و ویژگی‌های جهان شمول، بدون در نظر گرفتن تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی و تاریخی را نمی‌پذیرند و نتیجه این عقیده این می‌شود که آنان وجود احکام ثابت در دین اسلام را انکار نمایند. از نظر آنان برای رسیدن به عدالت جنسیتی، باور به ناپایدار بودن گوهر دین و همچنین اعتقاد به جدایی دین از شئون اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگر هستند (توحیدی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸).

به عنوان نمونه «زیبا میرحسینی» ریشه نابرابری‌های اجتماعی بین زن و مرد در جوامع اسلامی را در فقه سنتی می‌داند و بر این باور است می‌توان بسیاری از احکام فقهی مربوط به زنان را در طول زمان و براساس موقعیت‌های اجتماعی و شخصی تغییر داد: فقه که از لحاظ تاریخی تعیین شده است مانند شریعت مقدس نیست و می‌تواند تغییر نماید. مشکل اصلی زنان

مسلمانان، انبوه قوانین تبعیض‌آمیز است که از سنت فقه گرفته شده و به عنوان قانون اجباری شریعت، ارائه می‌شود» (ر.ک: میرحسینی، ۱۳۸۹).

تجدد طلبان در گفتمان خود با هدف دستیابی به عدالت جنسیتی، وجود احکام ثابت و پایدار در اسلام را انکار می‌کنند و خواهان بازنگری در فقه سنتی هستند و در مبحث عدالت که ملاک و معیار مهم در استنباط احکام و وضع و تفسیر قوانین است با عدالت عقلی مخالفت می‌کنند و عدالت عرفی و نسبی را می‌پسندند. آنان عدالت را ذاتاً تغییر پذیر می‌دانند و برای آن قائل به هیچ‌الگوی ثابتی نیستند (توحیدی، ۱۳۷۴، ص ۶۵-۶۶)، و به تع این تعبیر و تفسیر از عدالت بسیاری از احکام و قوانین مربوط به امور زنان را، که در اذهان عمومی جامعه کنونی عادلانه تلقی نمی‌شود، می‌توان لغو شده اعلام نمود (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵).

همانطور که بیان شد تجددطلبان در گفتمان خود پیرامون حقوق زنان؛ خواهان قرائت نوین در دو حوزه آیات و روایات و فقه سنتی هستند و در این مسیر انگاره‌های جدیدی از آموزه‌های اسلامی در اندیشه آنان شکل گرفته که مهم‌ترین آنها عبارتند از: عرفی و نسبی دانستن عدالت، محدود بودن حوزه دخالت دین در مسائل اجتماعی، عدم وجود احکام ثابت در دین اسلام، نسبی دانستن اجتهاد، جدا انگاری قرآن از سنت، تاریخمندی قرآن و ضرورت تفسیر زنانه از قرآن.

در ادامه به ارزیابی برخی از این انگاره‌های دینی با توجه به دیدگاه حکمای مسلمان معاصر خواهیم پرداخت.

۲. ارزیابی انگاره‌های دینی جریان تجددطلب دینی

۲-۱. انگاره تاریخمندی قرآن و ضرورت تفسیر زنانه از قرآن

جریان دینی تجددطلب با مطرح نمودن انگاره تاریخمندی قرآن بر ضرورت بازخوانی دوباره تفاسیر قرآن تأکید می‌کنند و ایده تفسیر زنانه از قرآن را در بین طرفداران دفاع از حقوق زنان ترویج می‌نمایند. در پاسخ آنان می‌توان گفت:

اولاً، نسبت دادن بی‌توجهی خداوند در به کارگیری برخی واژه‌ها و تعبیرهای قرآنی به شرایط، موقعیت تاریخی و جغرافیایی عصر نزول مخالف صریح آموزه‌های دین اسلام؛ مبنی بر علیم و حکیم بودن خداوند است.

ثانیاً، اگر تنها نگاهی تاریخمند به آیات قرآن بشود، باید بتوان گفت هرچا اسلام حکمی را تقریر کرده یا در آن تعدیلی نموده، مختص به مورد نزول آن آیه داشته و با گذشت زمان تاریخ

مصرفش به اتمام رسیده و احکام اسلام جهان شمول نخواهد بود و همه‌ی جوامع می‌توانند با مرجع قراردادن عرف و فرهنگ امروز خویش احکام اسلامی را تغییر دهند. ادعای انحصار احکام مذکور به بافت فرهنگی و اجتماعی مخاطبان عرب زبان قرآن، دلیل بر نادیده انگاشتن منشأ و حیانی آیات قرآن و عدم آگاهی از فطرت ثابت و لایتغیر انسان است. خالق حکیم، احکام مربوط به زنان را با نظر به فطرت و طبیعت زن صادر کرده است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۸۹؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲).

افزون بر مطالب یاد شده، مفسران زن محور با تأکید بر ضرورت بازخوانی تاریخمند قرآن و تنزل دادن احکام تشریحی زنان در قرآن به بافت فرهنگی، به اصل فرازمانی و فرامکانی قرآن و جاودانگی آموزه‌های قرآنی و اصل کفایت احکام تشریحی اسلام خدشه وارد می‌کنند و این امر به تضییع محتوا و پیام دین می‌انجامد (بهادری و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۵۷).

ثالثاً، با بررسی دیدگاه قائلان به تاریخمندی قرآن در حوزه‌ی زنان، که بر الهی بودن و شمولیت نصّ قرآن تردیدهایی وارد می‌کنند متوجه می‌شویم منشأ اشکال مبنای آنان در نادیده انگاشتن و حیانی بودن قرآن و قلمدادکردن وحی از سنخ تجربه‌های بشری است، آنان انسان را از حیث ماهیت موجودی محدود و تاریخی می‌دانند (ودود، ۱۹۹۹م، ص ۶۳). بنابراین فهم او از وحی الهی را هم تاریخی و بشری و لازمه‌ی انتقال وحی از خدا به انسان را بشری شدن وحی می‌دانند.

اما در پاسخ باید گفت؛ وحی از سنخ علم حضوری است نه علم حصولی. علم حضوری واقعیت را به نحو تمام و کمال در معرض عالم قرار می‌دهد و هرگونه تأثیر پذیری از محیط را از آن می‌زداید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۲۲-۱۲۳). خطا ناپذیری وحی هم از جهت آورندگان وحی، یعنی فرشتگان که دارای مقام عصمت هستند، مطرح است و هم از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که مسئولیت دریافت، حفظ و ابلاغ را داشته است. معجزه بودن قرآن خود شاهد زنده بر غیر بشری بودن وحی است، همچنین وجود آیات بی‌شماری که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را تهدید می‌کند که اگر به خدا افترا ببندد، سخت مجازات خواهد شد (حاقه، ۴۴-۴۷) دلالت دارند که قرآن کریم حاصل تراوش افکار درونی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست. قرآن، وحی الهی است، به گونه‌ای که در همه ابعاد معنا، لفظ و هماهنگی بین آنها از ناحیه پروردگار است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

از طرفی هر فردی نمی‌تواند فهم خود را به قرآن نسبت دهد زیرا فهم و تفسیر قرآن بدون چارچوب و ضابطه‌ی مشخص نیست و بدون رعایت اصولی که تفسیر بر آن استوار است (شرایط

مفسر، قواعد کلی تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز تفسیر، شیوه و مراحل تفسیر)، تفسیر صحیح از قرآن شکل نمی‌گیرد. بی‌توجهی به این اصول تفسیر را از اعتبار ساقط می‌کند و از مصادیق «تفسیر به رأی» خواهد شد.

می‌توان اذعان داشت براساس مبانی تاریخی و مصادیق ارائه شده‌ی مفسران زن محور، هیچ تضمینی برای جلوگیری از ورود تفسیرهای ناصحیح از متن قرآن وجود ندارد و این مسئله امکان دارد به انکار آموزه‌های ثابت دین و ناپایدار انگاری حقیقت و گوهر دین منجر گردد (بهادری و محمص، ۱۳۹۷، ص ۷۳).

اما باید گفت گوهر دین در همه اقوام و ملل یکسان است. زیرا مطابق آیات قرآن اولاً؛ دینی غیر از اسلام مقبول حق نیست «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹) و «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران، ۸۵) ثانیاً؛ انسان دارای فطرت ثابت و حقیقت واحد است، بنابراین دینی که براساس فطرت و طبیعت انسان و برای پرورش این حقیقت است باید ثابت و واحد باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷)، و ثالثاً؛ خدا هرگز دچار جهل و فراموشی و سهو نمی‌شود، بلکه همه حقایق را از ازل تا ابد می‌داند و لذا دوگونه دستور ارائه نمی‌دهد، تا گوهر دین متغییر گردد (ر.ک: وطن دوست، ۱۳۹۱). حقیقت دین، یکی بیش نیست، ولی چون مقتضیات زمان متفاوت است موجب تغییر فروع دین است نه این که سبب تغییر اصول دین باشد، بلکه اصول و کلیات دین ثابت و همیشگی است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

۲-۲. انگاره ضرورت جدا سازی قرآن از سنت

طیفی که معتقد هستند با پذیرش جدایی قرآن از سنت می‌توان در جهت برقراری عدالت جنسیتی در جامعه اسلامی قدم برداشت. برای اثبات این انگاره خود دلایلی را مطرح می‌کنند؛ آنان معتقد هستند که قرآن برای برطرف نمودن تمام نیازها جامعیت دارد و برای احقاق حقوق زنان تنها تمسک به قرآن کفایت می‌کند. لذا ضروری است که قرآن را از سنت مردسالارانه که؛ فاقد منشاء وحیانی و تقدس است و همانند قرآن عمومیت زمانی و مکانی ندارد، تفکیک نمود، تا بتوان روح اصلی اسلام را از دخالت سنت‌های تاریخمند رها نمود تا برای احقاق حقوق زنان گامی مؤثر برداشت (همر و صافی، ۲۰۱۳، ص ۶۹؛ بدران، ۲۰۰۲، ص ۵۶۹؛ ودود، ۱۹۹۹، م).

در پاسخ به این انگاره باید گفت:

اولاً؛ در پاسخ به ادعای غیر وحیانی بودن سنت باید گفت که با توجه به آیات «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ - إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، ۳-۴) و «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»

(حشر، ۷) قرآن به صراحت، گواهی می‌دهد که سنت، منشأ الهی دارد. بنابراین منشأ حجّیت سنت، همان منشأ حجّیت قرآن است. همراهی سنت با قرآن در بهره‌مندی از سرچشمه الهی دلیلی واضح بر عدم انفکاک آنان از یکدیگر است. به علاوه اگر سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حیاتی نباشد، در معرض تهمت، خطا یا سهو و نسیان قرار می‌گیرد و این ناسازگار با امر به اطاعت همه جانبه و پیروی مطلق از رسول خدا در قرآن کریم است (ر.ک: مطعنی، ۱۴۲۰ق، ص ۹۴).

ثانیاً؛ تبیان بودن قرآن «تَبَيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹) دلیلی برجدا انگاری قرآن از سنت نیست؛ زیرا تبیان به معنای بیان کردن با دلیل است و با تفسیر و تفصیل نیازداشتن یک مطلب بعد از بیان آن منافاتی ندارد، همانند قانون که تبیان است برای حل مشکلات مردم، ولی در عین حال قانون نیازمند تفسیر و تفصیل است. قرآن عهده‌دار تبیین خطوط کلی دین است و سنت عهده‌دار تبیین حدود و جزئیات و تفصیل احکام است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۶).

بر طبق آیات «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل، ۴۴) و «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲) سنت آنچه را که قرآن بر آن دلالت دارد، تبیین می‌کند یعنی همه معارف از قرآن است ولی تبیین آن را سنت به عهده دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۸۵). همچنین در حدیث متواتر تقلین به نقش قرآن، به عنوان پرده برداری از معارف الهی و نقش سنت معصومین (علیهم السلام) بر دلالت و هدایت مردم به مقاصد قرآن تصریح شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۶).

برای شناخت قرآن، اصولی‌ترین راه، سنت معصومین (علیهم السلام) است؛ زیرا سنت، نقش معلّم را ایفا می‌کند و قرآن نیز همان متنی است که معلّم آن را به متعلّم آموزش می‌دهد (نصیری، ۱۳۹۵، ص ۶۱).

حاصل این که، سنت معصومین (علیهم السلام) و قرآن هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، بلکه با هم متحدند و بر روی هم یک حجت الهی هستند؛ منتها یکی متن و دیگری شرح است. پس دین در ارائه پیام نهایی خود هم به قرآن وابسته است هم به سنت (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۶)؛ سنت، در طول قرآن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۷۸-۸۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۶). زیرا سنت، هم در اساس حجّیت خود، نیازمند به قرآن است و هم در محتوا معارف قرآن را تبیین می‌کند.

ثالثاً؛ مقید کردن سنت به زمان چیزی جز ویران ساختن حجیت سنت کلامی نیست که حجیت آن در آیات قرآن کریم به صراحت بیان شده: «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (التحل، ۴۴) واژه «الناس» همه مردم تا روز قیامت را شامل می‌شود و حجیت سنت کلامی در تمام زمان‌ها ثابت می‌گردد.

همچنین اگر سنت تنها اختصاص به عصر معصومین (علیهم السلام) داشت، قرآن هم باید تنها مختص همان زمان باشد؛ زیرا قرآن و سنت، همانگونه که قبلاً بیان شد، از حیث حجیت و تشریح ملازم یکدیگر هستند؛ و این امر با مبانی این جریان تعارض دارد.

به علاوه، با پذیرفتن حجیت سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در همه زمان‌ها، به حجیت آیاتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را اسوه و الگو (احزاب، ۲۱)، و آیاتی که پیامبر و ائمه (علیهم السلام) را واجب اطاعه معرفی نموده (نساء، ۵۹)، خدشه وارد می‌گردد. این مورد هم با اعتقادات این گروه مبنی بر عمومیت حجیت قرآن در تمام زمان‌ها تعارض دارد.

۲-۳. انگاره عدالت عرفی و نسبی

برخی از طرفداران تجدد طلبان معتقدند که اجرای عدالت در مورد حقوق زنان از هیچ الگوی ثابتی تأثیر نمی‌پذیرد؛ زیرا هیچ موضع یکپارچه و ابدی بر مبنای خصوصیت‌های جهان شمول، بدون تأثیر پذیری از شرایط اجتماعی و تاریخی وجود ندارد (توحیدی، ۱۳۷۴، ص ۶۶-۶۵). بنابراین می‌توان در هر زمان که نیاز است بر حکمی صحه گذاشت و آن را تأیید نمود؛ اگر چه در زمان‌ها و مکان‌های دیگر مورد تأیید نبوده است. به عبارت دیگر آنان عدالت را عرفی و ذاتاً تغییر پذیر می‌دانند و بر اساس این نوع تفسیر از عدالت با برخی از احکام و قوانین مربوط به امور زنان که در اذهان برخی افراد عادلانه تلقی نمی‌شود، مخالفت می‌کنند (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵).

برای ارزیابی ابتدا باید این سؤال را مطرح نمود که؛ مقصود تجدد طلبان از این سخن که «اجرای عدالت در مورد حقوق زنان از هیچ الگوی ثابتی تأثیر نمی‌پذیرد» چیست؟ آیا مقصود آنان نسبی بودن اصل عدالت است و یا نسبی بودن مصادیق عدالت؟ بنابراین این انگاره را دو بخش ارزیابی می‌کنیم:

۲-۳-۱. نقد نسبی بودن اصل عدالت

در اسلام مفاهیمی مانند عدالت امور نفسی و عقلی هستند و دارای مصداق واقعی‌اند؛ زیرا فطرت انسان ثابت و تغییر ناپذیر است (روم، ۳۰) و قانون‌های که برای فطرت سودمند و برای تهذیب نفس انسان ضروری هستند، ثابت می‌باشند.

بنابراین عدل در هر عصری حسن است و ظلم نیز در هر عصری قبیح است؛ لیکن برخی افراد به دلیل خلط مصداق با مفهوم تصور نموده‌اند که عدل و ظلم نسبی هستند، در نتیجه می‌شود قانونی را در جامعه‌ای عدل و در جامعه دیگر ظلم شمرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۷-۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۹، ص ۵۸۷).

در تعالیم اسلامی عدل قرار دادن هر چیزی در جای خود است و حُسن این معنا ذاتی است؛ در صورت تحقق عدل، حتماً حَسَن است و زوال حُسن از آن ممتنع، مفهوم عدل مانند مفاهیم مساوات، قَلّت و کثرت نمی‌باشد تا نسبی و اضافی آن را بدانیم، زیرا اولاً، عناصر محوری جهان ثابت است؛ دوماً، مقوّمات اصلی انسان همواره مضمون از تغیر است؛ سوماً، پیوند میان انسان و جهان طبیعت بر قوانین و پایه‌های ثابت استوار است. در نتیجه اگر چیزی عدل بود، در همه عرف‌های جهان حَسَن است و همچنین است قبیح بودن ظلم (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۹، ص ۵۸۵). عدالت مطلق است و عدالت در همه شرایط جوامع، افراد و مقتضیات زمانی و مکانی یکسان است و دچار تغییر نمی‌شود. در واقع آن چیزی که تغییر و تحول پیدا می‌کند، مصادیق عدل است نه مفهوم عدل؛ زیرا:

اولاً؛ اگر عدالت نسبی باشد، هیچ مکتبی نمی‌تواند یک دستور مطلق برای عدالت بدهد تا در همه زمان‌ها و مکان‌ها اجرا گردد (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۳۰۴).

ثانیاً؛ نسبی بودن عدالت با خاتمیت و جاودانگی دین اسلام سازگاری ندارد؛ زیرا در تعالیم دینی یکی از مهم‌ترین اهداف انبیاء را عدالت بیان می‌کند؛ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ الْإِنْسَانُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) و اگر در هر زمان عدالت متغیر و نسبی باشد، هیچ قانونی هم نمی‌تواند همیشگی باشد. با نسبی دانستن عدالت به هیچ وجه دستور ثابت و جاویدی دیگر وجود نخواهد داشت و این با اساس خاتمیت و جاودانگی دین اسلام در تنافی و تضاد است (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۱۶؛ مطهری، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۲۱۱).

۲-۳-۲. نقد نسبی بودن مصادیق عدالت

عدالت در مورد مصادیق یا ذاتی و یا عارضی آنان است. اگر عدالت ذاتی مصادیق باشد بدیهی است که شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی تغییری در آنها ایجاد نمی‌کند (طوسی، بی‌تا، ص ۲۱-۲۴). اما اگر عدالت عارض بر مصادیق شده‌باشد، می‌طلبید که مصادیق به صورت موردی و مصادیقی مشخص شوند و با دلیل و برهان نسبت برای آنان اثبات شود. در حوزه حقوق زنان نیز

تا مصادیق عدالت درباره حقوق زنان به صورت موردی مشخص نشود و عارضی بودن مصلحت و عدالت برای آنها اثبات نگردد، کلی‌گویی در این زمینه مغالطه‌ای بیش نیست.

۲-۴. محدود انگاری حوزه دخالت دین در اجتماع

در پاسخ به این انگاره باید گفت:

اولاً؛ بر اساس نظریات بسیاری بلکه اکثریت اندیشمندان دینی دامنه و سیطره دین مبین اسلام وسیع است و (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۳؛ مصباح، ۱۳۹۶، ص ۴۱؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰؛ مصباح، ۱۳۹۷، ص ۷۶-۸۳)؛ جامعیت دارد و برای همه شئون زندگی، برنامه ارائه می‌دهد (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۷۸).

زیرا هدف از بعثت انبیاء راهنمای انسان‌ها در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۵ و ج ۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۶) و طبیعتاً انتظار بشر از دین هم رستگاری و سعادت در هر دو جنبه حیات بشری است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۷ و ۱۷۵-۱۷۶). بنابراین قلمرو دین، همه ابعاد و شئون انسان را در برمی‌گیرد و باور به محدودیت آن تنها به امور فردی، مورد پذیرش عقل سلیم نیست (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱، ص ۷۱-۷۰).

ثانیاً؛ در آموزه‌های اسلامی دین امری اجتماعی است و مخاطب گزاره‌های دینی اجتماع نیز می‌باشد؛ به دلیل فطری بودن خاستگاه دین، وحدت و ثبات فطرت انسان در همه زمان‌ها و مکان‌ها (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۷۹) گرایش به دین امری ثابت و تبدیل‌ناپذیر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۴۸). بنابراین هرگز دین از اجتماع جدا نمی‌گردد. مخصوصاً دین اسلام که اساس و بنیان خود را بر اجتماع نهاده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۸).

ثالثاً؛ به شهادت بسیاری از آیات قرآن و بر خلاف بسیاری از پیش‌داوری‌ها بخش مهمی از دین مبین اسلام به حکومت، معیشت و دیگر امور دنیوی اختصاص داشته است و سیره مستمر انبیای الهی (علیهم‌السلام) عدم مدارا با ظالمان و دفاع از حقوق مظلومان همراه بوده است. پیامبران الهی نسبت به امور اجتماعی بی‌اعتنا نبودند و دخالت در امور اجتماعی را جزو وظایف خود تلقی می‌نمودند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱، ص ۷۲-۷۳). بنابراین این نظریه مخالف صریح با شیوه و سیره انبیاء است.

رابعاً، در آموزه‌های اسلامی ربوبیت فراگیر و مالکیت مطلق تنها متعلق به خداوند است و میان دنیا و آخرت پیوستگی و وابستگی است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷-۱۶۶) و آثار اعمال اختیاری انسان در تکامل یا انحطاط او در آخرت نقش دارند و به همین دلیل رفتارهای انسان

رنگ ارزشی به خود می‌گیرند و وارد حوزه دین می‌شوند. همین ارتباط موجب می‌گردد تا از دین که ادعای کامل بودن دارد انتظار داشته باشیم که درباره آنها قضاوت کند و نسبت به تأثیر رفتارها و نتایج ابدی آنها در آخرت آگاهی دهد و کوتاهی در بیان این مسائل نقصی برای دین به حساب می‌آید (مصباح، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۵۸-۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۹-۱۹۸).

۲-۵. انگاره عدم وجود احکام ثابت در دین اسلام

در پاسخ به ادعای عدم وجود احکام ثابت در اسلام باید گفت که انسان دارای دو نوع نیاز ثابت و متغیر است (طباطبایی، ۱۳۵۹، ص ۶۹ و ۱۱۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۶-۱۹۷). دین اسلام نیز با توجه به همین نیازها دارای دو دسته از قوانین دارد؛ قوانین ثابت که در آن طبیعت انسانی شامل اوصاف مشترک و جاودانی انسان و انسانیت انسان در نظر گرفته شده است و قوانین متغیر بر حسب مصالح مختلف جامعه در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون این مقررات تغییر می‌کنند. ولی اسلام قانون متغیر را به یک قانون ثابت متکی نموده و قانون ثابت به منزله‌ی روح قانون متغیر است که آن را تغییر می‌دهد. در واقع خود اسلام است که قوانین متغیر را عوض می‌کند نه اینکه انسان‌ها براساس خواسته‌های خود، آن‌ها را نسخ کنند (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۲۷).

بنابراین هم در جامعه و هم در اسلام عناصر ثابت و متغیر وجود دارد و باید آن تغییرات در ظرف آن عناصر ثابت رخ دهد، تا جامعه تکامل داشته باشد و اگر خارج از ثابت‌ها، تغییرات حاصل شود فقط تغییر است و دیگر تکاملی نیست و این انحراف و سقوط جامعه است (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۸۲).

۲-۶. انگاره نسبی بودن اجتهاد

در پاسخ به مخالفت این جریان با فقه سنتی و همچنین نسبی‌گرایی آنان در مسئله اجتهاد می‌توان گفت که تفاوت استنباط‌های بشر در زمان‌های گوناگون یا به عبارت دیگر نسبی بودن اجتهاد از متون دینی یا ریشه در نسبی دانستن واقعیت دارد و یا در نسبی دانستن فهم و معرفت؛ بنابراین باید این انگاره در دو بخش نقد گردد.

۲-۶-۱. نقد نسبی دانستن واقعیت

اعتقاد به نسبی بودن اجتهاد، می‌تولند این مسئله را تداعی نماید که استنباط مجتهد از هر راهی که باشد، کاشف از واقعیت است؛ یعنی واقعیت امری نسبی است و همه حکم‌های

متناقض مجتهدان در یک مسئله صحیح است. روشن است که این سخن، مخالف اصل بدیهی و اولی «استحاله اجتماع نقیضین» است.

افزون بر آن، واقع به طور مطلق یا حق است یا باطل و هیچ‌گونه قیاس و سنجشی در اصل واقعیت راه ندارد، در گزارش‌های متضاد از واقع معین حتماً یکی مطابق آن و حق و صدق و دیگری مخالف آن و باطل و کذب است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۴۲۲). به همین دلیل است که متکلمان شیعه، استنباط‌های متضاد و متناقض را حقیقت نمی‌دانند و خود را مخطئه معرفی می‌کنند. یعنی متن واقعیت و حکم‌الله واقعی، یک چیز بیش نیست و مطلق است.

نسبی دانستن واقعیت؛ یعنی واقعیت مطلق وجود ندارد و مقیاس همه چیز انسان است که این مقیاس مخالف آموزه‌های اسلامی است که مقیاس و ملاک حق و باطل را خداوند متعال می‌داند (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۳۲۳-۳۲۷).

۲-۶-۲. نقد نسبی‌گرایی در فهم متون دینی

برخی از حکمای مسلمان معتقدند با قبول نسبی‌گرایی در فهم متون دینی هیچ تضمینی برای بقای دین و ضروریات آن وجود نخواهد داشت (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۹)، زیرا در هر دین یک سری ضروریاتی وجود دارد که باید در حقانیت این گزاره‌ها قطع و یقین داشت. برخی از این ضروریات عقلی هستند و برخی دیگر از متون دینی استخراج و فهمیده می‌شوند که اجتهاد از نوع دوم است. اگر اعتقاد داشته باشیم که از متن، نمی‌توان هیچ فهم قطعی داشت؛ در این صورت دیگر فهم قابل اعتماد و یقین‌آور نخواهیم داشت؛ چون فهم‌ها متعدد می‌شوند و هر کدام، برای صاحب خود حجت می‌باشند؛ یعنی هر فردی با مراجعه به متون دینی و به مقتضای موقعیت خود و پیش‌فرض‌هایی که دارد، آن را معنا می‌کند و این امر باعث می‌گردد که فهم و شناخت حقیقی نسبت به شریعت و احکام آن برای بشر میسر نگردد و این مسئله متناقض است با هدف اصلی شریعت و هدایت انسان‌ها (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۵۶-۵۷؛ جوادی‌آملی، ۱۳۷۲، ص ۲۷۶).

افزون بر آن، اگر نظریه نسبی بودن فهم را صحیح بدانیم؛ خود شمول است و واقعی بودن خویش را به مخاطره می‌اندازد (جوادی‌آملی، ۱۳۷۲، ص ۲۷۸). همچنین تلاش‌ها و حرکات‌های علمی که عصری و نسبی است، مربوط به فاعل شناسا، است و زمینه‌ساز فهم است و نه مربوط به خود فهم، فهم و معرفت حقیقتی ثابت است که بر زمان و مکان فائق است و از تغییر و تحول فارغ است (جوادی‌آملی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۳).

البته باید توجه داشت که «نسبیت در احکام» اگر به معنای تحول محمولات در صورت تحول موضوعات باشد، سخنی است که مورد پذیرش عقل سلیم و وحی الهی است. اما اگر به معنی تأکید بر عقل محوری محض و زمان‌زدگی که حاصل آن خروج از حوزه قرآن و سنت است، از منظر اسلام مردود است.

همچنین در مواردی که میان احکام الهی در مقام اجرا تراحم به وجود آید، مجتهد می‌تواند به کمک عقل و بهره‌گیری از قاعده «تقدیم اهم بر مهم» حکم الهی را کشف نماید. نتیجه آنکه احکام واقعی الهی، نسبی نیستند و اجتهاد نیز نمی‌تواند گرفتار نسبیت معرفتی گردد. ولی در مواردی، حکم، تغییرپذیر است و تحولات موضوعی و مصداقی باعث تحول حکمی می‌شود (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۲۸۹-۲۹۰).

ساختار اصول و قواعد اسلامی، که به صورت قضایای حقیقیه هستند و به نیازهای ثابت و پایدار بشر نظر دارند و همچنین تابعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی بشر و وجود احکام اولیه و ثانویه، جاودانگی و پایداری احکام اسلامی را تضمین کرده است. تردیدی نیست که عواملی می‌تواند موضوعات را دستخوش تحول و تغییر نماید؛ ولی باید توجه داشت که این پویایی به مفهوم دگرگونی در احکام ثابت اولیه و ثانویه شرعی نیست، بلکه فقه اسلام با وجود پویایی و پاسخگویی به نیازهای همه عصرها، جاودانه و پایدار است. تغییر شرایط زمان و مکان صرفاً موجب تحول موضوع است، نه اینکه مقتضیات زمان، علی‌رغم ثبات موضوعات، احکام شرعی را دگرگون کند و اجتهاد را دچار نسبی‌گرایی (ایزدپناه، ۱۳۷۴، ص ۸۱-۸۲).

نتیجه‌گیری

جریان دینی تجددگرا؛ تعالیم اسلام را به عنوان مرجع پاسخگویی و حل مشکلات زنان به رسمیت شناخته‌اند بر این باورند؛ برقراری عدالت جنسیتی مرهون خوانش‌نویین از تعالیم اسلامی است. زیرا متون دینی، بازتاب‌کننده تجربه دینی مردانه بوده و نیاز به بازخوانی دارند. عده‌ای در این مسیر با رویکرد معرفتی و با تصور تاریخمندی قرآن خواهان بازخوانی دوباره آیات و روایات براساس جنسیت شدند و عده‌ای دیگر با رویکرد حقوقی خواهان بازخوانی فقه سنتی هستند و در این راستا انگاره‌های مطرح نموده‌اند؛ همانند تاریخمندی قرآن و ضرورت تفسیر زنانه، جدایی قرآن از سنت، عرفی و نسبی بودن عدالت، محدود بودن حوزه دخالت دین در اجتماع، عدم وجود احکام ثابت در دین اسلام، نسبی بودن اجتهاد.

پس از ارزیابی این انگاره‌ها با دیدگاه حکمای مسلمان معاصر مشخص شد:

- شکل‌گیری انگاره تاریخمندی قرآن؛ به دلیل عدم توجه به حیانی و جهان‌شمولی بودن قرآن و فطرت ثابت و لایتغیر انسان است. تفسیر زنانه از قرآن می‌تواند آنان را مبتلا به آسیب تفسیر به رأی نماید؛ زیرا در تعالیم اسلامی فهم و تفسیر قرآن باید با چارچوب و ضابطه باشد، در غیر این صورت تفسیر صحیح از قرآن شکل نمی‌گیرد.

- آنان با جدا انگاری سنت از قرآن به بسیاری از آیاتی که پیامبر را الگو و واجب‌الاطاعه معرفی کرده خدشه وارد می‌کنند که این با مبانی آنان هم در تعارض است. مطابق آیات قرآن و حدیث تقلین سنت و قرآن هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، بر روی هم یک حجت الهی هستند؛ منتها در طول یکدیگر، یکی متن و دیگری شرح.

- در اسلام مفهوم عدالت عقلی است و در شرایط مختلف جوامع و مقتضیات زمانی و مکانی دچار تغییر نمی‌شود؛ آن چیزی که تغییر و تحول پیدا می‌کند، مصادیق عدل است نه مفهوم عدل.

- بر طبق تعالیم اسلامی قلمرو دین، همه ابعاد و شئون انسان را در برمی‌گیرد زیرا میان دنیا و آخرت پیوستگی است و دین اسلام جامعیت دارد و حوزه دخالت دین در اجتماع حداکثری است.

- در تعالیم اسلامی با توجه به نیازهای ثابت و متغیر انسان دو دسته قوانین وضع شده؛ قوانین ثابت که در آن به طبیعت انسانی توجه دارد و قوانین متغیر برحسب مصالح مختلف جامعه در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تغییر می‌کنند.

- نتیجه نسبی دانستن اجتهاد، نسبی دانستن واقعیت و یا نسبی‌گرایی در فهم است و این یعنی مقیاس همه چیز انسان است که این مخالف آموزه‌های اسلام است که مقیاس را خداوند متعال می‌داند. حکمای اسلام پویای فقه را بپذیرفتن؛ اما این پویایی به مفهوم دگرگونی در احکام ثابت اولیه و ثانویه شرعی نیست، بلکه فقه اسلام با وجود پویایی و پاسخگویی به نیازهای همه عصرها، جاودانه و پایدار است.

پیشنهادات: با توجه به نقدهای مطرح‌شده بر انگاره‌های جریان تجددطلب در این پژوهش، پیشنهادات زیر برای تحقیقات آتی ارائه می‌گردد:

- ضروری است که چارچوبی جامع برای سنجش و تحلیل قرائت‌های نوپدید از دین بر اساس اصول معرفت‌شناختی، ضوابط تفسیری و معیارهای حجیت در اسلام تدوین شود. وجود چنین الگوهایی می‌تواند مانع از برداشت‌های سلیقه‌ای و تفسیر به رأی شده و امکان بررسی روشمند ادعاهایی چون تاریخمندی قرآن، جدایی قرآن از سنت یا نسبییت عدالت را فراهم سازد.

- بررسی تطبیقی مبانی معرفتی جریان‌های تجددطلب و حکمای مسلمان در حوزه مطالعات زنان، با تأکید بر ریشه‌های فلسفی اختلاف‌نظر در موضوعاتی همچون تاریخمندی قرآن، چیستی عدالت، و قلمرو دین در اجتماع.

- طراحی و تدوین الگویی جامع برای عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی بر پایه تمایز میان احکام ثابت و متغیر شرعی، با بهره‌گیری از ظرفیت فقه پویا و اصول مسلم عقلی و نقلی. - آسیب‌شناسی روش‌شناختی خوانش‌های نوین از متون دینی (اعم از تفاسیر زنانه، رویکردهای تاریخی‌گرا و قرائت‌های موسوم به تجددطلبانه) بر اساس معیارهای تفسیر صحیح و ضوابط اجتهاد در سنت اسلامی.

- مطالعه تطبیقی تأثیر انگاره‌های جریان تجددطلب بر قوانین خانواده و سیاست‌های اجرایی مرتبط با زنان در چند کشور اسلامی منتخب، به منظور ارزیابی پیامدهای عینی این رویکردها در سطح جوامع.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اسحاقی، حسین، (۱۳۸۵)، *فمینیسم*، چاپ اول، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲. ایزدپناه، عباس، (۱۳۷۴)، *مجموعه آثارکنگره بررسی‌مبانی فقهی حضرت امام خمینی (نقش زمان و مکان در اجتهاد)*، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۳. ایمانی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بدره، محسن و عزت‌السادات میرخانی و دیگران، (۱۳۹۴)، «چشم‌انداز جزیان موسوم به «فمینیسم اسلامی» به بازنگری فقه سنتی کاوش تطبیقی»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۳۷۸-۳۵۹
۵. بهادری، آتنا و مرضیه محمص، (۱۳۹۷)، «نقد مبانی تاریخ‌مندی در تفاسیر زن محور از قرآن»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۸۲، صص ۵۷-۷۶
۶. توحیدی، نیره، (۱۳۷۴)، «جنسیت، مدرنیت و دموکراسی»، *جنس دوم*، شماره ۳، تهران، صص ۱-۳۲
۷. توحیدی، نیره، (۱۳۷۶)، «فمینیسم اسلامی چالشی دموکراتیک یا چرخشی تنوکراتیک»، *کنکاش*، آمریکا، شماره ۱۳، صص ۱۰۴-۱۳۲
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴)، *دین‌شناسی*، چاپ هشتم، قم: اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸)، *تسنیم*، چاپ هشتم، قم: اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، چاپ دوم، قم: اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲)، *شریعت در آئینه معرفت*، چاپ اول، قم: رجاء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵)، *ولایت فقیه ولایت، فقاها و عدالت*، چاپ هفدهم، قم، اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *وحی و نبوت در دین*، چاپ سوم، محقق، مرتضی واعظ جوادی، قم: اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، *نسبت دین و دنیا (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم)*، چاپ هفتم، قم: اسراء.
۱۵. درویش‌پور، مهرداد، تابستان و بهار ۱۳۷۶، «*وضعیت زنان در کشورهای اسلامی از دیدگاه فمینیسم غربی*»، ترجمه سیما فرهودی، آوای زن، سال هفتم، شماره ۲۹.
۱۶. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، چاپ اول، قم: دارالکتب.

۱۷. سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۲)، *اندر باب اجتهاد، درباره کارآمدی فقه اسلامی در دنیای امروز*، چاپ دوم، جستارهایی از عبدالکریم سروش، حسین علی منتظری و دیگران، تهران: طرح نو.
۱۸. شیرزاد، محمدحسین و هدایت، محمدحسن و صادق، (۱۳۹۵)، «رهیافتی زبان‌شناختی به برابری جنسیتی در قرآن کریم؛ نقدی بر فمینیسم اسلامی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، صص ۱۲۳-۱۴۸.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۵۹)، *فرازهایی از اسلام*، چاپ دوم، جمع‌آوری و تنظیم از مهدی آیت‌اللّٰهی، قم: جهان‌آرا.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیرالمیزان*، چاپ پنجم، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات قرآن کریم.
۲۲. کافی، مجید، (۱۳۸۲)، «گذری بر فمینیسم ایرانی»، چاپ اول، به اهتمام: هادی وکیلی، مجموعه مقالات همایش علمی اسلام و فمینیسم، مشهد: نشر معارف.
۲۳. کدیور، محسن، (۱۳۹۲)، *حذف اجتهاد بنام تعمیم اجتهاد*، سخنرانی در کالج استیشن، نگراس.
۲۴. کدیور، محسن، (۱۳۹۲)، «مسئله حجاب زنان»، *سایت رسمی محسن کدیور*، <https://kadivar.com/>.
۲۵. کشاورز، ناهید، (۱۳۷۵)، «فمینیسم اسلامی»، *راه آزادی*، شماره ۴۶.
۲۶. سعیدزاده، محسن، (۱۳۷۶)، «شیوه استنباط در مکتب فقهی مدون»، *پیام‌هاجر*، شماره ۲۳۵.
۲۷. شفیعی سروستانی، ابراهیم، (۱۳۹۶)، *جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان*، قم: مؤسسه فرهنگی طه (کتاب طه)، چاپ چهارم.
۲۸. شفیعی سروستانی، (مهر ۱۳۸۱)، «جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان»، *مجله رواق اندیشه*، شماره ۱۰، صص ۶۷-۸۰.
۲۹. طوسی، نصیرالدین، (بی‌تا)، *اساس الاقتباس*، ترجمه: مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. محمدی، نعیم و حاضری، علی محمد، (۱۳۹۵)، «تأملی نظری در باب موانع توسعه فمینیسم اسلامی»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفدهم، شماره ۴، صص ۲-۲۴.
۳۱. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۲)، *تعدد قرائت‌ها*، تحقیق: غلام‌علی کیانی‌نیا، چاپ اول، قم: مؤسسه امام خمینی.

۳۲. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۸)، *نگاهی گذرا به اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، چاپ اول، قم: مؤسسه امام خمینی
۳۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۶)، *نظریه سیاسی اسلام*، چاپ هشتم، تحقیق: کریم سبحانی، قم: مؤسسه امام خمینی.
۳۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۷)، *حکیمانانه‌ترین حکومت، کاوشی در نظریه ولایت فقیه*، چاپ چهارم، تحقیق: قاسم شبان‌نیا، قم: مؤسسه امام خمینی.
۳۵. مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم، (۱۴۲۰ ق)، *السبببات الثلاثون*، چاپ اول، القاهرة: مكتبة وهبة.
۳۶. مطهری، (۱۳۷۷)، *یادداشت‌های شهید مطهری*، چاپ اول، تهران، صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، چاپ پنجم، تهران، صدرا
۳۸. مغیثی، هایده، (۱۳۷۸)، «فمینیسم پوپولیستی و فمینیسم اسلامی»، *کنکاش*، آمریکا، شماره ۱۹.
۳۹. موحدشریعت پناهی، ژیلا، (۱۳۷۴)، «تحقیقی در مورد قصاص از دیدگاه قرآن»، *ایران فردا*، شماره ۱۹.
۴۰. میرحسینی، زیبا، (۱۳۸۹)، «فمینیسم اسلامی» *طرحی برای آزادی زنان مسلمان*، (مصاحبه با زیبا میرحسینی) ترجمه: آزاده دواجی، بی جا، مدرسه فمینیستی.
۴۱. ناصح، علی احمد، وفاء نصرالله، (۱۳۹۳)، «بررسی و نقد دیدگاه‌های قرآنی و حدیثی قرآنیون اهل سنت»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، شماره ۱۶، صص ۱۵۳-۱۷۹.
۴۲. نصیری، علی، (۱۳۹۵)، *رابطه متقابل کتاب و سنت*، چاپ اول، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۴۳. ودود، آمنه، (۱۳۹۳)، *قرآن و زن*، چاپ اول، مترجم: اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران، حکمت.
۴۴. وطن‌دوست، محمدعلی، (۱۳۹۱)، «گوهر و صدف دین»، *فلسفه دین*، <http://dinofalsafe.blogfa.com>
45. Abou El Fadl, Khaled, 2001, *Speaking in God's name: Islamic law, authority and women*, Oxford: Oneworld.
46. Ahmed, Leila, 1992, *Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern*
47. Al-Hibri, A, 1997, *Islam, Law and Custom: Redefining Muslim Women's Rights*. American University Journal of International Law and Policy.
48. Al-Hibri, A, 2001, *Redefining Muslim Women's Roles in the Next Century*, In Dorsen, N, & Gifford, P, *Democracy and the rule of law*. Washington, D.C: CQ Press.

49. Al-Hibri, A., 2000, *Deconstructing Patriarchal Jurisprudence in Islamic Law: A Faithful Approach*, In Adrien Katherine Wing, ed, *Global Critical Race Feminism: An International Reader*, New York University Press.

50. Barlas, Asma, 2000, *Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur'an*, USA. University of Texas Press.

51. Barlas, Asma 2006, "Women's Readings of the Quran"; in: *the Cambridge Companion to the Quran*, edited by Jane Damen McAuliffe, Cambridge: Cambridge University Press.

52. hosn abboud, 2014, *Mary in the Qur'an: A Literary Reading*, Edited by Andrew Rippin University of Victoria, Canada

53. Mernissi, Fatima, 1992, *The Veil and the Male Elite: A Feminist Interpretation of Women's Rights in Islam*, Perseus Books.

54. shakry, omnia, 1998, *schooled mothers and structured play: child rearing in the turn-of-the century egypt*. in Lila Abu-Lughod, I. (ed.) *remaking women: feminism and modernity in the middle east*, 127-169. princeton

55. Wadud, Amina, 2004, "Possibilities Interpretive and, Gender, an Qur, hawa, 2-3

56. Wadud Amina, 1999, *Quran and woman*, New York: Oxford university press.

57. Zoepf, Katherine, 2010, *Talk of women's rights divides Saudi Arabia*, New York Times.

58. Badran, Morgot, 2002, "Islamic Feminism. What 's In a Name?", Al- Ahram Weekly online, January, in <http://www.weekly.ahram.org>

59. Hammer, Julian and Safi, Omid, 2013, *Studing American Muslim Women, Religious Authority and Activism*. Cambridge, Cambridge university press.

60. Mir-Hosseini & Hamzic, Ziba & Vanja, 2010, *Control and Sexuality: The Revival of Zina Laws in Muslim Contexts*, Nottingham UK: The Russell Press.

ارائه مدل بازیابی هویت ایرانی-اسلامی زنان

با تأکید بر تحکیم بنیان خانواده

ندا کاوند^۱

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه مدلی برای بازیابی هویت ایرانی-اسلامی زنان با تأکید بر تحکیم بنیان خانواده انجام شده است. هویت، سیستم تفکر درباره خود است که از جوانب ملی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی قابل بررسی بوده و هویت ملی و دینی نقشی تعیین کننده در اهداف، برنامه‌ها، سبک زندگی و استحکام خانواده ایرانیان دارد. این مطالعه کیفی با جامعه آماری شامل بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و نخبگان حوزه خانواده و جامعه‌شناسی انجام شده که به صورت هدفمند انتخاب شدند. براساس یافته‌ها، مدل بازیابی هویت ایرانی-اسلامی دارای سه جزء اساسی است: بستر و زمینه؛ که شامل چهار عامل نیازمندی‌های معنوی، خودآگاهی و خودیابی، احساس تعلق، و زمینه‌های فردی که به عنوان ورودی‌های مدل عمل می‌کنند و هسته مرکزی؛ که مشتمل بر دو خوشه هویت ایرانی با ابعاد تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و سرزمینی؛ و هویت اسلامی با ابعاد معرفتی، اعتقادی، رفتاری و اخلاقی و در انتها دستاوردها؛ نتایج مثبت برای خانواده شامل تفسیر خوشبینانه از رویدادهای زندگی، رشد و کمال معنوی اعضا، هدفمندی و انگیزه‌مداری، انجام رفتار متناسب با انتظار جامعه، توانایی بالا در برقراری ارتباط، کشف و پرورش قابلیت‌های اعضای خانواده، و ارتقای وفاق و همبستگی خانوادگی. این مدل می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تقویت هویت ایرانی-اسلامی زنان و در نتیجه تحکیم بنیان خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خانواده، هویت ایرانی-اسلامی، استحکام بنیان خانواده

طرح مسأله

بر اثر تحولات جهانی و گسترش نوگرایی در عرصه جهان، تحولاتی که در زمینه‌های فرهنگی و ساختاری روی داده چنان عمیق و با سرعت بوده، که اصیل‌ترین عرصه حیات بشری بنام «هویت» را با چالشی جدی روبه‌رو نموده است. به‌طوریکه هویت‌های متصلب پیشین که ضامن حفظ وضع موجود بودند، دچار تغییر و دگرگونی شدند و هویت دچار یک بحران و گسیختگی درونی گردید. هویت لازمه نظام اجتماعی و یک پدیده پویا و تغییرپذیر است، که تحت شرایط محیطی و زمانی دچار تغییر و تحول می‌شود، و هرگونه انحراف در شکل‌گیری و بلوغ آن، می‌تواند منجر به پراکندگی یا بحران هویت شود، که خود بسیاری از نابهنجاری‌های فردی و اجتماعی را در پی دارد. از آنجا که شناسایی و اعتبار هر فرد ناشی از هویت و تعلقات معنوی و مادی اوست (اکبری، ۱۳۹۹، ص ۴۶)، شکل‌گیری صحیح هویت و فاصله گرفتن از سلب و پراکندگی آن، از اساسی‌ترین و مهمترین آسیب‌های اجتماعی عصر حاضر بشمار می‌رود. بطوریکه قرآن کریم بی‌هویتی را پیدایشگاه خودفروشی و خودزیانی می‌داند «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ» (زمر، ۱۵)؛ زیرا هویت که ارزنده‌ترین گوهر و سرمایه است را به بهای بسیار ناچیز می‌فروشند و این معامله نتیجه‌ای جز خسارت و زیان ندارد: «وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهٖ أَنفُسَهُمْ» (بقره، ۱۰۲).

مقام معظم رهبری مدظله العالی با استناد به آیه ۱۹ سوره حشر «نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ» توجه به هویت را برای هر ملت و هر مجموعه یک امر لازم و ضروری دانسته و بی‌توجهی به این مهم را عامل عقب ماندگی و فراموشی بیان می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۹/۱۵).

تغییرات و تحولات سریع و شتاب‌آلود جهانی شدن و فشارهای بین‌المللی ناشی از آن، از یک سو، و تلاش کشورهایی که دارای قدرت غالب هستند، برای تحمیل اندیشه و فرهنگ خود به دیگر ملت‌ها از سوی دیگر، زمینه دگرگونی شخصیت و هویت اجتماعی اقشار مختلف جامعه به ویژه زنان را فراهم نموده، و مسئله بحران هویت را به زنان جامعه ایران تسری داده است. از نظر اسلام زنان نقش حساسی در بنیان جامعه اسلامی دارند و اسلام تاحدی مقام زن را ارتقاء می‌دهد که او بتواند در جامعه مقام انسانی خود را بازیابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید (خمینی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۳۶). در اسلام زن از جایگاه والایی برخوردار است به‌طوریکه وقتی برای مؤمن نمونه می‌خواهند مشخص بکنند، نمونه‌ی زن معین می‌کنند. «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأت

فرعون» (تحریم، ۱۱)، «و مریم ابنت عمران» (تحریم، ۱۲)؛ نمونه برای «للذین آمنوا»، دوزن. می باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸).

زن در اسلام موجودی دارای ایمان، عفاف، متصدی حیاتی‌ترین بخش تربیت انسان، مؤثر در اجتماع، دارای رشد معنوی و علمی و مدیر کانون بسیار حیاتی خانواده است؛ که تمام این ویژگی‌ها را در کنار خصوصیات زنانگی مثل رقت قلب، لطافت، آمادگی دریافت انوار الهی داراست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷). لذا زمانی که زنان دچار بحران هویت گردند، ارزش وجودی؛ و محوریت تربیتی خویش را در خانواده و به تبع آن در جامعه نشناخته، و نخواهند توانست به عنوان الگوی همسرانه و مادرانه در خانواده راهبرنده، تنظیم‌کننده و جهت‌دهنده حرکت خانواده باشند و حتی می‌تواند خانواده را دچار بحران و آشفتگی نماید. از آنجا که خانواده نخستین کانون شکل‌گیری رشد شخصیت و هویت‌یابی افراد بشمار می‌رود، و وظیفه خطیر انتقال بایسته‌های اعتقادی و اخلاقی به افراد و اعضاء خانواده را برعهده دارد، موضوعات و مسائل آن به جامعه تسری می‌یابد. لذا اگر خانواده دچار بحران شود جامعه دچار سردرگمی و آنومی می‌گردد، و نهادهای اجتماعی از حالت تعادل خارج و حیات جوامع بشری با تهدید مواجه می‌شود. لذا مسئله بحران هویت در زنان مسئله‌ای نگران‌کننده است.

در جامعه امروز خود باختگی افراد جامعه به ویژه زنان در مقابل فرهنگ غرب و یا به تعبیر حضرت امام (رحمة الله علیه) غربزدگی از اساسی‌ترین مقولات تهدیدگر هویت ایرانی-اسلامی می‌باشد.

هویت اسلامی و هویت ایرانی توأمان با هم نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ توازن، همبستگی و انسجام ملی، مشروعیت نظام سیاسی و امنیت اجتماعی دارند، و در هویت بخشی اهمیت زیادی دارد (راشدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۶). در عصر حاضر متأسفانه بسیاری از زنان ایرانی بدون داشتن درک درستی از کیستی و چیستی ملی-مذهبی خویش و بدون تحلیل و شناخت نسبت به فرهنگ غرب، گمگشته شخصیتی خویش را در فرهنگ بیگانه می‌جویند و بی‌اختیار نسبت به آن رابطه ظرف و مظروف پیدا می‌کنند و هویت ایرانی-اسلامی خویش را به حراج می‌گذارند.

بحران هویت در زنان به عنوان ستون و محور اصلی خانواده، موجب می‌شود، خانواده با اختلال و نابسامانی‌هایی روبرو شده، و مشکلات جدی در بنیان خانواده‌ها ایجاد گردد. لذا در این پژوهش سعی شد هویت ایرانی-اسلامی زنان مورد بررسی قرار گرفته و مدل بازیابی هویت ایرانی-اسلامی زنان با تأکید بر تحکیم بنیان خانواده ارائه گردد.

پیشینه پژوهش

رزازی و همکاران (۱۴۰۳) مطالعه‌ای با هدف «شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم نهاد خانواده» انجام دادند. یافته‌های این مطالعه نشان داد عواملی «علّی»، «زمینه‌ای» و «مداخله‌گر» دربرگیرنده عواملی با ابعاد روان‌شناختی، فرهنگی و رفتاری و عوامل برون و درون خانوادگی محیطی با ماهیت اقتصادی و اجتماعی هستند؛ به طوری که عوامل «روان‌شناختی»، «فرهنگی» و «رفتاری» عوامل علّی؛ عوامل درون‌نهادی همچون «نقاط اشتراک میان زوجین» و «وظایف زن و مرد در نهاد خانواده» از عوامل زمینه‌ای، و عواملی با ماهیت برون‌نهادی همچون «عوامل اقتصادی» و «تنوع و تضاد عوامل جامعه‌پذیری» از عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی می‌باشد.

عباسی (۱۴۰۳) آثار تربیتی نماز براستحکام خانواده از منظر آیات و روایات را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد آثار تربیتی مانند رهایی از منیت، تثبیت عزت نفس، دوری از گناه، تبیین راه زندگی، معنا بخشیدن به زندگی، تقویت روح مسئولیت‌پذیری، دست یافتن به آرامش درونی و بسیاری از این موارد آثار تربیتی مؤثر بر استحکام خانواده می‌باشد.

طهماسبی (۱۴۰۲) حجاب و عفاف و نقش آن در تحکیم خانواده را مورد بررسی قرار داد، و به این نتیجه رسید که یکی از عوامل سلامت و استواری خانواده‌ها و جاذبه‌ی بیشتر زن و مرد در رعایت حجاب و پوشش حجاب و پوشش اسلامی و عفت در زنان می‌باشد. البته حجاب شرط لازم استحکام خانواده است، نه شرط کافی آن و می‌توان گفت: «حجاب از موثرترین عوامل تحکیم روابط خانوادگی است و بی‌حجابی از مخرب‌ترین عوامل تزلزل خانوادگی است.

رهبر مهرپو و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تاثیر رسانه‌های اجتماعی در بازنمایی هویت ایرانی-اسلامی زنان پرداختند. نتایج نشان داد که تمامی ابعاد هویت اجتماعی زنان تهرانی (خانوادگی، ملی، قومی و مذهبی) تضعیف شده است. همچنین نتایج بیانگر آن است بیشترین تغییر در هویت دینی زنان شهر تهران مشاهده می‌شود. همچنین تمامی فرضیه‌هایی که بیانگر ارتباط معنادار بین شبکه‌های و ابعاد مختلف هویت اجتماعی است تأیید شده است.

جلو و بهادر (۱۳۹۹) به کنکاشی درباره نقش زن در استحکام خانواده اسلامی پرداخته است. نتایج مطالعه وی نشان داد از مهم‌ترین عوامل استحکام خانواده، ایمان به خدا، مدیریت اقتصادی خانواده، عفو و گذشت، پرهیز از کینه‌توزی، پرهیز از سوء ظن، احترام متقابل و مشورت

است. زن قادر است با همسررداری نیکو، حسن خلق، راز داری و قناعت و عدم منت‌گذاری بر همسر موجبات استحکام خانواده را فراهم آورد.

راشدی و همکاران (۱۳۹۹) دیدگاه متخصصان در خصوص عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت ایرانی - اسلامی جوانان براساس تجربه زیسته را بررسی نمودند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است، که مقوله‌ها و مفاهیم متعددی از جمله عوامل عوامل خانوادگی، عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل سیاسی - اقتصادی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت ایرانی - اسلامی می‌باشد.

بنی اسدی (۱۳۹۹) در پژوهشی به تبیین نقش زن در استحکام بنیان خانواده با الگوگیری از فرهنگ غنی اسلامی پرداختند. براساس نتایج پژوهش فرهنگ غنی اسلامی راهبردهای بسیار دقیق، زیاد و موثر برای ایفای نقش زنان در استحکام خانواده ارائه نموده‌است. توجه زنان به سنخیت همسر در تشکیل خانواده، ترغیب زنان به اطاعت همسر، اجتناب از رفتارهای تنش‌زا، اجتناب از بیان مطالب اختلاف‌افکن، تأکید بر اعمال محبت‌افزا میان زوجین، اظهار محبت زوجین نسبت به یکدیگر، رسیدگی به امور منزل به نحوی شایسته، ترغیب زنان به رعایت حال همسران شان، تغافل زنان از خطاها و اشنباهات همسران شان، و عفو و گذشت زنان نسبت به همسران شان برخی از مهم‌ترین این راه‌کارها می‌باشد. راه کارهای فوق و هنرنمایی زنان در حصول استحکام بنیان خانواده امری قطعی است.

شایگان و مؤمنی راد (۱۳۹۷) دیدگاه مقام معظم رهبری بانوان چه نقشی در استحکام درونی نظام اسلامی را مورد مطالعه قرار دادند. براساس یافته‌ها از نظر معظم‌له زنان با اقداماتی چون تربیت نسلی که مدافع ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب باشند، تحکیم بنای خانواده، تشویق و ترغیب همسر و فرزندان به دفاع از نظام، مقابله مؤثر با تهاجم فرهنگی، تقویت سبک زندگی دینی، مصرف کالاهای ایرانی برای کمک به اقتصاد مقاومتی، حضور به‌موقع در صحنه و... می‌توانند نقش مهمی در استحکام درونی نظام اسلامی داشته باشند.

استادی و سالاری فر (۱۳۹۵) عوامل عاطفی روانی تحکیم خانواده از منظر آیات و روایات با رویکرد سبک زندگی اسلامی را مطالعه نمودند. بر اساس نتایج این تحقیق در جنبه عاطفی روانی، ابراز محبت، حمایت روانی، احترام متقابل، خوش‌بینی، فروتنی، عیب‌پوشی، بخشش و گذشت، قدردانی از یکدیگر، مهار هیجان‌های منفی، تأمین نیاز جنسی همسران و اجرای برنامه‌های نشاط بخش از جمله عواملی هستند که در استحکام خانواده نقش دارند. لذا استفاده از

مهارت‌های مبتنی بر سبک زندگی اسلامی به منظور تقویت این ابعاد در خانواده و اصلاح الگوهای رفتاری به پایداری روابط خانوادگی کمک می‌کند.

نوآوری پژوهش

جهانی‌سازی پروژه‌ای غربی است، که درصدد سیطره و تسلط همه جانبه غرب و فرهنگی غربی بر جهان است. با افزایش سرعت فرایند جهانی شدن یکی از معضلات اساسی که جامعه ایران اسلامی با آن مواجه است تضعیف هویت ایرانی اسلامی در میان اقشار مختلف جامعه است. از سوی دیگر با توجه به نقش حیاتی و کلیدی زنان در خانواده و به تبع آن جامعه همجمله‌های بسیاری برای ایجاد یک هویت غربی در زنان شکل گرفته است، که آثار سوء آن بر کسی پوشیده نیست. دیدگاه، عملکرد، رفتار و... زنان همچون چتری بر ارکان و اعضاء خانواده سایه گسترانیده است. لذا زنانی که از هویت خود گریزان بوده و یا آن را فراموش نموده‌اند، بستر خانواده را با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه می‌سازند، که می‌تواند بنیان خانواده را متزلزل سازد. از سوی دیگر بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه هویت ایرانی و اسلامی و تحکیم بنیان خانواده بیانگر آن است، که تاکنون مطالعه‌ای در این خصوص انجام نگرفته است.

در پژوهش حاضر تحکیم و استحکام بنیان خانواده را از دریچه‌ای نو مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در تحکیم بنیان خانواده ها و همچنین اتخاذ تصمیمات راهبردی برای احیای هویت ایرانی و اسلامی بسیار کاربردی است.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. هویت

هویت مفهومی خردمندانه و سیال با وجوهی زیستی، ذهنی، عقلایی، تاریخی و احساسی است. هویت از یک سو بر تشابه و اشتراک و از سویی بر تباین و افتراق دلالت دارد، چنان که با تأکید بر اشتراکات و پیوستگی‌ها، ما را پیرامون محوری یگانه، همبسته و متعهد می‌نماید، و همزمان ما را از دیگران متمایز می‌سازد. هویت پرسش از کیستی است، و به زعم بسیاری از اندیشمندان موجب شناسایی و تمایز افراد، گروه‌ها، فرهنگ و غیره از یکدیگر می‌گردد (حاجیان و ایروانی، ۱۳۹۷، ص ۶).

«گیدنز» (۱۹۹۱) هویت را آگاهی فرد نسبت به خودش می‌داند که در نتیجه کنش‌های اجتماعی به طور مداوم و پیوسته توسط فرد شکل گرفته و مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۹۸، ص ۸۱). آنچه به انسان‌ها هویت می‌بخشد، تفاوت‌هایی است که موجب تمایز آن‌ها از دیگران می‌شود.

شباهت‌ها و تفاوت‌ها توسط افراد ساخته می‌شوند. به همین جهت افراد این توانایی را دارند، که در موقعیت‌های متفاوت هویت‌های متعددی بسازند و خود را متعلق به آن بدانند.

«اریکسون» (۱۹۶۸) برای هویت‌یابی هشت مرحله را معرفی می‌نماید: اعتماد در برابر عدم اعتماد، تکیه نمودن در مقابل شرم و تردید، ابتکار در برابر احساس گناه، کارایی در برابر حقارت، هویت در مقابل آشفتگی هویت، صمیمیت در برابر تنهایی، باروری در مقابل عدم باروری یا بی‌حاصلی، کمال در مقابل وازدگی و سرخوردگی (سهراب زاده و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۶۳).

نظریه‌پردازان هویت را به دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم می‌کنند. هویت فردی همان خود است که فرد آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌اش می‌پذیرد. و در مقابل هویت اجتماعی نوعی خودشناسی فرد در رابطه با دیگران می‌باشد.

هویت فردی اساسی‌ترین و نخستین سطح هویت می‌باشد. این سطح از هویت که با هویت جمع ارتباط و وابستگی تنگاتنگی دارد، با باورها، نام و سایر ویژگی‌های و خصوصیات شخصی و ظاهری تعریف می‌شود. هویت فردی شناخت ابتدایی فرد از خویش می‌باشد، که براساس رابطه با خانواده و جنسیت است. لذا هویت فردی در ابتدا به ارتباط فرد با خانواده و خویشاوندان و در مرتبه بعدی به جنسیت خود برمی‌گردد.

بدین ترتیب هویت فردی (شخصی) از تعدد و تنوع برخوردار نبوده و فرد تنها دارای هویت خانوادگی و هویت جنسی (مرد یا زن) است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۷۲).

«جرج هربرت مید» از معروف‌ترین نظریه‌پردازان هویت اجتماعی معتقد است، هر شخص هویت یا خویشتن خویش را از معبر سازماندهی نگرش‌های شخصی دیگران در قالب نگرش - های سازمان یافته گروهی یا اجتماعی شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، تصویری که فرد از خویش می‌سازد و احساسی که نسبت به خویش پیدا می‌نماید، بازتاب نگرشی می‌باشد، که دیگران نسبت به وی دارند (ر.ک: صحت و گل محمدی، ۱۴۰۲).

هویت اجتماعی با توجه به اعتقادات، باورها، آرمان‌ها، فرهنگ، دین، اشتراکات و سوابق تاریخی، اهلیت و تعلق به زمان و مکان و نژاد تعریف می‌شود. هویت اجتماعی در پاره‌ای از تقسیم‌بندی‌ها در برگیرنده هویت هم‌سالان، هویت خانوادگی، هویت قومی و هویت ملی می‌شود.

هویت ملی از مهمترین و برجسته‌ترین نوع هویت جمعی است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز هویت ملی را شعبه‌ای از هویت جمعی می‌دانند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۶۸).

۱-۲. هویت ایرانی اسلامی

هویت ایرانی اسلامی مفهومی تکامل یافته از دو مفهوم هویت ایرانی و هویت اسلامی است. هویت ایرانی همان هویت ملی است، که به معنای وفاداری و احساس تعلق به نمادها و عناصر مشترک در اجتماع ملی می‌باشد. هویت ملی خصوصیتی دارد، که هر ملتی را از سایر ملت‌ها متمایز می‌سازد. دیوید میلر هویت ملی را دارای پنج مشخصه می‌داند: ۱- هویت ملی به وسیله اعتقاد به اینکه اعضا یک ملت همدیگر را به عنوان هم وطن می‌شناسند و باور دارند که در خصوصیات و ویژگی‌هایی مشترک هستند، ساخته می‌شود. ۲- هویت ملی در تداوم تاریخی قرار دارد ۳- هویت ملی هویتی فعال است. ۴- پاره ای از هویت ملی، گروهی از مردم را به یک مکان جغرافیایی خاص مرتبط می‌نماید ۵- هویت ملی نیازمند آن است تا افراد و مردمی را که در آن سهیم‌اند، تا اندازه‌ای دارای مجموعه‌ای از خصوصیات و ویژگی‌هایی مشترک باشند، که فرهنگ عمومی مشترک یا منش ملی نامیده می‌شود (میلر، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

هویت اسلامی به رابطه انسان با دین اسلام و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، اطلاق می‌شود (التیامی‌نیا و رضایی اردانی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۳). هویت اسلامی یعنی باور و التزام عملی به دین اسلام و نشان دادن رفتار و عملی که فرد معتقد به باورهای دینی را از پیروان مذاهب دیگر متمایز می‌سازد. هویت اسلامی بعد از ظهور دین مبین اسلام و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قالب امت اسلامی که براساس آیات قرآن کریم به عنوان بهترین امت معرفی شد «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۱۴۳) تجلی یافت.

با ورود اسلام به ایران، هویت اسلامی جزء پایه‌های محکم و اساسی هویت ایرانیان محسوب گردید و ایرانیان بعد از آمدن اسلام به ایران و پذیرش آن، با بهره‌گیری از فرهنگ ایرانی و ویژگی‌های اخلاقی توانستند در کنار تقویت و تحکیم هویت ایرانی، هویت دینی خویش را معنای جدیدی بخشیده و تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی را بارور نمایند. هویت ایرانی اسلامی بیانگر آن است که دین و ملیت در مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند؛ بلکه دین یکی از ارکان حیاتی و مهم هویت و فرهنگ ملی محسوب می‌گردد، و جامعه بدون دین از خود هویتی ندارند (راشدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۸).

مبتنی بر آیات قرآن کریم دین که منشاء هویت اسلامی است دین مهمترین عامل هویت بخشی و همبستگی جوامع دینی است: «وَاذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران، ۱۰۳). در خلال چهارده قرن همراهی تاریخ اسلام و ایران، آمیزه‌ای از هویت ایرانی و اسلامی پدید آمد، که در آن نمی‌توان هیچکدام را از دیگری منفک کرد. تصور هویت ایران بدون اسلام به آن اندازه غیرممکن و تصور ناپذیر است، که هویت اسلامی را بدون ایران تصور نماییم (نادری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۵). در طی تاریخ ملت ایران عناصر اصلی هویت خود را پالایش نموده و اگر عنصر و یا عناصری کارائی و کارآمدی خود را از دست داده آن را کنار گذاشته‌اند. بدین گونه از تلفیق مؤلفه‌های هویت ایرانی با مبانی الهی اسلام هویت مستحکم‌تری با عنوان هویت ایرانی اسلامی ایجاد شده است.

هویت ایرانی-اسلامی مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به الگوها و سازه‌های هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح کشور است، که دارای مؤلفه‌های متنوع همچون ارزش‌های دینی فرهنگی، ملی و اجتماعی است. فرد ایرانی تعارض و مزاحمتی بین تعلقات اسلامی با تعلقات ایرانی خود احساس نمی‌کند که علت آن هم نشینی تاریخی و همزیستی درازمدت دین اسلام با عناصر فرهنگ ملی ایرانیان بوده است (حاجیان، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳).

هویت ایرانی-اسلامی دارای لایه‌ای از هویت ایرانی است که لایه ایدئولوژیکی فراملی اسلامی طی فرآیندی بر آن کشیده شده است و به تدریج با یکدیگر امتزاج یافته‌اند، بطوریکه از یکدیگر تفکیک ناپذیر هستند.

ابعاد هویت ایرانی-اسلامی می‌توان در بعد اجتماعی (احساس تعلق هرچه بیشتر افراد جامعه به نظام اجتماعی)، بعد تاریخی (آگاهی افراد جامعه از تاریخ گذشته)، بعد جغرافیایی (سرزمین مشترک ایران)، بعد سیاسی (عضویت افراد در یک نظام سیاسی و پذیرش ارزش‌ها و قوانین جامعه)، بعد فرهنگی (زبان میراث نیاکان و میراث تمدنی) اشاره نمود (دانی‌زاده جلودار، ۱۳۹۴، ص ۳۵).

امروزه هویت ملی ایرانیان همان طور که در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران آمده از سه هویت ایرانی هویت اسلامی و هویت متجددانه شکل می‌گیرد (رهبری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۷).

هویت ملی و ایرانی تعلق افراد به سرزمین و تاریخ ایران را بیان می‌کند که ریشه‌ای طولانی مدت دارد و هویت اسلامی نیز تعلقات دین را در بر می‌گیرد برای تبیین چگونگی شکل‌گیری

مفهوم هویت ایرانی-اسلامی لازم است به جریان‌های فکری و تاریخی اشاره شود. به طور کلی چهار دیدگاه یا جریان فکری اساسی در این حوزه وجود دارد:

۱. جانب داری از ناسیونالیسم ایرانی در ضدیت با اسلامیت و عرب‌ستیزی و سعی برای پالایش زبان فارسی از واژگان عربی.

۲. جانب داری از جریان‌های مارکسیستی توسط حزب توده و گروه‌های چپ. در این جریان فکری فرهنگ و هویت ملی تأثیرگیرنده از عنصر زیربنایی اقتصاد است، و مفهوم خلق، جایگزین مفهوم ملت شده است.

۳. جریان فکری تجددگرایی، طرفدار تقلید و دنباله روی کامل از الگوهای غربی می باشد، و هویت ملی را در غربی شدن کامل معنا می نماید.

۴. جریان فکری تأکید بر همزیستی تجدد، نوسازی و سنت بر اساس الگوهای دینی. معتقدان این جریان فکری طیف گسترده‌ای از علما و صاحب نظران اسلامی و روشنفکران را در بر می گیرد، که امام خمینی، جلال آل احمد، شریعتی و مطهری به عنوان سرآمدان این جریان می باشند (نادری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

هویت ایرانی هویتی است در قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده و بیانگر احساس شایستگی ایرانیان به فرهنگ و سرزمین خود است که موجب تمایز ایرانیان از افراد سایر کشورها و ملل می شود. درحالیکه هویت اسلامی در قید و بندهای جغرافیایی قرار نگرفته و بیانگر درکی مسلمانان از خود و دیگر مسلمانان است.

هویت اسلامی نشان دهنده تعلق و تعهد به دین اسلام، عمل به احکام و مناسک اسلامی و تقید به شعائر اسلامی می باشد. که از زمان ظهور دین مبین اسلام آغاز و تاکنون امتداد یافته است.

هویت ایرانی که همان هویت ملی است بوجود آورنده مفهوم مشترکی به نام ملت می شود، در حالیکه هویت اسلامی موجب شکل‌گیری مفهوم مشترکی است که اصطلاحاً امت نامیده می شود. لذا هویت اسلامی هویتی گسترده تر و فراتر از هویت ایرانی است که موجب اتحاد جامعه اسلام و مسلمین می گردد. از این رو هویت ایرانی اسلامی بیانگر تعهد و تعلق مردم ایران هم به هویت ملی و هم به ارزش‌ها و باورهای دین اسلام می باشد.

۳-۱. تحکیم بنیان خانواده

خانواده در لغت دارای معانی مختلفی است در یک معنی خانواده را به معنای اهل البیت، اهل خانه، مجموعه افراد دارای پیوند نسبی یا سببی دانسته که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند. در معنی دیگر خانواده را مجموعه خویشاوندان، تیره، خاندان می‌داند (اعزازی، ۱۴۰۱، ص ۱۰). در لاتین معادل کلمه خانواده Family است، که به معنی گروه یا مجموعه ای شامل یکی از والدین یا هر دو آن‌ها و فرزندان است. خانواده در عربی معادل واژه ترکیبی «اهل بیت» است؛ که به معنای یک عده افرادی که در یک خانه به ویژه شب هنگام سکونت دارند (سراقی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸، ص ۶۹).

«تحکیم» در لغت به معنای «استوار کردن» است؛ مفهوم «تحکیم» در کنار مفهوم «خانواده»، از منظر اصطلاحی مبین استواری و استقرار نهاد خانواده است؛ در واقع، مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضا است (رزازی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۷۴). «زن» و «مرد» اولین و مهمترین عنصری هستند، که خانواده به واسطه آنها تشکیل شده و قوام یافته است، و با وجود فرزندان این قوام و استحکام تکمیل می‌شود.

در چنین فرضی، خانواده از تحکیم فیزیکی و ثبات حداقلی برخوردار است؛ اما آنچه به این حضور فیزیکی معنا می‌بخشد و خانواده را از استحکام بیشتری برخوردار می‌سازد، احساس همبستگی و پیوند میان اعضای خانواده است (عبدالمحمدی و همایون فرد، ۱۴۰۲، ص ۳۵) عوامل بسیاری موجب ایجاد تحولات اساسی در خانواده و استحکام بنیان خانواده می‌شود. در این خصوص نظریه های مطرح شده است، که از مهمترین آن‌ها می‌توان به نظریه حوزه عمومی، تحول فرهنگی (ارزشی)، نظریه جامعه شبکه‌ای و نظریه نوسازی اشاره نمود.

۲. روش پژوهش

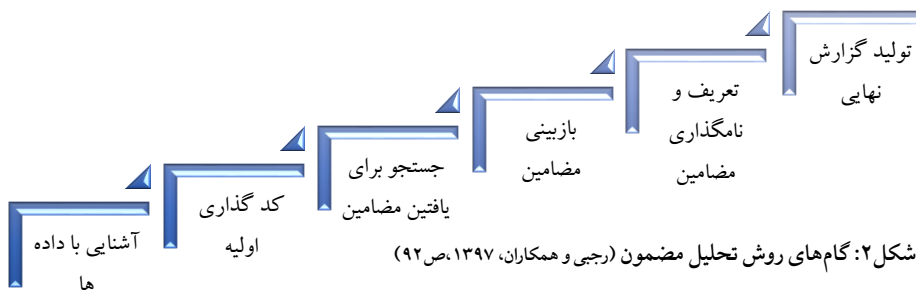
مدل پیاز پژوهش چارچوبی است، که به طراحی یک روش تحقیق قوی کمک می‌کند. به عبارتی به محقق کمک می‌کند تا یک سری تصمیم بگیرد که امکان تحقیق سیستماتیک را فراهم می‌کند. بر مبنای مدل پیاز پژوهش دانایی فرد (۱۳۸۳) (حبیبی، ۱۴۰۰، ص ۳۵) پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های تفسیرگرایانه می‌باشد، که به شیوه اکتشافی-استقرایی انجام شد.

پژوهش حاضر کاربردی بوده و در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. داده‌ها با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و مصاحبه با نخبگان حوزه خانواده و جامعه‌شناسی (دارنده

سابقه کار پژوهشی در حوزه مرتبط با موضوع، دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر) که به صورت هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب می‌شوند، جمع‌آوری شده‌است. داده‌های این بخش با به کارگیری روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل می‌گردند. روش تحلیل مضمون، گستره‌ای وسیع از فنون را شامل می‌شود، که در این مقاله با توجه به اهداف پژوهش از روش شبکه مضامین استفاده شده‌است.

در این روش محقق منابع را برای شناخت و آگاهی از مضامین مطالعه نموده، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و عالی را شناسایی نموده و سپس براساس ارتباط میان آن‌ها نقشه‌ای گرافیکی رسم می‌نماید. در این پژوهش، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله انجام شده‌است: (۱) تجزیه و توصیف متن (۲) تشریح و تفسیر متن (۳) ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. در حالیکه مراحل ذکر شده با تفسیر و تحلیل همراه می‌باشد، اما در هر مرحله، سطح بالاتری از انتزاع بدست می‌آید.

با توجه به انعطاف روش تحلیل مضمون و نقش بسیار مهم محقق در مراحل مختلف آن پژوهشگر باید کاری را که انجام می‌دهد بطور شفاف و آشکار توضیح داده و آنچه می‌گوید باید با آنچه انجام می‌دهد واقعاً همخوانی و انطباق داشته باشد. به همین دلیل در پژوهش حاضر کلیه مراحل روش تحقیق مطابق آنچه در این بخش ذکر شده‌است انجام پذیرفت (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶). روش تحلیل مضمون شامل شش گام می‌باشد:



در حوزه اعتمادپذیری پژوهش‌های کیفی، در دهه ۱۹۸۰ «گوبا» و «لینکلن» به منظور ارزیابی دقت علمی در پژوهش کیفی مفهوم «قابلیت اعتماد» را به عنوان جایگزینی روایی و پایایی در

پژوهش‌های کمی مطرح نمودند. «قابلیت اعتماد» از عناصر قابلیت اعتبار، انتقال، اتکا و تأیید تشکیل می‌شود (قراباغی و ازگلی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷).

به‌منظور افزایش حساسیت پژوهشگران، از پژوهشگر دیگر استفاده شد و با تحلیل مستمر که به حدس‌ها و سؤال‌هایی منجر شد، که طبقه‌بندی و تحلیل نهایی را منسجم‌تر نمود، تلاش گردید مضمون‌های به دست آمده تا حد ممکن، دقیق‌ترین برداشت‌ها از داده‌ها باشد. همچنین در جهت تأمین تفکر نظریه‌مندانه، در زمان اجرای پژوهش، تلاش شد با ظهور فکریایی از درون داده‌ها که در داده‌های جدید باز تأیید شدند؛ داده‌هایی که پیش از این گردآوری شده ممیزی پژوهشی شود. داده‌ها به طور مستمر مورد بازبینی قرار گرفت.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در راستای هدف پژوهش ابتدا سعی شد مؤلفه‌های هویت ایرانی اسلامی از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نظرات خبرگان این حوزه استخراج گردد. بدین منظور ابتدا بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حوزه هویت ایرانی و اسلامی، هویت زنان و خانواده مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. همسو با بررسی بیانات معظم له؛ با نخبگان حوزه خانواده و جامعه‌شناسی نیز مصاحبه‌ای به صورت نیمه ساختار یافته انجام شد. سپس اسناد جمع‌آوری شده با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند و داده‌های اولیه از آنها استخراج گردید.

جدول ۱ نمونه ای از استخراج مضمون‌های پایه از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

کد	مضمون پایه	متن	منبع
IHDR8	آگاهی از گذشته تاریخی	که افتخارات ملی را، گذشته‌ی علمی را، گذشته‌ی سیاسی را، گذشته‌ی بین‌المللی را بشناسند، تلاشی که شده و مجاهدتی که شده بشناسند.	بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ۱۴۰۱/۲/۲۱
IHDR9	حفظ خاطره‌های تاریخی		
IHDR15	باور به جایگاه و منزلت زن در اسلام	در نظر اسلام و در نگاه کلی‌ای که اسلام دارد، زن همان است که در این جمله‌ی «الْمَرْأَةُ رِجَالٌ لَّيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» است؛ مثل یک گل. یک گل، وجودش لازم است و نگهداری‌اش لوازمی دارد	بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ۱۳۹۵/۲/۲۰
IHDR17	حجاب و پوشش اسلامی	امروز پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان در دست زنان ایرانی است؛ امروز بانوان	بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

IIDR18	احترام و دلبستگی به نمادها و فرهنگ اسلامی	ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام می‌کنند و به دنیا صادر می‌کنند؛ یعنی دنیا سخن جدیدی دارد می‌شنود.	رهبری (مدتله‌عالی) ۱۳۹۶/۱۲/۱۷
IIDR23	حجاب و پوشش اسلامی	شما با نمایش شخصیت و هویت زن مسلمان ایرانی نشان دادید که در میدان ورزشی نیز یک زن مسلمان می‌تواند با حفظ حجاب و حدود دینی، حضوری مقتدر و عزت‌آفرین داشته باشد.	بیانات مقام معظم رهبری (مدتله‌عالی) ۱۳۹۳/۸/۲۰
IIDR24	احترام و دلبستگی به نمادها و فرهنگ اسلامی		
IIDR30	خانواده‌محوری	اگر ما توانستیم در زمینه‌ی زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده‌ی این کشور تضمین شده است.	بیانات مقام معظم رهبری (مدتله‌عالی) ۱۳۹۲/۲/۱۱
IIDR31	رعایت حیا و عفت	عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را پیامیزد با عزت مؤمنانه؛ این را پیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد،	بیانات مقام معظم رهبری (مدتله‌عالی) ۱۳۸۹/۲/۱
IIDR32	عمل به ارزش‌های اسلامی و معنوی		
IIDR49	انس با قرآن	مرد و زن مسلمان، کودکان مسلمان باید با قرآن انس پیدا کنند. قرآن را به معنای حقیقی مخاطب قرار گرفتن در مقابل خدا، بخوانید و در آن تدبر کنید و از آن بیاموزید. مرحله‌ی بعدش هم عمل است؛ اما من مرحله‌ی قبل از عمل را عرض می‌کنم: آموختن قرآن، فهم معارف قرآن، تدبر در آیات قرآن و کلمات قرآنی.	بیانات مقام معظم رهبری (مدتله‌عالی) ۱۳۸۶/۶/۲۲
IIDR50	آشنایی با معارف قرآن		
IIDR56	شناخت سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)	زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک شخصیت همه‌جانبه بود. اسلام زن را به این طرف سوق می‌دهد. زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود- که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است- همراه با ایمان عمیق،	بیانات مقام معظم رهبری (مدتله‌عالی) ۱۳۸۴/۳/۲۵
IIDR57	باور و اتکا به خداوند		

IHDR58	تقوا و پارسایی	همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و پاک‌دامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد - می‌تواند در جامعه یک نقش استثنائی این‌گونه ایفا کند	
IHDR59	شناخت ظرفیت روحی و اقتدار معنوی		
IHDR60	باور به جایگاه و منزلت زن در اسلام		
IHDR71	باور به جایگاه و منزلت زن در اسلام	جا دارد زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلامی و ارزشگذاری‌های اسلامی و با دقت در خطوطی که در نظام اسلامی برای پیشرفت زنان و مردان پیش‌بینی شده‌است، هویت خود را بازیابی کند و قامت رسای استدلال را در مقابل سفسطه‌ها و وسوسه‌های عوامل صهیونیسم و سرمایه‌گذاری و زراندوزی به نمایش درآورد.	بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ۱۳۷۹/۶/۳۰
IHDR72	دوری از هوا پرستی		
IHDR73	شناخت ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی		
IHDR79	آمادگی برای دفاع از کشور در شرایط خطر	این‌که در شهر شما یک بانوی مسلمان و شجاع در مقام دفاع می‌تواند سرباز دشمن را اسیر کند و نیروی مهاجم را به خاک و خون بکشد، این را نگه دارید و برای خودتان حفظ کنید.	بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ۱۳۹۰/۱/۲۲
IHDR80	حفظ خاطره‌های تاریخی		

جدول ۲ نمونه‌ای از استخراج مضمون‌های پایه از متن مصاحبه‌ها

کدها	مضمون‌های پایه	متن مصاحبه‌ها
IHD5	آگاهی از مهمترین حوادث و رویدادهای ملی	هویت ایرانی در بستر تاریخ و فرهنگ کشور شکل گرفته است. شناخت از گذشته‌های تاریخی، آگاهی از حوادث مهم تاریخی مانند پیروزی‌ها، مقاومت‌ها، و رنج‌ها، و احترام به نمادها و شخصیت‌های تاریخی در تحکیم هویت زنان ایرانی مؤثر باشد
IHD6	احترام به نمادهای ملی	
IHD7	آگاهی از مفاخر و شخصیت‌های تاریخی و ملی	
IHD8	آگاهی از گذشته‌های تاریخی	
IHD11	توکل و اتکاء به خداوند متعال	اعتقاد به خداوند به زنان مسلمان کمک می‌کند تا در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی خانوادگی صبور و استوار باشند
IHD12	توجه به خدا و تمسک به قانون الهی	

IID21	احترام به دیگران	حجاب به عنوان یک مؤلفه هویتی در زنان مسلمان نمادی از تعهد به ارزش‌های اسلامی و احترام به خود و دیگران است. رعایت حجاب و پوشش اسلامی می‌تواند احساس امنیت، اعتماد به نفس، و عزت نفس در زنان را تقویت کند.
IID22	رعایت حجاب و پوشش اسلامی	
IID30	علاقه و افتخار به خط و زبان فارسی	تقویت زبان فارسی در میان زنان می‌تواند ارتباطات خانوادگی را بهبود بخشیده و احساس تعلق و وحدت را تقویت کند، که در نهایت به استحکام بنیان خانواده می‌انجامد.
IID31	احساس تعلق	
IID40	آگاهی از گذشته تاریخی	آگاهی از تاریخ، احساسی از پیوند و تعلق به یک جامعه‌ی بزرگتر و پرافتخار را ایجاد می‌کند که در نهایت می‌تواند موجب تقویت پایه‌های خانواده شود.
IID41	افتخار به ایرانی بودن خود	
IID46	علاقه‌مندی به اقوام ایرانی	مؤلفه‌های هویت قومی و محلی، مانند تعلق به یک قوم یا منطقه خاص، نقش بسزایی در هویت زنان دارند. این مؤلفه‌ها می‌توانند در تقویت احساس تعلق و پیوندهای اجتماعی در خانواده مؤثر باشند
IID47	احساس تعلق	
IID48	نیاز به پیوندهای اجتماعی	
IID53	آگاهی از مفاخر و شخصیت‌های تاریخی و ملی	ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی، از شاهنامه تا آثار شاعران معاصر، حاوی ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی و انسانی است که به عنوان بخش مهمی از هویت ایرانی در زنان شکل گرفته است
IID65	حفظ و بزرگداشت آداب و رسوم	حفظ و اجرای آداب و رسوم می‌تواند به ایجاد حس مشترک و هویت جمعی در خانواده منجر شود، که این خود به تحکیم بنیان خانواده کمک می‌کند
IID67	همسرداری براساس شیوه و آیین ایرانی	زنان به عنوان محور اصلی خانواده نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ و تقویت این نهاد دارند. نقش مادری و همسری، همراه با مسئولیت‌های تربیتی و آموزشی، بخشی از هویت زنان ایرانی است. تقویت این نقش‌ها
IID68	خانواده محور بودن	

		و مسئولیت‌ها می‌تواند به پایداری و استحکام بنیان خانواده کمک کند.
IID70	احترام به حقوق دیگران	اصول اخلاق اسلامی مانند صداقت، امانت‌داری، گذشت، صبر، و احترام به دیگران، پایه‌های اساسی هویت اسلامی زنان را تشکیل می‌دهد.
IID71	برخورداری از فضایل اخلاقی	
IID82	همسر داری بر مبنای دین اسلام	در هویت اسلامی، احترام به همسر و رعایت حقوق او به عنوان یک اصل مهم مطرح شده است.
IID83	احترام و خودآگاهی نسبت به آداب و رسوم باستانی	آداب و رسوم و سنت‌های محلی، از قبیل جشن‌ها، مراسم، و آئین‌ها، بخشی از هویت فرهنگی ایرانیان را تشکیل می‌دهند.
IID90	توجه به خدا	اعتقاد به توحید و درک حضور دائمی خداوند، می‌تواند باعث ایجاد آرامش، اعتماد به نفس و احساس مسئولیت بیشتر در زنان شده و به استحکام خانواده کمک کند
IID91	التزام قلبی به اصول دین	

پس از استخراج و کدگذاری مضمون‌های پایه، این مضمون‌ها مورد بررسی قرار گرفته و مضمون‌هایی که دارای شباهت و قرابت معنایی بودند در یک دسته قرار داده شدند.

جدول ۳ دسته بندی مضمون های پایه

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
سرزمینی	احترام به نمادهای ملی (پرچم، سرود و ...)	رفتاری	اهتمام به واجبات و مناسک دینی
	آمادگی برای دفاع از کشور در شرایط خطر		تقوا و پارسایی
	ارج نهادن به مناسبت‌های باستانی و ملی		عمل به ارزش‌های اسلامی و معنوی
	وفاداری ملی و عدم خیانت به کشور		بکارگیری روش‌های تربیت اسلامی
	افتخار به پیشرفت‌ها و دستاوردهای ملی		التزام عملی به اصول و فروع دین

التزام به بزرگداشت مناسبت‌ها و مراسم مذهبی		علاقه و افتخار به مرز و بوم	سیاسی
تلاش عملی برای فراگیری اسلام و آشنایی با عالمان اسلام		علاقه و افتخار به خط و زبان فارسی	
بیزاری از خدشه دار شدن و هتک حرمت به اسلام		تعهد به قوانین کشور	
تکیه‌ی بر ظرفیت‌ها و نیروهای خدادادی		تعهد به اهداف سند چشم‌اندازها	
همسرداری بر مبنای دین اسلام		استقلال‌جویی	
حجاب و پوشش اسلامی		گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی	
نیازمندی‌های معنوی	پیش زمینه‌ها	تفسیر خوشبینانه از وقایع و رویدادهای زندگی	استحکام بنیان خانواده
احساس تعلق		کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های اعضای خانواده	
خودآگاهی و خودیابی		رشد و کمال معنوی اعضای خانواده	
زمینه‌های فردی		ارتقاء وفاق و همبستگی	
شناخت سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)	معرفتی	هدفمندی و انگیزه‌مداری اعضای خانواده	تاریخی
آشنایی با سبک زندگی اسلامی		انجام رفتار در راستای انتظار جامع	
آگاهی از وقایع و حوادث تاریخ اسلام		توانایی بالا در برقراری ارتباط	
شناخت ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی		احساس تعلق به میراث فرهنگی ایرانی	
شناخت ظرفیت روحی و اقتدار معنوی		آگاهی از مهمترین حوادث و رویدادهای ملی	
انس با قرآن و آشنایی با معارف قرآنی	فرهنگی	حفظ خاطره‌های تاریخی	
بکارگیری شیوه معماری ایرانی در خانه		آگاهی از گذشته تاریخی	
آگاهی و حفظ جشن‌ها و اعیاد ملی و ایرانی		افتخار به ایرانی بودن خود	

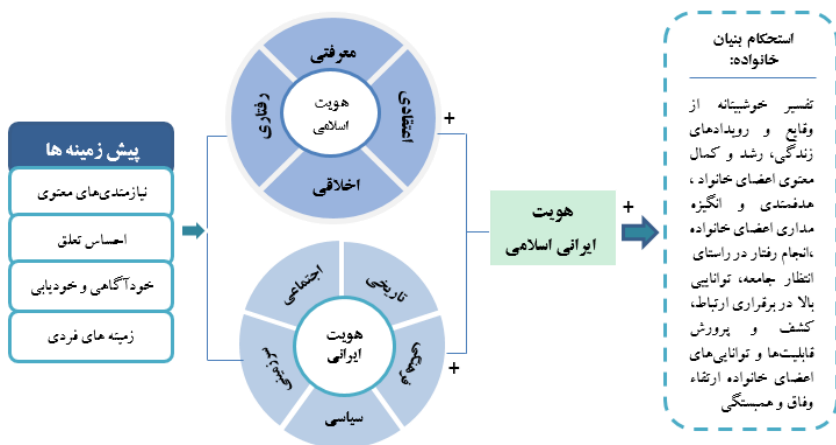
دلباخته و فریفته‌ی تمدن ایرانی بودن		آگاهی از مفاخر و شخصیت‌های تاریخی و ملی	اعتقادی
تکیه بر باورها و ارزش‌های ایرانی		باور و اتکاء به خداوند متعال	
ارج نهادن به پوشش‌های بومی و محلی		باور و توجه به خدا و تمسک به قانون الهی	
احترام و خودآگاهی نسبت به آداب و رسوم باستانی		احساس عزت و غرور از مسلمان بودن	
خانواده محور بودن	اجتماعی	باور به جایگاه والای اسلام در میان سایر ادیان	
بکارگیری روش‌های تربیتی ایرانی در تربیت فرزندان		احترام و دل‌بستگی به نمادها و فرهنگ اسلامی	
آشنایی و حفظ سبک زندگی ایرانی		باور به جایگاه و منزلت زن در اسلام	
حفظ ارزش‌های ایرانی در ارتباطات اجتماعی		با اهمیت تلقی کردن اسلام و ضرورت اطلاع از آن	
همسرداری براساس شیوه و آیین ایرانی		التزام قلبی به اصول و فروع دین	

در مرحله سوم مضمون‌های سازمان‌دهنده در سه دسته بسترها و زمینه‌ها، هویت ایرانی، هویت اسلامی و پیامدها دسته‌بندی شدند، و در نهایت مدل پژوهش طراحی گردید.

جدول ۴: دسته بندی مضمون‌های سازمان‌دهنده

مضمون عالی	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون عالی	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون عالی	مضمون سازمان‌دهنده
هویت ایرانی	سرزمینی	هویت اسلامی	رفتاری	پیامد	استحکام بنیان خانواده
	سیاسی		معرفتی		
	فرهنگی		اخلاقی	بستر و زمینه	پیش زمینه‌ها
	تاریخی		اعتقادی		
اجتماعی					

شکل ۲ مدل پژوهش



نتیجه گیری

مفهوم هویت، مفهومی سهل و ممتنع بوده و به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین رشد و تربیت، از گستردگی بسیار برخوردار است (راشدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۸). اعتبار و شناسایی هر فرد از هویت او منتج می شود و در برگزیده وابستگی ها و تعلقات معنوی و مادی است؛ که در جهات مختلف ملی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد یک کشور نقش مهمی دارد (اکبری، ۱۳۹۹، ص ۴۹).

جهانی شدن پدیده ای است که با انتقال سریع و برق آسا و رو به گسترش فناوری اطلاعات و فرایندهای تبادل اطلاعات در اقصی نقاط جهان و همچنین علاقه دولت های بزرگ در به سلطه درآوردن سایر ملل آثار زیادی را در ابعاد مختلف جوامع بر جای گذاشته است.

هویت یکی از این ابعاد می باشد، که به مقدار زیادی تحت تأثیر پدیده جهانی شدن قرار گرفته و با نوعی بحران مواجه شده است. بطوریکه در جهان امروز هیچ جامعه ای نمی تواند ادعا کند که از این بحران در امان مانده است. همه سطوح جامعه به نوعی با بحران هویت مواجه اند، اما آثار و نتایج این بحران در بعضی از سطوح از جمله زنان بخاطر نقش کلیدی شان در خانواده و جامعه برای جوامع زیانبارتر می باشد.

از خود بیگانگی، احساس بیهودگی، احساس تنهایی و عزلت در میان جمع و جامعه، تحلیل از درون، بی هدفی و سرگردانی، جستجوی هویت منفی و... پاره ای آثار بحران هویت در زنان می باشند، که اگر زنان جامعه نتوانند از راه پذیرش مسئولیت ها و هویت مثبت نقش های خود را بروز بدهند، به هویت منفی روی خواهند آورد. یعنی کاملاً برخلاف آن چیزی که جامعه از او انتظار دارد، عمل می نماید. لذا در این پژوهش سعی شده است، مدلی برای بازیابی هویت ایرانی-اسلامی زنان با تأکید بر تحکیم بنیان خانواده ارائه گردد.

بدین منظور با توجه به جامعیت شخصیت علمی و دینی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با بهره گیری از بیانات معظم له و نظرات نخبگان داده های پژوهش استخراج و مدل نهایی ارائه گردید. یافته های پژوهش بیانگر آن است که مدل به دست آمده علاوه بر مقوله مرکزی هویت ایرانی و اسلامی در برگزیده بستر و آثاری است. در مدل ارائه شده مجموعه ای از عوامل اثرگذار بر هویت ایرانی-اسلامی مطرح شده است، که به عنوان ورودی مدل ایفای نقش می نماید. هویت ایرانی و اسلامی در عوامل و بسترهایی ریشه دارد، که قبل از شناسایی مؤلفه های هویت ایرانی-اسلامی ضرورت دارد، که این عوامل زمینه ساز و اثرگذار شناسایی شوند. در الگوی ارائه

شده این عوامل در قالب چهار عامل نیازمندی‌های معنوی، خودآگاهی و خودیابی، احساس تعلق، زمینه‌های فردی گروه‌بندی شدند. سپس در این الگو مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی در قالب دو خوشه مضمونی با هسته مرکزی هویت ایرانی و هویت اسلامی به تصویر کشیده شده‌است. هویت ایرانی در قالب ۵ مضمون تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و سرزمینی؛ و هویت اسلامی در قالب ۴ مضمون معرفتی، اعتقادی، رفتاری و اخلاقی تنظیم شده‌است.

دستیابی به هویت ایرانی-اسلامی دستاوردهای بسیار مثبتی برای خانواده‌ها. به تبع آن برای جوامع دارد که در این مدل در قالب مضمون عالی تحکیم بنیان خانواده دسته‌بندی گردیده و شامل مضمون‌های تفسیر خوشبینانه از وقایع و رویدادهای زندگی، رشد و کمال معنوی اعضای خانواده، هدفمندی و انگیزه‌مداری اعضای خانواده، انجام رفتار در راستای انتظار جامعه، توانایی بالا در برقراری ارتباط، کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های اعضای خانواده و ارتقاء وفاق و همبستگی می‌باشد.

فضاهای آموزشی محیط‌های رشد و یادگیری اند و از دیدگاه اسلام، مأموریت این مراکز انسان‌سازی و تربیت و پرورش انسان‌های الهی است. مسلم است که دستیابی به این هدف، نیازمند انجام وظایف دینی و توجه به آداب و رسوم ملی همگام با یکدیگر هستیم. از این رو باید میان مؤلفه‌های هویت ایرانی و هویت اسلام پیوند برقرار کنیم، و در چارچوب تعالیم اسلامی الگویی مؤثر و کارآمد ارائه دهیم. چرا که جوامع زمانی این امکان را دارند، که ماحصل جهان بینی خود را به نمایش گذارند، که هویت ملی شان متناسب با ارزش‌ها و باورهای دیتی باشد. متأسفانه جامعه کنونی نتوانسته ارتباطی وثیق و معنادار میان باورهای بنیادین و ارزش‌های اصیل اسلامی و ایرانی ایجاد نماید.

پیشنهادات: لذا براساس نتایج پژوهش ضروری به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بر هویت ایرانی اسلامی، به ویژه برای زنان تمرکز جدی داشته باشند. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، بستری مساعد به منظور ارتقا و بهبود هویت‌یابی و شناخت بیشتر هویت ایرانی و اسلامی به منظور رفع خلأ ناشی شناخت و تقابل هویت ایرانی و اسلامی توسط نهادهایی چون آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، رسانه‌های ارتباط جمعی و... مطابق با ارزش‌های دینی و ملی فراهم شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، رسانه ملی به منظور شکل‌گیری هویت براساس هویت اسلامی-ایرانی، اقداماتی مانند اعتمادسازی و آگاهی بخشی انجام شود و به تولید برنامه‌های ایجابی اقدام گردد تا زمینه‌ساز استحکام بنیان خانواده باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. استادی، مجید؛ سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۹۵)، «نقش عوامل عاطفی روانی در تحکیم خانواده از منظر آیات و روایات با رویکرد سبک زندگی اسلامی»، *پژوهش نامه سبک زندگی*، ۲۰۳، ۶۴-۴۵.
۲. اعزازی، شهلا، (۱۴۰۱)، «*جامعه‌شناسی خانواده*»، چاپ اول، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۳. اکبری، عسگر، (۱۳۹۹)، «مولفه‌های هویت ایرانی اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری»، *مطالعات ملی*، ۸۳، ۶۴-۴۵.
۴. بنی اسدی، رضا، (۱۳۹۹)، «نقش زن در استحکام خانواده با الگوگیری از فرهنگ غنی اسلامی»، *روان‌شناسی فرهنگی زن*، ۴۵، ۹۶-۸۷.
۵. التیامی نیا، پارسا، رضایی اردانی، فضل اله، (۱۴۰۱)، «نقش فناوری‌های نوین در تعلیم و تربیت دانش آموزان در شرایط کرونا (با تأکید بر هویت ایرانی-اسلامی)»، *پویش در آموزش علوم انسانی*، ۸(۲۸)، ۱۳۱-۱۵۲.
۶. جلو، سلیماتو؛ بهادر، رقیه، (۱۳۹۹)، «نقش زن در استحکام خانواده اسلامی»، *پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده*، ۴(۳)، ۹۹-۸۱.
۷. حاجیانی، ابراهیم، و ایروانی، زهرا، (۱۳۹۷)، «آینده پژوهی هویت ملی ایران در افق زمانی ۱۴۰۷»، *مطالعات ملی*، ۹، ۴، ۳-۲۰.
۸. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۱)، «هویت ایرانی-اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی»، *آفاق امنیت*، ۵، ۱۴، ۱۵۰-۱۲۹.
۹. حبیبی، آرش، (۱۴۰۰)، *روش پژوهش پیشرفته*، تهران: نارون دانش.
۱۰. خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۹)، «*صحیفه امام خمینی (ره)*»، چاپ هفتم، تهران: عروج (وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی).
۱۱. دانی زاده جلودار، امین، (۱۳۹۴)، «بررسی برخی عوامل و روندهای سیاسی موثر بر ساخت‌یابی هویت اسلامی - ایرانی (در دوران معاصر)»، *جامعه پژوهی*، ۶، ۳، ۵۲-۲۳.
۱۲. راشدی، معصومه؛ ابوالمعالی الحسینی، خدیجه؛ باقری، فریبرز؛ موسی زاده، زهره، (۱۳۹۹)، «پدیدارشناسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی جوانان از دیدگاه متخصصان»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۵، ۷۸-۱۰۱.
۱۳. رجبی، محمد و هادی رجبی و محمد احمدآبادی، (۱۳۹۷)، «تحلیل مضمون الزامات تحقق امنیت انتظامی در اندیشه فرماندهی معظم کل قوا»، *انتظام اجتماعی*، ۲، ۱۰، ۸۵-۱۰۸.

۱۴. رزازی، مریم؛ قدمی، محسن؛ عزیزآبادی فراهانی، فاطمه؛ حاجیانی، ابراهیم، (۱۴۰۳)، «شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده اسلامی - ایرانی»، *مطالعات ملی*، ۲۵، ۹۷، ۸۱-۵۳.
۱۵. رهبر مهرپو، بهناز؛ دانایی، ابوالفضل؛ رشیدی، احتشام، (۱۴۰۱)، «مدل‌سازی تاثیر رسانه‌های اجتماعی در بازنمایی هویت ایرانی- اسلامی زنان»، *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳۱، ۱۴۱-۱۱۰.
۱۶. رهبری، مهدی؛ بلباسی، میثم؛ قریبی، سید محمدجواد، (۱۳۹۴)، «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ج.ا.ایران»، *مطالعات ملی*، ۱ (۱۶)، ۶۶-۴۵.
۱۷. سراقی، همایون؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی، (۱۳۹۸)، «بازتعریف خانواده بر اساس قرآن و منابع روایی»، *پژوهش‌های روانشناسی اسلامی*، ۲، ۲، ۹۵-۶۷.
۱۸. سهراب زاده، مهران؛ مشکینی، قاسم؛ بابایی فرد، اسداله، (۱۴۰۲)، «آینده پژوهی بحران هویت جوانان در افق ایران ۱۴۱۰»، *آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، ۱۵، ۹۵-۵۹.
۱۹. شایگان، فریبا؛ مومنی راد، فهیمه، (۱۳۹۷)، «نقش بانوان در استحکام درونی نظام از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *فقه و حقوق خانواده*، ۶۸، ۷۱-۴۷.
۲۰. صحت، سعید؛ گل محمدی، حمید، (۱۴۰۲)، «تبیین مدل خروج از بحران هویت در تیم‌های مجازی بر اساس دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)»، *مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری*، ۱۵، ۱۱-۲۸.
۲۱. طهماسبی، خاطره، (۱۴۰۲)، «نقش حجاب و عفاف در تحکیم بنیان خانواده»، *اولین کنفرانس علمی آموزش و پرورش و عفاف و حجاب*، قزوین.
۲۲. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد، (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵، ۲، ۱۹۸-۱۵۱.
۲۳. عباسی، فاطمه، (۱۴۰۳)، «پدیدارشناسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت ایرانی- اسلامی جوانان از دیدگاه متخصصان». *آفاق علوم انسانی*، ۸۴، ۹۰-۷۵.
۲۴. عبدالمحمدی، حسین؛ همایون فرد، لیلا، (۱۴۰۲)، «تحلیلی از رابطه ارزش‌های اخلاقی و تحکیم خانواده از منظر قرآن و سنت». *معرفت*، ۳۰۴، ۴۳-۳۳.
۲۵. قراباغی، میثم؛ ازگلی، محمد، (۱۳۹۹)، «واکاوی سبک رهبری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی الگوی متعالی رهبری خدمتگزار»، *مدیریت اسلامی*، ۲۸، ۴، ۱۲۹-۱۱۳.
۲۶. گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۸)، «تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)»، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۲۷. میلر، دیوید، (۱۳۸۳)، *ملیت*، ترجمه داود غرایاق زندی، مؤسسه مطالعات ملی.

۲۸. موسوی، سیدصدرالدین؛ قمریان، ناهید؛ خادمی، مهنوش، (۱۴۰۱)، «واکاوی گفتمان هویت ملی در منظومه فکری رهبری». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ۱۲، ۴۲، ۸۲-۶۷.

۲۹. نادری، مریم؛ ماهروزاده، طیبه؛ سجادی، سیدمهدی؛ صمدی، پروین، (۱۳۹۷)، «تبیین مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی و آسیب شناسی آن در میان دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۳، ۱۴، ۷-۳۵.



تحلیل ثانویه پژوهش‌های صورت گرفته درباره

ارزش شهادت زنان در شریعت اسلام

زهرة صداقت^۱

چکیده

یکی از مسائل مهم و بحث برانگیز در نظام قضایی، نقش جنسیت در اعتبار و پذیرش شهادت است. تحقیقات علمی متعددی در این زمینه انجام شده است که مطالعه حاضر با هدف جمع‌آوری، تحلیل و سنتز این پژوهش‌ها، به واکاوی علمی در حوزه شهادت زنان پرداخته است. روش تحقیق حاضر، مرور نظام‌مند بوده و با جستجو در پایگاه‌های علمی معتبر، ۱۵ مقاله مرتبط و جامع در این موضوع شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شهادت زنان از سه منظر اصلی یعنی قرآن کریم، روایات معصومین (علیهم السلام) و دیدگاه‌های فقها و مفسران مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان، علل تنصیف (نصف شدن ارزش شهادت زن نسبت به مرد) و در برخی موارد عدم پذیرش شهادت زنان، به ویژه با استناد به آیه ۲۸۲ سوره بقره و روایات مرتبط، تبیین شده است. با این حال، پژوهش‌های انجام شده شکاف‌هایی را در دانش موجود آشکار می‌سازند؛ به ویژه، فقدان پژوهشی جامع که به بررسی دقیق و تفصیلی نظرات اختلافی فقها در مورد شهادت زنان و همچنین فتاوی صادره در بستر جامعه فقهی بپردازد، احساس می‌شود. همچنین، نیاز به پژوهش‌های بیشتری در زمینه اجتهاد پویا و تطبیقی، با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و تحلیل روایات به عنوان اجتهاد عصر صدور، جهت استخراج اصول حاکم بر شهادت زنان احساس می‌شود. این مطالعه با آشکار ساختن نقاط قوت و ضعف تحقیقات پیشین، راه را برای تحقیقات آتی در این حوزه هموار می‌سازد.

واژگان کلیدی: اسلام، شهادت زنان، تحلیل ثانویه، مقالات متمرکز بر موضوع.

۱- دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس، تهران؛ پژوهشگر مرکز پژوهشی مطالعات زن و خانواده اسلام‌شناسی، حوزه علمیه خراسان، ایران / sedaghatzoro@yahoo.com

طرح مسأله

در تار و پود نظام حقوقی و قضایی هر جامعه، اعتبار و ارزش‌گذاری شهادت، یکی از ارکان اساسی برای کشف حقیقت و برقراری عدالت محسوب می‌شود. در این میان، نظام حقوقی اسلام نیز همچون سایر نظام‌های حقوقی، به مقوله شهادت توجه ویژه‌ای داشته و قواعد و ضوابط مشخصی را برای پذیرش و اعتباربخشی به آن وضع کرده‌است. با این حال، یکی از مسائل دیرینه و همواره محل بحث و بررسی در فقه اسلامی و حقوق مدنی و کیفری، نقش جنسیت در اعتبار شهادت است. این موضوع، به خصوص در مورد شهادت زنان، همواره با ظرافت‌های خاصی همراه بوده و دیدگاه‌های متفاوتی را در طول تاریخ فقه اسلامی به خود جلب کرده‌است.

مطالعه و بررسی تاریخی نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های حقوقی باستانی و حتی برخی نظام‌های حقوقی معاصر، تفاوت‌هایی در ارزش‌گذاری شهادت زن و مرد وجود داشته است.

در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز، این بحث به صورت جدی مطرح بوده و در مواردی، اصل برابری کامل در ارزش اثباتی شهادت زن و مرد مورد خدشه قرار گرفته است. این تفاوت‌ها، به ویژه در حوزه شهادت شرعی (آنچه مستقیماً در شرع برای اثبات امر معینی بیان شده است)، نمود بیشتری پیدا می‌کند. در مقابل، در مواردی که شهادت صرفاً جنبه «بینه» (قرائن و اماراتی که قاضی را در کشف حقیقت یاری می‌رساند) دارد، ممکن است تفاوت چندانی بین شهادت زن و مرد قائل نشوند، چرا که در اینجا نقش قاضی در تفسیر و استفاده از این شواهد پررنگ‌تر است.

اما در شهادت شرعی، شرایط خاصی از سوی فقها برای شاهد در نظر گرفته شده که گاهی این شرایط به نحوی تفسیر شده که منجر به محدودیت‌هایی در پذیرش شهادت زنان گردیده است. این مسأله، نه تنها از منظر فقهی و حقوقی، بلکه از منظر اجتماعی و جامعه‌شناسی حقوق نیز حائز اهمیت فراوان است، زیرا نحوه برخورد با شهادت زنان می‌تواند بازتاب‌دهنده نگرش جامعه نسبت به جایگاه زن و توانایی‌های او در عرصه‌های مختلف اجتماعی، از جمله ادای شهادت در دادگاه باشد.

از این رو، پژوهشگران و اندیشمندان بسیاری در طول تاریخ، به تحقیق و بررسی این موضوع پرداخته‌اند تا ابعاد مختلف آن را روشن سازند و دلایل، مبانی و پیامدهای آن را تبیین نمایند.

علی‌رغم تحقیقات گسترده‌ای که در زمینه شهادت زنان صورت گرفته است، همچنان شکاف‌های قابل توجهی در دانش موجود احساس می‌شود. بسیاری از پژوهش‌های پیشین،

عمدتاً بر بررسی دیدگاه‌های فقها در متون روایی و تفسیری متمرکز بوده‌اند. در حالی که نیاز به پژوهشی جامع‌تر که بتواند یافته‌های این تحقیقات را به صورت نظام‌مند جمع‌آوری، تحلیل و سنتز کند، بیش از پیش احساس می‌شود. به ویژه، فقدان یک مرور نظام‌مند که بتواند کلیه مقالات علمی پژوهشی مرتبط را گردآوری کرده و یافته‌های آن‌ها را در قالب یک تحلیل ثانویه ارائه دهد، احساس می‌شود. همچنین، در پژوهش‌های قبلی، کمتر به بررسی دقیق و همه‌جانبه فتاوی صادره در بستر جامعه فقهی و تطبیق آن با شرایط زمان و مکان پرداخته شده است.

این امر، ضرورت انجام پژوهشی که بتواند این شکاف‌ها را پر کند و به تحلیل عمیق‌تری از موضوع شهادت زنان در اسلام دست یابد، روشن می‌سازد.

با توجه به این نیازها، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی است: مهم‌ترین یافته‌ها و نگرش‌های پژوهشگران در حوزه شهادت زنان در اسلام چیست و چه شکاف‌های تحقیقاتی در این زمینه وجود دارد؟ برای دستیابی به این هدف، سؤالات فرعی زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند: دیدگاه‌های اصلی مطرح در پژوهش‌های علمی پیرامون شهادت زنان از منظر قرآن، روایات و نظرات فقها چیست؟ علل تنصیف (نصف شدن ارزش) و یا عدم پذیرش شهادت زنان در پژوهش‌های انجام شده چه تبیین‌هایی دارد؟ آیا پژوهش‌های موجود به بررسی دقیق نظرات اختلافی فقها در مورد شهادت زنان پرداخته‌اند؟ آیا پژوهشی که فتاوا را در بستر جامعه فقهی مورد واکاوی قرار دهد، انجام شده است؟ و در نهایت، چه نقاط قوت و ضعفی در تحقیقات پیشین پیرامون شهادت زنان وجود دارد؟

این پژوهش فراتحلیل در ابتدا با طرح مسأله و بیان اهمیت و ضرورت پژوهش آغاز می‌شود. سپس، به معرفی روش تحقیق (مرور نظام‌مند) و نحوه انتخاب مقالات پرداخته خواهد شد. ادامه، یافته‌های مقالات مورد بررسی در قالب دسته‌بندی‌های مشخص (مانند بررسی قرآنی، روایی، فقهی و علل تنصیف) ارائه می‌گردد. بخش پایانی به تحلیل یافته‌ها، شناسایی شکاف‌های تحقیقاتی، بیان نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های پیشین و ارائه پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی اختصاص خواهد یافت.

پیشینه شناسی و روش پژوهش

در این مقاله، پژوهش‌های علمی که یکی یا همه ابعاد مسأله شهادت زنان را به طور جامع و مفصل بیان کرده‌اند را انتخاب نموده و بعد از تبیین ماهیت شهادت، با تحلیل پژوهش‌های مورد نظر شهادت زنان را از سه منظر قرآن، روایات و نظرات علما و مفسران بررسی نمودیم.

پژوهش‌هایی که در حوزه ارزش شهادت زنان در اسلام جامع ارزیابی شده‌اند و بررسی شده‌اند:

هاشمی (۱۳۷۸): بیان می‌دارد که اداء شهادت از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران و بسیاری از نظام‌های حقوقی در شمار «تکالیف» است نه «حقوق» زیرا توجه به احکام و آثار مربوط به شهادت که جنبه «امر» داشته و هیچگونه اختیاری برای شاهد مقرر نگردیده‌است نشانگر این مطلب است که عدم پذیرش شهادت زنان «محرومیت از حق» نیست.

حسینی کلهرودی (۱۳۸۵): این مقاله به شرح و بررسی مبنای محدودیت پذیرش شهادت زنان از دیدگاه کلامی و فقهی و حقوقی پرداخته و نتیجه گرفته‌است که ضمیمه ساختن شهادت زنان به شهادت مردان، نه تنها محرومیت از حقوق حقه زنان نیست، بلکه نوعی حمایت از ایشان در راستای تبعات شهادت است.

حاجیعلی (۱۳۸۷): نویسنده در این نوشتار به مسئله شهادت و گواهی زنان پرداخته و بیان کرده‌است که اگر در شرایط خاص، اهلیت زنان برای اظهار نظر برای مشاهدات خود احراز شود و عرف عقلاً نیز آن را تأیید کند، هرگز شارع مقدس آن را نادیده نمی‌گیرد و شهادت مرد و زن را برابر می‌داند.

رجایی پور و طباطبایی (۱۳۸۷): در تمام روایاتی که دلالت بر لزوم شهادت دو عادل یا دو شاهد مرضی دارند به وسیله تنقیح مناط به مناسبت حکم و موضوع می‌توان حکم را به زنان نیز سرایت داد و روایات را دلیل بر حجیت شهادت زنان هم دانست چون ملاک حجیت شهادت عدول و شهادت شهود مرضی در نظر عرف و عقلاً عدالت و مرضی بودن و روشن شدن مسأله‌ی مورد شهادت است نه عدالت و مرضی بودن و روشن شدن مشهوده به به وسیله‌ی مردان.

شوشتری (۱۳۸۸): این مقاله معلوم کرده‌است که از جهت استعدادهای ذهنی بین مردان و زنان تفاوت‌هایی هست که بر اساس سنخ کار آنان است، اما این تفاوت‌ها ملاک تفاوت در شهادت نمی‌تواند باشد ولی شاید [در توجیه آن بتوان ادعا کرد که] منظور از این که فرموده عقل زن ضعیف‌تر است، یعنی مجموعاً دستگاه فکری زن ضعیف‌تر است و آن چیزی که در این جا ضعیف‌تر است همان حافظه زن است نه چیز دیگر.

حسن‌خانی (۱۳۸۹): این مقاله به بررسی دیدگاه مفسران در مورد گواهی و شهادت زنان در قرآن پرداخته‌است.

خاکشور، فرزانه (۱۳۸۹): آرای برخی از فقهای مسلمان را در گستره‌ی شهادت زن مورد بررسی قرار داده‌است.

هوشمند فیروزآبادی و محمدی جورکویه (۱۳۹۱): مطابق ادله فقهی، نابرابری ارزش اثباتی گواهی زن و مرد را واکاوی نموده‌است.

علی محمدی و حسینی (۱۳۹۲): این پژوهش تفاوت شهادت زن و مرد را در فقه و حقوق مطرح کرده‌است.

ایزدی فرد و حسنخانی (۱۳۹۳): در مجموع، هفت دیدگاه از علمای متقدم و متأخر فقه در شهادت زنان در قتل عمد و خطایی مورد پژوهش قرار گرفته‌است.

صدری (۱۳۹۴): نویسنده در این مقاله گستره گواهی شهادت زن در اسلام را بررسی کرده‌است.

ملکی (۱۳۹۸): این تحقیق به نقد و بررسی آیات و روایات مربوط به ادله اثباتی شهادت زن پرداخته‌است.

احمری و سلطانی (۱۳۹۹): در این تحقیق نویسندگان فقط آیه ۲۸۲ سوره بقره را مورد واکاوی قرار داده‌اند.

محمدیان (۱۳۹۹): موضوع این مقاله، اعتبار شهادت زنان در شهادت فرع «شهادت بر شهادت» است.

صالحی مازندرانی (۱۴۰۰): در این پژوهش نویسنده نتیجه گرفته است که شهادت باید در خصوص امر محسوس باشد و به عقل ارتباطی ندارد، مضافاً روایات متضمن نقص عقل مغایر آیه ۲۸۲ است.

با توجه به قرائن موجود در متن روایت مقصود از عقل، «تذکر» و «قدرت بر تدبیر و اداره امور» است که امری اکتسابی و نتیجه کسب دانش و تجربه است. نویسنده ضروری دانسته است واژگان در بستر شکل‌گیری اش مورد توجه قرار گیرد.

و کتاب آیت الله صانعی (۱۳۸۵): در این کتاب گردآور به بررسی ادله شهادت زنان در کتاب و سنت و اقوال فقها بر محور دروس خارج فقه حضرت آیه الله صانعی پرداخته‌است.

در بخش فقها، پژوهشی در رابطه با بررسی دقیق نظرات اختلافی فقها در مورد شهادت زنان و همچنین فحسی در مورد واکاوی فتاوا در بستر جامعه فقیه یافت نشد.

۱. مفهوم شناسی

بعد از تعریف شهادت لازم است برای روشن شدن ماهیت شهادت، تمایز آن را از عناوین مشابه بیان کنیم:

۱-۱. مفهوم شهادت

شهادت در فقه در زبان عربی از ثلاثی مجرد شَهِد است. احمد بن فارس در معجم «مقایس اللغة» ذیل ماده شهد می‌گوید:

«شین و ها و دال اصلی است که دلالت می‌کند بر حضور و علم و اعلام و آگاهی دادن؛ و به هنگام شهادت دادن هم علم لازم است، هم حضور و تمامی صیغه‌ها و متفرعات و مشتقات آن همگی به گونه‌ای این معانی را در بردارند» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۲۴).

نویسندگانی جامع‌ترین تعریف را از جعفری لنگرودی دانسته‌اند:

«شهادت به معنای اخبار ناخواسته از تخصص، ذاتاً به استناد علم شخصی بر امری جزئی، نه به نفع خود بلکه به نفع غیر بدون ضرری بر خویشتن و به منظور شرکت در احقاق حق یا صورت دادن وظیفه‌ای شرعی در خصوص مورد» (هوشمند فیروز آبادی، ۱۳۹۱، ص ۶؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۶).

۱-۲. بررسی مقام تحمل و مقام ادای شهادت

هر وقت از شخصی درخواست شود تا در موردی گواه باشد یا (در زمان آینده) ببیند یا به نحوی با حس خود از آن اطلاع پیدا کند؛ این احساس، تحمل شهادت است که با اداء شهادت متفاوت است، اداء شهادت با شهادت دادن یکی است. در نتیجه تحمل شهادت ممکن است اداء شود یا نشود (هوشمند فیروز آبادی، ۱۳۹۱، ص ۶).

۱-۳. شهادت و اقرار

اقرار به خبر دادن شخصی (که خود یکی از طرفین دعواست) به ضرر خودش و به نفع دیگری است گفته می‌شود اما شهادت توسط فردی که خود طرف دعوا نیست و نسبت به ثالث اثر دارد اطلاق می‌شود (هوشمند فیروز آبادی، ۱۳۹۱، ص ۷).

۱-۴. تفاوت شهادت و ادعا

ادعا یعنی یکی از طرفین دعوا به نفع خود و به ضرر طرف مقابل خبر دهد در حالی که برای شهادت فردی غیر از طرفین دعوا، برای تعیین موضع یکی از طرفین دعوا خبری می‌دهد (هوشمند فیروز آبادی، ۱۳۹۱، ص ۷).

۱-۵. موارد اتحاد و افتراق شهادت و بینه

بینه به معنای عام، دلیل و حجت و برهان است. هر یک از ادله اثبات دعوا(نه فقط تعداد شاهد) می‌تواند بینه باشد. گاهی بینه همان «شهادت شهود» عنوان شده و در دلیل تسمیه آن چنین آورده‌اند: چون شاهد با شهادت خود قاضی را به واقع آگاه می‌سازد و حق را بیان می‌کند، لذا در شرع به آن بینه گفته می‌شود. اما می‌توان گفت از منظر اثبات حقوقی، بینه موضوعیت دارد و بر قاضی تحمیل می‌شود و قاضی بر خلاف آن حکم نباید دهد، اما شهادت طریقت دارد و نظر قاضی به اعتبار آن وابسته است (هوشمند فیروز آبادی، ۱۳۹۱، ص ۸).

۱-۶. تفاوت شهادت و کارشناسی

در شهادت امور محسوس مورد بررسی قرار می‌گیرند نه استنباط و عقیده شاهد، در حالی که در کارشناسی با بررسی محسوسات بر مبنای تخصص نتیجه‌گیری صورت می‌پذیرد (هوشمند فیروز آبادی، ۱۳۹۱، ص ۸).

۱-۷. شهادت حق است یا تکلیف

در فقه شهادت جزو قوانین امری است و در تحقق شرایط، اراده شاهد اثری ندارد و با توجه به این که شهادت امری و تکلیفی است، قابلیت اسقاط و نقل و انتقال در مسئله ادا شهادت اثری ندارد (هاشمی، ۱۳۷۸، ۱۷۹؛ صدیقی، صادقی موحد، ۱۳۹۴، ص ۷۶). در نتیجه عدم پذیرش مستقل شهادت زنان، معافیت ایشان از تکلیف است نه محرومیت از حقوق (حسینی کله‌رودی، ۱۳۸۵، ص ۵۴).

این که شهادت زن به عنوان شاهد در قسامه پذیرفته نمی‌باشد، اما در دعوی قتل قسامه به عنوان مدعی می‌تواند باشد و ادعای خود را به تنهایی اثبات کند و این یکی دیگر از مویدات تکلیفی بودن شهادت است. حتی اگر شهادت مرکب از حق و تکلیف باشد، باز هم به جهت غلبه تکلیفی بودن شهادت، عدم پذیرش زنان در برخی دعاوی به مصلحت آنان است (حسینی کله‌رودی، ۱۳۸۵، ص ۵۴).

محقق دیگری اینگونه اظهار می‌دارد: «اجرای مجازات‌ها جزء حدود الله است و خداوند از هر راهی که بخواهد برای اثبات حق خویش استفاده می‌کند؛ شارع به منزله مدعی و طرف حق است و مدعی تا وقتی که متصرف در حقوق دیگران نشود، هر گونه بخواهد حق خویش را می‌تواند استیفا کند» (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱). اما در مورد حقوق الناس، مدعی از طریق داشتن شاهد زن نمی‌تواند حق خود را استیفا کند در اینجا نویسنده برای رفع این شبهه

دلیل قانع کننده‌ای ارائه نمی‌دهد و به بحث تکلیفی بودن شهادت می‌پردازد و می‌گوید اگر از زنان، شهادت سلب شود هیچ ظلمی به ایشان صورت نگرفته است راجع به مدعی که شاهد زن دارد هیچ بحثی نمی‌باشد (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲).

حق و تکلیف قابل اجتماع نیستند یعنی صاحب حق و تکلیف یک نفر نمی‌باشد. یک نفر در هیچ موردی نمی‌تواند هم حق داشته باشد و هم تکلیف، چرا که یک قانون در مورد خاص نمی‌تواند هم آمره باشد و هم تکمیلی. پس اگر شاهد مکلف به اداء شهادت باشد دیگر برایش حق تلقی نمی‌شود (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸؛ علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴).

اداء شهادت نه تنها در فقه و حقوق ایران و بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر در زمره تکالیف است حتی در حقوق کشورهای غربی هم جنبه آمره بودن شهادت بارزتر و به تکلیف بودن نزدیکتر است (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴). از آنجا که قاضی جهت ادای شهادت می‌تواند فرد ممتنع را به دادگاه احضار کند و فرد قابلیت اسقاط و نقل و انتقال شهادت را ندارد، پس شهادت برای شاهد تکلیف است و در امور مالی برای مشهود له حق محسوب می‌شود (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۶؛ حسینی کلهرودی، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

۲. بررسی ادله اثباتی شهادت در پژوهش‌های قرآنی

در قرآن کریم آیاتی که از آنها ادله اثباتی شهادت در فقه استفاده شده است، از این قرار هستند: آیه ۱۰۶ سوره مائده، آیه ۲ سوره طلاق، آیه ۱۵ سوره نساء، آیه ۴ سوره نور و آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۶).

۱-۲. آیات مورد استناد در پژوهش‌ها

غالب پژوهشگران در باب شهادت زنان با این نگاه بحث را شروع نموده‌اند که: قرآن به زن نگاه مثبتی دارد و زن و مرد را از جهت انسانیت مساوی و حقوق ایشان را عادلانه و نه مساوی می‌داند. قرآن با خطباتی عامی چون انسان، ناس، بنی آدم، اولوالالباب و ... نشان می‌دهد مردان هیچ امتیاز و برتری نسبت به زنان ندارند (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳).

آیات قرآن که در آنها سخن از شهادت آمده است را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

الف- طلاق: آیه دو سوره طلاق که برای طلاق و رجوع به گرفتن دو شاهد عادل اشاره می‌کند (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۶).

ب- وصیت: آیه ۱۰۶ سوره مائده که به گرفتن دو شاهد مسلمان عادل هنگام وصیت اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر مسلمان نیافتید از شهادت غیر مسلمان هم می‌توانید استفاده کنید» (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۶).

ج- زنا: دو آیه قرآن کریم (آیه ۱۵ سوره نساء، آیه ۴ سوره نور) به لزوم وجود چهار شاهد برای اثبات زنا و مجازات آن سخن گفته‌اند (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۶).

در آیات افعال به صورت عام بیان شده و به زن بودن شاهد تصریح نشده‌است ولی از سیاق آنها و ذکر جملات به صیغه مذکر، عموماً فقها از آنها، مرد بودن شاهد را برداشت کرده‌اند؛ چنانکه در آیه ۱۵ سوره نساء از واژه اربعه (مخالف با معدودش است) که در مورد مذکر استعمال می‌شود، مفسران، مذکر بودن شاهد را برداشت نموده‌اند (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

د- دین: آیه ۲۸۲ سوره بقره در بیان دین و طلب شخصی از دیگری است که به مکتوب نمودن و گرفتن شاهد بر آن اشاره شده‌است. این آیه تنها آیه‌ای است که به شاهد زن اشاره شده‌است، به این صورت که در دیون و امور مالی، در صورت فقدان دو مرد، می‌توان یک مرد و دو زن را به شهادت طلبید و علت جایگزینی دو زن در عوض یک مرد، ضلالت یکی از زنان بیان شده‌است (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

این آیه در مقام استیفای شهادت است نه این‌که همیشه دو زن معادل یک مرد باشند (رک خاکشور، ۱۳۹۸).

از آنجا که علت ضلالت در قرآن مشخص نشده‌است صاحب نظران دینی بر مبنای حدس و گمان دلایل مختلفی را ذکر نموده‌اند (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۲؛ حسن‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱).

در این آیه صراحتاً اولویت با شاهد مرد است و در درجه دوم شاهد زن به انضمام شاهد مرد؛ این‌جا است که ارزش شهادت دو زن معادل ارزش شهادت یک مرد دانسته شده‌است (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

این آیه برای شهادت دادن در محکمه و حجیت آن نیست بلکه در مقام استشهاد و طلبیدن شاهد و تحمل شهادت است که امری ارشادی است چرا که در صدر آیه اصلاً بحث دعوا مطرح نبوده و امر به کتابت برای اقناع طرف مقابل است و در محکمه نمی‌توان صرفاً با تکیه بر نوشته حکم کرد (ملکی: ۱۳۹۸، ص ۶۷).

البته فقها تعریف مشخصی از امور مالی ارائه نفرمودند به همین جهت در بررسی از مصادیق مالی اختلاف شده است (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹).

مفسران عللی را ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره برای واژه «تضل» ارائه نموده‌اند که ذیلاً ارائه می‌گردد.
۲-۲. دسته بندی ادله مفسران برای تنصیف شهادت زنان در واژه «تضل» و علت عدم پذیرش شهادت ایشان از نظر پژوهشگران

پژوهشگران عللی برای تنصیف شهادت زنان بیان و گاهی به علت عدم پذیرش شهادت ایشان اشاراتی داشته‌اند که به بیان آنها می‌پردازیم:

۲-۲-۱. دور بودن زن از مسائل اجتماعی و مالی دلیلی برای «تضل»

برخی مفسران در توضیح آیه ۲۸۲ بقره جایگاه و شان زن را در ارتباط با تربیت فرزند و انجام وظایفی در خانه و شهادت را در امور مرتبط با مسائل اجتماعی می‌دانند، در نتیجه شهادت را خارج از محدوده مشغولیت‌های ذهنی و فکری و حتی سمعی و بصری زن می‌دانند، از این رو قائلند که زن احاطه بر این موضوع ندارد (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۸؛ صدری، صادقی موحد، ۱۳۹۴، ص ۸۰؛ احمدی، سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۷؛ حسن خانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱).

۲-۲-۲. نقصان عقل زن و ضعف حافظه دلیلی برای «تضل»

بسیاری از مفسران واژه «تضل» را به قرینه «فتذکر» به معنای غفلت و فراموشی گرفته‌اند و به اعتقاد ایشان یکی از تفاوت‌های آشکار بین زن و مرد تفاوت از جهت قوای عقلانی و عاطفی است (حسن خانی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۶؛ رک: خاکشور، ۱۳۹۸) و تفاوت نسبی حافظه مرد و زن قابل انکار نیست و از نظر عقلی زن ضعیف تر است (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۷). برخی دیگر از مفسران و صاحب نظران، حکمت تنصیف شهادت را پایین تر بودن درک و عقل و شعور زن نسبت به مرد بیان کرده و دلیلی بر ناقص العقل بودن زنان می‌دانند و بر این معنا به احادیثی نیز استناد می‌کنند. آنان معتقد به صحت احادیث هستند و سست رأی بودن زنان را مسلم و برتری مردان را در تعقل قطعی می‌دانند و قائل به نقص عقلی زنان می‌باشند (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۹).

می‌توان از چند منظر این موضوع را بررسی کرد؛

دیدگاه اول: نقص عقل در زنان را وابسته به عوامل فرهنگی و اجتماعی بیان می‌کند نه پدیده‌ای تکوینی؛ در حقیقت زنان هیچ نقصان و کمبودی در عقل ندارند بلکه فقط در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی‌ای که حضور ندارند رشد عقلی نمی‌یابند.

دیدگاه دوم: زن و مرد در برخورداری از قوه عقل یکسان‌اند، اما به دلیل غلبه عواطف و احساسات که لازمه ایفای نقش مادری و زندگی زناشویی است، بُعد تعقلی زن در مقایسه با مرد کمتر فعال می‌شود.

دیدگاه سوم: عقل به معنای قوه حافظه گرفته شده و واژه «تضل» را به معنای فراموشی گرفته‌اند.

دیدگاه چهارم: نقصان عقل زنان را تنها در حوزه نظری و استدلال و تحلیل مسائل پیچیده علمی می‌داند و مردان را نسبت به زنان در قوه استدلال و تحلیل مسائل پیچیده علمی توانمند می‌داند.

دیدگاه پنجم: شرع، عقل را دارای دو کاربرد می‌داند: ۱- فهم و ادراک ۲- تدبیر و مدیریت. در باب فهم و ادراک، فهم زنان کمتر از مردان نیست چرا که این خلاف حکمت پروردگار است و آیات مبارک قرآن هر دو جنس مذکر و مؤنث را خطاب خود قرار داده‌است. در تدبیر و مدیریت، که یکی از جنبه‌های عقل، تدبیر و مدیریت می‌باشد که این همان جنبه کاربردی می‌باشد که در فرمایش حضرت علی (علیه‌السلام) از نقص و ضعف آن درباره زنان سخن گفته شده‌است (حسن خانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵-۲۲۸). اما باید اذعان داشت در قضایای تاریخی به ویژه در شاخصه‌های رفتاری امام علی (علیه‌السلام) منقح سازی قضایا ضروری و جامعیت در دریافت ملاکات در قول و فعل ایشان لازم است (میرخانی، ۱۳۹۸، ج ۲، ۱۲۲).

برای فهم بهتر این نقصان عقلی بهتر است واژه‌ها در بستر شکل‌گیری زمان خود قرار گیرند چرا که تفسیر بر مبنای فهم عصر نزول صورت می‌پذیرد. در روایات واژه عقل معانی گوناگون دارد گاه عقل به معنای عقل عملی یعنی نوعی تدبیر و اداره امور بیان شده‌است؛ که این نوع از عقل، اکتسابی و نتیجه تمرین و ممارست و غیر از عقل نظری است.

می‌توان مفهوم عقل را در کلام امام علی (علیه‌السلام) را دریافت. هر انسانی قادر است حافظه قوی داشته باشد. حافظه انسان بر مبنای اموری که به آنها اهتمام ورزیده و مشغول بوده متفاوت است. زن و مرد به لحاظ استعداد و قوای عقلانی همانند یکدیگر هستند اما در اهمیت دادن زمینه‌های مختلف و به کارگیری نیروی تعقل در آنها زنان و مردان متفاوتند (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۳). یکی دیگر از دلایلی که می‌توان نقصان عقلی زنان را دارای اشکال دانست این است که این علت ناظر به حکمت غالبی است نه علت دائمی؛ کارشناسی زن پذیرفته‌است، این در حالی است که تخصص در کارشناسی بیش از شهادت لازم است چون نیاز به تحلیل و

تدبر دارد. در کارشناسی تفاوتی بین زن و مرد نیست و ارزش اجتهاد فکری (انجام کارشناسی) بیش از گزارش حسی (ادای شهادت) است در نتیجه می‌توان گفت تفاوت شهادت زن و مرد به دلیل نقصان عقلی زن نمی‌باشد (هوشمند محمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱). دلیل دیگر اینکه گفته می‌شود که زنان در عاطفه و مردان در عقل کامل‌تر هستند از جهت کلامی دچار اشکال است، بلکه انسان‌های کامل از هر جهت کاملند و در تعبیر معصومین و در سیره علوی این امر مشهود است. می‌توان اساسی‌ترین اشکال بر نقصان عقلی زنان را این‌گونه بیان کرد: «که از جمله شرایط صحت شهادت، عقل است، اگر کسی عقلش ناقص باشد، مثل صغار، هر چند متعدد باشند اصلاً شهادت او مورد پذیرش نیست، پس چگونه این نقیصه را به انضمام یک ناقص‌العقل دیگر می‌توان جبران کرد؟ از طرفی امور دیگری مانند رأی و بیعت و... نیاز به عقل و همسانی زن و مرد دارد» (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۹).

۲-۲-۳. غلبه عواطف و احساسات در زنان علتی دیگر برای واژه «تصل»

برخی از مفسران در بیان علت ضلالت زنان اینگونه اظهار کرده‌اند از آنجا که عواطف زنان آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در گفتن حقیقت و شهادت به حق باز مانند در نتیجه گرفتن دو شاهد زن به جای یک شاهد اقدام برای حفظ حقوق دیگران است نه اهانت به بانوان و «تصل» هم می‌تواند به معنی گمراهی از راه غلبه عواطف و هم به معنی نسیان از راه عدم ممارست باشد (احمدی، سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۷؛ حسن خانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵). غالب علما اختلاف در ارزش شهادت زنان را ناشی از غلبه احساسات و عواطف در زنان می‌دانند (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۸؛ حسینی کله‌رودی، ۱۳۸۵، ص ۵۶؛ ایزدی فرد، حسین‌خانی، کامیار، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

۲-۲-۴. امر به خانه نشینی زنان با توجه به آیات دیگر دلیلی بر عدم پذیرش شهادت

مطابق آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب که خطاب به همسران پیامبر آمده است: «زنان پیامبر شما باید در خانه‌های خود بپرامید و مانند زنان جاهلیت اولیه خودنمایی نکنید...». برخی از صاحب نظران بیان داشته‌اند که شهادت دادن از اموری است که باعث حضور بیشتر زنان در جامعه خواهد شد و چون با امر خانه‌نشینی مغایرت دارد پس برای حضور کمتر زنان در عرصه اجتماعی، شهادت زنان از ارزش کمتری نسبت به شهادت مردان برخوردار است و در برخی موارد پذیرفته نیست؛ از طرف دیگر گاهی مسئله‌ی شهادت در مواردی (مثل سفر کردن برای شهادت دادن) با حقوق همسر و فرزندان منافات دارد و با توجه به وضعیت روحی، عاطفی و جسمانی زن و انتظار شرع اسلام از او، می‌توان گفت شارع تمایل ندارد که زن در اجتماع با مسائل غیر

ضروری درگیر شود. این مطلب جای کمی دقت دارد زیرا آیه‌ی استنادی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مخاطب قرار داده و قابلیت عمومیت به همه زنان را ندارد، به علاوه سیاق آیه بیانگر آن است که حضور زنان را در اجتماع منع مطلق نکرده است بلکه ممنوعیت فقط به صورت حضوری همسان با حضور زنان در عصر جاهلیت است. در آیه ۲۸۲ سوره بقره شهادت زنان نه تنها مورد قبول واقع شده بلکه به جای یک زن، دو زن باید ادای شهادت کنند در نتیجه با این موضوع که شارع در تلاش است که از حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بکاهد مغایرت دارد (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۷).

۲-۵. امر به تعبد دلیلی بر عدم پذیرش در شهادت

عده‌ای معتقدند ما متعبد به نص دینی هستیم اگرچه حکمت آن را نفهمیم (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۸).
 ۲-۳. دسته بندی علمی علل تصیف شهادت زنان در واژه «تصل» و علت عدم پذیرش شهادت ایشان از نظر پژوهشگران
 گروهی از پژوهشگران معاصر برای عدم پذیرش شهادت زنان و علت تصیف آن دلایلی علمی را بیان داشته‌اند:

۲-۳-۱. حافظه زنان از نظر روانشناسی دلیلی برای عدم پذیرش شهادت

علم روانشناسی حافظه را در ارتباط مستقیم با عواطف و احساسات و هیجانات فرد می‌داند. شخص، هر چه بیشتر تحت تأثیر عواطف و هیجانات روحی واقع شود، به همان نسبت اتفاقات و حوادثی را که به خاطر سپرده زودتر فراموش می‌کند و دقت کمتری در نقل آن دارد (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹). برخی از روانشناسان معتقدند که شرم و حیا یکی دیگر از علل فراموشی حافظه است. که دو عامل ذکر شده در زنان به مراتب بیشتر از مردان یافت می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰). نویسنده‌ی دیگر در نقد این دیدگاه این گونه بیان کرده است:

«هرچند ممکن است وجه یاد شده در تشریح حکم مذکور لحاظ شده باشد ولی علت تشریح آن نمی‌تواند باشد. از این جهت اگر شهادت و تعداد شهود در اثبات موضوع ادعا موضوعیت داشته باشد، حتی اگر حکمت آن را نفهمیم چاره‌ای جز تعبد به نصوص دینی نیست. ولیکن با قبول طریقی بودن شهادت این امکان وجود دارد که قاضی به علم خویش عمل کند» (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۴).

گروه دیگر از صاحب نظران با نگاه جامعه شناسی و روانشناسی آیه را تفسیر می‌کنند و مضمون آیه را مخصوص دوران نزول قرآن می‌دانند. ایشان با توجه به رشد خرد و علم زنان در عصر کنونی، تصریح می‌کنند:

«این احکام به صورت قضیه خارجی و عارضی است، پس می‌توان تفاوت‌هایی که بین زن و مرد در برخی احکام وجود داشته را کم کم تبدیل به تساوی و برابری کنیم».

در مقابل عده‌ای معتقدند که محدود کردن محتوای آیه به قضیه عارضی و منحصر نمودن آن به دوران نزول نیازمند قرینه است که در آیه یافت نمی‌شود. آیه به گونه‌ای است که از سرشت و خلقت تکوینی زن سخن می‌گوید. این دسته از مفسران عصری بودن علت تنصیف شهادت زنان را ملاک این گونه ارزش‌گذاری شهادت زنان نمی‌دانند (حسن‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴).

۲-۳-۲. ضعف قوه بینایی زنان دلیلی بر عدم پذیرش شهادت

ضعف قوه بینایی زنان از مواردی است که در برخی احادیث به عنوان علت عدم پذیرش شهادت زنان نام برده شده است مانند روایت هلال ماه؛ نویسنده‌ای بیان داشته است:

«تحقیقات نشان می‌دهد که حوزه دید زنان از مردان وسیع‌تر است و می‌تواند اشیای بیشتری را در یک لحظه ببیند؛ اما دید مردان تونل‌وار است به این معنا که وسعت دید آنها محدود است اما اشیاء را در فاصله دورتر بهتر تشخیص می‌دهند» (صالحی‌مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۴).

شهادت شامل همه امور قابل ادراک با یکی از حواس پنجگانه انسان است به عنوان مثال یک نابینا می‌تواند نسبت به آنچه لمس کرده و یا شنیده شهادت دهد. این علت ممکن است در مواردی صادق باشد اما شهادت همواره با امور قابل مشاهده با چشم مرتبط نیست.

۲-۳-۳. تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان علتی بر عدم پذیرش شهادت زنان

با توجه به خلقت دو جنس مرد و زن و اختلافات و تفاوت‌های فکری، اخلاقی و روحی که دارند طبیعی است که حقوق و تکالیف آنها در بسیاری موارد متفاوت از یکدیگر باشد (رک: خاکشور، ۱۳۹۸). فیزیولوژیست و جراح و زیست‌شناس معروف فرانسوی به نام الکسیس کارل، به وجود این نوع تفاوت‌ها میان زن و مرد، صححه گذاشته است و می‌گوید:

«اختلاف که میان زن و مرد موجود است تنها مربوط به شکل اندام‌های جنسی نیست، بلکه نتیجه علتی عمیق‌تر است که از تأثیر مواد شیمیایی ترشح شده از غدد تناسلی در خون ناشی می‌شود. به علت بی‌توجهی به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن فکر می‌کنند که هر دو جنس می‌توانند یک قسط تعلیم و تربیت یابد و مشاغل و اختیارات و مسئولیت‌های

یکسانی به عهده گیرند ما مجبوریم آنها را آنطوری که هستند بپذیریم» (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵).

نتایج تحلیلی

با توجه به اینکه قرآن کریم به عنوان نمونه و مثال برای مؤمنان همه تاریخ و انسان‌ها یک زن را مثال می‌زند: «و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مَثَل آورد...» (تحریم، ۱۱). باید دانست که هیچگونه نقص ذاتی در زن وجود ندارد. در قرآن اصل بر پذیرش شهادت زنان است چرا که خطابات قرآنی، هر دو جنس انسانی هم زن و مرد را شامل می‌شود تا زمانی که دلیل و قرینه‌ای زن را استثناء کرده باشد. آیه ۲۸۲ سوره بقره که شهادت دو زن را با یک مرد برابر دانسته و علت آن را بیان داشته است در مقام ادای شهادت نیست بلکه در مقام استشهاد است. آیه بیان می‌دارد وقتی می‌خواهید شاهد بگیرید این تناسب را رعایت کنید.

آیه بیان نمی‌کند در محکمه شهادت یک زن مقبولیت ندارد و باید دو نفری شهادت دهند، بلکه آیه بیان می‌دارد شهادت دو زن در ضمیمه به مرد کافی است که در اینجا بایستی توجه شارع را نسبت به تحقق حقوق طرف دعوی و استیفای کامل و عادلانه مدعی دانست. می‌توان از دلیل عدم اشتغال زنان در اجتماع نتیجه گرفت که تنصیف شهادت زن و مرد در زمان نزول آیه بوده است و تساوی شهادت در زمان و شرایط کنونی که آگاهی زنان و مردان نسبت به مسائل روز تقریباً برابر است ممکن باشد. چرا که آگاهی و عدم آگاهی در پذیرش و عدم پذیرش شهادت نقش کلیدی دارد و در روایاتی شهادت یک زن پذیرفته است؛ مثل شهادت قابله و شهادت درعیب‌های مخصوص زنان. اگر زن بتواند ایجاد علم برای محکمه نماید نظر محققان او کافیت است. نابرابری تنها در خصوص شهادت زن و دیگر مفاهیمی که شهادت در آنها اخص است بیان شده است. اما در مورد مفاهیم مشابهی مانند کارشناسی، اقرار، ادعا میان زن و مرد تفاوتی نیست.

این نابرابری ارتباطی با تعقل و تفکر مردان و زنان ندارد اگر ارتباط داشت زنان در موارد مشابه مانند کارشناسی هم با مردان متفاوت می‌بودند. عدم پذیرش شهادت زنان در برخی موارد به دلیل متفاوت بودن طبیعت و خصوصیات و اخلاق و رفتار زنان با مردان است و تبعیض نیست. با توجه به این تفاوت‌ها، اختلاف در تکالیف و حقوق زن و مرد طبیعی است. زنان به طور کلی از شهادت دادن منع نشده‌اند بلکه شهادت آنها در برخی موارد پذیرفته نمی‌باشد و در واقع تکلیفی از زنان مرتفع شده است.



۳. پژوهش‌های روایی باب شهادت زنان

محققین برخی از روایات را از حیث سند، متن و دلالت وارد شده دارای اشکال دانستند و به گروهی از احادیث تمسک جستند تا اثبات کنند که شهادت زنان در همه‌امور مانند شهادت ایشان در آیه دین نیست.

۳-۱. روایات مورد استناد پژوهش‌ها

در یک روایت شهادت زن به طور مطلق مقبول اعلام شده‌است. در این روایت ابن ابی یعفور از امام باقر (علیه‌السلام) نقل کرده‌است: «شهادت زنان پوشیده، پاکدامن، فرمانبردار شوهر، تارک ابتدال و خودآرایی در جمع مردان پذیرفته می‌شود»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۹۸). بر اساس این روایت شرایطی برای نشان دادن طریق عدالت زن مسلمان بیان شده‌است در نتیجه‌ی آن شهادت زنان پذیرفته می‌شود و شرط پذیرش هم تنها عدالت شاهد است (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵؛ صانعی، ۱۳۸۵، ص ۴۷). از این حدیث می‌توان دریافت که شهادت زن فی الجمله پذیرفته‌است (ملکی، حاتم پوری، ۱۳۹۸، ص ۷۰).

در مورد شهادت زنان در قصاص روایت مختلف‌اند؛ برخی از روایات وارده شهادت زنان را برای اثبات قتل عمد و قصاص مؤثر نمی‌دانند و برخی دیگر شهادت زنان را به انضمام مردان مؤثر و صحیح می‌دانند^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۵۰؛ علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹). روایات استفاده شده در فقه در مورد شهادت زنان مبنی بر این است که شهادت زنان در امور مالی به انضمام مردان پذیرفتنی و در اموری که مردان نمی‌توانند از آن آگاه شوند، به تنهایی پذیرفتنی است^۳ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۵۱)؛ در حدود و قصاص شهادت زنان به تنهایی پذیرفته نمی‌باشد^۴ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۵۱؛ علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷).

۱ - أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ وَ دُبْيَانَ بْنِ حَكِيمِ الْأَوْدِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «تُقْبَلُ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ وَالنِّسْوَةُ إِذَا كُنَّ مُسْتَوْرَاتٍ مِنْ أَهْلِ الْأَيْبَاتِ مَعْرُوفَاتٍ بِالسَّرِّ وَالْعَفَافِ مُطِيعَاتٍ لِلْأَزْوَاجِ تَارِكَاتٍ لِلْبَدَاءِ وَ الْتَبْرِجِ إِلَى الرِّجَالِ فِي أَيْدِيهِمْ».

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فَلَمَّا تَجَوَّزَ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْخُدُودِ فَقَالَ فِي الْقَتْلِ وَحْدَهُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ».

۳ - وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ فَقَالَ تَجَوَّزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ وَحْدَهُنَّ عَلَى مَا لَا يَسْتَطِيعُ الرِّجَالُ النَّظَرَ إِلَيْهِ وَ تَجَوَّزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْكِنَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ...».

۴ - وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ فِي الرِّجْمِ فَقَالَ إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَ إِذَا كَانَ رِجَالًا وَ أَرْبَعٌ نِسْوَةٌ لَمْ تَجْزِ فِي الرِّجْمِ».

در روایات آمده است که: «با شهادت یک زن، یک چهارم دیه کودک بر عهده ی مرد ثابت می‌شود»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۶۴)؛ به دلالت التزامی با شهادت چهار زن تمامیت آن ثابت می‌گردد (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

حدیثی که از حیث سند و متن و دلالت دچار اشکال است روایت امیرالمومنین که در رابطه با گرفتن دو شاهد زن در آیه ۲۸۲ سوره بقره است فرمودند:

«خدمت رسول اکرم بودیم فرمودند: دو شاهد از آزادهای شما نه از بردگان، خداوند بردگان را به وسیله خدمت به صاحبان از تحمل شهادت و ادای آن باز داشته است و شاهد باید از مسلمانان باشد؛ زنی پیش آمد و گفت سبب شهادت دوزن به جای یک مرد در چیست؟ ایشان فرمودند: به خاطر آن است که شما عقل و دینتان ناقص است. عرض کرد نقصان دین ما چیست؟ پیامبر فرمود: نیمی از روزگار خود را به خاطر حیض نماز نمی‌خوانید...».

این حدیث از حیث سند مرسل است و متن آن خلاف اصول و ضوابط معتبر شرعی و همچنین خلاف کتاب و سنت است. نویسنده با محاسبه ایام حیض بانوان و با توجه به این که زنان زودتر از مردان به بلوغ می‌رسند و معیار کمی قرار دادن نماز و این که زنان از زمان یائسگی تا پایان عمرشان نمازها را کامل می‌خوانند و نماز نخواندن زن در ایام عادت و وظیفه اوست، این حدیث را از حیث متن رد می‌کند و اذعان می‌دارد حدیث در ذیل آیه شریفه قرار دارد و همان مورد خاص ذکر شده در آیه، نسیان و فراموشی در باب دین است را شامل می‌شود و این نوع دلیل بر عدم نابرابری در همه موارد و موضوعات راهی ندارد (صانعی، ۱۳۸۵، ۶۹-۷۷؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۹). روایات ناظر بر نقصان عقلی زنان مغایر با تعلیل مذکور در آیه ۲۸۲ سوره بقره است و در فرهنگ روایی گاهی عقل در برابر جهل به کار رفته و گاهی به مفهوم عقل تجربی است و گاهی به عنوان عقل عملی یعنی قدرت بر تدبیر و اداره امور به کار رفته است که امری اکتسابی و در نتیجه کسب دانش و تجربه است و این امر نیز نمی‌تواند وجه ممیزه شخصی به شخص دیگر تلقی شود (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۹۵).

باید اذعان نمود که در بعضی از احادیث و جابجایی آن‌ها و در لایه زیرین مجعولات تاریخی به خوبی دست دشمنان دیرین بشریت و توطئه‌های کلان آنان چون یهود و ابناء و آباء اسرائیلیان

۱ وَ عُنْهُ (عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ) قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «تَجُورُ شَهَادَةُ الْقَابِلَةِ فِي الْمَوْلُودِ إِذَا اسْتَهَلَّ وَ صَاحَ فِي الْأَمِيرَاتِ وَ يُورَثُ الرَّبِيعُ مِنَ الْأَمِيرَاتِ بِقَدْرِ شَهَادَةِ امْرَأَةٍ وَاحِدَةٍ قُلْتُ فَإِنْ كَانَتْ امْرَأَتَيْنِ قَالَ تَجُورُ شَهَادَتُهُمَا فِي النَّصْفِ مِنَ الْأَمِيرَاتِ».

به خوبی دیده می‌شود که به نحو بسیاری از حقایق پرداخته‌اند؛ این امر درباره زنان از وضوح و قطعیت بیشتری برخوردار است (میرخانی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۸۱-۸۲).

در مجموع ۲۳ حدیث با مضمون نقص عقلی زنان وارد شده که ۱۲ حدیث در منابع حدیثی شیعه و بقیه در کتب اهل سنت موجود است. نویسندگان با بیان کردن بعضی از این احادیث و اشکالات وارد بر این احادیث و یا بعضاً دلیل آوردن بر پذیرش این احادیث، به این نتیجه رسیده است که: «برخی از این احادیث به علت مخالفت با منطق قرآن غیر قابل قبول می‌باشد. بدین سبب که در آیات متعددی از جمله آیات ۱۲ حجرات، ۶ زمر و ۱۴ مؤمنون زن و مرد با یک نگاه ملاحظه شده‌اند. گروهی از اندیشمندان اسلامی با اعتقاد به صحت روایات، برتری عقلی مردان را قطعی و قائل به نقص عقلی زنان بوده و سست رأی بودن آنها را مسلم دانستند، به همین جهت شهادت زنان و ارث آنان با مردان را برابر نمی‌دانند. اشکال اساسی این گونه وارد است که از جمله شرایط صحت شهادت، عقل است اگر کسی عقلش ناقص باشد اصلاً شهادت او قابل پذیرش نیست و لذا چگونه ممکن است این نقیصه را بتوان با انضمام شهادت یک ناقص العقل دیگر جبران کرد از جهتی در امور دیگری همانند رأی و بیعت همسانی و برابری میان زنان و مردان وجود دارد و از این جا می‌توان این نتیجه را به دست آورد که منظور از نقص عقل به مفهوم ظاهری و عامیانه آن نیست» (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸۷-۱۰۸۸).

از داوود بن الحصین روایتی است که «امیرالمؤمنین همواره اجازه می‌فرمود زن‌ها در انکار نکاح شهادت دهند و در طلاق چنین اجازه‌ای نفرمود مگر برای دو شاهد عادل...» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۶۰). نویسندگان در این روایت هم بیان داشته‌اند که این دو روایت در حقیقت مبین حکم مندرج آیه ۲ سوره طلاق است و امام در پاسخ به پرسشی بر آن تأکید فرمودند، در نتیجه همه موارد را شامل نمی‌شود (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۹).

روایت منصور بن حازم به نقل از امام ابوالحسن چنین است که امام فرمود: «هرگاه برای صاحب حق شهادت دو زن و قسم وی اقامه شود جایز و نافذ است»^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۵۹). معنای روایت بیش از حکمی نیست که در آیه دین آمده است یعنی تأکید بر نابرابری

۱ - عَنْ دَاوُدَ بْنِ حَصِينٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: كَ «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) يُجِيزُ شَهَادَةَ امْرَأَتَيْنِ فِي النِّكَاحِ عِنْدَ الْإِنْكَارِ وَلَا يُجِيزُ فِي الطَّلَاقِ إِلَّا شَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ قُلْتُ: فَأَنَّى ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ قَوْلُهُ فَرَجُلٍ وَ امْرَأَتَانِ؟ فَقَالَ: ذَلِكَ فِي الدِّينِ إِذَا لَمْ يَكُنْ رَجُلَانِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ وَ رَجُلٌ وَاحِدٌ وَ يَمِينٌ الْمُدْعَى إِذَا لَمْ تَكُنْ امْرَأَتَانِ قَضَى بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَعْدَهُ عِنْدَكُمْ». - ۲ - وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَلْفَهْدُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا شَهِدَ لِصَاحِبِ الْحَقِّ امْرَأَتَانِ وَ يَمِينَةٌ فَهُوَ جَائِزٌ.

ارزش شهادت. پس از این روایت نمی‌توانیم بفهمیم که همه موارد را شامل می‌شود یا به عبارتی نمی‌توانیم الغای خصوصیت کنیم (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۹).

اما نویسنده‌ای دیگر این نظر را دارد: «صاحب جواهر در پذیرش شهادت دوزن با قسم مدعی در امور مالی ادعای شهرت قوی نموده و حتی از شیخ در الخلاف، نقل اجماع نموده و شیخ طوسی درالمبسوط نیز اشعار به اتفاق امامیه در این مسئله دارد و عدم قبول را به اکثر اهل سنت نسبت داده‌است زیرا از میان مذاهب چهارگانه اهل سنت تنها مذهب مالکی شهادت دو زن با قسم مدعی را در دعاوی مالی پذیرفته‌است» (طوسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۰۷؛ هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱).

قرآن کریم در باب شهادت تفاوتی را میان زن و مرد قائل نشده‌است و تنها تخصیص قرآن برای شهادت زنان در آیه ۲۸۲ سوره بقره و در مورد دین می‌باشد و با گذر از منطوق و مفهوم روایاتی که در این زمینه وجود دارد که از آن‌ها برای نابرابری شهادت زنان تمسک جست‌ه‌اند می‌توان دریافت که همگی قابل‌خداشه هستند (حاجی علی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

نتایج تحلیلی

در مواجهه با روایاتی که دلالت بر ظلم و ستم بر زن‌ها می‌نماید و با شرافت و تکامل عقلانی زنان در تضاد می‌باشد، به دلیل مخالفت با قرآن این احادیث کنار گذاشته می‌شوند (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴).

در اکثر روایات اصل بر پذیرش شهادت زنان استوار است. در برخی از روایات در بیان موارد خاص شهادت زنان پذیرفته نمی‌باشد؛ از میان ۵۱ حدیثی که در رابطه با شهادت زنان در کتاب شهادت و سائل الشیعه باب ۲۴ موجود است، حدوداً ۲۲ حدیث در پاسخ معصومین به سؤال کسانی است که سؤال کننده اصل را بر پذیرش شهادت زنان نهاده و تنها در موارد خاصی که ممنوعیتی بوده‌است سؤال نموده و در دیگر روایات که سؤال به صورت مطلق پرسیده شده یا اصلاً به صورت سؤالی مطرح نشده‌است، از پاسخ معصومین چنین برمی‌آید که آنان نیز اصل را بر پذیرش نهاده و در مقام بیان موارد استثنایی عدم پذیرش هستند. در باب احکام، موضوعات، قضا و شهادت تمامی ادله لفظی شامل زن و مرد می‌باشد. بررسی انجام گرفته مبین آن است که شهادت زنان در برخی موارد به صورت انضمامی و در برخی موارد به صورت استقلالی حتی با ادای یک شاهد زن نیز پذیرفته‌است.

۴. اقوال فقهی مورد استناد در پژوهش‌ها

فقه شهادت را به دو مورد کلی «شهود بینة» و «شهود شرعیة» تقسیم می‌کند. بر طبق اصل اولیه، هیچ تفاوتی بین زنان و مردان نیست چرا که قاضی از این شهادت به عنوان بینة استفاده می‌کند. اما شهود شرعیة، در دو مورد کلی به کار می‌آید: ۱- حق الله ۲- حق الناس (رک شوشتری، ۱۳۸۸؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰).

۴-۱. شهادت زنان در حق الله

پژوهشگران نظر فقها باب شهادت زنان در حق الله را این‌گونه میان نموده‌اند:

۴-۱-۱. در مورد عدم پذیرش شهادت زنان در رؤیت هلال ماه، اکثر علما در این مورد اتفاق نظر دارند و روایات در این مورد به حد تواتر رسیده‌است (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰). روایاتی که دلالت می‌کنند تنها شهادت دو مرد عادل کافی است و شهادت زنان قابل استناد نیست از این قرار هستند حلبی در روایت صحیح می‌گوید: «حضرت علی (علیه‌السلام) همواره می‌فرمود، در مورد هلال اجازه نمی‌دهم، مگر شهادت دو مرد عادل را»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، باب ۱۱، ص ۲۸۶) و یا روایت صحیحہ عبدالله ابن سنان، از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده‌است: «شهادت زنان در مورد دیدن هلال ماه مورد قبول نیست»^۲. اکثر علمای شیعه در عدم پذیرش شهادت زنان در رؤیت هلال ماه اتفاق نظر دارند به دلیل روایات بسیاری که وجود دارد» (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۱۱، صص ۳۳۷-۳۵۱).

۴-۱-۲. عدم پذیرش شهادت زنان در زمان اجرای صیغه طلاق، در این مورد هم فقها بر این نظر اجماع دارند (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰). مرد بودن دو شاهد عادل و عدم کفایت شهادت زن در زمان اجرای صیغه طلاق، جز مسلمات شرعی فقه شیعه برای صحت طلاق است و مطابق نص صریح قرآن و روایات متواتر می‌باشد (صانعی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۹-۱۳۱).

۴-۱-۳. شهادت زنان در حدود جایز نیست (طوسی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۲۵۱). البته از این حدود تنها موردی را که اکثر علما استثنا کرده‌اند و پذیرفته‌اند شهادت زنان در زنا می‌باشد (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰؛ رک شوشتری، ۱۳۸۸). اکثر قریب به اتفاق علما برای اثبات زنا شهادت زنان را به تنهایی کافی نمی‌دانند بلکه «با شهادت سه مرد و دو زن، مجازات سنگسار لزوم می‌آید» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۲۶۰) با شهادت دو مرد و چهار زن، فقط مجازات شلاق در زنا اثبات

۱- لا اجیز فی الهلال الا شهادت رجلین عدلین

۲- لا یجوز شهادت النساء فی رؤیه الهلال

می‌شود (طوسی، ۱۴۱۶، ص ۹۳؛ حسینی کلهرودی، ۱۳۸۵، ص ۵۴). در هیچ یک از اقسام حق‌الله شهادت زنان به تنهایی و یا یک شاهد مرد و دوزن و یا یک شاهد و قسم مدعی پذیرفته نمی‌باشد (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰).

دلیلی که پژوهشگری در عدم پذیرش شهادت زنان در حق‌الله آورده است این‌گونه است: «زنان در حقوق‌الله نمی‌توانند شهادت دهند اجرای مجازات جزء حدود‌الله است و می‌توان گفت که شارع می‌تواند هر راهی برای اثبات حق خویش قرار دهد چرا که شارع در این جا به منزله مدعی و طرف حق است و مدعی مختار است هرگونه که بخواهد حق خویش را استیفا نماید و هیچگاه روش‌های استفاده شده مدعی در راه رسیدن به حق ظلم به دیگری تلقی نمی‌شود، مگر اینکه در حقوق دیگران تصرف کند. بنابراین در شهادت هیچ تصرفی در حقوق زنان صورت نگرفته است» (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱).

شهادت زنان به تنهایی و بدون انضمام به مردان در قتل عمد قطعاً حجت نیست. در جنایات خطایی و شبه عمد که موجب دیه است شهادت زنان نافذ است (چراکه مقصود مال است) و با گواهی دو مرد یا یک مرد و دوزن یا یک مرد عادل و قسم مدعی ادعا ثابت می‌شود (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۳۱؛ ایزدی فرد، حسنخانی، کاویار، ۱۳۹۳، ص ۴۷).
و محقق دیگر می‌نویسد:

«شهادت زنان در قتل عمد به هر شکلی به انضمام مردان باشد در بین امامیه مورد اختلاف است. چونان که بعضی قائل به پذیرش و بعضی قائل به عدم پذیرش شده‌اند. می‌توان گفت در قصاص که از حق‌الناس است «قاعده درء» جاری است.

طبق این قاعده بنای شارع بر آن است که با تضییق دایره اثبات و با کوچکترین احتمال، حکم جاری نشود؛ لذا به مجرد پدید آمدن شبهه و ادعای خطا و نسیان مجازات ساقط می‌شود که از جمله موارد شبهه می‌توان شهادت زنان را دانست که به استناد این قاعده و اصول شبهه حکم سقوط مجازات قصاص می‌شود.

تنها اشکال جدی وارد بر این دیدگاه در مورد روایت (لایبطل دم امری مسلم) است که پاسخ آیت‌الله مکارم شیرازی: استفاده قاضی از شهادت زنان به صورت علم قاضی، شهادت زنان در اینجا لوث می‌شود؛ لوث یعنی جایی که قرائن ظنی قوی باشد و پای قسامه به میان آید و اگر از قول زنان ظن حاصل نشد و کار به قسامه نکشید اینجاست که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود پس خون مسلم پایمال نمی‌شود» (ایزدی فرد، حسنخانی، کاویار، ۱۳۹۳، ص ۳۴).

۴-۲. شهادت زنان در حق الناس

نظر فقها باب شهادت زنان در حق الناس را بدین صورت دسته بندی نموده‌اند:

۴-۲-۱. حدودی که فقط با دو شاهد مرد اثبات می‌شود؛ مانند طلاق، خلع، وکالت، وصیت، رؤیت هلال و نسب (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰). شهادت زنان در طلاق بدین صورت است که ادله دال بر عدم پذیرش طلاق به مرحله ثبوت و تحقق طلاق مربوط می‌شود نه به مرحله اثبات آن، زیرا یکی از شروط تحقق طلاق، حضور شاهد است؛ اما در مرحله اثبات طلاق از آنجایی که به اثبات حق الناس مربوط می‌شود نباید تفاوتی بین شهادت زن و مرد وجود داشته باشد (صدری، صادقی موحد، ۹۴، ص ۸۵؛ رجایی پور، طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۸۵).

۴-۲-۲. حقوقی که با یک شاهد مرد و دو شاهد زن و یا با یک شاهد و قسم اثبات می‌شود مانند امور مالی و عقود معاوضی (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۳۶۰؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰).

۴-۲-۳. حقوقی که با شهادت زن و مرد منفرداً و یا با یکدیگر اثبات می‌شود مانند ولادت، استهلال (حیات جنین هنگام تولد) و رضاع و عیوب باطنی زنان (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۳۵۱) که البته شیخ طوسی رضاع را قبول ندارد (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۰؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۰). در مواردی که مردان نمی‌توانند در مورد آن اطلاع پیدا کنند شهادت زنان پذیرفته است و در امر نکاح بیشتر محققان امامیه قائل به جواز شهادت زنان در نکاح هستند (رجایی پور، طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۸۵).

۴-۲-۴. در اموال و دیون، شهادت دو زن با قسم هم قابل پذیرش می‌باشد و شهادت یک زن برای یک چهارم ارث نوزاد زنده متولد شده مقبول و نیز برای یک چهارم وصیت، پذیرفته است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۶۷؛ ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۱).

نظریات در باب حقوق الناس دارای اختلاف بسیار است محقق می‌نویسد؛

«با تأمل و بررسی در مستندات و منابع مختلف و با توجه به این که شهادت تکلیف است نه حق و از آنجایی که حق الناس در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است بدیهی است که شارع مقدس برای شهادت و گواهی احقاق حق الناس اهتمام ویژه‌ای دارد و قاعدتاً برای احقاق حق من له الحق تفاوت بین گواهی جنس مذکر و مؤنث در اصل شهادت قائل نمی‌شود و خطاب تکلیف مذکور متوجه زنان نیز می‌باشد و تنها تفاوت اثبات شده به حق الناسی است که جنبه مالی دارد، آن هم نه در اصل شهادت بلکه در خصوص تعداد شهود که به موجب نص آیه شریفه ۲۸۲ سوره بقره می‌باشد» (صدری، صادقی موحد، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

محقق دیگر این گونه می‌نویسد:

«با طرح شهادت زنان در فقه اسلامی ملاحظه می‌شود اصولاً شهادت زنان در فقه حقوق اسلامی به طور مستقل قابل پذیرش نیست و باید با شهادت مردان همراه باشد تا مورد قبول قرار گیرد» (حسینی کلهرودی، ۱۳۸۵، ص ۵۴).

و دیگری بیان می‌کند که:

«تنها مستثنای مبحث شهادت زنان در حقوق الناس که عموم فقها قائل به عدم پذیرش شهادت زنان در آن هستند مبحث حدود است که با اندک تعامل و بررسی در ادله عدم پذیرش شهادت زنان (علیرغم اختلافها) که ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه عدم پذیرش راجح است و توجیهاات شرعی و عقلی متعددی نیز پشتوانه آن است» (صدری، صادقی موحد، ۱۳۹۴، ص ۹۳).

پژوهشگری دیگر از باب شهادت خارج شده و به علم قاضی مربوط می‌کند که در ادله اثبات دعوا شهادت طریقت است و آنچه مهم است اقناع وجدان قاضی است که با شهادت یک زن هم ممکن است حاصل شود همان‌گونه که ممکن است با شهادت چند مرد هم به دست نیاید (صالحی مازندرانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۹۵).

نکته قابل تأمل این است که فقها اختلاف نظر زیادی برای شهادت زنان دارند و این اختلاف نظرها ناشی از اختلاف روایات است (هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸). اما باید توجه کرد که اجتهاد به کارگیری تمام توان و تلاش برای یافتن وظیفه‌ی شرعی است و تکرار نظرات گذشتگان بی آنکه کاری شایسته انجام پذیرد حقیقت اجتهاد نیست (جباری، ۱۳۷۷، ص ۴۴). به عقیده متأخرین حجیت خبر واحد صحیح ثابت شده و قائل بر این هستند که علمای حدیث مثل شیخ حر عاملی احادیث صحیح را جمع آوری کرده‌اند؛ بیشتر فقهای متأخر عملاً بر این باورند که عمده کار اجتهاد بر عهده دو علم است: اصول فقه و علم رجال. اما برای پی بردن به حقیقت یک حکم شرعی علاوه بر آگاهی نسبت به اصول و منابع فقهی و روش استخراج احکام از آنها و آگاهی به احوال رجال، شناخت زمان و زمانه‌ای که احکام در آن صادر شده است نیز لازم است (جباری، ۱۳۷۷، ص ۴۵). عوامل زیادی در اصول فقه وجود دارد که در ادوار مختلف باعث به وجود آمدن اجتهاد مختلف می‌شود می‌توان به چند مورد از آن اشاره کرد:

۳-۴. تأثیر زمان و مکان بر اجتهاد

زمان و مکان در تغییر برخی از موضوعات فقهی مؤثر است، گاهی وقایع اجتماعی اعم از سیاسی و مذهبی در هر زمان بر فتوای علمای تأثیر داشته است مثل تحریم تنباکو. زمان و مکان

حاضر، در فهم آیات و روایات و در نتیجه در نحوه استنباط اثر می‌گذارد. استاد شهید مطهری معتقد است یکی از طرق حل تعارضاتی که در سیرت‌های مختلف است در نظر گرفتن مقتضیات زمان است حتی در حل تعارضات قولی نیز این طریق را می‌توان به کار برد گو این‌که فقهای ما توجه نکردند (ملکی، ۱۳۹۸، ص ۷۶).

۴-۴. تأسیس اصل

در همه دعاوی به دلیل اختلاف در ادله صراحتاً نمی‌توان مشخص نمود که آیا شهادت زنان در امکان حداقلی با ضمیمه قسم مدعی پذیرفته است یا خیر، در این گونه موارد مشکوک، تأسیس اصل کاربرد دارد.

۴-۵. تبعات ادای شهادت در فقه

ضمیمه ساختن شهادت زنان به مردان در حقیقت نوعی حمایت از زنان در تخفیف خطرات آثار شهادت می‌باشد (حسینی کلهرودی، ۱۳۸۵، ص ۵۸). گاهی ممکن است محکوم و اطرافیانش برای شاهد تبعات و پیامدهایی به وجود آورند که این مسأله برای زنان زیان بار تر و سنگین تر است (علی محمدی، حسینی، ۱۳۹۲، صص ۱۳۸-۱۳۹).

نتایج تحلیلی

اصل بر پذیرش شهادت زنان است چرا که فقها در شرایط عامه شهود در کنار شروطی از قبیل عقل، بلوغ، اسلام و ایمان و غیره هیچگونه اشاره‌ای به جنسیت ننمودند و شهادت زنان در پیش فرض اولیه قابل پذیرش می‌باشد. بنا شارع در حدود این است که با سرعت و به کمترین بهانه‌ای جاری نگردد و محدودیت دایره شهود توسط شهادت زنان، یکی از طرق سختگیری در مجازات و اجراء حدود است. شارع در طلاق نیز مانند حدود بنا را بر سخت‌گیری گزارد و به همین دلیل از نظر فقهی از میان عقود و ایقاعات طلاق تنها موردی است که در آن شاهد گرفتن واجب شده است و همچنین در جنسیت شاهد هم سختگیری شده است.

در اجرای حدود و مجازات‌های آن که جزو حقوق الله محسوب می‌شود شهادت زنان پذیرفته نیست و این موضوع تزییعی در حقوق اشخاص به دنبال ندارد چرا که ممکن است زنان تحت تأثیر اکراه سریع یا اجبار توسط مردان به دروغ شهادت دهند و در جایی که شهادت کذب آن ثابت شود شاهد حسب مورد دارای مسئولیت کیفری و مدنی سنگین خواهد بود از این رو عدم پذیرش شهادت زنان به ویژه در دعاوی کیفری به مصلحت آنان می‌باشد.

نتیجه گیری

تا کنون پژوهش‌ها شهادت زنان را از سه منظر قرآن، روایات و نظرات برخی از علما و مفسران بررسی کرده‌اند و علت‌های متفاوتی برای تنصیف شهادت زنان ذیل آیه ۲۸۲ بقره بیان کرده‌اند. در قرآن تعداد شهود بیشتر از یک نفر مطرح شده‌است و این امر که شاهد باید به انضمام شخص دیگر باشد فقط مختص زنان نمی‌باشد. در بسیاری از آیاتی که مختص شهادت هستند، افعال مذکر آمده‌است که زنان را هم شامل می‌شود.

از آیه ۲۸۲ سوره بقره و روایات مختلف برمی‌آید در مقام شاهد طلبیدن، خداوند و تالی علم ایشان، برای زنان حرمتی قابل شده‌اند که دوزن را باید برای شاهد گرفتن طلبید و به تبع آن در هنگام شهادت دادن هم حضور هر دو واجب می‌گردد. باید اذعان نمود که اظهار نظر بابت تفاسیر مختلف از علت تنصیف شهادت و روایات مختلف بابت عدم پذیرش شهادت زنان و اجتهادهای مختلف در زمان‌های مختلف نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد. اجتهاد پویا به اجتهاد معطوف به حل مشکلات جامعه و نظام بر اساس توجه به شرایط مکان و زمان اطلاق می‌شود.

اگر روایات را به عنوان اجتهاد زمانه معصومین در عصر حدوث روایات بررسی کنیم بیشتر به مبنای اصولی شهادت زنان پی خواهیم برد. در پژوهش‌های صورت گرفته پژوهشی به این شکل صورت نگرفته‌است که روایات وارده به عنوان اجتهاد معصومین را در زمان حدوث آن و جامعه زنان زمان معصوم بررسی نموده‌باشد و اصول حاکم برای شهادت زنان را استخراج نماید. پژوهشی در رابطه با بررسی دقیق نظرات اختلافی فقها در مورد شهادت زنان و همچنین فحوصی در مورد فتاوا در بستر جامعه فقیه یافت نشد.

پیشنهادهای: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات پیشین عمدتاً بر بررسی شهادت زنان از منظر قرآن، روایات و نظرات فقها تمرکز کرده و دلایل تنصیف یا عدم پذیرش شهادت زن را عمدتاً ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره و روایات مرتبط تبیین نموده‌اند. با این حال، شکاف‌های پژوهشی قابل توجهی در این حوزه وجود دارد که راه را برای تحقیقات آتی هموار می‌سازد. بر این اساس و با هدف پر کردن خلاءهای پژوهشی موجود و دستیابی به درکی جامع‌تر و پویاتر از مسئله شهادت زنان در شریعت اسلام، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. ضرورت دارد پژوهش‌های آتی به صورت دقیق و جامع، آرای مختلف فقها در خصوص شهادت زنان را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. این مهم شامل کاوش در فتاوای صادره در بستر جامعه فقهی و استخراج مبانی و ادله این اختلاف نظرها است.
۲. پیشنهاد می‌شود روایات مربوط به شهادت زنان به عنوان «اجتهاد عصر صدور» مورد بازنگری و تحلیل قرار گیرند. با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان صدور این روایات و جامعه زنان در آن دوران، می‌توان به درک عمیق‌تری از اصول حاکم بر شهادت زنان دست یافت و از تفسیرهای جمودگرایانه فاصله گرفت.
۳. هرچند این پژوهش بر شریعت اسلام متمرکز بود، اما پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به صورت تطبیقی، جایگاه و ارزش شهادت زنان را در سایر ادیان ابراهیمی و نظام‌های حقوقی معاصر نیز بررسی کرده تا درک جامع‌تری از ابعاد جهانی این مسئله حاصل شود.
۴. پژوهش‌های آینده می‌توانند با رویکردی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، به بررسی نقش عوامل اجتماعی و روانی در شهادت زنان پرداخته و تأثیر این عوامل را بر اعتبار و پذیرش شهادت ایشان در بستر جامعه مورد ارزیابی قرار دهند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن فارس، ابوالحسین، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب اعلام اسلامی.
۲. احمدی، محمد و احمدی، حسین و سلطانی، ابوالحسن، (۱۳۹۹)، «ارزش اثباتی شهادت در مورد اسناد طبق سوره بقره به لحاظ جنسیتی»، *فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد*، دوره سیزدهم، شماره ۴۹، صفحات ۱۹۷-۲۱۳.
۳. ایزدی فرد، علی اکبر و حسنخانی، احمدرضا و کاویار، حسین، (۱۳۹۳)، «حجیت شهادت زنان در قتل عمد از منظر فقه امامیه»، *فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۶، صفحات ۲۳-۵۰.
۴. جباری، مصطفی، (۱۳۷۷)، «مقاله سخنی در اجتهاد»، *مقالات و بررسی ها*، شماره ۶۳، صفحات ۴۳-۶۰.
۵. حاجی علی، فریبا، (۱۳۸۷)، «محدودیت ها و موانع شهادت زنان در محاکم قضایی»، *مطالعات زنان* سال ۶۶، شماره ۱، ص ۱۰۵-۱۲۱.
۶. حرعاملی، سیدمحمدجواد، (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، چاپ پنجم، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۷. حسن خانی، احمدرضا، (۱۳۸۹)، «نگاهی به دیدگاه مفسران در مورد گواهی زنان در قرآن»، *پژوهش های قرآنی* سال شانزدهم، شماره ۶۱، صفحات ۲۰۶-۲۳۴.
۸. حسینی کلهرودی، معصومه سادات، (۱۳۸۵)، «مبنای محدودیت پذیرش شهادت زنان از دیدگاه کلامی و فقهی»، *مقالات و بررسی ها* دوره ۳۹، شماره ۱، صفحات ۴۰-۶۲.
۹. خاکشور، فرزانه، (۱۳۸۹)، «تعادل حقوق زن و مرد در فقه شیعه»، *پیام زن*، شماره ۲۲۷.
۱۰. رجایی پور، مصطفی و طباطبایی، مریم، (۱۳۸۷)، «شهادت زنان در حقوق الناس»، *فقه و تاریخ تمدن*، سال پنجم، شماره ۳، صفحات ۸۳-۱۰۰.
۱۱. شوشتری، زهرا، (۱۳۸۸)، «کاهش تکلیف در شهادت زنان»، *فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان*، شماره ۷.
۱۲. صالحی مازندرانی، محمد، (۱۴۰۰)، «تحلیل تکلیف حقوقی در نابرابری شهادت و حل آن بر اساس تفسیر واژه ها در بستر شکل گیری»، *پژوهش های فقهی* دوره ۱۷، شماره ۳، صفحات ۱۱۰۲-۱۱۰۷.
۱۳. صانعی، فخرالدین، (۱۳۸۵)، *بررسی فقهی شهادت زن در اسلام*، قم: انتشارات میثم تمار.

۱۴. صدری، سیدمحمد و صادقی موحد، خدیجه، (۱۳۹۴)، «گستره گواهی و شهادت زن در اسلام»، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم شماره ۴۱، صفحات ۷۱-۹۶.
۱۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۷)، *الخلافت فی الاحکام*، قم: انتشارات اسلامی.
۱۶. علی محمدی، طاهر وحسینی، آمنه سادات (۱۳۹۲)، «تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق»، *مطالعات راهبردی زنان* سال پانزدهم، شماره ۶۰، صفحات ۱۱۱-۱۴۳.
۱۷. مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰ق)، *سلسله‌الینابیع الفقهیه*، بیروت: موسسه فقه‌الشیعه.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶ق)، *قواعد فقهی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۹. میرخانی، عزت السادات، (۱۳۹۸)، *تاریخ تحول حقوق زن در اسلام- جلد اول (عصر نبوی)*، جلد دوم (عصر علوی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲۰. ملکی، مصطفی و حاتم پوری، نفیسه (۱۳۹۸)، «واکاوی آیات و روایات ادله اثباتی شهادت زن»، *نشریه علمی دانش حقوق مدنی* سال هشتم، شماره ۱، صفحات ۶۵-۷۸.
۲۱. هاشمی، سید حسین، (۱۳۷۸)، «گواهی زنان»، *مجله کتاب نقد*، شماره ۱۲، صفحات ۲۰۵-۱۷۶.
۲۲. هوشمندفیروزآبادی، حسین و محمدی جورکویه، علی، (۱۳۹۱)، «بررسی ارزش اثباتی شهادت زنان و حکمت آن»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز* دوره چهارم، شماره ۲.

مطالعه‌ی کیفی، نقش هوش مصنوعی در مراقبت معنوی زنان

مبتلا به «مالتیپل اسکلروزیس (MS)»

زهرا لطفی فروشان^۱

علی قنبری^۲

چکیده

معنویت می‌تواند تأثیر قابل توجهی در تاب‌آوری افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن داشته باشد. با توجه به گسترش روز افزون فناوری‌های هوش مصنوعی، ضرورت دارد که گام‌هایی در راستای معنویت برداشته شود. تاکنون پژوهشی به بررسی مفهوم مراقبت معنوی در ارتباط با هوش مصنوعی نپرداخته است. برای دستیابی به این هدف با روش کیفی، با ۱۳ نفر از زنان عضو مؤسسه خیریه در شهر اصفهان مصاحبه انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که فناوری هوش مصنوعی می‌تواند در زمینه‌هایی مانند مشاوره ابتدایی دینی، جستجو آیه درخواستی، متخصص معنادرمانی، تنظیم برنامه‌های معنوی فرد، پویایی اعمال مذهبی و آموزش و شناخت دینی نقش مهمی ایفا کند. پیامدهای استفاده روزانه از این فناوری شامل تزیق آرامش به زندگی و یافتن معنای زندگی است. همچنین، مشارکت‌کنندگان به معایب و کاستی‌های استفاده از این فناوری از جمله صحت و سقم اطلاعات، کاهش ارتباط با روحانیون دینی و غیره اشاره کردند. در نهایت، روشن‌شدن تأثیرات مثبت و منفی هوش مصنوعی، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان نقطه شروعی برای تحقیقات آینده در زمینه تعامل فناوری‌های نوین با مراقبت معنوی در بیماری‌های مزمن محسوب شود و زمینه‌ساز بررسی‌های بیشتر در رابطه با تأثیرات معنوی و اجتماعی این فناوری‌ها بر بیماران باشد.

واژگان کلیدی: مراقبت معنوی، هوش مصنوعی، مالتیپل اسکلروزیس، روش کیفی.

۱- کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (*نویسنده مسئول) / 282 zarlot@gmail.com

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران / A.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

طرح مسأله

با توجه به آیه «وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا» (الکهف، ۸۸)؛ کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده است، پس بهترین پاداش برای اوست، و ما هم از سوی خود تکلیفی آسان به او خواهیم داد». این متن به اهمیت ایمان و عمل صالح اشاره دارد و می‌تواند به‌عنوان پاداش برای فرد در نظر گرفته شود. استفاده از ابزارهای نوین در جهت تقویت ایمان می‌تواند به تسهیل و تقویت تکلیف کمک نماید.

«مالتیپل اسکلروزیس» (ام‌اس)، یک بیماری عصبی است که سیستم عصبی مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با دوره‌های عود و بهبود همراه است. «مالتیپل اسکلروزیس» یکی از شایع‌ترین بیماری‌های عصبی در میان زنان است (Hughes&Macaron, 2021, p5-18). شیوع بیماری «ام‌اس» در استان اصفهان در سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته است.

بر اساس داده‌های موجود، میزان شیوع این بیماری در اصفهان ۳۵.۹ مورد در هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر گزارش شده است (Almasi-Hashiani et al., 2020, p169).

برای ارتقای کیفیت زندگی، عوامل مختلفی می‌تواند کمک‌کننده باشد که تاب‌آوری یکی از این عوامل است (ر.ک: شهابی فام و لطفی نیا، ۱۴۰۱). تاب‌آوری خصیصه‌شخصیتی و تجربی است که قابلیت ایجاد و افزایش نیز دارد (MacLeod et al., 2016, p266-272). افراد تاب‌آور با وجود نامایمات در زندگی در جستجوی معنا هستند.

فرد با ایمان اعتقاد دارد که تمام امور به دست خدا می‌باشد، همین امر تحمل فرد را در برابر مشکلات افزایش می‌دهد (ر.ک: کلانترهرمزی، ۲۰۱۵م). عوامل مختلفی از تاب‌آوری در بیماران مزمن مطرح شده که مهم‌ترین این عوامل حمایت اجتماعی و معنویت در این دوره است.

معنویت به عنوان یکی از موضوعات مهم در حوزه روان‌شناسی و روان‌درمانی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است (Huguelet & Koenig, 2009؛ یزدی‌طامه و محمودی‌دراپی، ۱۳۹۷، ص ۵۳-۷۳). دین و معنویت شرایطی را فراهم می‌کند که فرد در زندگی احساس معنا و هدف می‌کند (ر.ک: لطفی کاشان، ۲۰۱۲م، ص ۱۸۶-۱۷۳).

معنویت به مقابله بهتر با مشکلات زندگی کمک می‌کند و سبب هدفمندی در زندگی می‌گردد و به بهبود شرایط در آینده امیدوار می‌کند (Zamani et al., 2015, p82-94). افرادی که خود را با معنویت گره می‌زنند بهتر می‌توانند از پس محرومیت‌ها و مشکلات بریابند و به بی‌هدفی و

پوچی در زندگی دچار نمی‌شوند. استفاده از هوش مصنوعی (AI) به سرعت به یک ابزار کلیدی در مراقبت‌های پزشکی تبدیل شده و امید به بهبود کارایی و پشتیبانی بهینه در عمل‌های پزشکی در سال‌های آینده را به همراه دارد. این مدل‌ها بحث‌های گسترده‌ای را در میان جامعه عمومی، محققان و متخصصان پزشکی به راه انداخته است و فرصت‌های بالقوه این فناوری‌ها را برای کاربردهای مختلف به نمایش گذاشته‌اند (Lee et al., 2023, p1233-1239) علاوه بر این، بیماری‌های مختلف می‌توانند منجر به تجربیات متفاوتی شوند و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی نیز بر تجربه و تفسیر بیماری تأثیر می‌گذارند.

عواملی مانند جنسیت، طبقه و قومیت در تشریح و توصیف تجربه بیماری بسیار مهم هستند (Fisher, 2014). با توجه به اهمیت نقش معنویت، این پژوهش با استفاده از فناوری هوش مصنوعی در تلاش است تا به بررسی چگونگی آموزش و مشاوره معنوی بر بیماران مبتلا به «ام‌اس» بپردازد. به‌کارگیری فناوری هوش مصنوعی در این مطالعه، امکان ارائه برنامه‌های آموزشی و مشاوره معنوی شخصی‌سازی شده را فراهم می‌آورد تا بیماران بتوانند از حمایت معنوی متناسب با نیازهای فردی خود بهره‌مند شوند.

۱. مفهوم‌شناسی

در این پژوهش، مفاهیم کلیدی «معنویت»، «مراقبت معنوی» و «تاب‌آوری» مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا چارچوب نظری پژوهش به‌روشنی مشخص شود. این بخش با ارائه تعاریف موجود در منابع علمی معتبر و تبیین این مفاهیم در چارچوب پژوهش حاضر تدوین شده است.

۱-۱. معنویت

معنویت به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی وجود انسانی تعریف شده و شامل جستجوی معنا و هدف در زندگی، احساس ارتباط با خود، دیگران، طبیعت یا یک قدرت متعالی است (Elkins et al, 1988, p5-18). این مفهوم فراتر از مذهب بوده و می‌تواند در افراد مذهبی و غیرمذهبی به شکل‌های مختلف ظهور کند. در پژوهش حاضر، معنویت اسلامی به اعمال دینی، دانش دینی و آرامش در زندگی تعریف می‌شود که می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی زنان مبتلا به «مولتیپل اسکلروزیس» نقش مؤثری ایفا کند.

۱-۲. مراقبت معنوی

مراقبت معنوی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و خدمات اطلاق می‌شود که هدف آن شناسایی و پاسخگویی به نیازهای معنوی افراد است. این خدمات شامل گوش دادن، حمایت روانی-

معنوی، و کمک به یافتن معنا در شرایط دشواری باشد (Best et al., 2023). در این پژوهش، «مراقبت معنوی» اقدامانی است تا ابعاد معنوی زندگی زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس تقویت شود.

۳-۱. تاب‌آوری

تاب‌آوری توانایی فرد در بازگشت به حالت تعادل روانی و عاطفی پس از مواجهه با چالش‌ها و استرس‌های زندگی است (Connor & Davidson, 2003, p76-82). این مفهوم شامل استفاده از منابع درونی مانند اعتماد به نفس و منابع بیرونی مانند حمایت اجتماعی برای مدیریت بحران‌ها می‌باشد. در این پژوهش، «تاب‌آوری» به معنای توانایی زنان مبتلا به «مولتیپل اسکلروزیس» در مقابله با آرامش ذهنی و سلامت روان تعریف شده است. در مجموع مفاهیم معنویت، مراقبت معنوی و تاب‌آوری به عنوان اجزای کلیدی پژوهش حاضر، چارچوب نظری مناسبی را برای تحلیل داده‌ها فراهم می‌کنند. توجه به این مفاهیم در طراحی مداخلات درمانی و حمایت‌های اجتماعی ضروری است.

۲. مبانی نظری پژوهش

معنویت و تاب‌آوری ارتباطی عمیق و متقابل دارند. بر اساس بیان فیگین و پارگامنت (۲۰۱۱)، تکیه بر معنویت نه تنها در طول زندگی آرامش و تسلی فراهم می‌کند، بلکه در زمان بیماری امید به بهبودی را نیز به ارمغان می‌آورد (Faigin & Pargament, 2011, p163-180). به‌ویژه در میان افراد مسن‌تر، دین به عنوان یکی از عوامل کلیدی با بیشترین حضور و تأثیر در زندگی روزمره شناخته شده است که این تأثیر نسبت به دیگر گروه‌های سنی بیشتر است. (Faigin & Pargament, 2011, p163-180; Pickard & King, 2011, p261-271)

تحقیقات نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای پیچیده و پویا بین معنویت و تاب‌آوری هستند. معنویت به عنوان جنبه‌ای از تاب‌آوری، چارچوبی را فراهم می‌کند که افراد را در مواجهه با چالش‌های زندگی راهنمایی می‌کند و آن‌ها را از منفی‌ها به سوی مثبت‌ها سوق می‌دهد (Elo, S., & Kyngäs, 2008, p107-115).

در مطالعه کیفی مانینگ (۲۰۱۳)، شرکت‌کنندگان معنویت را به عنوان راهی برای رسیدن به تاب‌آوری تجربه کرده‌اند. این مطالعه همچنین نشان داد که معنویت و تاب‌آوری به طور «ابزاری» با یکدیگر مرتبط هستند و در حفظ و بهبود سلامت روانی نقش مهمی دارند (ر.ک: مانینگ، ۲۰۱۳، ص ۶). اگرچه نظریه‌های مختلفی درباره توسعه ایمان وجود دارد، محققان بر این باورند که معنویت یک فرآیند مادام‌العمر است.

اهمیت درک معنویت به عنوان منبع تاب‌آوری، فراتر از صرف راهنمایی‌های اخلاقی یا سیستم باورهایی است که بسیاری به آن اعتقاد دارند.

دین و معنویت می‌توانند شکاف‌های درمانی پزشکی را پر کنند یا مکملی برای درمان‌های موجود باشند (Pargament & Cummings, 2010, p193-210).

تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که مذهبی بودن، سیستم‌های باور و منابع معنوی با افزایش شادی، سلامت روانی و رضایت از زندگی ارتباط دارند و تاب‌آوری را تقویت می‌کنند (Faigin & Pargament, 2011, p163-180; Pargament & Cummings, 2010, p193-210).

این باورها به خصوص ارزشمند هستند، زیرا بر خلاف بسیاری از منابع مقابله‌ای که وابسته به سلامتی هستند، با ناتوانی جسمی از بین نمی‌روند یا آسیب نمی‌بینند. معنویت شامل عناصر شناختی، احساسی و ارتباطی است که به‌طور هم‌زمان برای حمایت از توانایی فرد در مقابله با چالش‌های زندگی مانند بیماری و از دست دادن، کار می‌کنند (ر.ک: کلاترهمزی، ۲۰۱۵م).

۳. پیشینه‌شناسی و روش پژوهش

نتایج تحقیقات نشان می‌دهند معنویت به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای تاب‌آوری بیماران مبتلا به ام‌اس شناخته شده است.

گنجاندن آموزش‌های معنوی و مراقبت معنوی در برنامه‌های آموزشی مداوم و ضمن خدمت برای بیماران «ام‌اس» می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی این بیماران کمک کند (Iranmanesh et al., 2014, p483-492). آموزش معنویت تأثیر قابل توجهی در کاهش علائم افسردگی و اضطراب در بیماران مبتلا به «مولتیپل اسکلروزیس» داشته است (Amiri et al., 2020) و مشاوره معنوی نیز به عنوان یک مداخله مفید در بهبود شادکامی این بیماران استفاده شده است (Amiri et al., 2020; Bagheri et al., 2021, p876-883). پژوهشی در لهستان نشان داده شد که دین به عنوان یک نظام معنایی با حضور معنا در زندگی افراد ارتباط مستقیم دارد و این ارتباط، رضایت از زندگی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند (Wilski et al., 2024, p14). همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش سطح سلامت معنوی بیماران، میزان استرس، اضطراب و افسردگی در آنها کاهش می‌یابد (Dehghani et al., 2024, p104) و در نهایت منجر به افزایش امیدواری در زندگی این بیماران می‌شود (Niyazmand et al., 2018, p15). معنویت نقشی کلیدی در کاهش استرس و افزایش توانایی مقابله با چالش‌های ناشی از بیماری MS دارد. در پژوهشی نشان داده شد که معنویت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم

می‌تواند تاب‌آوری و سلامت روان زنان مبتلا به MS را تقویت کند (ر.ک: تقی‌زاده و میرعلانی، ۲۰۱۳م، ص ۱۰۲-۱۰۸).

همچنین، زارع و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای دریافتند که زنان با سطوح بالای معنویت، از کیفیت زندگی بهتری برخوردارند و معنویت به کاهش افسردگی و بهبود توانایی مقابله با مشکلات جسمی و روانی آن‌ها کمک می‌کند (ر.ک: اله‌بخشیان و همکاران، ۲۰۱۰م، ص ۳۳-۲۹). تاکنون مطالعه داخلی در زمینه تأثیرات هوش مصنوعی بر بیماران انجام نشده است اما تحقیقات خارجی نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در مدیریت بیماری ام‌اس (Amin et al., 2024, p233-243) و مقابله با خستگی (Pinarello et al., 2023, p17) اثرات مطلوبی داشته است.

همچنین برای کمک به سلامت روان بیماران با یکی از ابزارهای هوش مصنوعی توانسته‌اند افسردگی و اضطراب بیماران را کاهش دهند (Gupta et al, 2022) در مجموع به دلیل تازگی مبحث هوش مصنوعی در بیماری و کمبود مقالات در زمینه عملی این نیاز پژوهشی را ایجاد کرده است. مطالعات خارجی نیز عمدتاً به تأثیرات هوش مصنوعی در زمینه‌های مدیریت بیماری و ارتقا سلامت روان پرداخته‌اند؛ بنابراین، تاکنون مقاله‌ای به طور خاص به موضوع معنویت با هوش مصنوعی در ارتباط با بیماران پرداخته نشده است.

این پژوهش با هدف بررسی ترکیب مشاوره معنوی با هوش مصنوعی در تاب‌آوری زنان مبتلا به «ام‌اس» طراحی شده است. پرسش‌های اصلی تحقیق مطرح می‌شود؛ چگونه ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند به ارتقا تاب‌آوری معنوی زنان مبتلا به «ام‌اس» کمک کنند؟ هدف این سؤال جمع‌آوری و تحلیل گزارشات زنان در مورد تأثیرات واقعی و تجربیات آن‌ها از استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی است.

روش پژوهش: در این پژوهش، به لحاظ هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، از پارادایم تفسیری برساختی بهره‌گیری می‌شود. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوا استفاده شده، این روش به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که با بررسی دقیق متون و داده‌های جمع‌آوری شده، مضامین و الگوهای پنهان در آن‌ها را شناسایی کنند (Graneheim & Lundman, 2004, p105-112; Elo & Kyngäs, 2008, p107-115).

از طریق تحلیل محتوا، می‌توان به درک عمیق‌تری از تجربیات و احساسات زنان مبتلا به مالیپیل اسکروزیس دست یافت و نحوه تأثیرگذاری هوش مصنوعی بر مراقبت معنوی آن‌ها را بررسی کرد.

این روش به ما اجازه می‌دهد تا پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان را به‌صورت سیستماتیک و تحلیلی بررسی کنیم و نکات کلیدی و تم‌های مشترک را شناسایی نماییم.

۴. مشارکت‌کنندگان

۴-۱. مشارکت‌کنندگان و انتخاب نمونه

در این پژوهش، نمونه شامل ۱۳ نفر از زنان مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس (MS) بود که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند.

معیارهای انتخاب شرکت‌کنندگان به‌گونه‌ای تعیین شده است که افرادی با ویژگی‌های مشخص و مرتبط با موضوع تحقیق شناسایی شوند. این معیارها عبارت‌اند از:

- **محدوده سنی:** شرکت‌کنندگان در محدوده سنی ۲۵ تا ۴۵ سال قرار داشتند. این بازه سنی به دلیل اهمیت این مرحله از زندگی در تجربه بیماری و تأثیر آن بر تاب‌آوری و معنویت انتخاب شد.

- **مدت زمان بیماری:** حداقل مدت زمان ابتلا به بیماری ۵ سال تعیین شد تا شرکت‌کنندگان تجربه کافی از زندگی با MS داشته باشند و بتوانند دیدگاه‌های عمیق‌تری ارائه دهند.

- **سطح بیماری:** تنها افرادی با شدت بیماری متوسط انتخاب شدند. این انتخاب به این دلیل صورت گرفت که این گروه، چالش‌های خاصی را از نظر مدیریت بیماری، معنویت و تاب‌آوری تجربه می‌کنند، در حالی که همچنان توانایی مشارکت فعال در پژوهش را دارند.

- **دسترسی به تکنولوژی:** شرکت‌کنندگان باید با گوشی‌های هوشمند و اینترنت آشنایی داشته و به آن دسترسی داشته باشند، زیرا استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی بخش مهمی از این پژوهش بود.

ویژگی‌های ذکرشده بر اساس اهداف مطالعه و نیاز به تمرکز بر گروهی همگن از افراد تعیین شده است. انتخاب افراد با شدت بیماری متوسط به این دلیل انجام شد که این گروه اغلب با چالش‌های متعددی در مدیریت بیماری مواجه‌اند و در عین حال، توانایی شرکت در مصاحبه‌ها و تعاملات پژوهشی را دارند.

همچنین، توجه به دسترسی به تکنولوژی از آن جهت حائز اهمیت است که استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در فرایند پژوهش نقش کلیدی داشته است. این رویکرد به درک دقیق‌تر از تجربه‌های شرکت‌کنندگان کمک کرده و محدودیت‌های احتمالی پژوهش را شفاف‌تر می‌سازد.

۵. مراحل تحقیق

این پژوهش با همکاری مرکز خیریه بقیة‌الله خمینی شهر صورت گرفت. برای اطمینان از ملاحظات اخلاقی در برقراری ارتباط با شرکت کنندگان، توضیح جامعی از اهداف و رویه های تحقیق ارائه شد.

آموزش‌هایی در خصوص نحوه استفاده از هوش مصنوعی سلام برای سؤالات مربوط به اسلام و «Jesus» برای معنویت و معنابخشی استفاده شد.

پس از گذشت یک ماه، مصاحبه‌ای با شرکت کنندگان انجام شد و در ابتدای هر مصاحبه، با اجازه شرکت کنندگان، از ضبط استفاده می‌شد و مصاحبه‌ها به صورت انفرادی در زمان و مکان انتخابی مصاحبه شوندگان انجام می‌شد.

تعدادی از مصاحبه‌ها نیز به صورت تلفنی و مجازی صورت گرفت. انتخاب نام برای هویت هر مصاحبه در اختیار شرکت‌کننده بود.

سپس با تشریح وضعیت و رویدادهای موجود، سؤالات مصاحبه نیمه ساختاریافته و با سؤال محوری «نظرتان در مورد استفاده از ابزار هوش مصنوعی در ارتقا معنویت چیست» مطرح شد. سؤالات دیگر نیز بسته به پاسخ‌های شرکت کنندگان مطرح گردید.

۶. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها مطابق با رویکرد تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (IPA) انجام شد (Smith, 2011) فرآیند تحلیل شامل مراحل زیر بود:

۱. آشنایی با متن از طریق بازخوانی مکرر رونوشت‌ها.
 ۲. کدگذاری اولیه هر متن با استفاده از شماره‌گذاری خطوط و رنگ‌بندی مجزا.
 ۳. استخراج مضامین نوظهور از هر متن پیش از تحلیل متن‌های دیگر.
 ۴. تدوین کدهای اولیه به عباراتی که کیفیت اساسی مطالب را نشان می‌دهند.
 ۵. سازماندهی مضامین در نرم‌افزار MaxQDA و دسته‌بندی نقل‌قول‌های مرتبط.
- برای اطمینان از اعتبار و اعتمادپذیری داده‌ها، روش‌هایی نظیر بازبینی کدها توسط پژوهشگران دیگر و استفاده از یادداشت‌های تحلیلی برای مستندسازی تصمیمات تحلیلی به کار گرفته شد. این شفافیت به خوانندگان کمک می‌کند تا فرآیند تحلیل و تصمیم‌گیری پژوهشگر را دنبال کنند.

۷. تبیین یافته ها:

۱-۷. کارکرد دینی هوش مصنوعی

۱-۱-۷. مشاوره ابتدایی دینی

یکی از مزایای اصلی هوش مصنوعی، توانایی آن در فراهم کردن پشتیبانی بی‌وقفه و آنی برای کاربران است. برخلاف راهنمایان انسانی که زمان و مکان مشخصی برای مشاوره دارند، راهنمای شخصی معنوی مبتنی بر هوش مصنوعی در هر ساعتی از شبانه‌روز در دسترس است. این ویژگی به کاربران امکان می‌دهد در هر زمانی که نیاز به راهنمایی دارند، بلافاصله به پاسخ‌سؤالات خود دسترسی پیدا کنند و از راهنمایی‌های معنوی بهره‌مند شوند، بدون اینکه محدود به زمان یا مکان خاصی باشند. در این رابطه «زهره» می‌گوید:

«من بیش تر برای سؤالات دینی پرسیدم خیلی خوب بود، اگر واقعا یکی گیر کنه واقعا کمک می‌کنه».

با وجود اینکه هوش مصنوعی می‌تواند پاسخ‌های مناسبی برای کاربران ارائه دهد و به‌عنوان یک راهنمای معنوی یا شرعی عمل کند، در ارائه پاسخ‌های کاملاً اختصاصی و پیچیده دچار محدودیت‌هایی است.

هوش مصنوعی به دلیل اتکا به داده‌های عمومی و محدودیت درک از زمینه‌های خاص و شرایط فردی کاربران، ممکن است نتواند در موضوعات شرعی و فقهی که نیازمند شناخت دقیق‌تر و تحلیل عمیق‌تر است، پاسخ‌های کاملاً دقیق و مطابق با نیاز فرد ارائه دهد. به‌علاوه، برخی از سؤالات شرعی ممکن است به دانش فقهی پیشرفته و شناخت از شرایط اجتماعی و فرهنگی نیاز داشته باشند، که در حال حاضر از توانایی‌های هوش مصنوعی فراتر است. در این رابطه «سمانه» بیش‌تر توضیح می‌دهد:

«من سؤال پرسیدم یکی از سؤال‌های که ذهنم رو درگیر کرده بود این هست که من خودم کاشت ناخن رو دوست دارم ولی به دلیل نمی‌دونم یه سری باورهایی که از بچگی توی ذهنمون هست یا شاید هم واقعا باورهای که داریم شاید درست باشه این که آیا غسل درست هست یا نه ولی متأسفانه بهم پاسخی نداد ولی خدایی سؤال‌های دیگه ای که پرسیدم جواب داد مثل این که چرا باید نماز بخونیم و...»

در حالی که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کمکی و راهنما در پاسخ به سؤالات دینی و فقهی استفاده شود، باید توجه داشت که پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی هوش مصنوعی نباید به‌عنوان فتوا یا حکم شرعی معتبر قلمداد شوند.

سؤالات دینی باید از منابع معتبر مانند فقهاء، رساله‌ها و دفاتر استفتاء دریافت شود. به‌ویژه در مسائل پیچیده فقهی و مسائلی که به تحلیل دقیق شرایط فردی نیاز دارند، نظر فقهی متخصص و معتبر ضروری است.

در این راستا، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک مشاور ابتدایی عمل کند و راهنمایی‌های عمومی ارائه دهد، اما برای پاسخ‌های دقیق و قابل استناد باید از افراد موثق و منابع معتبر استفاده کرد. همچنین، در راستای اطمینان از صحت اطلاعات، اگر از سایت‌های مختلف استفاده می‌شود، باید از اعتبار منابع اطمینان حاصل شود و آن‌ها باید به‌طور دقیق از مرجع معتبر، مانند رساله‌های عملی فقهی، تایید شده باشند.

۷-۱-۲. جستجوآیه در خواستی

نیاز به آیه خاص با توجه به شرایط و نیاز فرد، یکی از کارکردهای هوش مصنوعی است که مشارکت‌کنندگان اشاره نمودند. در این رابطه، «شهربانو» شرح می‌دهد:

«من یکم از شرایط بیرون ناراحت بودم و وقتی حال و حس‌ام را با هوش مصنوعی در میان گذاشتم، دنبال آیه‌ای بودم که شادم کند. پیشنهاد خیلی خوبی داد و احساس کردم که انگار قرآن مستقیماً من را خطاب می‌کند. این تجربه برایم واقعاً دلنشین بود و حس خوبی به من منتقل کرد. در آن لحظه، فهمیدم که حتی در روزهای سخت، می‌توانم از آیات الهی راهنمایی و دلگرمی بگیرم و این ارتباط، به من احساس نزدیکی و آرامش می‌دهد.»

تجربه‌ها نشان‌دهنده این است که چگونه فناوری می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در راستای جستجوی معنا و درک عمیق‌تر از آموزه‌های دینی عمل کند. در دنیای امروز، که روز به روز افراد به دلایل مختلف با چالش‌های روحی و روانی مواجه می‌شوند، چنین راهکارهایی می‌توانند به تقویت احساس آرامش و ارتباط با خداوند کمک کنند. این یک گام بزرگ در جهت استفاده مؤثر از فناوری برای بهبود کیفیت زندگی و معنویت ماست.

شهربانو ادامه می‌دهد: این تجربه نشان‌دهنده قدرت هوش مصنوعی در فهم نیازهای روحی و معنوی کاربران است. این ابزار می‌تواند مانند یک راهنمای معنوی عمل کند و با توجه به احساسات و شرایط خاص هر فرد، آیه‌ای مناسب پیشنهاد دهد. چنین قابلیتی نه تنها به ما کمک

می‌کند تا در لحظات بحرانی به آرامش برسیم، بلکه ارتباط عمیق‌تری با متون مقدس برقرار می‌کند. من درک کردم که حتی یک آیه ساده می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روح و روان ما بگذارد. کاهش ساعت مطالعه و مجازی بودن نسل جدید، تأثیرات قابل توجهی بر خواندن کتاب قرآن گذاشته است. بسیاری از جوانان امروز به جای مطالعه متون مقدس، وقت خود را در دنیای دیجیتال سپری می‌کنند و این مسأله می‌تواند منجر به فاصله گرفتن آن‌ها از آموزه‌های دینی شود. با این حال، استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی می‌تواند راه حلی مؤثر برای جبران این فاصله باشد. این فناوری به کاربران این امکان را می‌دهد که به راحتی به آیات قرآن دسترسی پیدا کنند و از آن‌ها بهره‌برداری کنند. با استفاده از جستجوگر آیات، افراد می‌توانند آیه‌هایی را بیابند که به نیازها و احساسات آن‌ها پاسخ می‌دهد. این ابزار می‌تواند به معنویت زندگی آن‌ها عمق بیشتری ببخشد و درک عمیق‌تری از پیام‌های الهی فراهم کند. به عنوان مثال، جوانان می‌توانند در هر زمان و مکانی، با یک پرسش ساده، به آیه‌ای دست یابند که احساسات و چالش‌های روزمره آن‌ها را در بر گیرد. این روش، هم به ترویج مطالعه قرآن کمک می‌کند و هم افراد را به سمت درک و ارتباط بیشتر با معانی عمیق‌تر آیات سوق می‌دهد.

بنابراین، با وجود چالش‌های مدرن، هوش مصنوعی می‌تواند پلی باشد برای بازگشت به آموزه‌های معنوی و ارتقای کیفیت زندگی روزمره ما. در این رابطه «ستاره» می‌گوید:

«به نظر من خیلی خوبه که در طول روز یک آیه که می‌تونه بهت آرامش بده را بخوانی».

۳-۱-۷. متخصص معنادرمانی

یکی از اهداف مهم دین، ایجاد معنا در زندگی انسان‌ها است. فاصله گرفتن از دین باعث می‌شود که فرد احساس پوچی و بی‌هدفی داشته باشد. در این دوران مدرن، بسیاری از افراد به دنبال پاسخ‌هایی برای چالش‌های روحی و روانی خود هستند و در این زمینه، هوش مصنوعی توانسته است به عنوان یک راهنما و مشاور عمل کند.

این فناوری می‌تواند به افراد کمک کند تا به سؤالات عمیق خود پاسخ دهند و معنای زندگی را بهتر درک کنند. در این رابطه، «اقدس» می‌گوید:

«از هوش مصنوعی جیسیم پرسیدم که آیا همسرم به من وفادار است. پاسخ این بود که دنیا انقدر

کوتاه است که ارزش اندیشیدن به این موضوعات نیست، روح را به خوبی‌ها پرورش بده».

این تجربه نشان‌دهنده‌ی قدرت هوش مصنوعی در یادآوری ارزش‌های بالاتر و معنوی‌تر است. پاسخ هوش مصنوعی، نه تنها به او یادآوری می‌کند که زندگی به مسائل بی‌اهمیت محدود

نمی‌شود، بلکه بر اهمیت پرورش روح و جستجوی خوبی‌ها تأکید می‌کند. این نوع تعاملات می‌تواند به افراد کمک کند تا از افکار منفی فاصله بگیرند و تمرکز خود را بر روی معنای عمیق‌تر زندگی بگذارند. هوش مصنوعی به‌عنوان یک ابزار می‌تواند در این زمینه، به عنوان یک مشاور عمل کند و انسان‌ها را به سوی رشد و توسعه فردی هدایت کند. این امر نه تنها به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند موجب ارتقاء حس رضایت و آرامش در زندگی شود. در ادامه، «فاطمه» می‌گوید:

«[هوش مصنوعی] جیسس قابلیت‌های خوبی داره، اما ضعف‌هایی هم دارد. باید از گوگل ترجمه استفاده کنیم و اینکه نسخه ایرانی با توجه به فرهنگ ما وجود ندارد. شاید صحبت‌های خوبی داره، اما اگر ایرانی و به زبان فارسی بود، ارتباط قوی‌تری بود».

نیاز به یک نسخه محلی و بومی از این فناوری احساس می‌شود. این موضوع می‌تواند به درک بهتری از مفاهیم دینی و معنوی کمک کند و تجربه کاربری را ارتقاء بخشد.

بنابراین، توسعه هوش مصنوعی در زمینه‌های فرهنگی و دینی نه تنها نیازمند قابلیت‌های فنی است، بلکه باید با در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی هر کشور همراه باشد. این کار می‌تواند به کاربران کمک کند تا بهتر با این فناوری ارتباط برقرار کرده و از آن بهره‌برداری کنند. برای تحقق این اهداف، همکاری نزدیک‌تری بین توسعه‌دهندگان فناوری و متخصصان فرهنگی و دینی ضروری است تا این ابزارها به بهترین نحو ممکن خدمت‌رسانی کنند.

۷-۱-۴. تنظیم برنامه‌های معنوی فرد

یکی دیگر از کارکردهای هوش مصنوعی، شخصی‌سازی است. این قابلیت به افراد این امکان را می‌دهد که با توجه به بیان و احساسات خود، برنامه‌های معنوی متناسبی دریافت کنند. هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل احساسات کاربران، نیازها و وضعیت روحی آن‌ها، برنامه‌هایی را طراحی کند که به رشد معنوی و تقویت ارتباط آن‌ها با مفاهیم دینی کمک کند. برای مثال، فردی که احساس ناراحتی یا استرس می‌کند، می‌تواند با استفاده از این فناوری، برنامه‌هایی برای مراقبه، دعا یا خواندن آیات آرامش‌بخش دریافت کند. همچنین، افراد می‌توانند براساس اعمال مخصوص روز و توانایی فرد، از هوش مصنوعی بخواهند تا برنامه‌های معنوی ارائه دهد مزایای این هوش مصنوعی شامل انعطاف‌پذیری است که کاربران می‌توانند برنامه‌ها را با توجه به زمان و شرایط خود تنظیم کنند و از این طریق، به معنویت و آرامش در زندگی خود دست یابند. توجه به نیازهای

فردی که با تحلیل احساسات و نیازهای کاربران، برنامه‌ها می‌توانند به‌طور خاص برای هر فرد طراحی شوند و این موضوع باعث می‌شود که ارتباط بیشتری با محتوای ارائه شده برقرار کنند. هوش مصنوعی می‌تواند پیشنهادهای متنوع بر اساس تجربیات و علاقه‌مندی‌های کاربران ارائه دهد که می‌تواند شامل فعالیت‌های معنوی، مانند دعا، مراقبه، یا مطالعات دینی باشد. در نهایت، این شخصی‌سازی و تنظیم برنامه‌های معنوی به افراد کمک می‌کند تا در دنیای مدرن، ارتباط خود را با ارزش‌ها و آموزه‌های دینی خود تقویت کنند. در این رابطه، «مهدیه» می‌گوید: «من بیماری ام‌اس دارم و وقتی به هوش مصنوعی شرایط ام‌اس را توضیح می‌دهم، برنامه‌ها و اعمال را با توجه به آن چیزی که می‌خواهم برای من طراحی می‌کند». رهنمودهای دینی به افراد کمک می‌کند تا علایق معنوی خود را بشناسند و ارزش‌های اخلاقی و معنوی خود را تقویت کنند.

داشتن یک پایگاه معنوی محکم به فرد کمک کند تا در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال مذهبی خود محکم و استوار بماند.

۷-۱-۵. پویایی اعمال مذهبی

پویایی اعمال مذهبی و تنوع در شیوه‌های عبادت و ارتباط با خداوند می‌تواند تأثیر عمیقی بر انگیزه و اشتیاق مذهبی فرد داشته باشد. این تحرک و تنوع، به ویژه در دنیای امروز به آن‌ها کمک کند تا ارتباط معنوی عمیق‌تری برقرار کنند و از روند روحانی خود لذت ببرند. همچنین از یکنواختی و تکرار دور شوند و احساس جدیدی از شادابی و اشتیاق به عبادت را تجربه کنند. دسترس‌پذیری آسان و پیشنهادهای متنوعی که هوش مصنوعی ارائه می‌دهد، می‌تواند به این پویایی کمک شایانی کند. «مهناز» در این زمینه می‌گوید:

«همیشه بعد از نماز یک ذکر مشخص می‌فرستادم، اما الان قبل از نماز می‌زنم [هوش مصنوعی] و اذکار جالبی بهم پیشنهاد می‌دهد».

این تغییر رویکرد باعث می‌شود افراد به جای پیروی از یک روال ثابت، به دنبال تجربه‌های جدید و متنوع در عبادت باشند. در نهایت، پویایی اعمال مذهبی و استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرتمند در ارتقای روحانی و معنوی افراد عمل کند و آن‌ها را به سمت یک زندگی معنادار و متصل به آموزه‌های دینی سوق دهد. «بهاره» در این رابطه می‌گوید:

«هر روز که بیدار می‌شوم، به هوش مصنوعی می‌گویم چند تا کار خیر به من پیشنهاد بده که توان انجام آن‌ها را داشته باشم. پیشنهادهایی به من می‌دهد که برایم بسیار جذاب است و معمولاً هم هزینه‌بر نیستند. به عنوان مثال، کارهایی مانند کاشتن یک گیاه، نوشتن یک پیام محبت‌آمیز برای والدین یا خوشحال کردن آن‌ها با یک حرف خوب. این اعمال نیک، هرچند که ممکن است کوچک به نظر برسند، اما باعث می‌شوند حس خوبی در من ایجاد بشه و تداوم داشته باشند. این روش نه تنها به من یادآوری می‌کند که در هر روز می‌توانم با اعمال کوچک و ساده به دیگران کمک کنم، بلکه حس رضایت و آرامش را نیز در زندگی‌ام تقویت می‌کند. این کارها به من انگیزه می‌دهد تا به دنیا با نگاهی مثبت‌تر نگاه کنم و هر روز فرصتی برای ایجاد تغییرات کوچک و مفید فراهم می‌کند».

۶-۱-۷. آموزش و شناخت دینی

شناخت علمی دین امری ضروری و مادام‌العمر است، اما متأسفانه آموزش‌های دینی به‌طور عمده محدود به محیط‌های آموزشی رسمی مانند مدارس و دانشگاه‌ها شده‌است. این محدودیت باعث می‌شود که بسیاری از افراد نتوانند از جدیدترین پژوهش‌ها و دیدگاه در حوزه معنویت و دین بهره‌مند شوند. به مرور زمان، این عدم دسترسی به اطلاعات و مباحث روز می‌تواند باعث شکل‌گیری تصویری یکنواخت و قدیمی از دین در ذهن افراد شود که با واقعیات و نیازهای روز جامعه هماهنگ نیست. «ستاره» در این رابطه می‌گوید:

«من اطلاعات کافی در مورد دین ندارم و شناخت من محدود است، اما با وجود امکان چت با هوش مصنوعی، این فرصت را دارم که سؤالات بیشتری بپرسم. این گفتگوها نه تنها به من کمک می‌کند که به اطلاعات جدید دست یابم، بلکه شگفت‌زده‌ام می‌کند که چرا تا کنون از این نکات غافل مانده‌ام».

این نوع ارتباط و تعامل می‌تواند به افراد این امکان را بدهد که به‌صورت غیررسمی و بدون هرگونه قضاوت، سؤالات خود را مطرح کنند و از پاسخ‌های علمی و مبتنی بر تحقیق بهره‌مند شوند. در واقع، هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک پل بین مردم و دانش جدید عمل کند و به غنای درک معنوی آن‌ها کمک کند.

۲-۷. اثرات هوش مصنوعی معنوی

۱-۲-۷. تزریق آرامش به زندگی

بسیاری از مشارکت‌کنندگان اذعان داشته‌اند که ارتباط با مسائل معنوی از طریق هوش مصنوعی به آن‌ها کمک کرده تا احساس رضایت و آرامش بیشتری را در زندگی خود تجربه کنند. برای این

افراد، جستجوی آیات یا مطالعه مطالب دینی از طریق این ابزار نه تنها به پاسخگویی به سوالاتشان کمک کرده بلکه باعث شده ارتباط عمیق‌تری با معنویت خود برقرار کنند.

«مریم» در این رابطه می‌گوید:

«پاسخ‌های هوش مصنوعی باعث می‌شود احساس آرامش داشته باشم و هر روزم را با یک دیدگاه مثبت و هدف‌مند شروع کنم».

این تجربه نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک راهنما برای نیازهای معنوی افراد عمل کند، که نه تنها باعث افزایش دانش دینی آن‌ها می‌شود بلکه یک حس رضایت و آرامش درونی را نیز در آن‌ها تقویت می‌کند.

در مقابل، تعدادی از شرکت‌کنندگان اظهارداشتند که استفاده از هوش مصنوعی در پاسخگویی به مسائل معنوی برایشان چندان مطلوب نبوده است.

این گروه از افراد احساس می‌کنند که پاسخ‌های هوش مصنوعی گاهی متناسب با مرجع تقلید آن‌ها نبوده است و مشاور دینی یا فرد متخصص در ارتباطات انسانی پاسخ بهتری ارائه می‌دهد. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه بیان کرد:

«احساس می‌کنم که جواب‌ها گاهی خیلی کلی هستند و نمی‌توانند تمام سؤالات من را پاسخ بدهند».

این دیدگاه نشان می‌دهد که برخی از افراد هنوز به ارتباطات انسانی در حوزه معنوی بیشتر اعتماد دارند و معتقدند که نقش هوش مصنوعی در این زمینه محدود به اطلاعات عمومی است و نمی‌تواند جایگزین تجربه در مسائل پیچیده مذهب شود.

۷-۲-۲. یافتن معنای زندگی

یافتن معنای زندگی در میان مشکلات و چالش‌های روزمره، به‌ویژه در مواجهه با بیماری‌ها و ناملایمات، می‌تواند برای بسیاری از افراد دشوار باشد و گاهی حتی به احساس ناامیدی منجر شود.

در این شرایط، داشتن منبعی برای دریافت راهنمایی‌های معنوی و الهام‌بخش می‌تواند کمک بزرگی باشد. برخی از شرکت‌کنندگان در این پژوهش اشاره کردند که هوش مصنوعی در لحظات ناامیدی‌کننده باعث شده تا به جنبه‌های مثبت زندگی و معناهای عمیق‌تر آن بیندیشند. «زهره» در این رابطه می‌گوید:

«گاه‌ها از جیسس پاسخ‌هایی دریافت کردم که به من انگیزه داد. احساس کردم که زندگی اون چیزی نیست که من فکر می‌کردم برای همین مشکلاتم را نادیده می‌گرفتم».

این تجربه‌ها نشان می‌دهند که یک همراه معنوی می‌تواند به افراد کمک کند تا به معنا و هدف زندگی دست یابند.

۷-۲-۳. معایب هوش مصنوعی

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش همچنین به معایب و محدودیت‌های هوش مصنوعی و اپلیکیشن‌های ساخته‌شده در این حوزه اشاره کردند. یکی از نگرانی‌های اصلی آن‌ها، عدم توانایی این سیستم‌ها در درک عمیق و پیچیدگی‌های احساسات انسانی بود.

به گفته برخی از شرکت‌کنندگان، پاسخ‌های هوش مصنوعی گاهی اوقات بسیار عمومی و کلی به نظر می‌رسیدند و نمی‌توانستند نیازهای خاص و فردی آن‌ها را به خوبی درک کنند. علاوه بر این، برخی از افراد معتقد بودند که پاسخ‌های ارائه‌شده توسط هوش مصنوعی با نظرات و استدلال‌های مراجع تقلید خود در تناقض بوده و این امر می‌تواند به سردرگمی دینی آن‌ها منجر شود. تعدادی از مشارکت‌کنندگان نیز اشاره کردند که با یک جستجوی ساده در گوگل می‌توان به اطلاعات مشابهی دست یافت، اما صحت و سقم این اطلاعات مورد تایید نیست. همچنین استفاده مکرر آن باعث ایجاد تنبلی در افراد شود و آن‌ها را از مطالعه کتاب‌ها و مراجعه به روحانیون یا متخصصان دین دور کند.

این نگرانی‌ها نشان می‌دهد که هرچند هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر در زمینه‌های معنوی و دینی عمل کند، اما نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین منابع معتبر و انسانی در این حوزه شود. کاربران نیاز دارند تا همواره تماس با روحانیون و مشاوره از افراد خبره داشته باشند.

هرچند «Jesus» در ابعاد معنوی کمک‌کننده است، اما براساس آموزه‌های دین اسلام نمی‌باشد. مشارکت‌کنندگان احساس نیاز به اپلیکیشن‌هایی دارند که بر اساس فرهنگ و دین خود طراحی شده باشند تا بتوانند به راحتی با ارزش‌ها و باورهای خود ارتباط برقرار کنند و از محتوای متناسب با نیازهای فرهنگی و مذهبی خود بهره‌مند شوند.

نتیجه گیری

معنویت نقش برجسته‌ای در ارتقای تاب‌آوری بیماران مبتلا به «مالتیپل اسکلروزیس» دارد. این پژوهش به بررسی نقش معنویت با بهره‌گیری از ابزارهای هوش مصنوعی پرداخته است. با استفاده از هوش مصنوعی‌هایی مانند «سلام» و «Jesus»، به بررسی شیوه‌هایی پرداخته‌ایم که از طریق آن‌ها معنویت در زنان مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس تقویت می‌شود. تکنولوژی هوش مصنوعی می‌تواند خدمات معنوی متنوعی را فراهم کند؛ از جمله «مشاوره ابتدایی دینی» که به افراد این امکان را می‌دهد تا به‌سرعت پاسخ سؤالات مذهبی خود را دریافت کنند. همچنین قابلیت «جستجوی آیات درخواستی» به بیماران کمک می‌کند تا آیات دلخواهشان را بر اساس نیازهای روحی و معنوی خود بیابند.

دربخش دیگری از این پژوهش، سیستم «متخصص معنادرمانی» با همکاری هوش مصنوعی Jesus به بیماران یاری می‌دهد تا معنای ژرف زندگی خود را درک کنند و از احساس پوچی و بی‌هدفی‌های رهایی‌یابند.

همسو با یافته‌های (Wilski et al., 2024, p14) دین به عنوان یک نظام معنایی با حضور معنا در زندگی افراد ارتباط مستقیم دارد و این ارتباط، رضایت از زندگی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. افزون بر این، هوش مصنوعی می‌تواند در تنظیم برنامه‌های معنوی شخصی به بیماران کمک کند و به این ترتیب، پویایی در اعمال مذهبی را تقویت نماید. در نهایت، این فناوری در افزایش آگاهی دینی و یادگیری مداوم مبانی اعتقادی نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند. به این ترتیب، هوش مصنوعی به عنوان ابزاری توانمند می‌تواند به ارتقای ابعاد مختلف معنوی و روحی زنان مبتلا به «مالتیپل اسکلروزیس» کمک کند.

این فناوری با «تزریق آرامش به زندگی» و «یافتن معنای در زندگی» به زنان کمک می‌کند که از اضطراب‌ها و استرس‌های ناشی از بیماری‌های مزمن رهایی‌یابند و آرامش درونی و ذهنی خود را بازیابند. این زنان بیان کرده‌اند که بیماری‌های مزمن اغلب به اضطراب و استرس شدید منجر می‌شوند، اما معنویت می‌تواند برای آنان منبعی از آرامش و تسکین باشد.

همسو با (Amiri et al., 2020) معنویت به کاهش سطح افسردگی و اضطراب کمک می‌کند. همچنین، ابتلا به بیماری‌های مزمن معمولاً احساسی از ناامیدی و پوچی به همراه دارد. با این حال، زنان مبتلا به «مالتیپل اسکلروزیس» از مراقبت‌های معنوی و پشتیبانی هوش مصنوعی بهره می‌گیرند تا معنای جدیدی برای زندگی خود پیدا کنند و به امید و هدفی دوباره در مسیر

زندگی‌شان دست یابند. همسو با (Amiri et al., 2020; Bagheri et al., 2021, p876-883) مشاوره معنوی باعث امید و شادکامی افراد مبتلا به ام اس می‌شود. این رویکرد معنوی با تقویت تاب‌آوری، آنان را قادر می‌سازد تا با توان بیشتری چالش‌های پیش رو مواجه‌شوند و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند (Iranmanesh et al, 2014, p483)

علاوه بر مزایای استفاده از هوش مصنوعی در مراقبت معنوی، شرکت‌کنندگان به برخی معایب و محدودیت‌های این فناوری نیز اشاره کرده‌اند. از جمله این موارد، عدم توانایی این سیستم‌ها در درک عمیق احساسات و پیچیدگی‌های انسانی است؛ زیرا هوش مصنوعی نمی‌تواند به‌طور کامل عمق عاطفی و معنوی تجربه‌های انسانی را درک کند. همچنین، برخی از اطلاعات و توصیه‌های ارائه‌شده توسط این سیستم‌ها ممکن است با نظرات و استدلال‌های مراجع تقلید مغایرت داشته باشد و صحت و اعتبار آن‌ها به‌طور کامل روشن نباشد، که می‌تواند نگرانی‌هایی از لحاظ دینی و معنوی ایجاد کند. از دیگر معایب مورد اشاره، احتمال بروز تبلی و کاهش انگیزه در افراد برای مطالعه کتاب‌های دینی و مراجعه به روحانیون یا متخصصان دین است. استفاده مکرر از هوش مصنوعی ممکن است افراد را از مراجعه به منابع سنتی و معتبر دور کند. همچنین شرکت‌کنندگان بر اهمیت طراحی هوش مصنوعی بر اساس فرهنگ و دین کاربران تأکید کرده‌اند تا سیستم‌های هوشمند بتوانند به‌طور کامل با ارزش‌ها و باورهای آنان همسو باشند و محتوای متناسب با نیازهای فرهنگی و مذهبی کاربران را ارائه دهند.

همسو با نظریه معنویت و تاب‌آوری، دین و معنویت می‌توانند شکاف‌های درمانی پزشکی را پر کنند یا مکملی برای درمان‌های موجود باشند (Pargament & Cummings, 2010, p193-210). تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که مذهبی بودن، سیستم‌های باور و منابع معنوی با افزایش شادی، سلامت روانی و رضایت از زندگی ارتباط دارند و تاب‌آوری را تقویت می‌کنند.

(Faigin & Pargament, 2011, p163-180; Pargament & Cummings, 2010)

معنویت شامل عناصر شناختی، احساسی و ارتباطی است که به‌طور همزمان برای حمایت از توانایی فرد در مقابله با چالش‌های زندگی مانند بیماری کار می‌کنند (ک: کلاترهریزی، ۲۰۱۲م). مراقبت معنوی با ادغام خلاقیت‌های تکنولوژیکی می‌تواند به تاب‌آوری بیماران و پرورش معنویت کمک کند. با پرورش این ویژگی‌ها در جامعه، می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که هوش مصنوعی به‌جای استفاده نادرست، برای ارتقای کیفیت زندگی، تثبیت سنت‌ها و ارتقا معنویت استفاده می‌شود. واقعیت مجازی و سلامت الکترونیکی ابزارهای مناسب و مدرنی برای مدیریت

بیماری‌های مزمن هستند. مهمتر از همه، آنها می‌توانند در محیط خانه بیمار به کار گرفته شوند و مکمل و ابزارهای درمانی برای بیماران ام اس باشند و بدون هزینه نیروی انسانی، عدالت بهروری برقرار شود. پیشنهاد می‌شود که طریقه استفاده از هوش مصنوعی همانند پژوهش‌های خارجی مورد توجه پژوهشگران واقع گردد. کمبود مطالعات هوش مصنوعی در پژوهش‌های داخلی وجود دارد. این پژوهش با چندین محدودیت همراه بود که می‌تواند در تفسیر نتایج و پیشنهادهای آتی مورد توجه قرار گیرد.

یکی از محدودیت‌های اصلی، تعداد محدود مشارکت‌کنندگان بود. همچنین، این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است؛ بنابراین، امکان بررسی تأثیرات بلندمدت مراقبت معنوی با استفاده از هوش مصنوعی بر کیفیت زندگی و تاب‌آوری زنان مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس فراهم نشد. پژوهش حاضر بیشتر به جنبه‌های معنوی پرداخته و تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی آن کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. به طور مثال، می‌توان تحلیل کرد که چگونه معنویت بر تعاملات اجتماعی بیماران تأثیر می‌گذارد و کیفیت روابط آن‌ها با خانواده، دوستان و جامعه را بهبود می‌بخشد. تحلیل عمیق‌تر این ابعاد می‌تواند به درک کامل‌تری از تأثیر معنویت در جنبه‌های مختلف زندگی بیماران منجر شود.

پیشنهادات

پژوهش حاضر پیشنهادات عملی برای استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در جامعه اسلامی ایران ارائه کرده است. برای مثال:

- طراحی اپلیکیشن‌های ساده و کاربرپسند برای بیماران MS که با نیازهای خاص آن‌ها تطابق داشته باشد.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای بیماران و خانواده‌های آن‌ها درباره استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی جهت مدیریت بهتر بیماری.
- ارائه نقشه راه برای توسعه سیستم‌های معنوی مبتنی بر هوش مصنوعی با همکاری متخصصان روان‌شناسی، دین‌پژوهی و فناوری.

۱. اله بخشیان، مریم، جعفرپورعلوی، مهشید، حقانی، حمید و دیگران. (۲۰۱۰م). «ارتباط سلامت معنوی و کیفیت زندگی در مبتلایان به مولتیپل اسکلروزیس»، ۱۲(۳)، ۲۹-۳۳.
۲. ایزدی طامه، احمد و محمودی دارایی، خدیجه، (۱۳۹۷)، «اثربخشی آموزش معنویت بر تاب آوری و کیفیت زندگی زنان مطلقه، *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۳(۴۳)، ۵۳-۷۳.
۳. تقی زاده، محمداحسان، میرعلائی، مرضیه سادات، (۲۰۱۳م). «مطالعه اثربخشی معنویت درمانی گروهی بر تاب آوری زنان مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس شهر اصفهان»، *روانشناسی سلامت*، ۲(۷)، ۸۲-۱۰۲.
۴. شهابی فام، لیلا، لطفی نیا، حسین، (۱۴۰۱)، «اثربخشی آموزش تاب آوری بر کیفیت زندگی»، *راهبردهای مقابله ای و سلامت روان سالمندان ساکن در سرای سالمندان*، ۶۵، ۱۷.
۵. کلاترهرمزی، آتوسا؛ عسلی طالکونی، سکینه؛ مرادی لیاولی، قاسم، (۲۰۱۵م). «پیش بینی تاب آوری روان شناختی بر اساس میزان پایبندی مذهبی در زنان متأهل»، *مطالعات روان شناسی بالینی*، ۵(۱۹)، ۱۳۸-۱۱۹.
۶. لطفی کاشانی، فرح، وزیری، شهرام، ارجمند، سوگند و دیگران، (۲۰۱۲م). «اثربخشی مداخله‌ی معنوی بر کاهش پریشانی مادران کودکان مبتلا به سرطان»، *مجله اخلاق پزشکی*، ۶(۲۰)، ۱۷۳-۱۸۶.
7. Almasi-Hashiani, A., Sahraian, M. A., & Eskandarieh, S. (2020). Evidence of an increased prevalence of multiple sclerosis: A population-based study of Tehran registry during 1999-2018. *BMC Neurology*, 20(1), 169. <https://doi.org/10.1186/s12883-020-01747-8>
8. Amin, M., Martínez-Heras, E., Ontaneda, D., & Prados Carrasco, F. (2024). Artificial Intelligence and Multiple Sclerosis. *Current Neurology and Neuroscience Reports*, 24(8), 233-243. <https://doi.org/10.1007/s11910-024-01354-x>
9. Amiri, S., Hajfiroozabadi, M., Amiri, T., Zandifar, H., & Bahrami Babaheydari, T. (2020). Effects of Spirituality Education Program on Depression and Anxiety Among Patients with Multiple Sclerosis: A Randomized-Controlled Trial. *Jundishapur Journal of Chronic Disease Care*, 9(1), e99398. <https://doi.org/10.5812/jjcdc.99398>
10. Bagheri, M., Afshar, M., & Sadat, Z. (2021). The effect of spiritual counseling on happiness among patients with multiple sclerosis. *KAUMS*, 25(2), 876-883. <https://doi.org/10.48307/FMSJ.2021.25.2.876>



11. Best, M. C., Vivat, B., & Gijbsberts, M.-J. (2023). Spiritual Care in Palliative Care. *Religions, 14*(3), Article 3. <https://doi.org/10.3390/rel14030320>
12. Connor, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety, 18*(2), 76-82. <https://doi.org/10.1002/da.10113>
13. Dehghani, E., Karimi, K., Sokke, H., Khadembashiri, M. A., Ghavidel, F., & Memari, A. (2024). Healthy lifestyle scales to assess general and clinical population: A systematic review with narrative synthesis. *Lifestyle Medicine, 5*. <https://doi.org/10.1002/lim2.104>
14. Elkins, D. N., Hedstrom, L. J., Hughes, L. L., Leaf, J. A., & Saunders, C. (1988). Toward a humanistic-phenomenological spirituality: Definition, description, and measurement. *Journal of Humanistic Psychology, 28*(4), 5-18. <https://doi.org/10.1177/0022167888284002>
15. Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing, 62*(1), 107-115. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2007.04569.x>
16. Faigin, C., & Pargament, K. (2011). *Strengthened by the Spirit: Religion, Spirituality, and Resilience Through Adulthood and Aging* (pp. 163-180). https://doi.org/10.1007/978-1-4419-0232-0_11
17. Fisher, L. (2014). The Illness Experience: A Feminist Phenomenological Perspective. In *Feminist Phenomenology and Medicine*.
18. Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Education Today, 24*(2), 105-112. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2003.10.001>
19. Gupta, M., Malik, T., & Sinha, C. (2022). Delivery of a Mental Health Intervention for Chronic Pain Through an Artificial Intelligence-Enabled App (Wysa): Protocol for a Prospective Pilot Study. *JMIR Research Protocols, 11*(3), e36910. <https://doi.org/10.2196/36910>
20. Hughes, S. E., & Macaron, G. (2021). *Fast facts. Multiple sclerosis: A new era of disease modification and treatment*. (Fifth Edition). Karger Medical and Scientific Publishers..

21. Huguelet, p, & Koenig, H. (2009). *Religion and spirituality in psychiatry*. Cambridge University Press.
22. Iranmanesh, S., Tirgari, B., Tofighi, M., & Forouzi, M. (2014). Spiritual wellbeing and perceived uncertainty in patients with multiple sclerosis in south-east Iran. *International Journal of Palliative Nursing*, 20, 483-492.
<https://doi.org/10.12968/ijpn.2014.20.10.483>
23. Lee, P., Bubeck, S., & Petro, J. (2023). Benefits, Limits, and Risks of GPT-4 as an AI Chatbot for Medicine. *The New England Journal of Medicine*, 388(13), 1233-1239.
<https://doi.org/10.1056/NEJMSr2214184>
24. MacLeod, S., Musich, S., Hawkins, K., Alsgaard, K., & Wicker, E. R. (2016). The impact of resilience among older adults. *Geriatric Nursing (New York, N. Y.)*, 37(4), 266-272. <https://doi.org/10.1016/j.gerinurse.2016.02.014>
25. Niyazmand, Z., Abbasszadeh, A., Borhani, F., & Sefidkar, R. (2018). The relationship between spiritual health and hope in multiple sclerosis patients: A descriptive-correlational study. *Electronic Journal of General Medicine*, 15.
<https://doi.org/10.29333/ejgm/93464>
26. Pargament, K. I., & Cummings, J. (2010). Anchored by faith: Religion as a resilience factor. In *Handbook of adult resilience* (pp. 193-210). The Guilford Press.
27. Pickard, J., & King, M. D. (2011). African American Caregivers Finding Resilience Through Faith. *Resilience in Aging: Concepts, Research, and Outcomes*, 261-271.
https://doi.org/10.1007/978-1-4419-0232-0_17
28. Pinarello, C., Elmers, J., Inojosa, H., Beste, C., & Ziemssen, T. (2023). Management of multiple sclerosis fatigue in the digital age: From assessment to treatment. *Frontiers in Neuroscience*, 17. <https://doi.org/10.3389/fnins.2023.1231321>
29. Smith, J. A. (2011). Evaluating the contribution of interpretative phenomenological analysis. *Health Psychology Review*, 5(1), 9-27. <https://doi.org/10.1080/17437199.2010.510659>
30. Wilski, M., Wnuk, M., Broła, W., Szcześniak, M., Zak, M., Sobolewski, P., Kapica-Topczewska, K., Tarasiuk, J., Czarnowska, A., Kułakowska, A., Zakrzewska-Pniewska, B., Bartosik-Psujek, H., Kubicka-Bączek, K., Morawiec, N., Adamczyk-Sowa, M., Stepień, A., Zaborski, J., Ratajczak, A., Ratajczak, M., & Potemkowski, A.

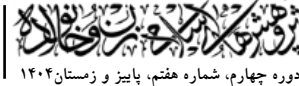
(2024). Religious meaning system and life satisfaction: The mediating role of meaning in life among Polish people with multiple sclerosis. *Frontiers in Psychiatry, 14*, 1352021.

<https://doi.org/10.3389/fpsy.2023.1352021>

31. Zamani, S., Bahrainian, S., Ashrafi, S., & Moqtaderi, S. (2015). Impresment Spiritual Intelligence on the Quality of life and Psychological well Being Among the Elderly Living Nursing home in Bandar Abbas. *Ilam- Ijgn, 1*(4), 82-94.

دوفصلنامه علمی، رتبه ج

چکیده انگلیسی



دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

English abstract

Analysis and Critique of the Conflict of Visions within the Discourse of Moral Conduct, Islam and the West, and the Necessity of Formulating a Third Model of Woman

Ezzat-al-Sadat Mirkhani

Analysis of Western Women's Approaches to Islamic Discourse with Emphasis on the Thought of Ayatollah Khamenei (May His Shadow Endure)

Tahereh Mohaqqueq

Analytical Evaluation of the Notions of the Reformist Movement Advocating Women's Rights in Islamic Societies

Jalilah Salehi - Mohammad Ali Vatandoust

Developing a Model for the Restoration of Women's Iranian-Islamic Identity with an Emphasis on Strengthening the Family Foundation

Neda Kavand

A Secondary Analysis of Research on the Value of Women's Testimony in Islamic Jurisprudence

Zohreh Sedaghat

A Qualitative Study On The Role Of "Artificial Intelligence" In Spiritual Care For Women With Multiple Sclerosis (MS)

Zahra Lotfi Froushan - Ali Ghanbari

A Qualitative Study On The Role Of "Artificial Intelligence" In Spiritual Care For Women With Multiple Sclerosis (MS)

Zahra Lotfi Foroushan¹

Ali Ghanbari²

Abstract

Spirituality can have a significant impact on the resilience of individuals with chronic illnesses. Given the rapid expansion of artificial intelligence technologies, it is necessary to take steps regarding spirituality. To date, no research has examined the concept of spiritual care in relation to artificial intelligence. To achieve this aim, a qualitative study was conducted with interviews of 13 women who were members of a charitable organization in the city of Isfahan. The findings indicate that artificial intelligence technology can play an important role in areas such as basic religious counseling, searching for requested verses, spiritual-therapy expertise, tailoring individual spiritual programs, the dynamics of religious practices, and religious education and awareness. The consequences of daily use of this technology include injecting calm into life and finding life's meaning. Participants also pointed to the drawbacks and shortcomings of using this technology, including the accuracy and validity of information, reduced interaction with religious clergy, and so on. Ultimately, by clarifying the positive and negative impacts of artificial intelligence, this study can serve as a starting point for future research on the interaction of new technologies with spiritual care in chronic illnesses and pave the way for further examinations of the spiritual and social effects of these technologies on patients.

Keywords: Spiritual care, Artificial intelligence, Multiple sclerosis, Qualitative method

1- M.A., Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran (*Corresponding Author) / zarlot282@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran / A.ghanbari@ltr.ui.ac.ir



A Secondary Analysis of Research on the Value of Women's Testimony in Islamic Jurisprudence

Zohreh Sedaghat¹

Abstract

One of the significant and debated issues within the judicial system concerns the role of gender in the validity and acceptance of testimony. A substantial body of scientific research has addressed this topic. The present study undertakes a scientific exploration of women's testimony by aiming to collect, analyze, and synthesize existing research. Employing a systematic review methodology, 15 pertinent and comprehensive articles were identified and analyzed through searches in reputable academic databases.

The findings reveal that women's testimony has been examined from three primary perspectives: the Holy Quran, the narrations of the infallible Imams (peace be upon them), and the viewpoints of jurists and commentators. Within this framework, the reasons for 'Tansif' (the reduction of a woman's testimony value to half that of a man's) and, in certain instances, the non-acceptance of women's testimony are elucidated, particularly by referencing verse 282 of Surah Al-Baqarah and associated narrations.

Nevertheless, the existing research highlights certain gaps in current knowledge. Notably, a significant need exists for a comprehensive study that meticulously examines the diverse jurisprudential opinions on women's testimony, alongside the fatwas issued within the broader socio-legal context. Furthermore, additional research is required on dynamic and comparative ijtihad (independent legal reasoning), taking into account the specific contexts of time and place, and analyzing narrations in light of the ijtihad contemporary to their issuance, in order to derive the fundamental principles governing women's testimony.

By delineating the strengths and limitations of prior research, this study endeavors to facilitate future scholarly inquiry in this domain.

Keywords: Islam, women's testimony, secondary analysis, topic-focused articles.

1 - PhD Candidate in Women's Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; Researcher at the Research Center for Women and Family Studies, Islamic Studies Unit, Seminary of Khorasan, Iran / sedaghatzoro@yahoo.com



Developing a Model for the Restoration of Women's Iranian-Islamic Identity with an Emphasis on Strengthening the Family Foundation

Neda Kavand¹

Abstract

This study aims to develop a model for restoring the Iranian-Islamic identity of women, with particular emphasis on reinforcing the foundation of the family. Identity constitutes a system of thinking about the self, analyzable through national, religious, cultural, and social dimensions; and both national and religious identity play a decisive role in shaping the goals, plans, lifestyle, and familial stability of Iranians.

This qualitative research draws upon the statements of the Supreme Leader (may his shadow endure) as well as the insights of experts in family studies and sociology, selected through purposive sampling.

The findings indicate that the model for restoring Iranian-Islamic identity consists of three essential components:

Contextual Platform; Comprising four factors—spiritual requirements, self-awareness and self-discovery, sense of belonging, and individual conditions—which function as the inputs of the model. Core Identity; Including two clusters: Iranian identity with its historical, cultural, political, social, and territorial dimensions; Islamic identity with its epistemic, doctrinal, behavioral, and ethical dimensions. Outcomes; Positive results for the family, including optimistic interpretation of life events, spiritual development and perfection of family members, purposefulness and motivation, socially aligned behavior, high communicative competence, identification and cultivation of family members' capacities, and enhanced family cohesion and solidarity.

This model can serve as a framework for strengthening women's Iranian-Islamic identity and, consequently, for reinforcing the foundation of the family.

Keywords: family, Iranian-Islamic identity, family-foundation strengthening



1- PhD in Public Administration, Farhangian University, Tehran, Iran; nkavand@yahoo.com

Analytical Evaluation of the Notions of the Reformist Movement Advocating Women's Rights in Islamic Societies

*Jalilah Salehi*¹

*Mohammad Ali Vatandoust*²

Abstract

The emerging movement advocating for women's rights in Islamic societies offers solutions to achieve gender equality that are derived from their notions of religion as the most important element of culture in Islamic society. Understanding and testing these notions from the perspective of Muslim thinkers seems necessary for a correct encounter with this phenomenon and for achieving the truth. Accordingly, the present study, using a descriptive-analytical method and a critical approach, analyzes the different interpretations of one of the branches of this movement – religious reformism – from Islamic teachings, and then evaluates the notions extracted from this reading from the perspective of some Muslim philosophers. In their discourse, the reformist movement seeks a new reading in the field of verses, traditions, and traditional jurisprudence to establish gender justice, and in this path, new understandings of Islamic teachings have been formed in their minds, such as considering justice as customary and relative, limiting the intervention of religion in society, the absence of fixed rules in the religion of Islam, relativizing ijthihad, separating the Qur'an from the Sunnah, historicizing the Qur'an, and the necessity of a feminine interpretation of the Qur'an. After testing these notions with the views of some Muslim philosophers, it became clear that most of these notions, in addition to being incompatible with the spirit of Islamic teachings, are even in conflict with some of the principles accepted by this movement.

Keywords: Rights, Notion, Reformist, Women, Islam, Feminism, Gender Equality

1- M.A. in Philosophy and Kalam, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; Instructor Levels at the Seminary of Khorasan, Iran (*Corresponding Author) /jalilesalehi@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Philosophy and Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad, Iran; Instructor of Advanced Levels at the Seminary of Khorasan, Iran / Ma.vatandoost@um.ac.ir

**Analysis of Western Women's Approaches to Islamic Discourse with Emphasis on
the Thought of Ayatollah Khamenei (May His Shadow Endure)**

Tahereh Mohaqqueq¹

Abstract

The era of technological advancement and the expansion of digital and virtual spaces have accelerated the global diffusion of Islam and have prompted a notable inclination among many Western women toward Islamic discourse, particularly under the influence of the intellectual views articulated by Ayatollah Khamenei (may his shadow endure).

Among his most prominent theoretical contributions are “*The Third Model of the Muslim Woman*,” “*The Sphere of Her Social and Civil Activity*,” and “*The Comprehensive Map of Woman's Identity in Islam*.” These frameworks adopt a proactive and assertive methodology that highlights the distressing condition of Western women from the Middle Ages to the present—departing from conventional defensive approaches—and have significantly shaped the receptivity of Western societies, especially Western women, toward Islam. This descriptive-analytical study seeks to identify the most effective strategies for influence, engagement, and problem-solving in the context of the ideological encounter between Islam and Western culture. Demonstrating the authenticity and intellectual strength of religious culture and civilization, formulating comprehensive solutions capable of satisfying truth-seeking minds, and accelerating both the transmission of content and the operational implementation of Ayatollah Khamenei's doctrinal framework are of critical importance. Ultimately, the study concludes that presenting an effective and enduring Islamic discourse requires, alongside multilingual competence and the strategic use of mass-communication media, the adoption of approaches similar to Ayatollah Khamenei's multidimensional and proactive method—aimed at raising awareness, clarifying misconceptions, and illuminating public understanding.

Keywords: Western woman, Islamic discourse, Ayatollah Khamenei (may his shadow endure), Third Model of Woman, feminist

1- Level Four in Family Jurisprudence, Rafi'eh al Mostafa (SA) Seminary, Tehran, Iran; Researcher at the Research Center for Women and Family Studies, Islamic Studies Unit, Seminary of Khorasan, Iran / taherehmohagheghi@yahoo.com





Analysis and Critique of the Conflict of Visions within the Discourse of Moral Conduct, Islam and the West, and the Necessity of Formulating a Third Model of Woman

Ezzat-al-Sadat Mirkhani¹

Abstract

The Muslim woman in the contemporary world confronts a multitude of modern crises, among them a distinctly structured form of cognitive and hybrid warfare. The repugnant face of domination, veiled behind the deceptive slogan “Woman, Life, ...,” summons her to an informed, rational, and wise confrontation, while the hybrid assault has simultaneously driven her into the direct arena of struggle and self-sacrifice.

Through discourse-analysis methodology, this paper examines global approaches to addressing women’s demands in general, and the specific demands of the Muslim woman in particular. Findings indicate that today the Muslim woman stands amid a collision of visions and competing intellectual currents; she is unable to reconcile her genuine needs with the claims of those who profess to represent or respond to them, and thus seeks a comprehensive and beneficial model.

The trajectory of self-proclaimed advocates of women’s discourse over the past two centuries—formed largely upon imported and international criteria—has failed to resolve women’s issues, and their proposed answers remain misaligned with the rational and authentic needs of the Muslim woman.

The search for solutions is directed toward the monotheistic Abrahamic heritage, the wise Alavid teachings, and the Fatimid-Zaynabi tradition—where the foundation emerges for formulating a Third Model of Woman grounded in Zaynabi conduct and principle-oriented, ijthadi reasoning.

Keywords: contemporary crises, Muslim woman, self-proclaimed advocates, Third Model

1- Instructor and researcher in Islamic sciences at seminary and university; Instructor at Tehran Seminary School; Faculty member at Imam Sadiq University (AS); Instructor at Jame’e Enqelab University, Tehran, Iran /Emirkhani@modares.as.ir



English abstract

Contents

161	Analysis and Critique of the Conflict of Visions within the Discourse of Moral Conduct, Islam and the West, and the Necessity of Formulating a Third Model of Woman
160	Analysis of Western Women's Approaches to Islamic Discourse with Emphasis on the Thought of Ayatollah Khamenei (May His Shadow Endure)
159	Analytical Evaluation of the Notions of the Reformist Movement Advocating Women's Rights in Islamic Societies
158	Developing a Model for the Restoration of Women's Iranian-Islamic Identity with an Emphasis on Strengthening the Family Foundation
157	A Secondary Analysis of Research on the Value of Women's Testimony in Islamic Jurisprudence
156	A Qualitative Study On The Role Of "Artificial Intelligence" In Spiritual Care For Women With Multiple Sclerosis (MS)